



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

پیشرو



پیشرو

۳

مجموعه پژوهش‌های علمی  
در زمینه‌های مختلف علوم و فنون

قرآن و علوم تجربی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قرآن و علوم تجربی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
قرآن و علوم تجربی	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۹
«فهرست مطالب»	۱۷
درآمد	۲۳
فصل اول: کلیات قرآن و علم	۲۵
اشاره	۲۵
مقصود از علم در قرآن چیست و به کدام علوم بیشتر توجه شده است؟	۲۷
آیا قرآن کتاب علمی است و آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟	۳۹
بهترین راه برای جمع بین علم و ایمان چیست؟ به طوری که نه از ساحت علم کم شود و نه از ساحت معرفت (دینی و معنویت)، چه پیشنهادی می کنید؟	۴۵
آیا در قرآن پیشگویی هایی وجود دارد که تحقق نیافته باشد؟	۴۸
در تعارض قرآن و علم چه کنیم؟	۵۱
لطفاً در مورد نظریه پردازان علمی قرآن توضیح داده و تفاوت آن با چالش های علمی و ادله آن را بیان کنید؟	۵۸
چگونه می توان اعجازهای علمی و اشارات علمی قرآن را تشخیص داد؟	۶۳
آیا معجزه یک قانون علمی است؟	۸۱
منابعی در زمینه قرآن و علم و سیر مطالعاتی آن معرفی کنید.	۹۸
لطفاً نشانی پایگاههای شبکه جهانی (اینترنت) و نرم افزارهای قرآنی را معرفی کنید.	۱۰۰
فهرستی از موضوعات تحقیقی در مورد قرآن و علم همراه با منابع ارائه فرمایید؟	۱۰۳
فصل دوم: قرآن و علوم پزشکی	۱۱۷
اشاره	۱۱۷
چند آیه در قرآن کریم، اختصاص به مسائل پزشکی دارد؛ و کدامیک از آنها دارای اعجاز علمی هستند؟ لطفاً منابعی برای مطالعه معرفی نمایید.	۱۱۹
آیا طب اسلامی و قرآنی از طب جالینوس و بقراط متأثر شده است؟	۱۲۴
تاریخچه طب اسلامی را بیان کنید؟	۱۳۱
مهمترین پزشکان مسلمان و نوشته هایشان را بنویسید؟	۱۳۶
مقصود از «علق» در قرآن و علم پزشکی چیست؟	۱۴۱
آیا درست است که واژه «علق» در قرآن به معنای «خون بسته» است؟ آیا علم پزشکی جدید تأیید می کند؟	۱۴۱
منظور از «صلب و ترائب» در قرآن و علوم پزشکی چیست؟	۱۴۴
آیا آیه ۵ سوره طارق با یافته های علوم پزشکی مطابقت دارد؟	۱۴۴
بارداری حضرت مریم علیه السلام از طریق بکرزایی بوده یا منشاء اعجاز الهی داشته است؟	۱۴۸
فصل سوم: قرآن و بهداشت	۱۵۱
اشاره	۱۵۱
راهکارهای مقابله با چشم جراحی و خود ارضایی را بیان کنید؟	۱۵۳
چرا قرآن بعضی غذاها را حرام و برخی را حلال کرده است؟ آیا اسرار و فواید پزشکی داشته است؟	۱۵۹
رابطه وضو و غسل با بهداشت جسمانی چیست؟	۱۷۰
دستورات بهداشتی قرآن چیست؟	۱۷۶
فصل چهارم: قرآن و غذانشناسی	۱۸۳
اشاره	۱۸۳
چرا قرآن به زیتون و انجیر قسم یاد کرده است؟	۱۸۵
آیا به خاطر فواید غذایی آنهاست؟	۱۸۵

۱۹۱	چرا هنگام غذا خوردن توصیه شده که نمک بخورید؟
۱۹۵	مقصود از شفا بودن غسل چیست ؟
۱۹۵	قرآن خوردن غسل را شفا می داند، لطفاً فواید علمی و پزشکی آن را بیان کنید؟
۱۹۹	منظور از شفاء بودن قرآن چیست ؟
۲۰۶	فصل پنجم: قرآن و روان شناسی
۲۰۶	اشاره
۲۰۸	آیات روان شناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن:
۲۰۸	۱. چند آیه در مورد موضوعات روان شناسی در قرآن وجود دارد؟
۲۰۸	۲. منابعی برای روان شناسی در قرآن معرفی کنید؟
۲۱۵	قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟
۲۲۵	آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست ؟
۲۳۰	فصل ششم: قرآن و فراروان شناسی
۲۳۰	اشاره
۲۳۲	مقصود از فرا روان شناسی در قرآن چیست ؟
۲۳۴	آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است ؟
۲۳۹	آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است ؟
۲۴۶	فصل هفتم: قرآن و زیست شناسی
۲۴۶	اشاره
۲۴۸	قرآن در مورد تئوری تکامل - داروینیسیم - چه نظری دارد؟ آیا آنرا نفی می کند یا اثبات ؟
۲۵۵	آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست ؟
۲۵۷	آفرینش حوا چگونه بوده است ؟
۲۶۰	آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است ؟
۲۶۴	آیا از نظر قرآن در آسمان ها موجود زنده وجود دارد؟
۲۶۸	در قرآن به چند حیوان اشاره شده است ؟
۲۷۸	چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است ؟
۲۸۰	نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است ؟
۲۸۶	فصل هشتم: قرآن و فیزیک
۲۸۶	اشاره
۲۸۸	مقصود از «سجیل» درسوره فیل چیست و آیا با انرژی هسته ای ارتباطی دارد؟ آیا می توان ادعا کرد که «سجیل در آیه: همان اورانیوم با انرژی هسته ای بوده منجر به هلاکت اصحاب فیل شد؟»
۲۹۲	رستاخیز انرژی ها در قرآن مطرح شده است ؟ رابطه ایجاد آتش از درخت سبز با بحث معاد چگونه است ؟
۲۹۸	فصل نهم: قرآن و کیهان شناسی
۲۹۸	اشاره
۳۰۰	نظر قرآن در مورد فرضیه مهیابانگ BIG-BANG چیست ؟
۳۱۵	حرکت های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی.
	آیه مبارکه (وَاللَّمْسَنُ تَجْرِي لَئِيمًا) نمایانگر حرکت انتقالی خورشید است، زیرا ماده جری و جریان، بسادگی قابل انطباق با حرکت وصفی و ذوزناتی نیست، و این در حالی است که برای خورشید جز حرکت وضعی به اثبات نرسیده است. نیز، ظاهر این آیه کریمه با کیهان شناسی بطلمیه
۳۳۴	فصل دهم: قرآن و زمین شناسی
۳۳۴	اشاره
۳۳۶	مقصود از اینکه کوه ها همچون میخ هستند، چیست ؟
۳۴۷	چگونگی اعجاز علمی «حرکت زمین» را با توجه به آیه ۸۸ سوره نمل توضیح دهید؟
۳۵۶	فصل یازدهم: قرآن و ریاضیات
۳۵۶	اشاره

۳۵۸	اعجاز عددی قرآن چیست؟ تاریخچه و منابع آن را بیان کنید.
۳۶۳	رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست؟
۳۷۳	چرا در قرآن کریم زن و مرد هر کدام ۲۴ بار آمده است؟ دلیل علمی یا معنوی دارد؟ توضیح دهید؟
۳۷۹	موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟
۳۸۴	فهرست منابع
۳۹۶	ضمیمه مطالب مربوط به پرسش «آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل»
۴۰۶	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: قرآن و علوم تجربی / جمعی از پژوهشگران قرآنی [مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی]؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۱ ش.

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص.

فروست: پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ۳].

شابک: دوره: ۳-۸۸-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۳-۱-۷۹-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۸۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: قرآن - پرسش ها و پاسخ ها موضوع: قرآن و علوم طبیعی.

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - شناسه افزوده: مؤسسه پژوهش های قرآنی المهدی - شناسه افزوده: پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ۳].

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج. ۳۴ پ / ۶۵/۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۶۲۴۱۴

مؤسسه فرهنگی پژوهش های قرآنی المهدی (عج)

\* ناشر: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

\* عنوان: پرسش ها و پاسخ های قرآنی جوانان (ج ۳) - قرآن و علوم تجربی

\* تألیف: جمعی از پژوهشگران قرآنی زیر نظر دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

\* نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱ ش



\* شمارگان: ۳۰۰۰ جلد / قطع رقعی

\* قیمت: ۵۸۰۰۰ ریال

\* چاپخانه و لیتوگرافی:

مراکز پخش:

۱. قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، میدان رسالت، بلوار سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷،  
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴

ص: ۱

**اشاره**



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



پژوهشگران همکار

۱. خانم سحر شُمیل شوشتری؛

۱. محمدرضا احمدی؛

۲. دکتر مجتبی توکلی؛

۳. حجت الله جعفری؛

۴. علی جنانی؛

۵. نصرالله سلیمانی؛

۶. نعمت الله صباغی؛

۷. سید مرتضی علوی؛

۸. محسن ملاکاظمی؛

۹. محمدرضا نقدی؛

۱۰. علیرضا نوری؛

۱۱. سید احمد بطحایی؛

۱۲. حسن رضا رضایی؛

۱. علی رضا زکی زاده.



اهداء:

به ساحت مقدس امام حسن علیه السلام

و به جوانان پرسشگر و حق جو!

سپاسگزاری:

از همه کسانی که با ارسال پرسش، ما را به تکاپوی

فکری واداشتند و زمینه ساز این نوشتار شدند و نیز از کسانی

که در تنظیم و آماده سازی این اثر همکاری کردند تشکر می کنیم!

ص: ۷





فصل اول: مبدأشناسی

مقصود از علم در قرآن چیست و به کدام علوم بیشتر توجه شده است؟ ۱۷

آیا قرآن کتاب علمی است و آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟ ۲۸

بهترین راه برای جمع بین علم و ایمان چیست؟ ۳۴

آیا در قرآن پیشگویی هایی وجود دارد که تحقق نیافته باشد؟ ۳۷

در تعارض قرآن و علم چه کنیم؟ ۴۰

در مورد نظریه پردازي های علمی قرآن توضیح دهید؟ ۴۷

چگونه می توان اعجازهای علمی و اشارات علمی قرآن را تشخیص داد؟ ۵۲

آیا معجزه یک قانون علمی است؟ ۷۰

منابعی در زمینه قرآن و علم و سیر مطالعاتی آن معرفی کنید. ۸۷

چند آدرس اینترنتی و نرم افزار درباره تفسیر قرآن کریم معرفی نمایید. ۸۹

فهرستی از موضوعات تحقیقی در مورد قرآن و علم همراه با منابع ارائه فرمایید؟ ۹۱

فصل دوم: قرآن و علوم پزشکی

چند آیه در قرآن کریم، به مسائل پزشکی اختصاص دارد؟ ۱۰۳

آیا طب اسلامی و قرآنی از طب جالینوس و بقراط متأثر شده است؟ ۱۰۸

تاریخچه طب اسلامی را بیان کنید؟ ۱۱۵

مهمترین پزشکان مسلمان و نوشته هایشان را بنویسید؟ ۱۲۰

مقصود از «علق» در قرآن و علم پزشکی چیست؟ ۱۲۵

منظور از «صلب و ترائب» در قرآن و علوم پزشکی چیست؟ ۱۲۸

بارداری حضرت مریم علیها السلام از طریق بکرزایی بوده یا اعجاز الهی است؟ ۱۳۲

ص: ۹

فصل سوم: قرآن و بهداشت

راهکارهای مقابله با چشم چرانی و خود ارضایی را بیان کنید؟ ۱۳۷

چرا قرآن بعضی غذاها را حرام و برخی را حلال کرده است؟ ۱۴۳

رابطه وضو و غسل با بهداشت جسمانی چیست؟ ۱۵۴

دستورات بهداشتی قرآن چیست؟ ۱۶۰

فصل چهارم: قرآن و غذاشناسی

چرا قرآن به زیتون و انجیر قسم یاد کرده است؟ ۱۶۹

چرا هنگام غذا خوردن توصیه شده که نمک بخورید؟ ۱۷۵

مقصود از شفا بودن عسل چیست؟ ۱۷۹

منظور از شفاء بودن قرآن چیست؟ ۱۸۳

فصل پنجم: قرآن و روان شناسی

آیات روان شناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن؟ ۱۹۱

قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟ ۱۹۸

آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست؟ ۲۰۸

فصل ششم: قرآن و فراروان شناسی

مقصود از فرا روان شناسی در قرآن چیست؟ ۲۱۵

آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟ ۲۱۷

آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟ ۲۲۲

فصل هفتم: قرآن و زیست شناسی

قرآن و نظریه تکامل (داروینیسیم)؟ ۲۳۱

آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست؟ ۲۳۸

آفرینش هوا چگونه بوده است؟ ۲۴۰

آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است؟ ۲۴۳

آیا از نظر قرآن در آسمان ها موجود زنده وجود دارد؟ ۲۴۷

ص: ۱۰

در قرآن به چند حیوان اشاره شده است؟ ۲۵۱

چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است؟ ۲۶۱

نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است؟ ۲۶۳

فصل هشتم: قرآن و فیزیک

مقصود از «سجیل» در سوره فیل چیست و آیا با انرژی هسته ای ارتباطی دارد؟ ۲۷۱

رستاخیز انرژی ها در قرآن؟ ۲۷۵

فصل نهم: قرآن و کیهان شناسی

نظر قرآن در مورد فرضیه مهبانگ Big-Bang چیست؟ ۲۸۳

حرکت های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی. ۲۹۸

فصل دهم: قرآن و زمین شناسی

مقصود از اینکه کوه ها همچون میخ هستند، چیست؟ ۳۱۹

حرکت زمین از منظر قرآن و علم ۳۳۰

فصل یازدهم: قرآن و ریاضیات

اعجاز عددی قرآن چیست؟ تاریخچه و منابع آن را بیان کنید. ۳۴۱

رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست؟ ۳۴۶

چرا در قرآن کریم زن و مرد هر کدام ۲۴ بار آمده است؟ دلیل علمی یا معنوی دارد؟ ۳۵۶

موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟ ۳۶۲

فهرست منابع ۳۶۷

ضمیمه: مطالب مربوط به پرسش «آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل» ۳۷۸



قرآن کریم نوری است که بر اندیشه بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد.

این کتاب به مقام دانش و دانشمندان ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند (۲)، بلکه با اشارات متعدد به مباحث کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حس کنجکاوی و پرسش گری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد (۳).

پرسش کلید دانش است (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان استخراج پاسخ از منابع قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارایه آن به تشنگان حقیقت است. از این رو چندین سال است که جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گرد هم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های نور» و ارسال پرسش نامه به مناطق مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارایه پاسخ پرداخته اند و اینک بخشی از این پرسش و پاسخ ها را در این مجموعه گردآوری و ارایه می کند. بنده که چند سال با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمی همراه با تعهد آن ها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارایه کنند و به طور نسبی موفق بوده اند.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت: پاداش نیک عطا فرماید!

ص: ۱۳

۱- (۱) عن النبی (صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبه الله فتعلموا مأدته ما استعظتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹).

۲- (۲) ((هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)). (زمر/ ۹)

۳- (۳) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

۴- (۴) عن علی (علیه السلام): العلم خزائن ومفاتيحها السؤال (غررالحکم، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰)

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند(۱).

والحمد لله رب العالمين

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۱۳۸۵/۶/۲

ص: ۱۴

---

۱- ((۱)) آدرس: قم، بلوار سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷، تلفن، پیام گیر و نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴ و ص.  
پ: ۳۷۱۸۵-۴۱۶ - قم [www.quransc.com](http://www.quransc.com) و [quran@quransc.com](mailto:quran@quransc.com) و [E.mail: info@quransc.com](mailto:info@quransc.com)







**مقصود از علم در قرآن چیست و به کدام علوم بیشتر توجه شده است ؟**

\* پاسخ:

مفهوم شناسی علم

واژه «علم» در لغت به معنای «دانش» و «دانستن» است و در اصطلاح معانی متعدّد دارد(۱) و در اینجا مقصود علوم تجربی است. یعنی «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است.»

در مورد تقسیم بندی علوم نیز طرح های متعدّدی ارائه شده(۲) که ما به تقسیم بندی علوم بر اساس روش ها، بسنده می کنیم:

تقسیم بندی علوم بر اساس روش

علوم را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف) علوم تجربی(۳): که شامل دو قسم می شود:

اول: علوم طبیعی(۴) مانند: فیزیک، شیمی، زیست شناسی و...

دوم: علوم انسانی(۵) مانند: جامعه شناسی، اقتصاد و...

روش کسب این علوم، بر اساس مشاهده و تجربه حسی است.

ب) علوم عقلی: که آن نیز به دو دسته تقسیم می شود:

اول: علوم منطقی و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است.

ص: ۱۷

---

۱- ((۱)) در مورد تعاریف و تقسیم بندی های علم، نک: احصاء العلوم، فارابی، ص ۱۱۱-۱۲۰ و آموزش فلسفه، محمد تقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۶۱ و مبانی حوزه و دانشگاه، ص ۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۵۱.  
۲- ((۲)) همان ها.

۳- ((۳)) Experimental Sciences

۴- ((۴)) Natural Sciences



دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه های مضاف (مانند فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و...) و فلسفه های غیرمضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می شود.

ج) علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و... که در آن ها از نقل استفاده می گردد (البته منظور در اینجا علوم تبعیدی شرعی نیست)

د) علوم شهودی: که با علم حضوری به دست می آید مانند: علوم پیامبران علیهم السلام و عرفا و شاید این طبقه بندی، تاکنون کاملترین تقسیم بندی علوم باشد.

منابع و روش های علمی قرآن

قرآن کریم به روش های علمی (یعنی چهار قسم علوم فوق) و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجه دارد و انسان ها را به خردورزی و تفکر فرامی خواند و تشویق می کند (۱) و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب و به کیهان شناسی، طبیعت شناسی و انسان شناسی و... تشویق می کند (۲) و گاهی انسان را به عمق تاریخ می برد و داستان های عبرت آموز پیامبران و ملت های پیشین و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ ها و...) را گزارش و بیان می کند (۳) و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان ها سخن می گوید؛ (۴) علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان ها می رسد (= علم لدنی) گوشزد می کند. (۵)

ص: ۱۸

- 
- ۱- ((۱)) در مورد تعقل نك: بقره/ ۷۳ و ۲۴۲، یوسف/ ۲، انبیاء/ ۱۰، مومنون/ ۸، زخرف/ ۳ و در مورد تفکر نك: بقره/ ۲۱۹، روم/ ۸، آل عمران/ ۱۹۱، نحل/ ۴۴، حشر/ ۲۱ و....
  - ۲- ((۲)) نك: آیات سوره رعد، حج/ ۵، مومنون/ ۱۲-۲۱، نحل/ ۳-۱۷ و....
  - ۳- ((۳)) نك: سوره انبیاء، یونس، یوسف و كهف و....
  - ۴- ((۴)) شوری/ ۵۱، مومنون/ ۲۷، طه/ ۳۸.
  - ۵- ((۵)) (وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا) (كهف/ ۶۵)

هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست (۱) اما می توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش عقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده و نمونه هایی از آن ها را در قرآن یادآوری نموده و همین توجه قرآن به روش ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است.

### کاربردهای علم در قرآن

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

الف: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»

قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قدرت الهی» معرفی می کند. (۲) یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است و نیز در برخی آیات، از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می دهد سخن گفته شده است. (۳)

البته این معنای از علم، از مصادیق مهم دانش، بلکه با فضیلت ترین علم است، چراکه ارزش هر علم به معلوماتی است که انسان می آموزد (۴) و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش ترین معلومات جهان را می آموزد.

ب: علم به معنای عام

قرآن کریم می فرماید: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) ۵؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند. به نظر می رسد مقصود از «علم»

ص: ۱۹

---

۱- (۱) در مباحث بعدی در این مورد توضیحات بیشتری خواهد آمد.

۲- (۲) طلاق / ۱۲.

۳- (۳) (وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا)، (کهف / ۶۵)

۴- (۴) همانطور که از امام علی علیه السلام حکایت شده: «قیمه کل امرء ما یعلمه» ارزش هر کس به چیزی است که می داند (مجمع البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶).

در این آیه مطلق علم و دانش است که همه اقسام علم مفید را شامل می شود. (۱)

و در آیه دیگر می فرماید: (يُزَفِّعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) ۲؛ خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه هایی بالا می برد. در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد شمرده شده است. از این جداسازی روشن می شود که خود «علم» موجب فضیلت افراد است و این علم مقید به الهیات نشده و مقصود مطلق علم است و شامل همه دانشمندان می شود. (۲)

و در آیه دیگر می فرماید: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) ۴؛ از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند.

در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه های خدا را می شناسند و عظمت و مقام او را در می یابند از این رو از نافرمانی او بیمناکند، (۳) ایا جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه پیشین سخن از نشانه های خدا در صحنه طبیعت همچون نزول باران، رویش میوه های رنگارنگ، جاده های رنگارنگ کوهستانی و انسان ها و جنندگان و دام ها با رنگ های مختلف

ص: ۲۰

---

۱- (۱) صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می داند. (ج ۱۹، ص ۳۹۳) و علامه طباطبایی رحمه الله نیز علم در آیه را مطلق می داند لیکن با توجه به مورد آیه آن را منطبق بر علم به خدا می کند (ج ۱۷، ص ۲۵۷) و ذیل آیه نیز احادیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت علیهم السلام هستند (صافی، ج ۴، ص ۳۱۶) ولی برخی مفسران اینگونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده اند و گرنه آیه شامل همه دانایان می شود. (نک: المیزان و اطیب البیان ذیل آیه).

۲- (۳) علامه طباطبایی رحمه الله بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیرعالم تقسیم می کند پس آیه می فرماید علمای با ایمان دو درجه برتری دارند و مومنان یک درجه (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی آیت الله مکارم شیرازی می نویسد: گرچه آیه در مورد خاصی نازل شده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد، دو چیز است: ۱. ایمان؛ ۲. علم. (نمونه، ج ۲۳، ص ۴۳۸)

۳- (۵) مقصود از خشیت «ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار است». (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)

است، سپس از دانشمندان فوق الذکر یاد می شود. این مطلب نشان می دهد که مقصود از علم دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت شناسی به خداشناسی می رسند. (۱)

## کاربردهای علم در احادیث

واژه «علم» در احادیث نیز به معنای اخص و اعم به کار رفته است، برای مثال:

۱. از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «علم به کثرت آموختن نیست بلکه علم نوری است که خدا در دل هر کس که بخواهد او را هدایت کند قرار می دهد.» (۲)

۲. از امام باقر علیه السلام حکایت شده: «هر کس بدانچه می داند عمل کند، خدا دانش آنچه را نمی داند به او ارزانی می دارد.» (۳) اینگونه احادیث به علوم الهی اشاره می کند، یعنی علم را به معنای اخص به کار برده است.

۳. از امام علی علیه السلام حکایت شده که: «علوم چهار قسم است: علم فقه برای ادیان و علم پزشکی برای بدن ها، و علم نحو (دستور زبان) برای زبان، و علم کیهان شناسی برای زمان شناسی» (۴) مشابه این روایت با مضمون ها و تقسیم بندی های مختلف حکایت شده است که اشاره به علوم تجربی و دینی دارد. یعنی علم را به معنای اعم به کار برده است.

ص: ۲۱

---

۱- (۱) آیت الله مکارم شیرازی پس از بیان ارتباط این بخش آیه ۲۸ / فاطر، با بخش های قبلی و آیات قبل و لزوم مسئولیت پذیری دانشمندان می نویسند: «عالمان در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و آن و انباشته از قوانین و فورمول های علما جهان و زبانشان گویای این مسائل و محل زندگی شان مدارس و دانشگاه ها و کتابخانه هاست. بلکه علما آن گروه از صاحب نظران و دانشمندانند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته و نسبت به وظائفشان سخت احساس مسئولیت می کنند و از همه پای بندترند. البته علامه طباطبایی رحمه الله بر آن است که مقصود از علما در اینجا عالمان بالله هستند. (المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳)

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳- (۳) همان، ج ۷۸، ص ۱۸۹.

۴- (۴) همان، ج ۱، ص ۲۱۸.



از این مباحث روشن می شود که اگر در قرآن و احادیث، علم را معیار برتری معرفی می کند و دانشمندان را تشویق می کند، مقصود همه اقسام علوم مفید و دانشمندان همه رشته های علمی مفید است، البته ارزش هر علم به معلومات و دانسته هایی است که افراد می آموزند، اگر دانش الهی باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد.

لازم به یادآوری است که دانش الهی نیز مراتب دارد، یعنی علوم تجربی که دارای جهت گیری الهی باشد و انسان را از راه طبیعت شناسی، کیهان شناسی، جنین شناسی و... به خداشناسی بیشتر رهنمون شود، به نوعی از علوم الهی به شمار می آید. علامه طباطبایی رحمه الله پس از اشاره به آیاتی که از علم تجلیل می کند، در مورد دعوت قرآن به علوم مختلف می نویسند:

«قرآن مجید در آیات بسیاری (که به سبب حجم گسترده آنها به نقل آن ها نپرداختیم) به تفکر در آیات آسمان و ستارگان و اختلافات عجیبی که در اوضاع آنها پدید می آید و نظام متقنی که بر آن ها حکومت می کند دعوت می کند و به تفکر در آفرینش زمین و دریاها و کوه ها و...»

به تفکر در آفرینش شگفت آور نبات [= گیاهان] و نظامی که در زندگی آنان جریان دارد... به تفکر در خلقت خود انسان و اسرار و رموزی که در ساختمان وجودش نهفته و... و بدین ترتیب به تعلّم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علوم که در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد دعوت می کند.

آری، قرآن مجید به این علوم دعوت می کند به این شرط که به حق و حقیقت رهنما قرار گیرند و جهان بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی می باشد در برداشته باشند. وگرنه علمی که انسان را سرگرم خود ساخته از شناختن حق و حقیقت باز دارد در قاموس قرآن مجید با جهل مرادف است. <sup>(۱)</sup>

همانطور که بیان شد تشویق دانش و دانشمندان توسط قرآن، سرچشمه پیدایش و رشد بسیاری از علوم در جهان اسلام شد، به طوری که پس از دو قرن تمدنی پویا و شکوفا بوجود آمد، اینک نگاهی گذرا به فهرست این علوم می اندازیم:

الف: علمی که قرآن به صورت مستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:

در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آنها خود قرآن کریم است. یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن بوجود آمده و کم رشد و توسعه یافته و بصورت دانش مستقل درآمده است که برخی از این علوم به الفاظ قرآن و برخی به معانی و معارف قرآن می پردازد و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن ها کتاب های متعدّد نوشته شده است، از جمله:

۱. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن ها می پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می کند.
۲. علم قرائت: که به ضبط قرائت های هفتگانه (یادهگانه یا چهارده گانه) قرآن می پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن ها را بیان می کند.
۳. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عام و خط قرآن بصورت خاص می پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و...) و ویژگی های آن ها را بیان می کند.
۴. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه محکم و متشابه، نسخ و منسوخ، تاویل، باطن و... می پردازد.
۵. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه ها و دلایل آن ها می پردازد.
۶. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.

۷. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی می کند، (۱) از این رو سنت ایشان نقش تفسیر قرآن را بعهدہ گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها ده ها کتاب تفسیر روائی در این زمینه نگارش یافت و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام در زمینه قرآن جمع آوری شد. (۲)

ب: علومی که قرآن به صورت غیرمستقیم باعث پیدایش آنها شده است:

در میان مسلمانان علومی در پی تشویق قرآن به علم و یا برای فراگیری و خدمت رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) بوجود آمد و به مرور زمان رشد و توسعه یافت و بصورت دانش های مستقل پدیدار گشت؛ که در طول تاریخ اسلام کتاب های متعددی در این مورد به نگارش درآمد از جمله:

۱. علم درایه: برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آنها شکل گرفت.

۲. علم رجال: برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. (۳)

۳. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم بصورت یک علم منسجم درآمد.

۴. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می پردازد و کم کم بصورت علم مستقل و گسترده ای در جهان اسلام درآمد.

۵. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آنهاست که بصورت مقدمه علم فقه نمودار شد اما در حقیقت مقدمه علم تفسیر، حدیث، فقه و... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

ص: ۲۴

---

۱- (۱) ((وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)) (نحل / ۴۴)

۲- (۲) از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نورالثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت.

۳- (۳) نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۷-۹۶.

۶. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفظ صحیح آیات بنیان گذاری شد، (۱) ولی از آنجا که برای تمام علوم مفید بود و مقدمه فهم تلفظ و نوع متنی به شمار می آمد، به مرور بصورت علوم مستقل درآمد و میراث گرانبهایی برای ملت عرب گردید و دانشمندان و متخصصان فارسی و ترکی و... نیز از آن بهره مند گردیدند و حتی بر ادبیات فارسی و ترکی و... نیز تاثیرات مثبت گذاشت. (۲)

۷. علم تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و احادیث شروع شد و سپس بصورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب های تاریخ را بوجود آورد. (۳)

ج: علمی که قرآن باعث رشد آنها شده است

برخی علوم در فرهنگ و تمدن ملت های مختلف وجود داشته و گاهی از یک ملت به ملت دیگر منتقل می شود و رشد و توسعه می یابد و گاهی این جریان بر عکس است.

جامعه مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ آنان برخی علوم را از یونانیان، ایرانیان و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن ها افزودند، که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. فلسفه: در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تاثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی یافت، بطوری که همه ی مسائل متن و براهین و ادله آنها را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. (۴)

ص: ۲۵

---

۱- (۱) نک: شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری.

۲- (۲) پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۳۲۱ به بعد.

۳- (۳) نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۶-۹۵.

۴- (۴) نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۹۷.

۲. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه علوم مسلمانان راه یافت اما از آنجا که قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو(۱) و... توجه خاص داشت، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم در جامعه مسلمین پیشرفت زیادی کرد تا آنجا که کتاب های متعددی در این زمینه نگارش یافت.

۳. ریاضیات: این علم نیز با توجه به تشویق قرآن به علم در بین مسلمانان پیشرفت فراوانی کرد.

۴. علوم پزشکی: توجه قرآن به امور بهداشتی(۲) و نیز توجه احادیث به نظافت و پاکی و طهارت نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت این علم داشت تا آنجا که بسیاری از مجهولات علم پزشکی توسط دانشمندان مسلمان کشف و تبیین گردید.

۵. کیهان شناسی (نجوم): قرآن کریم به ماه، خورشید، ستارگان و حرکت آن ها اشاره صریح دارد(۳) و از آنجا که مسلمانان برای جهت یابی قبله و نیز تشخیص طول ماه برای انجام فرایض دینی خود به این علم نیاز داشتند، کیهان شناسی در بین مسلمانان رشد زیادی یافت بطوری که رصدخانه های متعدد بنا شد.

علامه طباطبایی رحمه الله در این زمینه می نویسند: «به جرئت می توان گفت: که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات، ریاضیات و غیر آن ها به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود.»(۴)

ص: ۲۶

---

۱- ((۱)) نک: نحل / ۱۲۵.

۲- ((۲)) نک: اعراف / ۳۱ و ۱۷۵، انعام / ۱۴۵، مائده / ۱ و ۶ و....

۳- ((۳)) نک: یس / ۳۸، رعد / ۲، نمل / ۸۹ و....

۴- ((۴)) قرآن در اسلام، ص ۹۸.

یادآوری ۱: البته در این مورد علوم و فنون دیگری نیز تحت تأثیر قرآن به وجود آمد و رشد و توسعه یافت که ذکر همه آن ها از حوصله این نوشتار خارج است.

یادآوری ۲: جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب های ذیل مراجعه فرمایید:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، وزارت امور خارجه.

۲. علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدو میه لی، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و دکتر اسدالله علوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

۳. تاریخ التمدن اسلامی، جرجی زیدان.

۴. شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه محمد مختاری.

۵. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب.

۶. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی.

## آیا قرآن کتاب علمی است و آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟

\* پاسخ:

در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که بصورت مختصر بدانها اشاره می‌کنیم و دلایل آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

این اندیشه برای اولین بار در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ق) مطرح شده است. او سعی کرد نشان دهد همه ی علوم را می‌توان از قرآن استخراج کرد. او می‌نویسد:

«پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می‌دهد و این علوم بی‌نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است.»<sup>(۱)</sup> سپس ابوالفضل المرسی (۶۵۵-۵۷۰ ق) صاحب کتاب «التفسیر» این دیدگاه را بصورت افراطی می‌پذیرد و می‌گوید: «همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.»<sup>(۲)</sup> آنگاه بدرالدین زرکشی (م ۷۶۴ ق) در «البرهان» این نظریه را می‌پذیرد.<sup>(۳)</sup>

و پس از او جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» با پذیرفتن دیدگاه‌های غزالی و المرسی آن را تقویت می‌کند<sup>(۴)</sup> و مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقدمه تفسیر

ص: ۲۸

---

۱- (۱) احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹، چاپ دارالمعرفه، بیروت.

۲- (۲) ر. ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۸۲.

۳- (۳) البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱، چاپ دارالمعرفه، بیروت.

۴- (۴) الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۸۲، دار الکتب العلمیه، بیروت.

«صافی» این دیدگاه را به صورت خاصی در قسمتی از علوم می پذیرد.<sup>(۱)</sup> این دیدگاه در عصر جدید هم با پیشرفت علوم تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (م ۱۸۶۲ م) در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد و جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی بنام رضا نیازمند در سال گذشته (۱۳۷۵ ش) اظهار شد که در مقاله ای نوشت:

«کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.»<sup>(۲)</sup>

دلایل دیدگاه اول

۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۳</sup>؛ «و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده هر چیز است.»

۲. آیاتی که اشاره به علوم مختلف می کند.

برای مثال: آیه ای که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد. «وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ»<sup>۴</sup> و از آیه «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ»<sup>۵</sup> با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره در هندسه استخراج می شود و علم پزشکی از آیه «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»<sup>۶</sup> بدست می آید.

ص: ۲۹

---

۱- (۱) تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷.

۲- (۲) مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱، تابستان ۱۳۷۵ ش.



۳. روایاتی که دلالت می کند همه علوم در قرآن کریم وجود دارد.

برای مثال: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «ان الله تبارك وتعالى لم يدع شيئاً تحتاج اليه الامه الانزله في كتابه وبينه لرسوله»<sup>(۱)</sup>؛ «خداوند تبارك و تعالی هیچ چیزی را که مردم به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرده است».

۴. دلیل دیگر بر وجود همه ی علوم در قرآن، مسأله بطون آن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است.<sup>(۲)</sup>

غزالی در «احیاء العلوم» به همین مطلب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است و بعد می گوید: این عدد چهار برابر می شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد.<sup>(۳)</sup>

تذکر: دلایل این دیدگاه را در هنگام ذکر دلایل دیدگاه دوم و سوم مورد بررسی و نقد قرار می دهیم.

دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است.

این دیدگاه را می توان از سخنان برخی از صاحب نظران و مفسران استفاده کرد. برای مثال ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می گوید:

«قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.»<sup>(۴)</sup>

نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» نیز می نویسند:

«منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است.»<sup>(۵)</sup>

ص: ۳۰

۱- ((۱)) نور الثقلین، ج ۲، ص ۷۴.

۲- ((۲)) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵.

۳- ((۳)) احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴- ((۴)) الموافقات، ج ۲، ص ۷۶-۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵.

۵- ((۵)) طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸.

تذکر ۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می شود.

تذکر ۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده اند. و گر نه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار است؛ چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است. (۱)

دیدگاه سوم: دیدگاه تفصیل؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت گری بشر به سوی خداست و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می کند و برخی از مثال ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است.

دلایل و شواهد: در اینجا دلایل این دیدگاه را همراه با رد دلایل دیدگاه اول بیان می کنیم:

۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و انسان ها را به سوی فضیلت ها و خداشناسی هدایت می کند. بنابر این ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول های آنها، بیان کند، هر چند این موارد گاهی اشارات حق و صادقی دارد.

این مطلب مورد تأکید مفسران قدیمی (۲) و صاحب نظران معاصر (۳) است.

۲. ظهور آیاتی که می فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست چرا که:

ص: ۳۱

---

۱- (۱) آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتابهایی تحت همین عنوان جمع آوری شده است.

۲- (۲) ر. ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳- (۳) ر. ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱-۳۶۲.

اولاً: این ظهور بر خلاف بداهت است و بسیاری از فرمول‌های شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست.

ثانیاً: ظهور این آیات مورد انکار صریح برخی از مفسران قرار گرفته است و گفته اند که منظور وجود چیزهایی است که در هدایت انسان لازم است و اینها در قرآن وجود دارد. (۱) (کل شیء = امور دینی)

ثالثاً: لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث «نزلنا علیک الكتاب تیباً لکل شیء» (۲) ممکن است به چند معنا باشد: «قرآن کریم، لوح محفوظ، اجل، علم خدا، امام مبین» (۳) پس نمی‌توان گفت: که حتماً مراد قرآن است و همه چیز در آن است و همین اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بود نیز وارد است.

رابعاً: این آیات با دلیل عقل (قرینه لثبی) تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود. چون عقل انسان حکم می‌کند که قرآن در مورد هدف خود (هدایت معنوی انسان) بیان همه چیز باشد نه در اموری که خارج از حوزه هدف اوست.

۳. آیاتی از قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی دارد هدف آنها کشف فرمولهای هندسه و شیمی و... نیست؛ بلکه این اشارات بطور استطرادی و حاشیه‌ای این مباحث را مطرح کرده است. یعنی صرفاً ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آن، آموزش علوم نیست.

علاوه بر آنکه برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اول قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است برای مثال: آیه «رفیع الدرجات» ربطی به درجات دایره ندارد. و حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب، موجب تفسیر به رأی می‌شود.

ص: ۳۲

---

۱- ((۱)) ر. ک: تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)، ج ۷، ص ۳۹۵ و تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۸، ص ۱۳۰ و التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۹.

۲- ((۲)) نحل / ۸۹.

۳- ((۳)) ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و....

۴. مسأله بطون قرآن و علم ائمه علیهم السلام از مورد بحث ما خارج است. چون موضوع بحث این است که آیا همه ی علوم بشری را می توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

جمع بندی و نتیجه گیری

بنا بر آنچه بیان کردیم به این نتیجه می رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول ها و جزئیات آن) دلالت ندارد.

بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و آیاتی که در این زمینه است (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. (۱)

ص: ۳۳

---

۱- (۱) برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسی تفصیلی دلایل طرفین ر. ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، قم.

\* پرسش:

**بهترین راه برای جمع بین علم و ایمان چیست؟ به طوری که نه از ساحت علم کم شود و نه از ساحت معرفت (دینی و معنویت)، چه پیشنهادی می کنید؟**

\* پاسخ:

قرآن کریم همانطور که به معنویت و تعالی اعتقادی، روحی و اخلاقی انسان توجه دارد، به دانش افزایی بشر نیز توجه کرده است.

در قرآن کریم بیش از هفتصد بار ماده علم به کار رفته و بیش از هزار آیه به مباحث کیهان شناسی، پزشکی، زیست شناسی و... اشاره دارد که گاهی در حد اعجاز علمی مطرح شده است. (۱) قرآن کریم علم آموزی را هدف آفرینش انسان معرفی می کند (۲) و دانشمندان و مؤمنان را برتر از دیگران می داند. (۳)

بنابراین قرآن کریم انسان را به جمع بین علم و ایمان، دانش و معنویت فرا می خواند و بین این دو مقوله تعارض و تضادی نمی بیند. اما گاهی افراد، قلمرو دین و علم را به خوبی نمی شناسند یا رعایت نمی کنند، از این رو جمع بین آنها مشکل می نماید یا به توهم تعارض منتهی می شود.

راهکارها

جداسازی قلمرو علم و دین (۴) بهترین راهکار برای جلوگیری از چالش هاست. یعنی بدانیم که:

الف: پژوهش در حوزه طبیعت، مخصوص علم است و همگان باید به نتایج پژوهش های تجربی (که به حد قطعیات می رسد) احترام بگذارند.

ص: ۳۴

---

۱- (۱) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین.

۲- (۲) طلاق / ۱۲.

۳- (۳) مجادله / ۱۱.

۴- (۴) نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

ب: حوزه ماوراءطبیعت مثل خدا و فرشتگان و... مخصوص حوزه دین است و حواس طبیعی بشر بصورت عادی راهی به سوی آنها ندارند، بنابراین اطلاعات بشر در این زمینه از راه علوم نقلی (مثل وحی قرآنی و احادیث) بدست می آید.

ج: حوزه انسان از جهتی موضوع پژوهش های تجربی و از جهتی موضوع احکام دینی است (البته در برخی موارد طبیعت نیز اینگونه است)

برای مثال: جسم انسان موضوع تحقیقات پزشکی است ولی احکام و مقررات عبادی برای تعالی روحی بشر موضوعی دینی است. در این موارد نیز لازم است جهت گیری دین و علم کاملاً مشخص و متمایز و روشن شود تا از تداخل و تعارض جلوگیری گردد.

به عبارت دیگر دین در برخی موارد کلی قوانینی دارد که از طرف خالق بشر مقرر شده پذیرش و احترام رعایت این قوانین موجب سعادت بشر است، ولی راهکارهای اجرایی آنها توسط کارشناسان و متخصصان علوم مختلف تعیین می گردد.

برای مثال: حفظ جان انسان از نظر دینی واجب است. اما راهکار علمی آن توسط پزشکان و متخصصان زیست محیطی و... بیان می شود و نیز در امور سیاسی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی نیز دین اسلام خطوط کلی را مطرح کرده است که رعایت آنها سعادت انسان را تضمین می سازد مثل حرمت ربا در اقتصاد، حقوق والدین، فرزندان، زن و شوهر، حقوق شهروندان نسبت به همدیگر و ممنوعیت ظلم. لزوم نصب رهبران جامعه از طریق الهی و... به عبارت دیگر انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است که برای هر یک هدف و سعادت و سیر تکاملی وجود دارد که قوانین و مقررات و لوازم خاص خویش را می طلبد.

علوم بشری می تواند سعادت بعد جسمانی بشر را تا حدودی تامین سازد و دین، سعادت بعد روحی و معنوی بشر را تامین می کند و این دو با همدیگر تعارض ندارند، البته گاهی اتفاق می افتد برخی انسان ها از قدرت خود و طبیعت و علم بر ضد سعادت کل بشریت استفاده می کنند و دین در این موارد قوانین بازدارنده ای را تنظیم کرده است تا از تباهی و هلاکت بشریت جلوگیری کند.

برای مثال: نیروی هسته ای یکی از نعمت های الهی است که می توان از آن در خدمت بشریت برای تولید نیروی برق یا پزشکی هسته ای استفاده کرد. اما برخی انسان های قدرت طلب از آن برای تولید سلاح هسته ای و کشتار انسان ها استفاده می کنند؛ دین با این پدیده شوم مخالف است چون بشریت را به سوی هلاکت می کشاند.

البته عدم رعایت قلمرو علم و دین در طول تاریخ، ضربه ها و زیان های زیادی برای بشریت بوجود آورده است که نمونه ی آن را در قرون وسطی در اروپا می بینیم. (۱)

البته در تاریخ اسلام معمولاً علم و دین سازگاری دارند و همین مطلب عامل پیشرفت سریع مسلمانان در چند قرن اولیه ظهور اسلام شد. (۲)

ص: ۳۶

---

۱- (۱) نک: رابطه علم و دین، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲- (۲) نک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، دکتر علی اکبر ولایتی.

## آیا در قرآن پیشگویی‌هایی وجود دارد که تحقق نیافته باشد؟

\* پاسخ:

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی خداست و کتاب پیشگویی نیست. اما در راستای هدایت قرآنی، برخی از آیات قرآن به وقایع آینده بشریت اشاره دارد، که این آیات گاهی در حد رازگویی و نوعی اعجاز بشمار می‌آیند. این آیات به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: پیشگویی‌ها و رازگویی‌هایی که در قرآن آمده و بعداً تحقق یافته است.

برای مثال: وقتی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله خبر پیروزی ایرانیان بر رومیان آمد، آیات آغازین سوره روم نازل شد و از شکست ایرانیان در آینده نزدیک خبر داد و این جریان پس از چند سال اتفاق افتاد و این رازگویی اعجاز‌آمیز قرآن ثابت شد. (۱)

«غَلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال بزودی پیروز خواهند شد. کار [ها] قبل از (آن شکست)، و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند.»

مثال دیگر: پیامبر پیروزی مسلمانان را بر مشرکان مکه در خواب دید و به مردم خبر داد سپس آیه ای در مورد آن نازل شد و این مطلب واقع شد و مسلمانان وارد مسجد الحرام شدند. (۲)

ص: ۳۷

---

۱- ((۱)) نک: تفسیر مجمع البیان، نور الثقلین، ابوالفتوح رازی، فخررازی، المیزان، ذیل آیه ۲-۴ سوره روم و نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

۲- ((۲)) نک: مجمع البیان ذیل آیه ۲۷ / فتح و صافی، ج ۵، ص ۳۳ و نمونه، ج ۲۲، ص ۱۰۳-۱۰۲.



این مطلب در آیه ۷-۲ سوره فتح آمده و پیشگویی کرد که خواب پیامبر تحقق خواهد یافت، و این رازگویی اعجاز آمیز نیز محقق شد.

(لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤْسِكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا) ۱؛ «بیقین خدا به فرستاده اش در خواب بحق راست گفت که اگر خدا بخواهد قطعاً با امنیت وارد مسجدالحرام می شوید درحالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده اید (و از کسی) نمی ترسید؛ و (خدا) می دانست آنچه که نمی دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرار داده است.»

ب. پیشگویی های قرآن که هنوز واقع نشده است.

در این مورد چند مثال بیان می کنیم:

مثال اول: پیش گویی پیروزی نهایی دین اسلام بر همه ادیان:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ۲؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.» مشابه این آیه در سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹ آمده است. ولی این پیشگویی قرآن هنوز واقع نشده است و در احادیث حکایت شده که این پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی (عج) تحقق خواهد یافت. (۱)

مثال دوم: پیش گویی دو سرکشی بزرگ یهود در طول تاریخ:

در آیات قرآن در مورد یهودیان (بنی اسرائیل) اینگونه آمده است:

(وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَتَّغَلْنَ عُلُوقًا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

ص: ۳۸

فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعِيداً مَفْعُولاً ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً) ۱؛ «و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (= فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در [روی] زمین فساد خواهید کرد، و حتماً با سرکشیِ بزرگی برتری خواهید نمود. و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم و میان خانه ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این] وعده ای واقع شده است. سپس دوباره، (پیروزی) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم.»

در این آیات به دو سرکشیِ عظیمِ یهود در طول تاریخ اشاره شده است که برخی موارد سرکوب شد و سرکشیِ دوم را برخی مفسران همین تسلط مجدد یهود بر بیت المقدس می دانند که بوسیله ی مسلمانان سرکوب خواهد شد. ولی هنوز واقع نشده است. (۱)

مثال دیگر: نظریه پردازی های قرآن در مورد گسترش جهان در سوره ذاریات، آیه ۴۷ و مانند آن است که هنوز دانشمندان به این مطالب علمی قرآن بطور کامل دست نیافته اند.

مثال دیگر: مساله رجعت است که از برخی آیات (مثل آل عمران / ۸۱، ۸۲، نساء / ۱۵۹، انعام / ۱۵۸، اعراف / ۱۲۸ و ...) و روایات استفاده می شود (۲) که در آن زمان مومنان خالص دوباره زنده می شوند (۳) ولی هنوز تحقق نیافته است.

ص: ۳۹

---

۱- (۲) نک: نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰ (البته در مورد این آیه تفاسیر دیگری نیز حکایت شده است)

۲- (۳) نک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ و برهان ج ۱، ص ۲۹۵ و نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ و بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ۵۰ و ۶۱ و نیز مجمع البیان برهان و صافی و قمی ذیل آیات فوق الذکر.

۳- (۴) نک: همان ها و نیز کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیهم السلام، محمد خادمی.

\*پرسش:

## در تعارض قرآن و علم چه کنیم؟

\*پاسخ:

یکی از دغدغه‌های اندیشمندان سازگاری یا ناسازگاری بین منابع متعدّد معرفتی است که از آن جمله، ناسازگاری یا سازگاری بین «علم و دین» است. به نظر می‌رسد حل مسئله تعارض «علم و دین»، پاسخی به راه حل تعارض «قرآن و علم» هم خواهد بود، ولی به جهت رعایت اختصار و تمرکز بر این پرسش، به طور مستقیم به راه کارهای تعارض زدایی قرآن و علم می‌پردازیم. ابتدا لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم تا زودتر به پاسخ برسیم:

نکات:

اول: با توجه به آنکه قرآن، کلام خداوندی و آفریننده‌ی جهان است، میان قرآن و علم تعارض واقعی رخ نمی‌دهد. زیرا خدای جهان به آنچه آفریده است آگاهی دارد و برای اطلاع‌رسانی از حقایق هستی، شناخت کافی دارد و قرآن که کلام الهی است برای هدایت و آگاه نمودن انسان به حقایق هستی می‌باشد.

در نتیجه آنچه در قرآن آمده از اتقان و واقعیت برخوردار است و با واقعیات جهان ناسازگاری ندارد. به عبارت دیگر «کتاب تشریح» و «کتاب تکوین» (جهان) هر دو از یک آفریننده است و بر یکدیگر مطابقت دارد.

چنانکه گاليله نیز به همین نکته اشاره کرده و گفته است: هم آیات کتاب مقدس و هم آیات طبیعت، هر دو کلمه‌ی الله اند، و ایان باربور در ادامه سخن گاليله می‌نویسد: گاليله طبیعت و متن مقدس را، دو راه هم‌تراز و رهنمون به خدا می‌دانست. (۱)

ص: ۴۰

---

۱- (۱) ایان باربور، علم و دین، مترجم: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۳۶.

دوم: قرآن که نازل شده از علم نامتناهی خداست - علمی که هیچ خطا و تغییری در آن راه ندارد - بدون هیچ تحریفی به دست انسان ها رسیده است. بنابراین همانگونه که علم خالق هستی با واقعیات مطابق و هماهنگ است، قرآن نیز با واقعیات ناسازگار نخواهد بود. البته مسئله تحریف ناپذیری قرآن که از مسلمات اسلام است در جای خود مورد تحلیل قرار گرفته است. (۱)

سوم: علم، کاربردهای متعددی دارد یکی از معانی «علم» عبارت است از: دانش های مطابق با واقع که از هر گونه خطا دورند. اگر مراد از «علم» در «تعارض قرآن با علم» این معنا باشد با توجه به آنچه در دو نکته پیشین گذشت، هیچ گاه میان قرآن و علم صحیح، تعارض رخ نمی دهد. از آنجا که قرآن دارای مصونیت از تحریف است و نازل از علم الهی و مصون از خطاست، با علم صحیح هماهنگ و سازگار خواهد بود. البته یکی از معانی «علم»، عبارت است از دانش های تجربی بشر است که در این صورت امکان تعارض میان قرآن و علم وجود دارد. علم به معنای «دانش تجربی بشر» از آن رو که برخاسته از حواس و فعالیت سایر ابزارهای معرفتی آدمی است گاهی دچار خطا می شود که تحولات دانش بشری و بطلان پاره ای از نظریه ها یا مدل های علمی، شاهد خوبی بر این ضعف است.

نتیجه آنکه تعارض میان قرآن با دانش تجربی بشر، تعارضی ظاهری و زدودنی است و می توان به امکان رفع تمامی تعارضات علمی با قرآن قائل بود. البته رفع این تعارضات و حل آنها راه کارهایی دارد و نمی توان بدون ضابطه به این کار اقدام کرد. که راهکارهای چگونگی رفع تعارض قرآن با علم را خواهیم گفت.

ص: ۴۱

---

۱- ((۱)) نک: مصونیت قرآن از تحریف، محمد هادی معرفت، مترجم، محمد شهبابی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، چ اول، همچنین: سلامه القرآن من التحریف، فتح الله المحمدی (نجارزادگان)، ۱۴۲۴ هـ -

چهارم: هر چند قرآن نازل از علم الهی و مصون از تحریف است اما در اینجا با فهم قرآن و تفسیر قرآن روبرو هستیم.

مفسران و مخاطبان قرآن، در فهم محکمت قرآنی و نصوص قرآنی همداستان هستند و در این موارد خطا رخ نمی دهد و مسلمات قرآنی که بسیارند کاملاً قابل اطمینان خواهند بود اما در کنار آیات محکم و نصوص قرآنی، متشابهات و ظواهر قرآنی نیز وجود دارد، که گاه به دلیل خطا در فهم آنها، ممکن است به تفسیری نادرست یا درکی اشتباه مبتلا شویم.

البته برای اینکه به این مشکل و اشتباه دچار نشویم، راه کارهایی وجود دارد که کتاب و سنت به آن پرداخته اند و ما نیز بدان اشاره قرار خواهیم کرد. با توجه به این نکته سوم ممکن است ناسازگاری «قرآن و علم» تصور شود و باید توجه داشت که در واقع این ناسازگاری ناشی از فهم قرآنی ما و علم بشری است.

در این گونه موارد باید میان فهم قطعی ما از نصوص قرآنی و فهم ظنی ما که از ظواهر آیات پیدا شده، فرق نهاد و با هر یک به گونه ای دیگر برخورد کرد. چگونگی برخورد با این موارد را متذکر خواهیم شد.

از این سه نکته می توان نتیجه گرفت که میان علم واقعی و قرآن هیچ گاه تعارضی ندارد بلکه گاه تعارض میان علم تجربی بشر و برداشت ما از معارف قرآنی رخ می دهد و از این رو تعارض ظاهری، زدودنی است که برای رفع این تعارضات می توان به شرح ذیل عمل نمود:

راه های رفع تعارض قرآن و علم

برای رفع تعارض باید بین مسلمات علمی و فرضیات و نظریات علمی فرق نهاد. اگر معرفت قرآنی ما با مسلمات علمی قرآنی ناسازگار باشد؛ می توان در ظاهر آیات بازنمایشی کرد، چون علم قطعی قرینه فهم آیات

است و علم قطعی بر ظن مقدم است بنابراین می توان متناسب با مورد تعارض، یکی از دو راه زیر را برگزید:

## ۱. تصرف لفظی در آیات

مفسر گرانسنگ علامه طباطبایی رحمه الله در مواردی که میان ظاهر برخی آیات و یافته های علمی ناسازگاری رخ داده است از این روش استفاده کرده اند؛ برای نمونه می توان به تفسیر ایشان در ذیل آیه ۱۹ سوره نوح اشاره کرد: (وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا) در گذشته اخترشناسان به مسطح بودن زمین معتقد بودند و کروی بودن آن را باور نداشتند.

به پیروی از آنها مفسران قرآن نیز جهت نشان دادن سازگاری قرآن با این دیدگاه به این آیه شریفه استدلال می کردند و حتی برخی مانند فخررازی از براهین عقلی جهت اثبات کروی نبودن زمین در تفسیر آیه شریفه استفاده می کردند ولی پس از چند قرن که کروی بودن زمین اثبات گردید و نادرستی دیدگاه مسطح بودن زمین آشکار گردید، برخی آیه شریفه را ناسازگار با علم جدید خواندند.

نخستین راه حل علامه برای رفع این ناسازگاری، تصرف در ظاهر آیه مذکور است، در آیه «يَكُ» «کاف تشبیه» در تقدیر می گیرد و می نویسد:

«مراد از بساط، کالبساط می باشد. خداوند می خواهد بفرماید: زمین را مثل فرش برای شما گسترانیدیم تا بتوانید به آسانی در آن گردش کنید و از ناحیه ای به ناحیه دیگر منتقل شوید. نه اینکه مراد این باشد که «زمین را مسطح آفریدیم.» تا با دیدگاه کروی بودن زمین ناسازگار باشد. (۱)

## ۲. تصرف معنوی

یکی دیگر از راه کارهای رفع تعارض، بازنگری در معنای آیه می باشد. که با مسلمات علمی در تعارض قرار گرفته است.

ص: ۴۳

---

۱- (۱) طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۲۰، ص ۳۳.

علامه طباطبایی رحمه الله گاه از این روش نیز استفاده کرده است چنانکه در تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نوح می فرماید: (أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَيِّعَ سَيِّمَاوَاتِ طِبَاقاً وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً) دیدگاه زمین مرکزی، از یافته های اخترشناسی کهن به شمار می رود. براساس این دیدگاه، بسیاری گمان می کردند کره ماه، همه آسمان را نور می دهد و این آیات شریفه را شاهد آن ذکر می کردند ولی پس از آن که دیدگاه زمین مرکزی باطل گردید و خورشید مرکزی جایگزین آن گردید و کهکشان های دور دست یکی پس از دیگری شناسایی شدند و معلوم شد که کره ماه نمی تواند تمام آسمان ها را نور بدهد، آیه مذکور با دستاوردهای جدید ناسازگار تلقی شد و از همین رو علامه برای رفع این ناسازگاری در معنای آیه تصرف می نماید و می نویسد:

«منظور آیه شریفه این است که: ماه در ناحیه آسمان ها قرار دارد، نه این که همه آسمان ها را نور می دهد؛ مثل این که ما می گوئیم: در این خانه ها یک چاه آب هست، با این که چاه در یکی از آنهاست ولی می گوئیم: «در این خانه ها»؛ زیرا وقتی در یکی از آنها باشد مانند این است که در همه باشد.

مثال دیگر: مانند این که می گوئیم من به میان بنی تمیم رفتم، با اینکه به خانه بعضی از آنها رفته ام.»(۱)

یادآوری

۱. البته باید توجه داشت که اولاً از آنجا که علم ظنی است و گاه ممکن است حتی آنچه در علم مسلم شمرده شده است؛ خطا بودنش آشکار شود. از این رو نباید این تفسیر را برای ظاهر قرآن تفسیری قطعی برشمرد چنانکه نباید مرعوب علم گشت و مسلمات علمی را قطعی پنداشت.

ص: ۴۴

۲. و از طرفی تصرف در ظاهر آیات الهی باید با ضابطه و روشمند باشد و بی ضابطه نمی توان در معانی آیات قرآن تصرف کرد.

۳. علم ظنی و ظواهر قرآن:

این دو گونه تصرف در صورتی بود که ما با مسلمت علمی که اطمینان آوراست مواجه باشیم، ولی اگر قرآن با فرضیه ها یا نظریات نامسلم علمی ناسازگاری نمود در این صورت نباید در ظاهر آیات تصرفی کرد، بلکه این فرضیات و نظریات، به خاطر عدم اعتبار علمی و ظنی بودنشان، نمی توانند مخالف جدی آیات به شمار آیند. برای مثال در قرآن سخن از هفت آسمان آمده است. (بقره/ ۲۹ و...) ولی علوم کیهان شناسی یک آسمان را شناسائی کرده اند.

آیا می توان گفت که نظریه یک آسمان نفی آیات هفت آسمان است؟ خیر، زیرا نظریه یک آسمان، تئوری ظنی است که قطعی نشده و وجود آسمان های دیگر را نفی نمی کند. پس نمی توان از ظاهر آیات دست برداشت.

بنابراین تحوّل پذیری علم و ظنی بودن آن، موجب می شود که ما نتوانیم به علم اطمینان کامل کنیم. بنابراین باید جنبه احتیاط را از دست ندهیم و ظواهر قرآنی را به آسانی با تحوّللات علمی متغیّر نسازیم و در مواردی هم که به تصرف در ظاهر آیات قرآنی اقدام می کنیم احتمال خطا بودن این اقدام را از یاد نبریم.

نتیجه گیری

تعارض علم و دین به دو معنا می آید: ۱. تعارض واقعی قرآن و علم. ۲. تعارض ظاهری قرآن و علم.

تعارض واقعی قرآن و علم به معنای ناسازگاری قرآن با علم، محال است یعنی محال است دو گزاره علمی و دینی هر دو قطعی و ناسازگار با هم باشند. ولی تعارض ظاهری «علم و دین» یا «قرآن و علم» رخدادی است ولی قابل رفع و زدودنی می باشد. (۱)

ص: ۴۵

---

۱- ((۱)) نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۲۲۹-۲۳۰.



جهت مطالعه بیشتر مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. علم و دین، همان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه.

ص: ۴۶

\*پرسش:

**لطفاً در مورد نظریه پردازی های علمی قرآن توضیح داده و تفاوت آن با چالش های علمی و ادله آن را بیان کنید؟**

\*پاسخ:

در قرآن کریم حدود ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد که گاهی در حد اعجاز علمی و گاهی در حد شگفتی های علمی و گاهی در حد اشارات اندیشه آور علمی است در این مورد دو مبحث عمده دیگر وجود دارد، یعنی نظریه پردازی علمی قرآن و چالش قرآن و علم، که با توضیح، تفاوت آنها نیز روشن می شود.

الف: نظریه پردازی های علمی قرآنی

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آنها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲ سوره رعد، ۱۰ سوره لقمان و...) در آینده اثبات شود. این موارد را می توان بعنوان نظریه های علمی قرآنی مطرح نمود، و همچون دیگر تئوری های علمی بدنبال شواهد تجربی آنها بود.

مثال ها

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان ها: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۲۹ سوره شوری قابل استفاده است که می فرماید:

ص: ۴۷

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ﴾؛ «و از نشانه های اوست، آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنندگان در آنها منتشر ساخته است.»

هرچند برخی نشانه های کیهان شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان شناخت هنوز نظریه قطعی در این زمینه ابراز نکرده اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می توان بعنوان یکی از نظریه های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان شناختی وسیع قرار داد. (۱)

۲. نظریه گسترش آسمان ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۴۷ / ذاریات قابل استفاده است، که می فرماید:

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾؛ «و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می دهیم.»

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان (۲) و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است (۳) و می تواند بعنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان شناسی قرار گیرد.

۳. نظریه هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره / ۲۹، اسراء / ۴۴، مومنون / ۱۷ و ۸۶، فصلت / ۱۲، طلاق / ۱۲، نوح / ۱۵، نبأ / ۱۲.

ص: ۴۸

---

۱- (۱) نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹ / شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب.

۲- (۲) نک: تاریخچه زمان، استفن هاو کینگ، ترجمه داد فرما، ص ۵۸.

۳- (۳) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.

در حالی که علوم کیهان شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می گویند و در مورد آسمان های دیگر سکوت می کنند. چون وسایل ستاره شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛ قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مسأله نیز می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آنها توجه کرد و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان ها، محل کرات باشد. (۱)

۴. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: انعام/ ۹۸، آل عمران/ ۵۹، الرحمن/ ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت های دیگری نیز دارد) و سال هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است. معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می دیدند و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می کنند و در این مورد کتاب های متعددی نیز نوشته شده است. (۲)

ولی می توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان هایی از نسل میمون بوجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی

ص: ۴۹

---

۱- ((۱)) نک: رازهای آسمان های هفت گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد.

۲- ((۲)) نک: خلقت انسان، یدالله سبحانی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.

به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است. البته اینکه بسیاری از ویژگی های انسان فعلی در میمون ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه مفقوده ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می تواند شاهدهی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش های زیست شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان شناسی و زیست شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب ها آمده است.<sup>(۱)</sup>

۵. نظریه پردازی های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر اینگونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

ب: چالش های قرآن و علم

گاهی ظاهر برخی آیات قرآن با نظریه های علمی ناسازگار به نظر می رسد، که این را چالش قرآن و علم یا تعارض ظاهری قرآن و علم می نامند، اما از آنجا که نصوص قرآنی و مطالب قطعی علمی هر دو بیان واقعیت و حقیقت است و هر دو وسیله ی معرفت و شناخت حقیقت است و حقیقت یکی بیش نیست بنابراین تعارض واقعی قرآن و علم محال است. زیرا به تناقض (وجود و عدم حقیقت واحد) منتهی می شود.

ص: ۵۰

---

۱- (۱) نک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، جلد دوم و...

تعارض ظاهری آیات و مطالب علمی نیز با تأمل در آنها قابل رفع و

اصلاح است زیرا ممکن است خطای مفسر در فهم ظاهر آیه و یا خطای دانشمند علوم تجربی در مقدمات نظریه خویش باعث این تعارض شده باشد که با دقت در آنها و فهم صحیح از قرآن و طبیعت، مشکل حل می شود.

برای مثال در مورد هفت آسمان قرآن و یک آسمان علم و یا در مورد نظریه تکامل و آیات آفرینش انسان، توهم تعارض می شد که با دقت در مساله برطرف گردید. چون علم یک آسمان را ثابت می کند ولی هفت آسمان را نفی نمی کند، همانطور که نظریه تکامل داروین بصورت قطعی اثبات نشده است تا بتواند با ظاهر آیات آفرینش آدم تعارض جدی و واقعی داشته باشد. (۱)

ص: ۵۱

---

۱- ((۱)) نک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، مبحث قلمرو، رابطه و تعارض علم و دین.

\*پرسش:

## چگونه می توان اعجازهای علمی و اشارات علمی قرآن را تشخیص داد؟

\*پاسخ:

اشارات علمی قرآن

قرآن کریم در بیش از هزار آیه به مباحث علوم مختلف اشاره کرده است. (۱)

این آیات به سه بخش تقسیم می گردد.

الف: اشارات علمی اعجاز آمیز قرآن

معنای اعجاز علمی قرآن:

مقصود از اعجاز علمی قرآن آن است که آیاتی در قرآن وجود دارد که در آن نوعی رازگویی علمی وجود دارد. یعنی مطلبی علمی را که کسی قبل از نزول آیه از آن اطلاع نداشته، بیان می کند، و مدّت ها بعد از نزول آیه آن مطلب علمی توسط دانشمندان علوم تجربی کشف می شود، و این مطلب علمی بطوری است که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده، قابل اکتساب نباشد.

پس اگر قرآن مطلبی علمی را بیان کند که در کتاب های آسمانی گذشته بدان اشاره شده و یا در مراکز علمی یونان، ایران و... در لابلاهای کتاب های علمی و آرای دانشمندان آمده است و احتمال می رود که از راهی به محیط حجاز عصر نزول راه یافته و یا مطلبی بوده که بطور طبیعی با وسایل آن زمان و یا بصورت غریزی قابل فهم بوده است، این امور معجزه ی علمی بشمار نمی آید. (۲)

ص: ۵۲

---

۱- (۱) شمارگان این آیات را برخی نویسندگان ۱۳۲۲ آیه شمرده اند و آنها را در زمینه علوم مختلف لیست کرده اند. (نک:)

العلوم فی القرآن، مجهد جمیل الحبال ومقداد مرعی الجواری، ص ۳۶-۳۵)

۲- (۲) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۸۵.

هرچند تفسیر علمی قرآن عمری دراز دارد و از قرن سوم و چهارم هجری قمری در آثار مکتوب بوعلی سینا (۳۷۰-۴۳۸ ق) دیده می شود (۱) و با فراز و نشیب هایی تا قرن حاضر ادامه یافته است اما مبحث اعجاز علمی قرآن که از دل تفسیر علمی متولد شد عمری کوتاه دارد، یعنی در قرن اخیر (قرن بیستم م، چهاردهم و پانزدهم ه - ق) مورد توجه مسلمانان و غیرمسلمانان قرار گرفته است و بسیاری از دانشمندان مسلمان در این مورد کتاب ها نوشته و ادعای اعجاز علمی کرده اند. (۲)

در میان خاورشناسان، «دکتر موریس بوکای» از کسانی است که در کتاب «مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» رویکردی مثبت به اشارات علمی قرآن دارد و در برخی موارد به صراحت اذعان می کند: قرآن مطالبی علمی را که تا قرن ها بعد، برای انسان ناشناخته بوده بیان کرده است. (۳)

مواردی که ادعای اعجاز علمی شده عبارتند از:

۱. نیروی جاذبه:

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»؛ «او خدایی است که آسمان ها را بدون ستون دیدنی آفرید.»

این نکته در دو آیه قرآن (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) بیان شده که خدا آسمان ها را بدون ستون دیدنی برافراشته و آفریده است. (۴)

ص: ۵۳

۱- ((۱)) نک: رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸-۱۲۹ و التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، رضایی اصفهانی، ص ۲۹۳ به بعد.

۲- ((۲)) به مبحث پایانی نوشتار، منابع جهت مطالعه بیشتر مراجعه فرمایید.

۳- ((۳)) مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۶۵ ش، ص ۷-۲۲۶، (این کتاب به زبان های متعدد ترجمه و با چاپ های گوناگون منتشر شده است.)

۴- ((۵)) البته این تفسیر بنابراین که جمله «ترونها» را صفت «عمد» بدانیم ولی اگر بغیر عمد متعلق به ترونها باشد معنا می شود: (همانگونه که) می بینید آسمانها را بدون ستون آفرید. بنابراین معنای دوم آسمانها اصلاً ستون ندارد تا دیده شود. ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است چون تقدیم و تأخیر لازم نمی آید و توسط روایت امام رضا علیه السلام (ثم عمد ولكن لاترونها - برهان، ج ۲، ص ۲۷۸) تقویت می شود.



برخی دانشمندان و مفسران آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته اند،<sup>(۱)</sup> چراکه نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (۴۴۰ ق)<sup>(۲)</sup> و طبق مشهور توسط نیوتن (۱۶۴۳-۷۲۷ م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد<sup>(۳)</sup> پس اشاره قرآن به ستون های نامریی بین کرات آسمانی نوعی رازگویی علمی قرآن است و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر قرآن (مرسلات / ۲۵ و فاطر / ۴۱) را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند.<sup>(۴)</sup>

با توجه به اینکه واژه «عمد» جمع و به معنای «ستون ها» است ممکن است نیروی جاذبه یکی از مصادیق آیه باشد. یعنی نیروها (= ستون ها) ی متعدّد دیگری بین کرات آسمانی وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده است.

البته پذیرش دلالت آیات (رعد / ۲ و لقمان / ۱۰) بر نیروی جاذبه متوقف بر آن است که واژه «سماوات» به معنای کرات آسمانی باشد. چون این واژه در قرآن دارای معانی متعدد (مانند: جهت بالا، جوّ زمین، کرات آسمانی، آسمان معنوی و...) <sup>(۵)</sup> است، در اینجا می توان کرات آسمانی را از مصادیق آیات فوق دانست.

ص: ۵۴

---

۱- ((۱)) همچون آیت الله مکارم شیرازی (نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰-۱۱۱ و پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۴۶ و آیت الله حسین نوری (دانش عصر فضا، ص ۵۵-۵۶) البته برخی صاحب نظران نیز آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه دانسته اند اما نسبت به اعجاز علمی آن سکوت کرده اند: نک: معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، ص ۲۴۷-۲۴۸ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۱-۴۶ و المعجزه القرآنیة، دکتر محمد حسن هیتو، ص ۱۸۰ و التمهید فی علوم القرآن، آیه الله معرفت، ج ۶، ص ۱۲۲-۱۲۸ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ص ۵۰.

۲- ((۲)) مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۴۱.

۳- ((۳)) تاریخ علوم، ص ۲۶۴، (البته برخی نویسندگان در اینکه مبتکر نیروی جاذبه نیوتن باشد و درصحت داستان سیب تردید می کنند، نک: دانش عصر فضا، ص ۴۴.

۴- ((۴)) اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند شیرازی، ص ۸۸-۹۹ و الفرقان فی تفسیر القرآن دکتر صادقی، ج ۲۱، ص ۳۴۱ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۳ و دانش عصر فضا، نوری، ص ۵۵ و نمونه، ج ۱۸، ص ۱۸۷.

۵- ((۵)) نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ماده سمو و نمونه، ج ۱، ص ۶۵ و پژوهش در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۲۶.

بنابراین می توان گفت: آیات (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) به نیروی جاذبه اشاره دارد و با توجه به عدم آگاهی مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن، از نیروی جاذبه، عظمت بیانات قرآن و رازگویی و اعجاز علمی آن روشن می شود. (۱)

۲. حرکت های خورشید:

(وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) ۲؛ «و خورشید تا قرار گاهش روان است؛ این اندازه گیری (خدای) شکست ناپذیر داناست.»

قرآن در آیات متعددی (یس/ ۳۸، انبیاء/ ۳۳، رعد/ ۲، فاطر/ ۱۳، زمر/ ۵، لقمان/ ۲۹ و ابراهیم/ ۳۳) به حرکت های خورشید اشاره دارد و برخی صاحب نظران این آیات را اعجاز علمی قرآن دانسته اند زیرا به حرکت های مختلف خورشید اشاره دارد که بر خلاف تصورات رایج در محافل علمی عصر نزول بوده است. آنان آیات فوق را اشاره به حرکت های زیر می دانند:

الف: حرکت انتقالی مستقیم درون کهکشان راه شیری، یعنی حرکت طولی خورشید به سمت معین یا ستاره ای دور دست. (۲) البته در این تفسیر (الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) ۴، «لام» به معنای «الی» (= به سوی) و «مستقر» اسم مکان می باشد. (۳) مفسران و صاحب نظران متعددی این حرکت انتقالی خورشید را از قرآن برداشت کرده اند (۴) و برخی دیگر آن را اعجاز

ص: ۵۵

---

۱- (۱) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۵۵.

۲- (۳) نام این ستاره را «وِگَاه» (نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲) یانس ثابت (المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۲۵-۲۶) و یا مجموعه نجوم هرکپل یا ستاره ای بر ران راست «جائی» (اسلام و هیئت، ص ۱۸۱) بیان کرده اند.

۳- (۵) لام در آیه (لمستقر لها) ممکن است به معنای الی - فی - تأکید باشد و «مستقر» می تواند مصدر میمی، اسم زمان یا اسم مکان باشد (نک: المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹ و ص ۸۹ و اسلام و هیئت ص ۱۸۴ و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲).

۴- (۶) المیزان، نمونه، اسلام و هیئت، همان ها و دانش عصر فضا، پیشین، ص ۲۵-۳۶ و الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی، ج ۹، ص ۱۷۲ و زنده جاوید و اعجاز قرآن، مهندس محمدعلی سادات، ص ۲۸-۳۹ و قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فر، ص ۱۳۱ و القرآن الکریم و العلم الحدیث، دکتر منصور محمد حسب النبی، ص ۲۶۴.

علمی قرآن دانسته اند؛ زیرا اخترشناسان جدید همچون کوپر نیک (۱۵۴۴ م) و کیپلر (۱۶۵۰ م) و گالیله به ثابت بودن خورشید معتقد بودند<sup>(۱)</sup> و حتی در ادعا نامه ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید کردند. (که بر خلاف گفته کتاب مقدس بود که می گفت: (خورشید) مثل پهلوان از دویدن در میدان، شادی می کند.)<sup>(۲)</sup> و گالیله حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد.<sup>(۳)</sup>

ولی سالهای بعد حرکت های واقعی متعدد (حرکت انتقالی، وضعی، درونی) خورشید به اثبات رسید و «فلک» به معنای مجرای کرات آسمانی<sup>(۴)</sup> یا مسیر دورانی آنها اطلاق می شود،<sup>(۵)</sup> یعنی کرات آسمانی در مسیری دورانی شناورند.<sup>(۶)</sup>

البته این مطلب قرآن (حرکت خورشید بر مدار) بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی<sup>(۷)</sup> است که در عصر نزول در محافل علمی رایج بوده و تا هفده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. بر اساس هیئت قدیم افلاک حرکت می کنند و ستارگان در فلک ثابت هستند ولی از آیه استفاده می شود که خورشید حرکت دورانی دارد و مداری شناور است.

ص: ۵۶

---

۱- ((۱)) نمونه، ج ۱۸، ص ۶-۳۸۹؛ مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۲۴ و راه تکامل، احمد امین، ج ۵، ص ۹ و اسلام و هیئت، شهرستانی، ص ۱۷۹. و نیز نک: مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه دبیر، ص ۲۱۵-۲۱۶ و دانش عصر فضا، حسین نوری، ص ۲۶ و ص ۳۵-۳۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۲۵۲.

۲- ((۲)) کتاب مقدس، مزامیر، زبور داود، مزبور ۵/۱۹.

۳- ((۳)) خوابگردها، آرتور کوستلر، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰.

۴- ((۴)) مفردات راغب، ماده فلک.

۵- ((۵)) نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷.

۶- ((۶)) مفردات راغب، ماده سیح.

۷- ((۷)) بطلمیوس، از دانشمندان قرن دوم میلادی (فرهنگ دانستیها، محمدنژاد، ج ۱، ص ۷۵۲) البته برخی یاد آورده اند که در تاریخ سه دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس داس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و متولد ۱۴۰ قبل از میلاد است (اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵.

ب: حرکت وضعی خورشید، یعنی خورشید به دور خود می چرخد و در قرارگاه خود جریان دارد. (الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) ۱، البته این معنا بنابراین است که «لام» به معنای «فی» (= در) باشد و «مستقر» به معنای اسم مکان باشد.

برخی صاحبان نظران همین معنا را از آیات برداشت کرده (۱) و برخی دیگر (۲) این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده اند. زیرا حرکت وضعی خورشید از مطالبی است که در عصر نزول قرآن کشف نشده بود.

ج: ادامه حیات خورشید تا زمان معین یعنی عمر خورشید بر اثر انفجارات هسته ای و سوخت مواد درونی آن تا چند میلیارد سال دیگر به پایان می رسد. (۳) از این رو برخی مفسران (كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى) ۵ را اشاره به همین مطلب علمی دانسته اند. (۴)

د: حرکات درونی خورشید، یعنی در خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نور و گرما تولید کند، و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید و گاهی تا کیلومترها پرتاب می شود. (۵)

ص: ۵۷

---

۱- ((۲)) نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲ و اسلام و هیئت، ص ۱۸۶ و دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ص ۵-۳۶ و پیشگوییهای علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۳۴.

۲- ((۳)) القرآن و العلم، احمد محمد سلیمان، ص ۳۵-۶.

۳- ((۴)) عمر خورشید را کلاً ده میلیارد سال تخمین می زنند که پنج میلیارد سال آن سپری شده است (نک: فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاتر، ص ۲۱-۲۰، ترجمه بیضاوی و...).

۴- ((۶)) دانش عصر فضا، پیشین، ص ۳۵.

۵- ((۷)) در خورشید هسته های اتم های هیدروژن به هلیوم تبدیل می شود که ذوب هسته ای با جوشش هسته ای نام دارد. خورشید در هر دو ساعت و چهل دقیقه سطح آن با سرعت شش کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن ده کیلومتر تغییر می کند و این تپش خورشید است و در اثر میدان های مغناطیسی اطراف لکه ها بوجود می آید و با سرعت ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و به سرعت خاموش می شود. (نک: فیزیک نوین، پیشین، ص ۲۰ و مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳).

برخی محققان از تعبیر «تجری» به معنای جریان داشتن و تفاوت آن با «تحرك» از آیه ۳۸ سوره یس استفاده کرده اند که خورشید نه تنها حرکت می کند جریان هم دارد. یعنی همچون آب در حال حرکت، زیر و رو می شود و این نکته علمی لطیفی است که قرآن بدان اشاره دارد و در عصر جدید کشف شده است و می تواند اعجاز علمی قرآن باشد. البته اگر «تجری» را کنایه از شناور بودن در فضا بدانیم. (۱)

برخی محققان با نقد موارد فوق به این نتیجه رسیده اند که اشارات قرآن به حرکت های خورشید نوعی رازگویی علمی است، اما در بخشی که قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود یعنی حرکت انتقالی دورانی خورشید، اعجاز علمی نیست. اما در بخش هایی که بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در زمان نزول بیان داشته است (مثل حرکت انتقالی مستقیم، حرکت وضعی و حرکت تا زمان معین و حرکت درونی خورشید) اگر به قطعیت برسد، اعجاز علمی قرآن به شمار می آید. (۲)

۳. زوجیت:

(وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ) ۳؛ «و از تمام میوه ها یک جفت آفرید»

در آیات متعددی به زوجیت میوه ها و گیاهان و انسان ها اشاره شده است (رعد/ ۲، شعراء/ ۷ و یس/ ۳۶ و همین مضمون در حج/ ۵ و لقمان/ ۱۰ و ق/ ۷ و طه/ ۵۳ و اعراف/ ۱۸۹) و در برخی آیات به زوجیت چیزهایی اشاره می کند که انسان اطلاعی ندارد (یس/ ۳۶) و در برخی آیات سخن از زوجیت همه موجودات است:

ص: ۵۸

---

۱- ((۱)) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- ((۲)) همان، ص ۱۶۹.

(وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) ۱؛ «و از هر چیز، جفت آفریدیم باشد که متذکر شوید.»

واژه زوج در عالم حیوانات به نر و ماده گفته می شود و در غیر حیوانات هر دو چیزی که قرینه یکدیگرند را زوج می نامند و به چیزهای مقارن مشابه و متضاد نیز زوج اطلاق می شود. (۱) از این رو برخی واژه زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون، پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده اند. (۲)

بسیاری از مفسران و صاحب نظران با شگفتی، آیات فوق را از اشارات علمی قرآن به مسأله زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات دانسته اند (۳) و برخی دیگر این مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته اند (۴) چرا که انسان ها از قدیم از زوجیت برخی گیاهان مثل «نخل» با خبر بوده اند و مسأله زوجیت گیاهان توسط کارل لینه (۱۷۰۷-۱۷۸۷ م) گیاه شناس معروف سوئدی در سال ۱۷۳۱ م ابراز شد.

بنابراین مردم عصر نزول قرآن از زوجیت همه گیاهان اطلاع نداشتند.

ولی قرآن نه تنها به این مطلب اشاره کرده. (رعد/ ۳، شعراء/ ۷ و...) بلکه به زوجیت همه موجودات نیز اشاره دارد (ذاریات/ ۴۹) که تا قرن اخیر کسی از آن اطلاع نداشت (۵). در نتیجه، اشاره علمی قرآن به زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات نوعی رازگویی قرآن است که حکایت از اعجاز

ص: ۵۹

---

۱- (۲) نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷-۳۷۸.

۲- (۳) نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص ۳۵-۳۶ و مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن والطب، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۹-۴۳ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص ۲۴.

۳- (۴) نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۵-۳۶ و مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن والطب، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۹-۴۳ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص ۲۴.

۴- (۵) تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۱۱.

۵- (۶) وجود ذرات درون اتم با بار منفی و پروتون با بار مثبت، را ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم کشف کرد. (نک: ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ترجمه مرتضی صابر، ص ۹۵)

علمی این کتاب مقدس دارد. البته برخی محققان برآند که هر چند این اشارات علمی قرآن می تواند اعجاز علمی بشمار آید اما تطبیق آیه (ذاریات / ۴۹) با مواردی همچون الکترون ها، پروتون ها و کوارک ها قطعی نیست و حداکثر این موارد ممکن است از مصادیق آیه مذکور بشمار آید. (۱)

۴. لقاح (بارور کردن گیاهان و ابرها توسط بادها)

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ ۲؛ «و بادها را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم، و از آسمان آبی فرو فرستادیم.»

مفسران و صاحب نظران آیه فوق را به دو صورت تفسیر کرده اند:

الف: این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می شوند تا گرده های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را بارور کنند (۲) و برخی صاحب نظران این مطلب را اعجاز قرآن دانسته اند زیرا بشریت در اواخر قرن هیجدهم یا اوایل قرن نوزدهم به مسأله ی تلقیح پی برد، درحالی که قرآن قرن ها قبل بدان اشاره داشته است. (۳)

ب: برخی صاحب نظران و مفسران دیگر آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و بارور شدن آنها دانسته اند (۴) چرا که در ادامه آیه مسأله نزول باران را مطرح می کند که نتیجه لقاح ابرهاست و «احمد امین» این آیه را یک معجزه جاودانی می داند که حدود هزار و سیصد و نود سال پیش موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات جدید است و منظور آیه همان تأثیری

ص: ۶۰

---

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۸۳.

۲- (۳) منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۸ و رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۶ و رهبران راستین، عبدالکریم هاشمی نژاد، ص ۲۵۶-۲۶۳ و فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، م، حقیقی، ج ۲، ص ۲۳ و مرزهای اعجاز، سید ابوالقاسم خوئی، ترجمه جعفر سبحانی، ص ۱۱۸ و الفرقان و القرآن، خالد عبدالرحمن العکک، ص ۵۱۱.

۳- (۴) القرآن و الطب، ص ۲۴-۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۷۹.

۴- (۵) مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۳۴ و باد و باران در قرآن، مهندس بازرگان، ص ۵۹ و ۱۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابو حجر، ص ۴۶۱-۴۶۳.

است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد. (۱) البته می توان آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و گیاهان مرده نیز دانست (۲) زیرا بخش اول آیه یک مطلب کلی را (بارورسازی بادها) که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است مطرح می کند ولی در ادامه ی آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می دهد که همان نزول باران از ابر است. همانطور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق آنها است. (۳)

اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها، اعجاز علمی قرآن به شمار می آید زیرا این مطلب تا سالهای اخیر برای بشر کشف نشده بود. اما اشاره قرآن به لقاح گیاهان هرچند شگفت انگیز است؛ اما اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید زیرا انسان های صدر اسلام بطور اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان (همچون خرما) اطلاع داشته اند. (۴)

۵. چینه مراحل آفرینش انسان:

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) ۵؛ «و یقین انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم؛ سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [= رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک سیال را بصورت [خون بسته] آویزان آفریدیم، و [خون بسته] آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم و گوشت جویده شده را بصورت استخوان هایی آفریدیم؛ و بر استخوان ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!»

ص: ۶۱

---

۱- (۱) راه تکامل، احمد امین، ص ۵۷.

۲- (۲) مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۶۲ و پیشگوئی های علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۹۱-۹۳.

۳- (۳) نک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۵ و ۳۶.

۴- (۴) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۲۹۳، پیشین.



قرآن کریم در آیات متعددی از آفرینش انسان و مراحل آن یاد کرده است (مؤمنون / ۱۲-۱۴، حج / ۵، غافر / ۶۷، قیامت / ۳۷-۳۹، علق / ۲، طارق / ۶، دهر / ۲، سجده / ۶-۹ و...) از این آیات می توان استفاده کرد که مراحل زندگی انسان پانزده مرحله است که عبارتند از:

۱. مرحله خاک (یعنی تراب و طین، حج / ۵، مؤمنون / ۱۲، غافر / ۶۷)؛(۱)

۲. مرحله آب (یعنی ماء، ماء دافق، ماه مهین، طارق / ۶، سجده / ۶-۹)؛(۲)

۳. مرحله منی (نطفه من منی، قیامت / ۳۷-۳۹)؛

۴. مرحله نطفه مخلوط (نطفه امشاج، دهر / ۲)؛

۵. مرحله علقه (مؤمنون / ۱۲-۱۴، حج / ۵، غافر / ۶۷)؛

۶. مرحله مضغه (مؤمنون / ۱۲-۱۴ و حج / ۵)؛

۷. مرحله تنظیم و تصویر و شکل گیری (سجده / ۶-۹)؛

۸. مرحله شکل گیری استخوان ها (مؤمنون / ۱۲-۱۴)؛

۹. مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان ها (همان)؛

۱۰. مرحله آفرینش جنس جنین (قیامت / ۳۷-۳۹)؛

۱۱. مرحله آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان و پیدایش گوش و چشم (سجده / ۶-۹ و مؤمنون / ۱۴)؛

۱۲. مرحله تولد طفل (غافر / ۶۷)؛

ص: ۶۲

---

۱- (۱)) در مورد آفرینش انسان از خاک، دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور آفرینش انسان اولی (= آدم) از خاک باشد یا تشکل انسان از خاک یعنی عناصر خاک در بدن انسان وجود دارد. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ج

۲، ص ۴۳۴ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳)

۲- (۲)) در مورد آفرینش انسان از آب، چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه حیات همه موجودات زنده بستگی به آب دارد و یا اینکه قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می دهد و یا اینکه مقصود آفرینش انسان اولیه (آدم) از آب بوده است. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۴۳۸ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵،

ص ۱۲۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۳۲۹ و ص ۳۳۰)

۱۳. مرحله بلوغ (مؤمنون / ۱۲-۱۴، حج / ۵ و غافر / ۶۷)؛

۱۴. مرحله کهنسالی (حج / ۵ و غافر / ۶۷)؛

۱۵. مرحله مرگ (همان‌ها)؛(۱)

البته هر کدام از این مراحل بر اساس آیات قرآن و علوم پزشکی نیاز به شرح و توضیح دارد. این آیات اشارات علمی ارزنده ای را در بردارد که برخی پزشکان را به حیرت آورده است و آنها را دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه اعجاز بلاغی قرآن دانسته اند.(۲)

برخی صاحب‌نظران غربی همچون دکتر موریس بوکای معتقدند:

«باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد، موافق بودنشان با اینها واضح است لیکن همچنین بی نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسان های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بوده اند.

در واقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می کنیم. در تمام دوران قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی پایه، منشأ متنوع ترین آراء شد که تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

آیا می دانید که مرحله ای اساسی در تاریخ جنین شناسی تصدیق «هاروی»(۳) در سال ۱۶۵۱ م بود مشعر به اینکه «هر چیزی که می زاید در آغاز از تخمی می آید.» و جنین بتدریج بخشی پس از بخشی درست می شود؟ [...]

ص: ۶۳

---

۱- ((۱)) این دسته بندی را از کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۴۳۲ آوردم ولی برخی از مفسران و پزشکان آیات و مراحل فوق را به گونه ای دیگر دسته بندی کرده اند و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته اند (نک: نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و الفرقان و القرآن، پیشین، ص ۴۹۳ و التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۶، ص ۸۰.

۲- ((۲)) طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، ص ۸۴.

۳- ((۳)) Harvey پزشک انگلیسی (۱۵۷۶-۱۶۵۷ م).

این بیش از هزاره ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان ها قرآن را می شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسان ها قرون چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.»<sup>(۱)</sup>

برخی محققان نیز برآنند که هرچند بیان هر یک از این مراحل آفرینش انسان به تنهایی نمی تواند دلیل مستقلاً بر اعجاز علمی قرآن باشد ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر عدم آگاهی مردم عصر نزول قرآن، از این مطلب، نظم و چینش مراحل آفرینش انسان نوعی رازگویی علمی است که می تواند اعجاز علمی قرآن بشمار آید.<sup>(۲)</sup>

ب: اشارات علمی شگفت آور قرآن

برخی آیات قرآن به مطالب علمی جهان و قوانین آنها اشاره می کند که، شگفتی هر خواننده ای را بر می انگیزد. زیرا نوعی مخالفت با دیدگاهها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر بشمار می آید که شگفت آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد.<sup>(۳)</sup> آری، عرب صدر اسلام از مراکز علم و تمدن آن عصر (جندی شاپور ایران و یونان) دور بودند و اطلاعات علمی قابل توجهی نداشتند بلکه در عصر جاهلیت به سر می بردند.

اما قرآن کریم در همان محیط به مباحث کیهان شناسی، زمین شناسی، علوم پزشکی و... اشاره کرده است، که برخی مطالب علمی آن تا صدها سال بعد مورد پذیرش عموم مراکز علمی جهان نبود. برای مثال به موارد زیر توجه کنید:

ص: ۶۴

---

۱- ((۱)) مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶-۲۷۷ با تلخیص.

۲- ((۲)) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۵۶۴.

۳- ((۳)) البته از آنجا که این مطالب بصورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید.

۱. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن جهان از توده ای به هم پیوسته و گازی شکل: (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ) (فصلت / ۱۱)؛ «سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود.»

بسیاری از دانشمندان مطالب قرآن در مورد آغاز جهان را از اخبار غیبی و مطالب شگفت انگیز علمی قرآن می دانند،<sup>(۱)</sup> زیرا با نظریه ی انفجار بزرگ (مهبانگ)<sup>(۲)</sup> و جدا شدن جهان آسمان و زمین از همدیگر و توده گازی شکل بودن (دخان) هماهنگ است. ظاهر آیات قرآن با نظریه مشهور مهبانگ بطور شگفت انگیزی همخوان است و برخی مفسران بدان اذعان دارند.<sup>(۳)</sup> اما برخی محققان اعجاز علمی قرآن را در این مورد نمی پذیرند زیرا نظریه مهبانگ قطعی نیست و نظریه های رقیب (همچون نظریه مهبانگ و جهان پلاسما و حالت پایدار) در این مورد وجود دارد.<sup>(۴)</sup> و در مورد آیات فوق تفسیرها و روایات دیگری نیز وجود دارد.<sup>(۵)</sup>

۲. حرکت زمین:

(و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ) ۶؛ «و کوه ها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری.»

برخی مفسران از این آیه حرکت زمین را برداشت کرده و آن را از آیات علمی و اعجاز آمیز قرآن دانسته اند<sup>(۶)</sup> و برخی و صاحب نظران از آیات دیگر قرآن

ص: ۶۵

---

۱- ((۱)) طنطاوی (الجواهر، ج ۱۰، ص ۹۹) عبدالرزاق نوفل (القرآن والعلم الحديث، ص ۲-۱۶۳) و احمد محمد سلیمان (القرآن والعلم، ص ۳-۵۴) و محمد سامی محمد علی (الاعجاز العلمي فی القرآن الکریم، ص ۳۴) و محمد کامل عبدالصمد (الاعجاز العلمي فی الاسلام (القرآن الکریم) ص ۴۷).

۲- ((۲)) برای اطلاع از نظریه مهبانگ و دیدگاه مقابل آن نک: تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاولینگ، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵-۱۴۹، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

۳- ((۳)) نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸ و ج ۱۳، ص ۳۹۴-۳۹۵ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۹.

۴- ((۴)) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۵-۱۰۴.

۵- ((۵)) نک: المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸-۲۷۹ و صافی، ج ۳، ص ۳۴۷ و نمونه، ۱۳، ص ۳۹۶.

۶- ((۷)) نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸-۵۶۹.

(زخرف / ۱۰، طه / ۵۳، نبأ / ۶) حرکت زمین (۱) و برخی دیگر از سوره شمس / ۴ و نازعات / ۳۰ حرکت های وضعی و انتقالی زمین را برداشت کرده اند. (۲)

صرف نظر از اشکالاتی که به برداشت های فوق از آیات گرفته شده، (۳) قرآن بر خلاف نظریه حاکم و مشهور عصر نزول، از حرکت زمین خبر داده است زیرا نظریه بطلمیوس مبنی بر سکون و مرکزیت زمین در محافل علمی عصر نزول مشهور (۴) و حاکم بود (۵) و این بیانگر عظمت قرآن است.

۳. پیدایش حیات از آب:

(وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا) (انبیاء / ۳۰)؛ «و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم.» برخی صاحب نظران با استناد به سوره نور / ۴۵ که منشأ پیدایش موجودات را آب معرفی می کند، آن را مطلب شگفت انگیز بلکه اعجاز آمیز علمی قرآن می دانند. (۶) و گروهی دیگر از مفسران و دانشوران نیز به انطباق یافته های علوم تجربی با این آیات اعتراف کرده اند. (۷) البته مفسران در مورد این آیات معانی متعددی بیان کرده و گفته اند ممکن است مقصود از «آب» در این اینجا منی و نطفه یا ماده اصلی بدن موجودات زنده، یا مایع آب گونه ای که خلقت جهان از آن پدید آمده یا منشأ پیدایش نخستین

ص: ۶۶

- 
- ۱- ((۱)) نک: مرزهای اعجاز، پیشین، ص ۱۱۹، مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۳۵-۳۶، اعجاز قرآن، پیشین، ص ۱۳، القرآن يتجلى من عصر العلم، شیخ نزه القمیحا، ص ۱۴۹ و...
  - ۲- ((۲)) پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، ج ۲، ص ۱۱۰. [و برخی دیگر از سوره مرسلات / ۳۵ حرکت های متعدد زمین را استفاده کرده اند.] اعجاز قرآن، از نظر علوم امروزی، پیشین، ص ۸۰ به بعد.
  - ۳- ((۳)) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۷۰ به بعد.
  - ۴- ((۴)) قبل از اسلام برخی دانشمندان همچون فیثاغورس، فلوتیه خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی که قبل از بطلمیوس زندگی می کرده اند قائل به حرکت زمین بوده اند. (اسلام و هیئت، سیدهبه الدین شهرستانی، ص ۴۴).
  - ۵- ((۵)) تاریخ علوم، پی یر روسو، ص ۱۹۳ به بعد و خوابگردها، آرتور کوستلر، ص ۱۶۱ به بعد.
  - ۶- ((۶)) التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۳۴، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۴.
  - ۷- ((۷)) نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۴۴ و فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۶، ص ۱۱۱.

موجود از آب باشد. (۱) البته قبل از اسلام برخی فلاسفه یونان (مثل تالس) (۲) یادآور شده بودند که اصل هستی از آب است. پس مطالب آیات فوق شگفت انگیز بوده و عظمت قرآن را می رساند ولی اعجاز علمی آن را اثبات نمی کند. (۳)

۴. ممنوعیت شرابخواری و اعلام زیان ها:

(يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا) ۴؛ «در باره شراب و قمار از تو سوال می کنند، بگو در آنها گناه (و زیان) بزرگی است، و منافی برای مردم در بردارد. [ولی] گناه آن ها از نفعشان بیشتر است.»

در برخی آیات قرآن ممنوعیت نوشیدن شراب به صراحت اعلام شده (۴) و در برخی به ضررهای آن اشاره شده (۵) و در برخی به اشاره از آن نهی شده است (۶).

بسیاری از پزشکان، صاحب نظران و مفسران در مورد زیان های شراب و شرابخواری مطالب فراوانی نوشته و با شگفتی از این مطلب قرآن یاد کرده اند (۷) زیرا قبل از اسلام شرابخواری یک عادت بشری بوده همانطور که در عصر حاضر در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان اینگونه است و حتی تورات و انجیل کنونی نیز به نوعی شرابخواری را تشویق کرده است. (۸) ولی اسلام با این پدیده زیان آور برخورد کرد و این یکی از خدمات اعجاز آمیز

ص: ۶۷

---

۱- ((۱)) نک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۵۰۸-۵۰۹ و الكون والانسان بن العلم والقرآن، بسام دفضع، ص ۱۲۲-۱۲۳، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۲.

۲- ((۲)) فلسفه یونان، محمد غلاب، ج ۱، ص ۸ و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب، ترجمه مبشری، ص ۶۹-۷۰.

۳- ((۳)) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۳.

۴- ((۵)) مائده / ۹۰-۹۱.

۵- ((۶)) بقره / ۲۱۹.

۶- ((۷)) نحل / ۶۷ و نساء / ۴۳.

۷- ((۸)) نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۳۴۷.

۸- ((۹)) نک: کتاب مقدس، سفر تثینه، باب ۱۴، شماره ۲۶ و انجیل متی، باب ۲۶، شماره ۲۹.

قرآن به بشریت بود.

۵. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

(وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) ۱.

قرآن کریم در آیه فوق به مردان دستور می دهد در حالت عادت ماهیانه از نزدیکی با زنان دوری کنید و آن را زیانبار معرفی می کند. برخی از پزشکان، صاحب نظران و مفسران نیز زیان های این کار را برشمرده و با دیده اعجاب به قرآن نگریسته اند. (۱)

۶. برخی موارد دیگر از آیات قرآن نیز اشاره علمی شگفت آمیزی در بردارد؛ از جمله: در مورد واژه «صمد» (توحید / ۲) و ارتباط آن با فضای خالی داخل اتم ها (۲) و نیز نکته شگفت آمیز علمی قرآن در مورد صفت «لطیف» و خلق موجودات ریز که با چشم درک نمی شوند، (۳) نکته اعجاز آمیز علمی قرآن در مورد آتش درون شاخه های سبز درختان (یس / ۸۰) (۴) و نکته علمی قرآن در مورد اینکه آسمان دنیا محل کرات آسمانی است که برخلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی بوده است (۵) و در مورد تشبیه شرح صدر به صعود در آسمان و تنگی نفس در اثر کمبود هوا (انعام / ۱۲۵)، (۶) در مورد اینکه کوهها همچون میخ و زره محکم زمین را از لرزش حفظ می کنند (۷)؛

ص: ۶۸

۱- (۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳-۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰-۵۱.

۲- (۳) نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰.

۳- (۴) همان، ج ۵، ص ۳۸۷-۶.

۴- (۵) همان، ج ۱۸، ص ۴۶۶-۴.

۵- (۶) همان، ج ۱۹، ص ۱۶-۱۷.

۶- (۷) همان، ج، ص ۴۳۵.

۷- (۸) همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

یادآوری: موارد فوق مطالب و اشارات علمی شگفت آمیزی است که در محیط عرب جاهلی صدر اسلام و توسط یک پیامبر درس ناخوانده بیان شده است، از این رو تعجب هر خواننده ای را بر می انگیزد و او را به تحسین قرآن وامی دارد.

ج: اشارات علمی اندیشه ساز قرآن:

آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می کند و انسان را به تفکر در آنها دعوت می کند و گاهی آنها را نشانه خدا و معاد می شمرد. ولی مطلب شگفت آمیز یا اعجاز آمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، اینگونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می کند و زمینه را برای رشد علمی بشر، به ویژه در علوم تجربی فراهم می سازد.

مثال: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ) ۱؛ «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است؟!»

و نیز در آیات ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴ سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آنها و فواید غذایی و زیورآلاتی که از آنها بدست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره می کند تا به آفرینشگر جهان پی ببرند و سپاسگزاری کنند. (۱)

ص: ۶۹

---

۱- (۲) البته در میان آیات ۵-۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت آور دیگری نیز وجود دارد.



\*پرسش:

## آیا معجزه یک قانون علمی است؟

\*پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش به دو بُعد رابطه معجزه با قانون می پردازیم.

الف. معجزه و قانون علمی

صرف نظر از اینکه در فلسفه علم در جهان امروز قانون علمی داریم یا نه، قانون علمی دو ویژگی اساسی دارد:

اول آنکه «LOW» قانون قاعده ای قابل تکرار است. دوم آنکه برگرفته از تجربه است از این رو علم تجربی به شمار می آید. معجزه قانونمند است اما قانون علمی (به معنای علم تجربی) نیست. یعنی تنها وجه مشترک معجزه با قوانین علوم تجربی قانونمندی است اما چند تفاوت اساسی با آنها دارد:

۱. معجزه توسط انسان های دیگر قابل تکرار نیست و اصلاً معجزه بودن معجزه به آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند، اما قانون علمی تجربه ای قابل تکرار است.

۲. منشأ معجزه اراده الهی است در حالی که قانون علمی از تجربه انسانی به دست می آید.

۳. معجزه کاری بر خلاف قانون طبیعی عادی است هر چند که خود تابع قانون علیت است و نفی علت نمی کند. (همانطور که در ادامه می آید) اما قانون علمی بر طبق روند عادی طبیعت است.

ب. معجزه و قانون علیت:

برای تبیین این مطلب باید نخست معجزه را مفهوم شناسی کنیم تا عناصر اصلی آن و رابطه آن با مقولات دیگر مثل علیت، کرامت و سحر روشن شود.

ص: ۷۰

ماهیت معجزه و تفاوت آن با امور خارق العاده دیگر:

مقدمه: (تاریخچه)

در طول تاریخ همیشه بشر با اعمال خارق العاده برخی انسانها روبرو می شده است. این اعمال خارق العاده همواره برای انسان اعجاب و تحسین برانگیز بوده و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی ایمانی او شده است.

پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می کردند و دیگران را به مبارزه برای آوردن مثل آن (تحدی) دعوت می کردند و آن را شاهد صدق نبوت خویش می شمردند. اما در مقابل این مردان حق طلب کسانی بودند که اعمال خارق العاده ای انجام می دادند که سحر نامیده می شد و گاهی امر بر مردم مشتبه می گشت که کدامیک حق است. از این رو مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحر می زدند.

تاریخ دقیقی از اولین معجزه در دست نیست اما می دانیم که پیامبران الهی معمولاً معجزه داشته اند به طوری که مردم از هر پیامبر جدیدی معجزه می طلبیدند. اما برآستی ماهیت معجزه چیست؟ و چه تفاوتی با کرامت و سحر دارد؟ پاسخ به این پرسشها موضوع این نوشتار است.

معجزه و واژه های قرآنی آن

قرآن کریم واژه «آیه» و «بینه» و «برهان» و «سلطان» را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران بکار برده و از واژه «معجزه» در این موارد استفاده نکرده اما اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه «معجزه» است. ما در این بخش ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی این واژه ها را مورد بررسی قرار می دهیم:

اول: معنای لغوی واژه ها

الف: «آیه»

واژه «آیه» در لغت به معنای «علامت و نشانه» است و آن چیز ظاهری و

ص: ۷۱

ملازم با چیز غیر ظاهری است (۱) و برخی لغت شناسان گفته اند: آیه چیزی است که مورد توجه و قصد به سوی مقصود واقع شود. و وسیله ای برای رسیدن به مقصود است. (۲)

قرآن کریم واژه «آیه» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است. مثال:

(بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتِرَاءُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ) ۳؛ «بلکه گفتند خوابهای شوریده است، [نه] بلکه آن را بر بافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه ای [معجزه ای] بیاورد.»

(وَ رَسُولًا- إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ... ۴)؛ «و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می فرستد، که او به آنان می گوید:] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه [معجزه] آورده ام. من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم آنگاه در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده ای می شود.»

ب: «بینه»

واژه «بینه» در لغت به معنای «دلیل واضح» آمده است چه عقلی یا محسوس باشد. (۳) برخی لغویین گفته اند: که (از ریشه بین) معنی حقیقی آن انکشاف و وضوح بوسیله جدا کردن و تفریق است و «آیه» و «بینه» بمعنی امری است که کشف شده و از بین امور عادی جدا شده است. (۴)

ص: ۷۲

۱- (۱) مفردات راغب اصفهانی، واژه آی.

۲- (۲) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، واژه «آیه».

۳- (۳) مفردات راغب اصفهانی، واژه بین.

۴- (۴) مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷، واژه بین.

قرآن کریم در مواردی از معجزات انبیاء تعبیر به «بینه» کرده است، مانند:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءتُكُم بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۝۱﴾؛ «و به سوی [قوم] ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم] گفت: ای قوم من، خدا را پرستید، برای شما معبودی جز او نیست، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده ای شگرف است.»

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءتُهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۝۲﴾؛ «آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است. فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند.»

ج: «برهان»

واژه «برهان» در لغت به معنای بیان، حجت و وضوح آن می آید. (۱)

و برخی لغت شناسان بر آنند که اصل کلمه «برهان» از مصدر بَرَه به معنی «ابيض» است و به هر کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفاء ندارد، گویند. برهانان (قصص / ۳۲) به معنی دو امر روشن و دو آیه واضح (دو معجزه) برای اثبات دعوت حضرت موسی علیه السلام است. (۲) واژه «برهان» به معنای «دلیل» هم می آید که یک اصطلاح منطقی است (۳) و خارج از معنای لغوی است. قرآن کریم در برخی موارد واژه «برهان» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است. برای مثال در سوره قصص پس از آنکه عصای موسی علیه السلام و ید بیضاء را مطرح می کند می فرماید:

ص: ۷۳

۱- (۳) مفردات راغب اصفهانی، ماده برهن و نیز زمخشری، اساس البلاغه و قیومی، مصباح المنیر.

۲- (۴) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳ ماده برهن.

۳- (۵) ر. ک: مظفر، المنطق.

فَصَدَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ) ۱؛ «این دو [نشانه] دو برهان از جانب پرورگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری]» و در سوره نساء می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا) ۲؛ «ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.»

مفسران در این آیه دو احتمال را در مورد کلمه «برهان» مطرح کرده اند، یکی قرآن و دیگری پیامبر صلی الله علیه وآله (۱) و این در حالی است که قرآن معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است.

د: «سلطان»

سلطان از نظر لغوی به معنای تسلط قهری است و به دلیل و حجت نیز سلطان گویند؛ چون بر قلوب افراد مسلط می شود. (۲) قرآن کریم در برخی آیات تعبیر «سلطان» را در مورد معجزه به کار برده است، مانند:

(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ... ) ۵؛ «پیامبرانشان به آنها گفتند درست است که ما بشری همانند شما هستیم ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته ببیند) نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند) و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز به فرمان خدا بیاوریم.» (۳)

ه :- «معجزه»

این واژه از ریشه «عجز» است و لغت شناسان معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده اند:

ص: ۷۴

---

۱- (۳) المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰.

۲- (۴) مفردات راغب، ماده سلط.

۳- (۶) تفسیر نمونه نیز کلمه سلطان را در این آیه به معنای معجزه دانسته اند (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۳).

۱. برخی ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود. (۱)

۲. گروهی دیگر اصل این لغت را به معنای «ضعف» می‌دانند. (۲) لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوزه» گویند.

۳. برخی آن را به معنای فوت (از دست رفتن) چیزی می‌دانند. (۳)

۴. برخی لغت شناسان آن را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» دانسته‌اند. (۴)

۵. برخی دیگر آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته‌اند. (۵)

نتیجه: به نظر می‌رسد ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» در مقابل قدرت است و این ضعف دارای مراتبی است و به همین لحاظ زنان کهن سال را عجوزه گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرک و زایش خود را از دست داده‌اند؛ به مؤخر و پشت انسان نیز «عَجَز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است.

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نمی‌شود امّا در موارد متعددی این لغت به شکل‌های گوناگون به کار رفته است.

مثال: «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) که مقصود همان ضعف و عجز در تولید فرزند است.

«أعجزت» (مائده/ ۳۱) که مقصود همان ضعف و نفی اقتدار است.

«معجزین» (سبأ/ ۳۸) که استمرار حالت عجز است.

ص: ۷۵

---

۱- (۱) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی و نیز ابن فارس، مقایس اللغه، این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می‌کند.

۲- (۲) مفردات راغب این را به معنای ثانوی لغت عجز می‌داند ولی مقایس آن را یکی از دو معنای اصلی می‌داند.

۳- (۳) ر. ک: فیومی، مصباح اللغه واقرب الموارد، ج ۲، ماده عجز، (این معنا در هنگامی است که در مورد - اشیاء بکار رود - اعجزه شیء).

۴- (۴) همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود - أعجزت زیداً).

۵- (۵) همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود - عَجَزْتَه تعجیزاً).

«معجزی الله» (توبه / ۲) که مقصود آن است که خدا ضعیف نمی شود.

«معجزین» (انعام / ۱۳۴، فصلت / ۳۱، نور / ۵۷، عنکبوت / ۲۲)

«لیعجزه» (فاطر / ۴۴) که مقصود ایجاد عجز است.

«اعجاز» (قمر / ۲۰ - حاقه / ۷) که مقصود ریشه های درخت خرماس است که بعد از کنده شدن از زمین حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می کند.

نکته اول: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر و تسلط و تفوق و حکومت است. (۱)

نکته دوم: جالب اینکه لغت «معجزه» در روایات اهل بیت علیهم السلام به معنای اصطلاحی به کار رفته است و معلوم می شود که این لغت از زمان ائمه علیهم السلام کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می رفته است.

برای مثال به این روایت توجه کنید:

عن الصادق علیه السلام: «المعجزه علامه لله لایعطيها الا انبياءه ورسله وحججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب» (۲)؛ «معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت های خویش عطا نمی کند تا بوسیله آن راستگویی راستگویان از دروغگویی دروغگویان باز شناخته شود.»

دوم: معنای اصطلاحی معجزه:

بحث معجزه حداقل در چهار علم؛ تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است. گویند برخی از قدماء آن را جزیی از علم اصول می دانسته اند. (مثل شیخ طوسی و طبرسی) (۳) و برخی دیگر (مانند خواجه

ص: ۷۶

---

۱- (۱) حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱، و نیز میزان الحکمه، ج ۶، ص ۶۶.

۳- (۳) ر. ک: تفسیر تبیان، ص ۳ و شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰ و علامه طباطبایی رحمه الله اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزا محمد، ص ۹. (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد. نه اصول الفقه).

طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملافتح الله کاشانی(۱) آن را در علم کلام (عقاید) مطرح کرده اند و بعضی مفسران (مثل علامه طباطبایی در المیزان و آیه الله طیب در اطبیب البیان و...) (۲) آن را در لابلای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیاء مطرح کرده اند. اما گروهی نیز (مثل سیوطی در الاتقان و آیت الله معرفت در التمهید) (۳) آن را در علوم قرآن مطرح کرده اند.

ما در این نوشتار قصد بیان جایگاه حقیقی این بحث را نداریم اما شاید طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف از ابعاد گوناگون این بحث ناشی شده باشد که هر گروهی از زاویه ای خاص بدان نظر کرده اند و از این رو، تعریف های متفاوتی نیز از آن ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. خواجه طوسی رحمه الله معجزه را اینگونه تعریف کرده است:

«راه شناخت راستگویی پیامبر این است که توسط او معجزه ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود.» (۴) و سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می کند:

الف: امّت شخص معجزه گر از آوردن مثل آن عاجز باشند.

ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.

ج: معجزه در زمان تکلیف باشد.

د: معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه گر، مدعی نبوت دیگری نباشد. (۵)

و: آن عمل خارق عادت باشد.

ص: ۷۷

---

۱- (۱) ر. ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴ و نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲- (۲) ر. ک: اطبیب البیان، ج ۱، ص ۴۰-۵۹ و المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد.

۳- (۳) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳.

۴- (۴) خواجه طوسی و علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۵- (۵) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.



۲. سیوطی در الاتقان معجزه را اینگونه تعریف کرده است: «امر خارق عادتی که همراه با تّحدی و سالم از معارضه باشد.» (۱)

۳. آیت الله خوئی رحمه الله در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می آورد به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد.»

و سپس ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می سازد:

الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلاً ادعای خدایی نکند).

ب: آنچه می گوید بر طبق آن انجام دهد.

ج: عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.

د: تّحدی (مبارزه طلبی) کند. (۲)

۴. علامه طباطبایی رحمه الله در تعریف معجزه می فرماید:

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماوراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرّف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است.» (۳)

ایشان در جای دیگر می نویسد:

«معجزه» یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست امر خارق العاده ای است که برای اثبات حق و مقارن با تّحدی (دعوت به مقابله) تحقّق پیدا می کند... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی

اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته ایم و آنها را می شناسیم.» (۴)

ص: ۷۸

---

۱- (۱) سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳.

۲- (۲) البیان، ص ۱۰۳.

۳- (۳) المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

۴- (۴) علامه طباطبایی رحمه الله، اعجازقرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۵. ایجی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه بوسیله آن قصد شود که راستگویی مدعی نبوت را ظاهر کند.» و سپس هفت شرط برای معجزه بیان می کند: کار خدا باشد، خارق عادت باشد، کسی نتواند با آن معارضه کند، توسط مدعی نبوت انجام شود، موافق ادعای او باشد، معجزه او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند)، معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد. (۱)

۶. استاد مصباح یزدی می نویسد:

«معجزه عبارت است از، امر خارق العاده ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد. (۲)

۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته اند:

«دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییر در وجود - کوچک یا بزرگ - که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه بدست می آید به مبارزه می طلبد. (۳)

نقد و بررسی

بررسی و نقد همه تعاریف از حوصله این نوشتار خارج است اما می توان گفت برخی تعاریف ناقص و برخی دیگر قابل نقض است. (جامع و مانع نیست) در اینجا به پاره ای از اشکالات آنها اشاره می کنیم:

۱. یکی از شرایطی که علامه حلی در کشف المراد بیان کرده این بود که:

مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد. تا معلوم شود معجزه از او صادر شده است. در حالی که برخی پیامبران همزمان بوده اند مثل حضرت ابراهیم و لوط، و ممکن است هر دو معجزاتی داشته اند.

ص: ۷۹

---

۱- (۱) ایجی، شرح مواقف، ص ۵۴۷.

۲- (۲) آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دوجلدی).

۳- (۳) سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر رحمه الله نقل کرده است.

۲. در تعریف های علامه طباطبایی رحمه الله از معجزه قیدهای دیگری هم لازم بود مثل اینکه «معجزه مغلوب واقع نمی شود - دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و...»

۳. در تعریف ایجی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد.»

در حالی که این عین ادعایی است که معجزه می خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است. پس نمی تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد و از طرف دیگر گفته بود که معجزه راستگویی (صدق) نبوت را ظاهر می کند در حالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

معجزه (آیه، بینه، برهان) عبارت از چیزی (کار، سخن، شیء) است که این ویژگی ها و عناصر را داشته باشد:

الف: خارق عادت باشد. یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند.

البته معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست بلکه ارتکاب محال عادی است و نیز معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست چرا که تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی و غیر عادی است.

ب: از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود.

پس اگر چیز خارق عادت قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد نمی تواند دلیل ادعای نبوت باشد و نیز اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود کرامت خوانده می شود و معجزه ی اصطلاحی نیست.

پ: همراه با تحدی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.

ت: مغلوب واقع نشود و دیگران نیز از آوردن مثل آن عاجز باشند.

یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی تر نقض شود و یا از بین رود.

ث: برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نباشد.

پس معجزه نمی تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) باشد.

ج: از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.

چ: معجزه گواه صدق مدعی باشد.

یعنی آنچه که ادعا شده همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده، کور را شفا می دهد به جای آن که شفا پیدا نکند و نیز آن معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند. مثلاً به سخن آید و بگوید این مدعی دروغگو است.

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول: جهت معجزه گر است (که باید مدعی منصب الهی و تحدی کننده و... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد).

دوم: جهت خود معجزه است. (که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شر هم نباشد).

سوم: جهت مردمی که برای آنها معجزه صورت می گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند).

تفاوت های معجزه با خوارق عادات دیگر

معجزه یک عمل خارق عادت است و مثل بقیه اعمال خارق عادت علتی

برتر از علل طبیعی دارد. که علامه طباطبایی از آن تعبیر به «اراده» می کرد. حال برماست که تفاوت معجزه را با خوارق عادات دیگر مثل سحر، کرامت و... بیان کنیم:

قرآن کریم (بقره/ ۱۰۲ و طه/ ۶۶) به سحر و جادو اشاره کرده است و این عمل خارق العاده در شریعت اسلام حرام شمرده شده است<sup>(۱)</sup> و در قوانین اسلامی، ساحر محکوم به اعدام می شود. تفاوت های اساسی سحر با معجزه عبارتند از:

۱. معجزه قابل تعلیم و تعلّم نیست بلکه عنایتی الهی و باذن خداست. اما سحر قابل تعلیم و تعلّم است. یعنی انسان می تواند نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز اشاره ای به قابل تعلیم بودن سحر شده است (يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ).<sup>(۲)</sup>

۲. معجزه سببی غیر مغلوب دارد چون مَتَکِی به قدرت نامحدود خداست یعنی امری نامحدود و حق است که کسی بر آن مسلط نمی شود و باطل نمی گردد، اما سحر و ساحر مراتبی دارند و هر جادویی با جادوی برتر مغلوب و باطل می گردد. یعنی امری محدود و باطل است. چون مَتَکِی بر قدرت محدود انسان است. علامه طباطبایی رحمه الله تفاوت اصلی سحر و معجزه را همین مطلب می داند.<sup>(۳)</sup>

۳. معجزه همراه با تَحِدِی (مبارزه طلبی) است یعنی معجزه گر دیگران را دعوت می کند که مثل آن معجزه را بیاورند. و همینکه نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند حقانیت آن معجزه و معجزه گر به اثبات می رسد.

قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه این مبارزه طلبی را در موارد متعددی اعلام می کند.<sup>(۴)</sup>

ص: ۸۲

---

۱- (۱) ر. ک: امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷ مسأله ثالث و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲- (۲) بقره/ ۱۰۲.

۳- (۳) المیزان، ج ۱، ص ۸۲ و نیز ر. ک: استاد مصباح، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ (دو جلدی).

۴- (۴) (إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ... (بقره/ ۲۳)

۴. معجزه می تواند ماهیت چیزی را عوض کند اما سحر ماهیت چیزی را عوض نمی کند (قلب ماهیت نمی کند) یعنی جادوگر، شعبده باز و... با مهارت در قوه بینایی یا خیال افراد تصرف می کنند و چیزی را بر خلاف واقعیت آن نمایش می دهند. برای مثال کاغذی را تبدیل به اسکناس درشت می کنند و پس از ساعاتی همان کاغذ اصلی در دست شماست. قرآن کریم نیز به خیالی بودن سحر اشاره کرده است. (۱) اما در معجزه اینگونه نیست مثلاً اگر انسانی مسخ شد واقعاً تغییر ماهیت می دهد و کاذب نیست.

۵. سحر ممکن است به دیگران ضرر بزند و اختلاف بین زن و شوهر بپندارد همانطور که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره ای دارد (۲) و از این رو علامه طباطبایی رحمه الله در مورد سحر، کهانت و... تعبیر «شور» را بکار می برد. (۳) اما معجزه خیر و برای هدایت بشر است و اگر برای دیگران ضرر داشته باشد، نقض غرض می شود و خلاف حکمت الهی است و بنابراین معجزه موجب ضرر به دیگران نیست.

۶. معجزه قابل تکرار نیست چون اختیار آوردن آن بدست انسان نیست بلکه باذن خدا است. اما سحر قابل تکرار است چون این ساحر است که تصمیم می گیرد آن عمل انجام شود یا نشود.

۷. تفاوت در هدف: معجزه هدفی عالی و تربیتی دارد یعنی هدف آن اصلاح جامعه و عقاید مردم است. اما سحر و ساحران معمولاً اهداف

بی ارزش و دنیایی دارند. و گاهی بی هدف هستند. (۴)

۸. تفاوت در پدیده آورنده: حالات و صفات پدید آورندگان معجزه و سحر متفاوت است.

ص: ۸۳

---

۱- (۱) ((فَإِذَا جَاءَهُمْ وَ عَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى)) (طه / ۶۶)

۲- (۲) ((فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ)) (بقره / ۱۰۲)

۳- (۳) المیزان، ج ۱، ص ۸۲.

۴- (۴) برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸-۳۵۹.

معجزه گران، انبیای الهی هستند که دارای صفات عالی انسانی مثل پاکدامنی، حق طلبی و پارسایی می باشند و برای پول و ثروت و مقام و منافع شخصی کار نمی کنند. بلکه هدف آنها هدایت مردم و اصلاح جامعه است. اما ساحران افرادی منحرف و اغفال گر و سودجو هستند. که هرگز روی رستگاری نمی بینند (وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ). (۱) و (۲).

تذکر: همین تفاوت ها غالباً در مورد تفاوت معجزه با اعمال مرتاضان نیز صادق است.

مرتاضان با نوعی ورزش جسمی - روحی توانایی انجام کارهای خارق عادت را پیدا می کنند که در آن موارد نیز اراده شخص مرتاض همراه با اسباب غیر عادی در کار است. (۳)

ب: تفاوت معجزه و کرامت

معجزه و کرامت هر دو عمل خارق العاده است که متکی بر نیروی ماوراء طبیعی است. اما چند تفاوت دارند:

۱. معجزه همراه با تحدی (مبارزه طلبی) است امّا کرامت اینگونه نیست. از این رو کراماتی که از اولیاء الهی صادر می شود. مثل شفا دادن بیماران توسط امام رضا علیه السلام همراه با تحدی نیست.

۲. معجزه همراه با ادعای نبوت یا منصبی الهی است امّا کرامات اینگونه نیست و صاحب کرامت ممکن است هیچ گونه ادعایی نداشته باشد.

۳. کرامات از اولیاء الهی صادر می شود چه پیامبر یا امام باشند یا نباشند. امّا معجزه از کسی صادر می شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد.

تذکر: البته معجزه و کرامت هر دو از امور خارق العاده الهی شمرده می شود که قابل تعلیم و تعلم نیست و تحت تأثیر نیروی قوی تری واقع نمی شود و

ص: ۸۴

---

۱- (۱) یونس / ۷۷.

۲- (۲) برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۳- (۳) ر. ک: علامه طباطبائی رحمه الله، اعجاز قرآن، ص ۱۲۲.

مخصوص بندگان خاص خداست. (۱) پس انسان هایی که پیامبر یا امام نیستند هم می توانند اعمال خارق عادت داشته باشند که به آنها کرامت می گوئیم.

قرآن کریم به دو نمونه از این کرامات اشاره کرده که مورد استدلال متکلمان و مفسران نیز واقع شده است. یکی کرامات حضرت مریم علیها السلام (مریم / ۱۶ به بعد) و دوم داستان آصف و آوردن تخت بلقیس برای سلیمان (نمل / ۳۸-۴۰). (۲)

تناسب معجزه با زمان

پیامبران الهی هنگام مبعوث شدن مطابق شرایط زمانی، مکانی و سطح علمی مردم مطالبی درخور فهم آنان می آوردند و بیان می کردند. حتی معجزات انبیاء متناسب با علوم پیشرفته زمان خودشان بود. تا مردم فرزانه زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند.

یعنی هر پیامبری با خارق عادت، از نوع پیشرفته ترین علوم زمان خویش مجهز بوده است تا ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت روشن تر گردد و دانشمندان عصر در برابر آن خضوع و به حقانیت آن اعتراف کنند.

در حدیثی آمده که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: که چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است. حضرت فرمودند:

ص: ۸۵

- 
- ۱- (۱) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: استاد مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ و کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی و خواجه طوسی، ص ۳۵۱.
- ۲- (۲) همان ها.



«در عصر موسی سحر غالب بود و موسی علیه السلام عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق العاده ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند.

و در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه ها، کلام و شعر) بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خدا مواظب و حکمت هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجّت بر آنها تمام شد.»<sup>(۱)</sup>

البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است بلکه از آنجا که معجزه ای جاویدان و برای همه زمان و مکان ها و مردم تا قیامت است. ابعاد اعجاز قرآن متنوع است و برای هر مردمی جنبه ای از اعجاز آن تبلور می یابد و درخشش دارد.

ص: ۸۶

---

۱- ((۱)) کافی، ج ۱، ص ۴-۵ و علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹.

**منابعی در زمینه قرآن و علم و سیر مطالعاتی آن معرفی کنید.**

\*پاسخ:

سیر مطالعاتی در زمینه قرآن و علم

مرحله اول: آشنایی با مطالب قرآن و علم

۱. رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. پیش‌گویی‌های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.

۳. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه مهندس ذبیح‌الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. آشنایی با تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی و ناصر رفیعی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

۵. شگفتی‌هایی از اعجاز در قرآن کریم، محمد جمال‌الدین الفندی، ترجمه حسین میردامادی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۶. استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، علیرضا نیکبخت نصرآبادی، نشر قبله.

۷. قرآن و علم امروز، عبدالغنی خطیب، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، موسسه مطبوعاتی عطایی.

۸. آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات مشهور.

مرحله دوم: شناخت اعجاز علمی قرآن، نقد و بررسی موارد و مبانی آن

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین.

۲. اشارات علمی اعجاز‌آمیز قرآن، همان، نشر معارف.

۳. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد فکری علامه طباطبایی.

مرحله سوم: شناخت تاریخچه تفسیر علمی و رابطه علم و دین و حوزه ها و قلمرو و تعارضات ادعایی و راهکارهای آنها

۱. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی محمدی.

۳. رابطه علم و دین، محمدعلی رضائی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴. التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دکتر عمر ابو حجر، دارقنیه، بیروت.

۵. قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی، امیرکبیر.

مرحله چهارم: شناخت عمیق رابطه قرآن و یکی از علوم انسانی یا طبیعی

۱. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، انتشارات صحفی.

۲. دارونیسیم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۳. تکامل در قرآن، علی مشکینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. دانش عصر فضا، حسین نوری، نشر مرتضی.

۵. قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶. الالوان فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی، ابن حزم.

۷. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، چاپ اسلامیه.

۸. فلسفه احکام، احمد اهتمام، چاپخانه اسلام، اصفهان.

۹. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، رشاد خلیفه، سازمان چاپ دانشگاه شیراز.

۱۰. اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، عبدالعزیز اسماعیل پاشا، سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان.

۱۱. نگاهی قرآنی به فشار روانی، اسحاق حسینی کوهساری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

\*پرسش:

**لطفاً نشانی پایگاههای شبکه جهانی (اینترنت) و نرم افزارهای قرآنی را معرفی کنید.**

\*پاسخ:

برخی از پایگاه های قرآنی با رویکرد تفسیری و پژوهشی در موضوعات قرآنی:

۱. دایره المعارف قرآن در پایگاه حوزه: [WWW.hawzeh.net](http://WWW.hawzeh.net)

قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر موضوعی و ترتیبی، دایره المعارف قرآن و اهل بیت و...

زبان: فارسی

۲. پایگاه مرکز جهانی آل البیت علیهم السلام: [WWW.quran-al.shia.com](http://WWW.quran-al.shia.com)

جستجو در قرآن، ارائه متن تفاسیر، طرح مباحث مختلف پیرامون قرآن و...

زبان: فارسی (و ۲۳ زبان دیگر)

۳. قرآن در پایگاه غدیر: [WWW.qhadeer.org](http://WWW.qhadeer.org)

متن کامل ترجمه تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، آثار تفسیری شهید مطهری و...

زبان: فارسی

۴. مرکز فعالیت ها و پژوهش های قرآن و عترت: [www.tasnimnet.net](http://www.tasnimnet.net)

معرفی هزار پایان نامه دکترا و ارشد با موضوع قرآن

زبان: فارسی، عربی و انگلیسی

۵. قرآن در جست و جو گر پایگاه های شیعی [www.shiasearch.com](http://www.shiasearch.com)

در بخش قرآن کریم معرفی ۱۳۴ پایگاه اسلامی و قرآنی اینترنت به صورت کاملاً تفصیلی و با فهرست جزئیات هر پایگاه.

زبان: فارسی، عربی، انگلیسی، اردو.

۶. پایگاه قرآن کریم: [www.holyquran.net](http://www.holyquran.net)

تفسیر قرآن، مقالاتی در زمینه قرآن و...

زبان: عربی

۷. کتابخانه قرآنی: [WWW.al-shia.com/html/far/qur/kotob.htm](http://WWW.al-shia.com/html/far/qur/kotob.htm)

ارائه تعداد زیادی از کتاب های تفسیری و علوم قرآنی

زبان: فارسی

۸. قرآن برای نوجوانان: [www.playandlearn.org/quran/inde.html](http://www.playandlearn.org/quran/inde.html)

شامل کتاب های کوچک و جذاب قرآنی برای کودکان و نوجوانان

زبان: انگلیسی

۹. پایگاه قرآن و علم: (مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی)

[WWW.quransc.com](http://WWW.quransc.com), Email: [info@quransc.com](mailto:info@quransc.com)

[quran@quransc.com](mailto:quran@quransc.com)

معرفی چند نرم افزار قرآنی:

۱. جامع التفاسیر

لوح فشرده اختصاصی در موضوع تفسیر و علوم قرآنی، در بردارنده ۶۰ دوره منبع تفسیری، همراه امکانات جانبی صوت، نمایش قرآن و...

۲. صراط

دارای موضوع نگاری ۲۰ دوره تفسیر، گزارش موضوعات تفاسیر به روش الفبایی - موضوعی، شناخت تفاسیر، سبک تفسیری و...

۳. نورالانوار (۲)

دارای ۹ تفسیر فارسی و عربی، با قابلیت جست و جوی واژه ها در متن تفاسیر.

منبع جهت مطالعه:

فصلنامه پژوهش و حوزه شمارگان ۱۹ و ۲۰، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، دو مقاله پژوهش گاه های قرآنی در اینترنت و نگاهی به نرم افزارهای پژوهشی قرآنی، اثر محمد خامه گر.

ص: ۹۰

\*پرسش:

## فهرستی از موضوعات تحقیقی در مورد قرآن و علم همراه با منابع ارائه فرمایید؟

\*پاسخ:

موضوعات مناسب تحقیق و پایان نامه در حوزه قرآن و علم

اول: کلیات

۱. قرآن و علم (رابطه، قلمرو، توهم تعارض و راهکارها)
۲. شمارگان آیات علمی قرآن و تقسیم بندی های دلالت آنها
۳. اعجاز علمی قرآن (تعریف و موارد آن)
۴. مبانی تفسیر علمی قرآن
۵. نظریه پردازی های علمی قرآن (وجود موجودات در آسمان ها - گسترش جهان و...)
۶. سیر تاریخی تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن
۷. بررسی ادعاهای جدید در مورد اعجاز علمی قرآن
۸. کتاب شناسی توصیفی تفسیر علمی
۹. اعجازهای علمی قرآن در تفسیر نمونه
۱۰. تفسیر آیات علمی قرآن در تفسیر نمونه
۱۱. تفسیر علمی در احادیث تفسیری فریقین
۱۲. آسیب شناسی تفسیر علمی قرآن در تفاسیر قرن سیزدهم - قرن چهاردهم
۱۳. نقد و بررسی برخی کتاب های تفسیر علمی و اعجاز علمی
۱۴. نقد و بررسی تفسیر الجواهر طنطاوی
۱۵. نقد و بررسی تفسیر القرآن هو الهدی والفرقان (سرسید احمدخان هندی)





۱۶. روش شناسی تفسیر علمی قرآن

۱۷. بررسی تاثیرات تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن در هدایت افراد

۱۸. ترجمه و بررسی مقاله قرآن و علم در دایره المعارف قرآن لیدن

۱۹. ترجمه و نقد دو مقاله تفسیر در عهد باستان و تفسیر در عهد جدید دایره المعارف قرآن لیدن

۲۰. تفسیر علمی قرآن از منظر خاورشناسان.

۲۱. سرچشمه های تفسیر علمی در احادیث اهل بیت علیهم السلام

دوم: علوم طبیعی

۱. قرآن و کیهان شناسی

الف. بررسی آیات و احادیث کیهان شناسی

ب. بررسی هفت آسمان در قرآن و حدیث

۲. قرآن و زمین شناسی

۳. قرآن و زیست شناسی

۴. قرآن و گیاه شناسی

۵. قرآن و علوم پزشکی

الف. بررسی احادیث طبی

ب. مراحل آفرینش انسان

ج. اسرار علمی غذاهای حرام در قرآن

د. اسرار علمی غذاهای حلال (طیب) در قرآن

ه. - تغذیه از منظر قرآن

و. شراب از منظر قرآن، حدیث و علم

۶. قرآن و محیط زیست

۷. قرآن و فیزیک (موضوع نیروی جاذبه و رنگ و نور در قرآن)

۸. قرآن و علوم فرا روان شناسی (هپنوتیزم، تله پاتی، سحر، چشم زخم و...)

ص: ۹۲

۹. بررسی اعجاز ریاضی قرآن

۱۰. قرآن و نظریه تکامل

۱۱. آفرینش جهان از منظر قرآن و علم

۱۲. پایان جهان از منظر قرآن و علم

۱۳. بهداشت جسمی در قرآن

الف. بررسی بهداشت جسمانی در قرآن و حدیث

۱۴. شفا بودن غسل

سوم: علوم انسانی

۱. قرآن و مدیریت

۲. قرآن و اقتصاد

۳. قرآن و جامعه شناسی

۴. ربا از منظر قرآن، حدیث و علم

۵. قرآن و تاریخ

الف. اخبار غیبی اعجاز آمیز قرآن

ب. روش قصه گویی قرآن

۶. قرآن و جامعه شناسی

۷. سنت های الهی در قرآن و رابطه آن با جامعه شناسی

۸. قرآن و روانشناسی

الف. عوامل آرامش روانی از منظر قرآن

ب. عوامل فشار روانی از منظر قرآن

۹. روانشناسی رنگ ها در قرآن

۱۰. قرآن و علوم تربیتی

۱۱. قرآن و اخلاق و فرا اخلاق

۱۲. قرآن و تربیت کودک

ص: ۹۳

۱۳. قرآن و حقوق کودک

۱۴. قرآن و مبانی حقوق

۱۵. قرآن و اعلامیه حقوق بشر

۱۶. اعجاز تشریحی قرآن

۱۷. قرآن و بهداشت روان

۱۸. بررسی موضوعات خاص بهداشت روان:

الف. توکل و بهداشت روان

ب. ذکر و بهداشت روان

ج. حجاب و بهداشت روان

د. قرائت قرآن و بهداشت روان

هـ. - تأیید محتوای قرآن بر بهداشت روانی

۱۹. شفا بودن قرآن (شفای دردهای جسمی و روحی)

۲۰. قرآن و فرهنگ و تمدن (فرهنگ آفرینی قرآن)

۲۱. قرآن و هنر

۲۲. قرآن و معماری

۲۳. قرآن و صنعت

۲۴. قرآن و آموزه های نظامی

۲۵. قرآن و سیاست

الف. مبانی سیاست در قرآن

ب. نظام سیاسی از منظر قرآن

ج. آیات سیاسی قرآن

۲۶. قرآن و انقلاب (انقلاب موسی و...)

۲۷. قرآن و معرفت شناسی

۲۸. قرآن و علم کلام

۲۹. قرآن و فلسفه

ص: ۹۴

کتاب شناسی قرآن و علم

جهت مطالعه علاقه مندان به مباحث قرآن و علوم تجربی

ص: ۹۵

















\* پرسش:

**چند آیه در قرآن کریم، اختصاص به مسائل پزشکی دارد؟ و کدامیک از آنها دارای اعجاز علمی هستند؟ لطفاً منابعی برای مطالعه معرفی نمایید.**

\* پاسخ:

آیاتی را که درباره پزشکی وارد شده، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که به اعجاز علمی قرآن اشاره می کند.

۲. آیاتی که از شگفتی های علمی قرآن به شمار می آید.

۳. آیاتی که از اشارات علمی قرآن به مسایل پزشکی محسوب می شود.

۱. آیات اعجاز علمی قرآن:

الف: چینش مراحل خلقت انسان:

ص: ۱۰۳





۲. شگفتی های علمی قرآن در زمینه ی پزشکی:

ص: ۱۰۵

۳. اشارات علمی قرآن در زمینه ی پزشکی:

ص: ۱۰۶

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین.
۲. اشارات علمی اعجازآمیز قرآن، همان، دفتر نشر معارف.
۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، چاپ میهن.
۴. طب در قرآن، عبدالحمید دیاب، احمد قرقوز، مؤسسه ی علوم قرآن.
۵. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، ج ۴، ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.
۶. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطر آگین.
۷. اسلام پزشکی بی دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی.
۸. التمهید، محمدهادی معرفت، ج ۶، نشر اسلامی.

ص: ۱۰۷

## آیا طب اسلامی و قرآنی از طب جالینوس و بقراط متأثر شده است؟

\* پاسخ:

قبل از پاسخ توجه به چند نکته ضروری است:

اول: هدف نزول قرآن، تربیت معنوی و هدایت انسان‌ها به سوی سعادت و کمال است و در این راه نیازی به بیان همه معارف تجربی و غیرتجربی برای بشر نیست؛ چون انسان دارای عقل و احساس است و خود می‌تواند مسائل تجربی و علوم را به دست آورد. بنابراین منظور از (تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ)؛ قرآن بیان‌کننده همه چیز است» مقصود همه آن چیزهایی است که در راستای هدایت معنوی بشر باشد، نه علوم تجربی و پزشکی. (۱)

ذکر بعضی از مسائل علمی و پزشکی در قرآن به صورت اشاره و فرعی است و موضوعیت ندارد و هدف قرآن از بیان مسائل علمی و پزشکی این است که: راه خداشناسی را هموار کند؛ و کنجکاوی بشر در معارف قرآن را تحریک نماید و همچنین مسلمانان را، به علم و مطالب علمی تشویق نماید. (۲)

دوم: قرآن کریم با علوم و فرهنگ عصر خویش برخورد سه‌گانه‌ای داشته است:

۱. برخورد انکاری؛ ۲. برخورد اثباتی؛ ۳. برخورد اصلاحی.

قرآن وحی الهی و معجزه جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و ممکن نیست علوم بی پایه و خرافاتی را در خود جای دهد، (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ)؛ که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید.

ص: ۱۰۸

---

۱- (۲) تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه، ج ۱۲، ص ۴۹۵.

۲- (۳) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، ص ۱۷۷.

بنابراین قرآن و روایت صحیح، مطالب علمی و پزشکی بی پایه و نادرست را در خود جای نداده اند. (۱) علاوه بر آن، ترجمه متون طب جالینوس و بقراط، تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جزیره العرب مرسوم نبوده تا قرآن از آن متأثر شده باشد.

سوم: قرآن کتاب پزشکی و بهداشتی نیست تا از آن انتظار علم پزشکی داشته باشیم. اما برای تفکر در آیات الهی و... بعضی از مسائل مانند: جنین شناسی، انگشت نگاری، شفاگری عسل، بهداشت جسمی و روانی و تغذیه و... را مطرح کرده اما نه به صورت دایره المعارف پزشکی، بلکه به صورت کنایه و اشاره ای و در بعضی موارد نیز به صورت مبهم گذشته است.

مطالب مطرح شده در قرآن با علم قطعی روز مطابقت دارد و هیچ گونه تعارضی ندارد و بعضی از مسائل پزشکی قرآن در زمان طب جالینوس موضوعیت نداشت؛ ولی امروزه با آزمایش های پیشرفته موضوعیت پیدا کرده است.

چهارم: جابجایی علم بین تمدن ها و مناطق زمین از جمله بین شرق و غرب سابقه ای طولانی دارد (که در ادامه اشاره می کنیم) و این یک امر طبیعی است که ملت ها علوم را به همدیگر وام می دهند. با این مقدمه، به معرفی طب جالینوس و برخورد مسلمانان با آن می پردازیم.

طب جالینوس و بقراط و تاثیر آن بر طب اسلامی:

«بقراط» یا «ابقرات»، طبیب بزرگ یونانی ( ۲۵۰۰ Hippocrille) سال قبل می زیست. هرچند نوشته های بقراطی به طور گسترده مورد استفاده برخی پزشکان مسلمان قرار گرفت؛ اما به طور کل تأثیر تعیین کننده و مستقیم

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) قرآن و فرهنگ زمانه، حسن رضا رضایی، مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۳۸۳، ص ۲۲ به بعد.

نوشته های جالینوس را نداشت. از این رو در این مقاله به تأثیر طب جالینوس بر طب اسلامی می پردازیم:

«جالینوس» (۱۳۱-۲۰۱ م) در زمان «مارک اورل» امپراتور روم می زیست. ایشان در ابتدا به سوی فلسفه رفت، بعد به طب روی آورد و شروع به آموختن آن کرد و برای تکمیل داروشناسی به جزیره «قبرس» و سپس به «فلسطین» رفت. قریب به ۱۰۰ جلد (بعضی تا ۴۰۰ جلد نیز گفته اند) کتاب و رساله دارد و مهمترین آنها سته عشر (شانزده کتاب) جالینوس است. (۱)

از سال ۴۵۷ م دولت روم، نسطوره ها (۲) را از قلمرو خود راند و در سال ۴۸۱ میلادی رسماً مرکز علمی این فرقه را بست و سپس رؤسای روحانی نسطوری آن مرکز را در نصیبین قرار دادند. پس از آن نسطوریان به سوی مشرق و به ویژه قلمرو ایران انتقال یافتند. مرکز روحانی نسطوریان بعدها در ۴۹۸ م به پایتخت ایران، یعنی سلوکیه و تیسفون منتقل شد. آنها مرکز علم خود را در جندی شاپور برقرار نمودند و در آنجا یک مدرسه طبی دایر شد که در آن علم طب یونانی - که حامل آن نسطوریان روم بودند - و طب هندی - که از سواحل سند به آنجا راه یافت - آمیخته شد. جندی شاپور یک بیمارستان و یک دانشکده پزشکی مهم داشت. (۳)

در واقع علم طب به معنای معروف آن در دوره اسلامی با ترجمه کتاب های یونانی و هندی آغاز شده است. همچنین مرکزی به نام «بیت الحکمه» برای ترجمه متون خارجی در بغداد تأسیس شد.

برای مثال: حنین بن اسحاق عبادی از مسیحیان نسطوره ای، از اهل حیره در جنوب عراق بود و ده سال قبل از مرگ خود نوشت: از آثار جالینوس

ص: ۱۱۰

---

۱- (۱) ر. ک: تاریخ طب ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ص ۲۵-۱۵.

۲- (۲) نسطوریان یا نساطره، عده ای از دانشمندان تابع نسطوریوس بزرگ قسطنطنیه بودند.

۳- (۳) ر. ک: پویای فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چ ۱، ج ۱، ص ۲۱۶.

۹۵ اثر را به سریانی و ۳۴ اثر را به عربی برگردانده است، ایشان نقش بسزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیک اسلامی ایفا کرد.<sup>(۱)</sup>

در دوران خلفای عباسی، کار ترجمه در مقیاس بزرگی رونق گرفت. نظریه‌ها و اعمال پزشکی یونان و روم شرقی کاملاً پذیرفته شد و در روش پزشکی افراد جای گرفت. این روش تا پایان سده سوم ادامه داشت.

در سده سوم هجری نوع تازه‌ای از نوشته‌های پزشکی پدید آمد که «الطب النبوی» نامیده می‌شد و هدف از تدوین آن، ارائه راه دیگری در برابر نظام‌های پزشکی موجود بود که منحصراً بر پایه پزشکی یونان قرار داشت.

مؤلفان این نوشته‌ها، بیشتر عالمان دینی بودند تا پزشک، و روش‌های پزشکی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و حدیث را از طب یونانی برتر می‌دانستند. و گاهی آنها دو رویکرد را در هم می‌آمیختند.<sup>(۲)</sup> مانند: «رساله مختصر فی طب» از ابن حبیب اندلسی (۱۷۴ هـ -)، «طب الرضا» و «الطب النبوی» از ابی عاصم (۲۸۷ ق)<sup>(۳)</sup>.

برخورد پزشکان مسلمان با طب جالینوس

علم طب اسلامی در جوی از ستایش و تحسین برای بقراط و با الهام مستقیم از تعالیم جالینوس پیشرفت کرده است.<sup>(۴)</sup> مقام جالینوس در میان پزشکان مسلمان آنقدر با اهمیت بود که تمام آثار وی را به زبان عربی ترجمه کردند و نظرات او با اهمیت تلقی می‌شد، و پزشکان مسلمان خود را شاگرد جالینوس می‌دانسته‌اند. مهم‌ترین کاری که پزشکان مسلمان برای پیشرفت طب جالینوس انجام دادند به شرح ذیل است.

۱. طب پراکنده و مشوش یونانی را مرتب نمودند.

ص: ۱۱۱

۱- (۱) همان، ص ۲۱۷.

۲- (۲) همان، ص ۲۱۸.

۳- (۳) مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸-۱۷، سال پنجم، مقاله نگارش احادیث طبی، ص ۱۱۵-۱۱۰.

۴- (۴) تاریخ طب در ایران پس از اسلام، همان، ص ۲۵.

۲. طب را از صورت نظری بیرون آورده و طب عملی و تجربی را ایجاد کردند.

۳. علم امراض را توسعه داده و بسیاری از بیماری‌ها را که تا آن زمان از آنها اطلاعاتی در دست نبود در علم طب وارد کردند.

۴. اثر داروها را در طب براساس «وظایف الاعضاء» بررسی کردند و به نتایج قابل توجهی دست یافتند.<sup>(۱)</sup>

هرچند طب جالینوس و بقراط در میان مسلمانان حاکم بود اما بسیاری از مسایل پزشکان مسلمان که در مواجهه با بیماران خود با آن روبرو بودند؛ اختصاص به سرزمین اسلامی و شرایط خاص آن داشت، و در نوشته‌های یونانی از آن ذکری به میان نیامده بود.

درباره گیاهان دارویی نیز در کتاب «حشائش» دیوسکوریدس ۵۰۰ گیاه بررسی شده، اما در کتاب «الحاوی» زکریا، ۷۰۰ گیاه و در کتاب «الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه» ۱۴۰۰ گیاه بررسی شده است.

کتاب «قانون» ابن سینا پس از ترجمه به زبان لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت. اهمیت «قانون» در این است که پیش از آن که در پزشکی تابع آرای جالینوس باشد؛ با آرای جالینوس و ارسطو در تقابل است.<sup>(۲)</sup>

جناب محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق) کتابی در رد نظریه‌های جالینوس به نام «الشکوک علی الجالینوس»<sup>(۳)</sup> به نگارش درآورد که در مقدمه آن می‌گوید: «مقام جالینوس بر هیچکس پوشیده نیست ممکن است بعضی از کوتاه نظران مرا مذمت کنند ولی فیلسوف و حکیم بر من خرده نخواهد گرفت، به دلیل آنکه در حکمت و فلسفه جایز نیست و می‌بایست از روی

ص: ۱۱۲

---

۱- (۱) طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، چ ۱، ص ۱۵.

۲- (۲) پویای فرهنگ و تمدن اسلامی، همان، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳- (۳) انتشارات موسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.



دلیل و برهان گفتگو به عمل آید و اگر شخص جالینوس زنده بود مرا به خاطر این تألیفات، ستایش می کرد.»<sup>(۱)</sup>

همچنین ایشان آرای جالینوس را درباره دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم، نقد کرده است و ابونصر فارابی نیز در کتاب «الرد علی الجالینوس فیما نقض علی ارسطاطایس لاعضاء الانسان» نظرات جالینوس را به نقد کشید.<sup>(۲)</sup> همچنین ابن نفیس دمشقی (قرن ششم) نظرات جالینوس را در مورد گردش خون مورد نقد قرار داده است.

### نتیجه گیری

۱. قرآن وحی الهی است و هیچ تفکر بشری حتی پیامبر صلی الله علیه وآله در محتوا و نقل آن دخالتی ندارد و از هیچ علم و فرهنگی متأثر نشده است؛ چون خود ریشه و مبدا افاضه علوم است. و همچنین روایات صحیح معصومین علیهم السلام که منشأ آن قرآن است؛ از زبان معصومی که حامل علم لدنی است صادر شده است.

۲. قرآن کتاب پزشکی نیست؛ ولی بعضی از مسائل پزشکی را به صورت کنایه و اشاره ای بیان کرده است و با جدیدترین نظریات پزشکی، مطابقت دارد.

۳. جابجایی علمی از منطقه ای از جهان به منطقه ی دیگر، امری طبیعی است و بارها علم پزشکی بین شرق و غرب تبادل شده است.

۴. طب جالینوس تأثیر بسزایی بر پزشکان مسلمان گذاشت نه بر قرآن و احادیث صحیح؛ تا جایی که پزشکان مسلمان پیشرفت خود را مدیون متون ترجمه شده «جالینوس و بقراط» می دانند. اما از قرن سوم به بعد، مسلمانان با الهام از وحی الهی، احادیث و تجربه های فراوان در زمینه پزشکی با توجه به

ص: ۱۱۳

---

۱- (۱) به نقل از طب اسلامی، ادوارد براون، همان، ص ۱۳.

۲- (۲) فوائد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۷.

شرایط جغرافیایی و انسانی، به پیشرفت های قابل ملاحظه ای دست یافتند، که به «عصر طلایی» معروف شد. و نظرات جالینوس را به نقد کشیده اند و دیدگاه های ابتدایی او را «تقویت»، «رد» و یا «اصلاح» نمودند.

معرفی کتاب

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۲. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، نجم آبادی.

۳. طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه از رجب نیا.

ص: ۱۱۴

\* پرسش:

## تاریخچه طب اسلامی را بیان کنید؟

\* پاسخ:

آغاز پزشکی، دارای تاریخ معین نمی باشد و نظرات مختلفی درباره آن ارائه شده است. عده ای «هرمس لول» (ارس یا همان ادریس پیامبر) را به عنوان بنیانگذار پزشکی و طب معرفی نموده اند و برخی دیگر به تمدن های بابل، یمن، مصر، فارس، هند، یونان و... نسبت داده اند و بعضی می گویند: پزشکی به صورت یک هنر آغاز شد و در طی قرن ها به شکل یک علم درآمد.

ولی معلوم است که تاریخ پزشکی با تاریخ آفرینش انسان گره خورده زیرا درد و بیماری از انسان جدا شدنی نبوده است. اما به صورت مدون و کلاسیک در زمان جالینوس (۲۰۱ م) و بقراط و افلاطون نظمی به خود بخشیده (۱) و با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان رشته پزشکی شکوفایی فزاینده ای به خود گرفته است.

قرآن و روایات معصومین

علاوه بر تشویق به کلیات علم، به فراگیری یک علم خاص نیز توصیه می کردند. برای مثال از آنها حکایت شده که علم پزشکی را هم ردیف علم دین قرار داده اند: «العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان» (۲) و در این باره توصیه های مؤکد بهداشتی و درمانی معصومین علیهم السلام به صورت مجموعه های

ص: ۱۱۵

---

۱- (۱) جالینوس و بقراط معتقدند: پزشکی با الهام از سوی خداوند به افراد و پزشکان - در حالت رویا یا ظهور روشی برای درمان درد - ایجاد شده است و افلاطون پزشکی را به صورت قیاسی و تجربه می داند. (ر. ک: نگرش نوین به طب، دکتر غلامرضا نور محمدی، ص ۱۰-۵، مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸-۱۷، سال پنجم).

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۰.

پزشکی و بهداشتی مدون شده که از جمله: «طب النبى»، «طب الصادق» و «طب الرضا» مشهور است و دانشمندان مسلمان اعم از سنی و شیعه کتاب های فراوانی در مورد احادیث طبی به نگارش در آوردند که خود زمینه رشد و شکوفایی پزشکی در بین مسلمانان شده است. (۱)

## مراحل رشد پزشکی در اسلام

با نگاهی گذرا می توان دوران ظهور اسلام در عرصه پزشکی را به چهار مرحله تقسیم نمود:

### مرحله اول:

ابتدای ظهور دین اسلام تا سال ۱۳۳ هـ. ق (۷۵۰ م) که شامل پزشکی در دوران نبوت، خلفا و عصر اموی بوده است.

در این دوره به علت نوپا بودن حکومت اسلامی و گسترش ممالک اسلامی به علم پزشکی توجه چندانی نشد و در نتیجه نام پزشک مسلمان برجسته ای گزارش نشده است. در دوران حیات رسول اکرم صلی الله علیه وآله افراد زیر به عنوان پزشک مطرح بودند:

الف. شمردل بن قباب کعبی نجرانی: وی نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را پذیرفت و مسلمان شد.

ب. ضماد بن ثعلبه ازدی: ایشان نیز در زمان پیامبر مسلمان شد.

د. ابن ابی رمثه تمیمی: ایشان در جراحی مهارت داشت.

### دوران اموی:

الف. تیاذوق: وی یکی از پزشکان مسیحی در اواخر قرن اول هجری بوده است. وی طبیب مخصوص حجاج بن یوسف ثقفی بود و در سال ۹۰

ص: ۱۱۶

---

۱- (۱) ر. ک: نگارش احادیث طبی، دکتر غلامرضا نورمحمدی، ص ۱۱۰، مجله پژوهش حوزه، سال پنجم، ۱۷-۱۸.

ه - ق، در شهر واسط در گذشت، کتاب «ابدال الادویه وکناش» از تالیف های اوست.

ب. ابن آثال: طبیب مخصوص معاویه بود، و ریاست پزشکان شام را به عهده داشته و در علم خواص ادویه و ترکیب سموم کوشنده، بسیار ماهر بوده است. معاویه از سموم ساخته شده این طبیب برای شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام، مالک اشتر نخعی، عبدالرحمن بن خالد بن ولید بهره برد.

مرحله دوم

این مرحله همزمان با دوران عباسی است که از سال ۱۳۳ هـ - ق (۷۵۰ م) تا سال ۲۸۷ هـ - ق (۹۰۰ م) را فرا می گیرد و به دو بخش تقسیم می گردد.

الف. عصر ترجمه: تاسیس بیت الحکمه، در زمان هارون، که افراد فراوانی به ترجمه آثار تمدن یونانی، رومی و هندی روی آوردند و سرآمد آنان ابوزید حنین بن اسحاق عبادی<sup>(۱)</sup> و فرزندش اسحاق بن حنین بوده است.

ب. عصر تالیف: پس از ترجمه آثار پزشکی، افرادی به صورت پراکنده به تالیف کتاب های پزشکی پرداختند. آغاز عصر تالیف با نام «ابوالحسن علی بن سهل بن طبری»<sup>(۲)</sup> گره خورده است. کتاب «فردوس الحکمه» او، شروع حرکت نوین، در پزشکی تمدن اسلامی می باشد.<sup>(۳)</sup>

مرحله سوم

این دوران، عصر طلایی پزشکان مسلمان است که از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ هـ - ق (۹۰۰-۱۳۰۰ م) را در برمی گیرد. بیشترین پزشکان و نوآوری ها و بالاترین

ص: ۱۱۷

---

۱- ((۱)) ایشان از مسیحیان نسطوره ای اهل حیره در جنوب بغداد بود و متن ها را به عربی و سریانی ترجمه می کرد و ۹۵ اثر از جالینوس را به سریانی و ۳۴ اثر او را به عربی ترجمه کرد و نقش بسزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیک اسلامی ایفا کرد. (پویای فرهنگ، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷)

۲- ((۲)) ایشان در خدمت معتصم، واثق و متوکل عباسی بود. (۲۳۰ هـ - ق)

۳- ((۳)) ر. ک: دوران تالیف و تصنیف کتب طبی در تمدن اسلام و ایران، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

رشد را در این دوره داشتند و تمام دانشمندان غرب، این دوره را «عصر

طلایی» رشد مسلمانان نامیده اند تا جایی که دکتر «جی ای پارک» می گوید:

«در حالی که اروپائیان در دوران سیاه به سر می بردند، مسلمانان در بقیه نقاط متمدن جهان به پیش می رفتند، آنان در بغداد، دمشق، قاهره و دیگر شهرها مدارس پزشکی و بیمارستان بر پا می کردند. آنها مشعل فروزانی از دانش پزشکی بر افروختند. بیش از ۶۰ بیمارستان در بغداد و ۳۳ بیمارستان در قاهره ساخته شد. در حالی که در اروپا اولین بیمارستان در سال ۱۷۹۳ م در شهر یورک انگلستان بناشد.<sup>(۱)</sup>» لازم به ذکر است پزشکان مشهور مانند ابن سینا، رازی، اهوازی، جرجانی و... در این دوره بودند.

مرحله چهارم:

این مرحله دوران افول دانش پزشکی مسلمانان است که علل و عوامل زیادی مانند: جنگ ها، اختلافات مذهبی، فرار دانشمندان به نقاط دیگر، آتش زدن کتابخانه ها و... سبب سستی و شروع انحطاط مسلمانان شده است. و از قرن شانزدهم میلادی طلوع علوم پزشکی در غرب آغاز شد، و نهضت احیای علم پزشکی راه اندازی گردید.<sup>(۲)</sup>

نتیجه

حاصل سخن اینکه، طب اسلامی از ترجمه متون آثار یونانی و هندی شروع شده، اما با توجه به وجود قرآن در بین مسلمانان و توصیه به فراگیری علم و بیان برخی مطالب پزشکی مانند: مراحل خلقت انسان و... موجب تحریک و کنجکاوی بشر درباره ی مسائل پزشکی شد، و همچنین می توان

ص: ۱۱۸

---

۱- ((۱)) پزشکی پیشگیری اجتماعی، جی ای پارک، پارک، ج ۲، ص ۹. به نقل از غلامرضا نورمحمدی، مفهوم طب اسلامی، ص ۲۲.

۲- ((۲)) پارا سلوس (۱۵۴۱-۱۴۹۳ م) را احیا کننده پزشکی نوین می دانند. این فرد سوئسی تمام آثار جالینوس و ابن سینا را به آتش کشید و بحث پژوهش عقلی را مطرح نمود.

گفت: مطرح نمودن بحث شفاء مانند: قرآن و غسل و وجود احادیث طیبی

و... عامل رشد پزشکی در تمدن اسلامی بوده و «عصر طلایی پزشکی» را از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ هـ - به وجود آورده است.

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمایید

۱. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات بنگاه و نشر کتاب.

۲. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیر کبیر.

۳. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، فردوس.

۴. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران.

۵. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۶. مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸-۱۷، سال پنجم، غلامرضا نورمحمدی، مقاله ای با نام نگرشی به مفهوم طب اسلامی.

۷. پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، محمدتقی سرمدی، تهران، انتشارات سرمدی، اسفند

۱۳۷۹.

ص: ۱۱۹

## مهمترین پزشکان مسلمان و نوشته‌هایشان را بنویسید؟

\* پاسخ:

نام مهمترین پزشکان مسلمان همراه با آثارشان به شرح ذیل است:

۱. تیاذق، طیب حجاج بن یوسف ثقفی (م ۹۰ ق): درباره بیوگرافی او اطلاعات جزئی در دست است. برخی قصیده عربی درباره «حفظ الصحه» را به او نسبت داده‌اند و ترجمه منظوم فارسی آن را به ابن سینا نسبت داده‌اند. این قطعه عربی ظاهراً مشتمل بر هشتاد بیت بوده است. (۱) ابن ابی اصیبعه، یک کناش بزرگ و دو کتاب کبیر در تهیه ادویه و تفسیر اسامی ادویه را به او نسبت می‌دهد. (۲)

۲. حنین بن اسحاق عبادی، (قرن دوم): ایشان از مسیحیان نسطوره‌ای اهل حیره در جنوب عراق بود، متون پزشکی را به عربی و سریانی ترجمه می‌کرد و از آثار جالینوس ۹۵ اثر را به سریانی و ۳۴ اثر را به عربی ترجمه کرد، همچنین رساله‌ای درباره چشم پزشکی دارد. تالیفات او: المسائل فی الطب المتعلمین، عشر مقالات فی العین، رساله چشم پزشکی. (۳)

۳. ابوالحسن علی بن سهل ربن طبری (۲۴۰ ق): ایشان روش‌های پزشکی یونانی و رومی را کتاب فردوس الحکمه در خلاصه کرد و فصل جداگانه‌ای نیز به پزشکی هندی اختصاص داد، نظریات او در آسیب‌شناسی، طب بالینی، داروشناسی، اهمیت فراوان دارد و این کتاب را در سال ۲۳۷ ق به متوکل خلیفه وقت اهدا کرد. (۴)

ص: ۱۲۰

---

۱- (۱) که با این بیت آغاز می‌شود: توق اذا استطعت ادخال مطعم علی مطعم من قبل فعل الهواظمتا طعامی نگذرد از معده به بالای آن هر طعامی کان خوری باشد تو را عین و زبان

۲- (۲) ر. ک: تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.

۳- (۳) ر. ک: فواد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، پزشکی، ص ۴۵-۳۲۸، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، تاریخ تمدن، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴- (۴) پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۸.



۴. علی بن عیسی، (سده سوم) «تذکره الکحالیین» را نوشت که حاوی ۱۳۰ بیماری چشم است.

۵. عمار موصلی (سده سوم)، در «رساله ای در بیماری چشم»، ۴۸ بیماری را بحث کرد. او به شیوه درآوردن آب مروارید (کاتاراکت) از راه سوزن توخالی همراه با مکش اشاره دارد.

۶. ابوبکر محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۱ ق): کتاب های او عبارتند از: المنصور فی الطب و کتاب الحاوی و...

رازی هم در طب و هم در کیمیا تبخّر داشت و در بغداد بیمارستانی تأسیس کرد. کتاب «الحاوی» او بزرگ ترین و جامع ترین کتاب طبّی عصر خویش است. وی رساله ای برای تشخیص «آبله» و «سرخک» دارند که پیش از آن هیچ طبیب یونانی یا اسلامی درباره آن چیزی نوشته اند و ۷۰۰ داروی گیاهی را شناسایی کرد. ایشان به نقد نظریات طب جالینوس پرداخت و مهم ترین آن ها درباره دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم و... می باشد. (۱) و کتاب نقد آن به زبان لاتین از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ چهل بار تجدید چاپ شده است؛ و آقای «نویورگ» این کتاب را زینتی برای طب اسلامی می داند. (۲)

۷. اخوینی بخاری (۳۷۳ هـ - ق): صاحب «هدایه المتعلمین فی الطب» می باشد [اولین پزشکی نامه]

۸. علی ابن عباس اهوازی: (م ۳۸۴ هـ - ق) وی دارای کتاب «کامل الصناعه» است و این کتاب که طب ملکی نیز خوانده می شود؛ به نام ملک دیلمی عضدالدوله می باشد و در پنج قرن مرجع طب در مدارس اروپاییان بود. ایشان اهمیت زیادی به «سیستم عروق شرعیه» می دادند و مطالب زیادی به رشته تحریر در آوردند.

ص: ۱۲۱

- 
- ۱- (۱) همان، ص ۲۱۵؛ ر. ک: قواعد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۷؛ ر. ک: کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، ۱۳۸۰، تهران، ص ۵۳ به بعد.
- ۲- (۲) همان، ر. ک: تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۸.

۹. ابن سینا (۴۲۷ هـ - ق): وی دارای کتاب «القانون فی الطب» (دانشنامه

پزشکی) است. کتاب قانون، مشتمل بر ۵ کتاب است؛ اصول عمومی پزشکی، مفردات پزشکی، بیماری های مخصوص بخش هایی از بدن، علایم امراض مانند: تب، داروهای مرکب.

کتاب قانون بعد از ترجمه لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت و کتاب پایه درسی دانشگاه شد و از سال ۱۴۷۳ تا ۱۵۰۵ م، ۱۵ مرتبه تجدید چاپ شده (۱) و در قرن ۱۶ م، ۲۰ چاپ آن موجود است.

ایشان رساله ای نیز درباره قولنج، الادویه القلیه، ارجوزه فی الطب (منظومه آموزشی پزشکی) نگاشته اند.

۱۰. اسحاق بن سلیمان اسرائیلی (سده چهارم)، رساله ای درباره تب دارد.

۱۱. سعید بن هبه الله (۴۹۵ ق): صاحب «المغنی فی تدبیر الامراض» و رساله طبی - فلسفی «فی خلق الانسان» است.

۱۲. ابوالقاسم زهراوی (سده چهارم): ایشان دارای کتاب «التصریف لمن عجز عن التالیف» (دانشنامه ۳۰ جلدی) می باشد. وی به مسائل جراحی پرداخته و در مورد خرد کردن سنگ مثانه مهارت داشته است.

۱۳. سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱ ق): «ذخیره پزشکی» از آثار اوست وی به قلم فارسی نگارش می نمود و آثار عربی و یونانی را به فارسی ترجمه می کرد. مانند خوارزمشاهی، شامل: بیمارشناسی، علاج بیماری ها، داروشناسی، گیاه شناسی و... کتاب «ذخیره پزشکی» او تنها کتاب پزشکی است که به زبان عبری ترجمه و تاکنون چهار بار در ایران به چاپ رسیده است. (۲)

۱۴. محمد بن قسوم بن اسلم غافقی، (سده ششم و هفتم): «المرشد فی طب العین» را نگاشت.

ص: ۱۲۲

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) پویای فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۵. مهذب الدین عبدالرحیم بن علی، مشهور به دخوار (م ۶۲۸ ق):

ایشان شاگردان زیادی در پزشکی پرورش داد و مدرسه ای در دمشق ساخت.

۱۶. ابن ابی اصیبعه: وی در قرن هفتم می زیست و شاگرد «دخوار» و چشم پزشک بود و نام کتاب او «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» می باشد.

۱۷. ابن نفیس (دمشق/م ۶۸۷ ق): دارای کتاب «الشامل فی الصناعه الطیبه». (۸۰ مجلد) است. ایشان در مصر تدریس می کرد. و شرحی بر کتاب «حنین» بنام «المسائل فی الطب» (چشم پزشکی) نوشته اند. پرخواننده ترین تلخیص قانون، کتاب الموجز ابن نفیس بود. ایشان گردش ریوی خون را، حدود سه قرن پیش از آن که این جریان را اروپایی ها کشف کنند؛ در کتاب خود توصیف کرد و نظریه جالینوسی را رد کرد.

۱۸. ابو روح محمد بن منصور، مشهور به زرین دست (قرن هفتم): وی کتاب «نور العیون» را به زبان فارسی نوشت.

این چشم پزشک و جراح، در عهد ملکشاه سلجوقی می زیست. مردی که یک چشم داشت، ایشان با اطمینان کامل چشم دیگرش را جراحی کرد. (۱)

۱۹. فتح الدین قیسی (م ۶۵۷ ق): در کتاب «نتیجه الفکر فی علاج امراض البصر»، ۱۲۴ ناراحتی چشم را بر می شمارد.

۲۰. ابن خطیب اندلسی (م ۷۷۶) مشهور به لسان الدین: ایشان رساله ای به نام «طاعون» دارد. طاعون که در آن زمان در اروپا شایع بود، ایشان برای درمان آن همت گماشت و بر این باور بود که این بیماری واگیردار است و از طریق لباس، ظرف، گوشواره و... منتقل می شود. (۲)

برای آگاهی بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۵.

ص: ۱۲۳

۱- (۱) کارنامه اسلام، ص ۵۳.

۲- (۲) همان.

۲. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰،

ص ۵۳ به بعد.

۳. علوم اسلام و نقش آن در تحولات علمی جهان، آلدومیدی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱ ترجمه از محمدرضا شجاعی رضوی و علوی، ص ۷۹ به بعد.

۴. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴.

۵. ر. ک: تاریخ طب در ایران پس از اسلام، دکتر محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۶۶.

۶. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیرکبیر، تهران، چ ۱.

۷. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چ ۱، ۱۳۳۷.

۸. مجله حوزه و پژوهش، ش ۱۷ و ۱۸.

ص: ۱۲۴

## مقصود از «علق» در قرآن و علم پزشکی چیست؟

آیا درست است که واژه «علق» در قرآن به معنای «خون بسته» است؟ آیا علم پزشکی جدید تأیید می کند؟

\* پاسخ:

قرآن کریم در آیات مختلف، به مراحل خلقت انسان اشاره دارد؛ یکی از این مراحل «علق» است. واژه «علق» شش بار (۱) و در پنج آیه به صورت های مختلف به کار رفته است و همچنین سوره ای از قرآن با نام «علق» نازل شده است. (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ)؛ «بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید.» اکثر مفسران (۲) اتفاق نظر دارند که ۵ آیه اول سوره علق، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

علق در لغت:

واژه «علق» جمع «عَلَقَه» در اصل به معنای «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود» آمده است و موارد استعمال آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می چسبد و خون را می مکد و... می باشد. (۳) پس می توان گفت: در مواردی که علق استعمال شده: یکی چسبندگی و دیگری آویزان بودن، لحاظ شده است مانند: زالو، خون بسته و کرم که به عضو بدن می چسبد و آویزان می شود.

ص: ۱۲۵

---

۱- (۱) علق / ۱ و ۲، حج / ۵، مومنون / ۱۴، غافر / ۶۷، قیامت / ۳۸.

۲- (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۷، ص ۱۵۳.

۳- (۳) التحقیق فی کلمات قرآن کریم، حسن مصطفوی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، تهران، مفردات راغب اصفهانی، المكتبة الرضویه، تهران، ذیل ماده «علق»؛ ر. ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «علق».

«علق»، همان خون بسته ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل و پس از ورود به رحم زن بدان آویزان می شود. پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می شود و به صورت یک توده سلولی در می آید که به شکل توت است (به آن مارولا *Marula* گویند) و در رحم لایه گزینی می کند یعنی سلول های تغذیه کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ می کند و به آن (رحم) معلق (آویزان نه کاملاً چسبیده) می شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای «علق» بیان کرده است. (۱) اگر واژه «علق» را به معنای خون بسته بپذیریم، می توانیم تناسب آن را با موارد استعمال اینگونه بیان کنیم:

۱. چسبنده بودن آن (۲). (خون بسته ای که برای مکیدن خون به بدن می چسبد)

۲. آویزان شدن آن به جداره رحم.

۳. مشابه زالو است: زالو هربار می تواند به اندازه یک فنجان قهوه، خون انسان یا حیوانی را بمکد. نطفه در رحم، زالو وار به رحم می چسبد و از خون تغذیه می کند. (۳) همچنین در وجه تشبیه به زالو گفته شده است که در مرحله ایجاد جنین، از هر دو ماده ای به نام «هپارین» ترشح می شود تا اینکه خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد. (۴) شکل علقه مانند زالو است این حالت در چهار هفته اول ادامه دارد. (۵)

۴. تغذیه از خون است. (۶)

ص: ۱۲۶

۱- (۱) طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه چراغی، ص ۸۶، انتشارات حفظی، تهران.

۲- (۲) تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۱۵۶.

۳- (۳) مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹، نشر سبحان، تهران.

۴- (۴) اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰، کتابفروشی اسلامی، تهران.

۵- (۵) اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان، ص ۱۸۲.

۶- (۶) حضرت آیت الله معرفت بعد از پذیرفتن این نظریه که علق خون بسته است می گوید: علقه در روز هفتم به جداره رحم می چسبد. (التمهید، محمد هادی معرفت، ج ۶، ص ۸۲)

در نتیجه می توان گفت: (۱) با توجه به دیدگاه دانشمندان و مفسران و اهل لغت، «علق» به معنای «خون بسته» آویزان به رحم است. به ویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین شناسی جدید، به عنوان واسطه ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می شود. یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می کند.

خداوند می توانست با بیان «الدم المنقبضه؛ خون بسته» مطلب را ذکر نماید اما با آوردن واژه «علق» هم معنای خون بسته و هم معنای آویزان بودن را رسانده است که با نظریات جدید پزشکی همخوانی دارد.

با توجه به عدم پیشرفت علم پزشکی در ۱۴ قرن قبل، می توان مسئله «علق» را یکی از شگفتی های علمی قرآن نامید؛ که بعد از ۱۴ قرن کشف شده است. (۲)

برای مطالعه بیشتر به کتاب های ذیل مراجعه شود:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷-۴۸۱.

۲. طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه از چراغی، ص ۸۶.

۳. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰.

۴. مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹.

ص: ۱۲۷

---

۱- ((۱)) لازم به ذکر است احتمالات دیگری درباره «علق» داده شده از جمله، بعضی ها علق را به معنای نطفه مرد (اسپرماتوزئید) معنا کرده اند (مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۹۹) و بعضی دیگر به معنای موجود صاحب علاقه که اشاره به روح اجتماعی انسان است، معنا نموده اند. و بعضی دیگر اشاره به گل حضرت آدم علیه السلام که حالت چسبندگی دارد نموده اند. (ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷-۴۸۱)

۲- ((۲)) ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، رشت، ج ۲، ص ۴۸۷-

۴۸۱

\* پرسش:

**منظور از «صلب و ترائب» در قرآن و علوم پزشکی چیست؟**

**آیا آیه ۵ سوره طارق با یافته های علوم پزشکی مطابقت دارد؟**

\* پاسخ:

برای اینکه با نکات علمی آیه آشنا شویم، لازم است معنای برخی واژه ها آیه بررسی شود:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ﴾ ۱؛ «انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟! از یک آب جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و دو استخوان جلوی بدن مرد (آلت تناسلی) خارج می شود.»

واژه شناسی

واژه «دافق» از «دفق» به معنای «صب الماء» (ریختن آب) آمده است و «ماء دافق»، همان منی مرد است که به صورت جهنده از او خارج می شود. (۱)

«صُلب» به معنای استخوان های تیره پشت از پس گردن تا آخر ران ها، کمر، و به معنای چیز شدید و سخت و... آمده است. (۲)

«ترائب» از ریشه «تراب» به معنای دو چیز مساوی در بدن است. لذا صاحب نظران مصادیق زیادی برای آن ذکر کرده اند، مانند: بین دو سینه زن،

ص: ۱۲۸

---

۱- (۲) قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «دفق»؛ تفسیر المیزان علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۰، ص ۳۷۹؛ برای ماء دافق، معانی دیگری ذکر کرده اند؛ مانند: آب مشترک زن و مرد، آب زنان که از رحم خارج می شود. اما با توجه به معنای دافق که دارای جهندگی است؛ شامل منی مرد می باشد.

۲- (۳) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ذیل ماده «صلب و ترائب».



بین دو کتف و سر، استخوان سینه و گلو، (۱) عصاره قلب، (۲) سر تا سر بدن،

(چشم، دست، پا) (۳) بین نخاع و سینه هر شخص (۴) و بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی). (۵)

نگاه تفسیری

آیه فوق اشاره به منشاء و ریشه منی دارد به این معنا که منی از صلب و ترائب سرچشمه می گیرد. (۶)

با توجه به مصادیق و احتمالات در مورد واژه «صلب و ترائب» مفسران (۷) نیز احتمالات مختلفی بیان کرده اند: آن چه مشهور و موافق علم و لغت است عبارت است از اینکه: آب منی از بین ستون فقرات پشت و دو استخوان ران پا (محل آلت تناسلی) خارج می شود. (۸)

قرآن برای حفظ عفت کلام، بعضی از مسائل جنسی را به صورت کنایه یا تشبیه، یا تمثیل بیان می کند و از مطرح کردن مستقیم آن خودداری می کند. از این رو برای پرهیز کردن از استفاده از نام آلت تناسلی به صورت کنایه، واژه «ترائب» یعنی دو استخوان جلوی بدن مرد را به کار برده است.

ص: ۱۲۹

۱- (۱) مجمع البیان، طبرسی، دارالمعرفه، بیروت، ذیل آیه ۷ سوره طارق.

۲- (۲) ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۳۲.

۳- (۳) مجمع، همان.

۴- (۴) البصائر، ذیل آیه.

۵- (۵) التمهید، محمد هادی معرفت، انتشارات التمهید، قم، ج ۶، ص ۶۴.

۶- (۶) در سوره اعراف آیه ۱۷۲ نیز اشاره به منشاء منی دارد، و آمده است (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...)؛ «و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه ی آنان را برگرفت.»

۷- (۷) منی از میان پشت و روی او خارج می شود با توجه به هیجانات کل بدن، می توان گفت: منی از تمام بدن خارج می شود. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ذیل آیه ی کل بدن بین استخوان سینه و پشت واقع شده است. (المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه)

۸- (۸) التمهید، محمد هادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، قم، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، تهران، ص ۳۲.

منی در لغت به معنای «تقدیر و اندازه گیری» آمده و به آب مرد اطلاق شده است و در مورد زن به کار نرفته است. (۱) منی، حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزئید است. برخی تعداد آن را ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد متغیر می دانند. (۲) نطفه مرد را کرمک می گویند و طول آن ۱۰-۱۰۰ مو (هر مو یک میلیون متر است) و دارای سر، گردن و یک دم بسیار متحرک می باشد و در هر ثانیه ۱۴-۲۳ میکرون حرکت می کند. اسپرم ها داخل مهبل ریخته می شود. از ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن فقط یکی از آن ها مورد نیاز است و ما بقی وارد زهدان می گردد. (۳)

صاحب نظران درباره منشاء منی می گویند: وقتی به کتب لغت مراجعه می کنیم، محل منی را صُلب و ترائب می دانند که مربوط به قسمت پشتی و قدامی ستون فقرات یعنی جای اولیه ای که بیضه و رحم قرار می گیرند. (قبل از شش ماهگی جنین، تخم و تخمدان هر دو در پشت قرار دارند و پس از شش ماهگی در جنس نر هر دو به پایین کشیده شده و در پوسته ی بیضه قرار می گیرند و به وضع عادی در می آیند و در جنس ماده نیز مختصر جابجا شده و در دو طرف پهلو محاذی لوله های رحم جایگزین می شوند). (۴)

نظریه علمی دیگری درباره منشاء منی وجود دارد که مطابق با لغت و قول مشهور است و آن این است که: منی مرد که از میان صُلب و ترائب (استخوان پاها) او خارج می شود، در تمام نقاط و مجاری عبور منی - از نظر کالبد شکافی - در محدوده صُلب و ترائب (استخوان پاها) قرار دارند. غدد کیسه ای پشت پروستات (که ترشحات آنها قسمتی از منی را تشکیل

ص: ۱۳۰

۱- (۱) قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «منی».

۲- (۲) اولین دانشگاه آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، همان، ص ۳۲.

۳- (۳) رویان شناسی لانگمن، پرفسور توماس، ترجمه بهادری و مشکور، سهامی چهر، ص ۲۹.

۴- (۴) اولین دانشگاه آخرین پیامبر، پاک نژاد، ج ۱، ص ۲۴۰.

می دهد) نیز در این محدوده قرار دارند. پس می توان گفت: منی از میان صلب مرد به عنوان یک مرکز عصبی - تناسلی - امرکننده - و ترائب او به عنوان رشته های عصبی مأمور به اجرا، خارج می شوند. (۱)

### نتیجه گیری

با توجه به کتب لغت و نظرات مفسرین و دیدگاه های دانشمندان می توان گفت: «صلب» به معنای پشت مرد، به عنوان یک مرکز عصبی، و «ترائب» به معنای ما بین دو استخوان ران است، که کنایه از دستگاه تناسلی مرد دارد. پس آیه «صَلْب و ترائب» با نظرات دانشمندان جنین شناسی همخوانی دارد.

اما آیا می توان آن را «اعجاز علمی» دانست؟ در پاسخ باید گفت: مسئله خروج منی از بدن انسان و دستگاه تناسلی که بین پشت و دو استخوان جلوی بدن است فی الجمله (تا حدودی) برای بشر قابل حس بوده است و لذا آیه فوق را نمی توان در ردیف اعجاز علمی قرآن دانست؛ بلکه می توان یکی از «اشارات علمی قرآن» قلمداد کرد. (۲)

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمائید:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۵۷.

۲. التمهید، محمدهادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، ج ۶، ص ۶۴.

۳. طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، ترجمه علی چراغی، ص ۳۲.

۴. رویان شناسی لانگمن، پروفیسور توماس، وی، ترجمه بهادری، انتشارات سهامی چهر.

ص: ۱۳۱

---

۱- (۱) طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، ص ۳۲ با تلخیص.

۲- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، ج ۱، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۵۷.

## بارداری حضرت مریم علیه السلام از طریق بکرزایی بوده یا منشاء اعجاز الهی داشته است؟

\*پاسخ:

بکرزایی در آئینه علم

تصوّر ولادت فرزند بدون دخالت پدر، اگر در گذشته باور کردنی نبوده اما امروزه از نظر علوم زیستی ممکن است.

امروزه با پیشرفت علم، بحثی مطرح شده، به نام «تولید مثل های غیرمزدوج». یعنی، تولیدی که در آن فرد ماده، ظاهراً بدون تماس با فرد نر، بارور می شود و شواهدی از این قبیل باروری ها را ذکر می نمایند و نیز از نظر علمی نشان می دهند که در نوع انسان هم بعضی از زن ها زوجبتین (دارای دو جنبه) می باشند. یعنی، ساختمان درونی خاصی دارند که خود به تنهایی قادر به تولید فرد جدید می باشند، این ویژگی را در اصطلاح «نرمادگی» و چنین زایشی را «بکرزایی» می گویند، که بیشتر، در زن ها بروز می کند. چنین زن هایی ممکن است علاوه بر داشتن غده های تناسلی مختلط، بعضی از صفات ظاهری مردها مانند موی صورت را نیز داشته باشند.<sup>(۱)</sup>

همچنین افرادی دیده شده اند که در آن ها لزوماً «اسپرمتوژنریس» همراه با «اوول اسیون» و قاعدگی وجود داشته است.<sup>(۲)</sup>

بکرزایی در نوعی از حشرات، مانند: شته و بعضی از جانداران، مانند: ستاره دریایی و کرم ابریشم وجود دارد؛ که بدون عمل لقاح رشد و نمو خود را شروع می کنند. و جانداران ذره بینی، مانند: باکتری ها و ویروس ها،

ص: ۱۳۲

---

۱- (۱) خلقت انسان، ید الله سبحانه، شرکت سهامی، چ ۱۳، ص ۱۶۲-۱۵۸.

۲- (۲) بافت شناسی انسانی پایه، ص ۵۶۷.

تولید مثل بدون لقاح دارند. حتی «فیلدوکسرا و استاتریکس» می تواند تا ۱۰ نسل بدون دخالت نر تولید مثل کند. (۱) قورباغه ها نیز می توانند، بکرزایی داشته باشند (۲)، حتی برخی نویسندگان نام افرادی را ذکر کرده اند که بدون تماس با مرد، باردار شده اند. برای مثال: خانم «امی ماری جونز» فرزند بدون پدر به دنیا آورد. پزشکان بعد از آزمایشات به این نتیجه رسیدند که در خون دختر او (مونیکا) کوچک ترین علامت یا اثر مرد خارجی وجود ندارد. (۳)

با توجه به اینکه بکرزایی در میان حشرات و باکتری ها اثبات شده است و اگر در مورد انسان نیز اثبات شود. (۴)

صاحب نظران می گویند: وجود شخص دو جنسی حقیقی که دارای بافت های بیضه و تخمدان باشد می تواند بدون تماس، تولید مثل نماید، در حالی که در تاریخ بشر چنین افرادی به ندرت دیده می شوند و حالت عادی و طبیعی ندارد؛ بلکه استثناء است.

زایمان حضرت مریم علیه السلام بکرزایی یا معجزه

موضوع باروری و بارداری حضرت مریم علیه السلام از مسائل پر سر و صدا و پرگفتگوی تاریخ بشر است. نه تنها قرآن به مسئله باردار شدن حضرت مریم علیه السلام بدون تماس با مردی اشاره کرده، کتاب انجیل نیز به این مسئله پرداخته و آن را معجزه الهی می داند. (۵) قرآن کریم در سوره مریم، به بیان داستان تولد حضرت عیسی علیه السلام پرداخته و می فرماید:

ص: ۱۳۳

---

۱- (۱) مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، نشر سبحان، تهران، ص ۱۱۰.

۲- (۲) انسان موجود ناشناخته، الکیس کارل، ترجمه دکتر دبیری، ص ۱۰۴.

۳- (۳) مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۱۱۲، از روزنامه اطلاعات ۲۰۸۲۰.

۴- (۴) در آزمایشات بکرزایی بر روی پستانداران تا خرگوش پیش رفته اند و جنینی در مرحله ی بسیار ابتدایی به دست آوردند. (مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۱۸؛ ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۶۱).

۵- (۵) مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، موریس بوکای، ترجمه ذبیح الله دبیر، ص ۱۱۸. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، به نقل از انجیل متی، ۴۶/۱۳.

«ما روح خود (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم تا به شکل بشری خوش

اندام بر او نمایان شد. مریم گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می برم. گفت: من فقط فرستاده ی پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت: چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبودم؟ گفت: فرمان چنین است. پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، تا او را نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم. پس حضرت مریم علیها السلام حضرت عیسی علیه السلام را آبستن شد.<sup>(۱)</sup>

آیه بیان گر آن است که حضرت عیسی علیه السلام از طریق معجزه ی الهی و قدرت ماوراء طبیعت به دنیا آمد و طبیعت و امور عادی یا بکرزایی، در تولد آن حضرت نقشی نداشته است.

تعبیر (كَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا) ۲ اشاره به اراده خداوند و قضا و قدر او دارد که حضرت عیسی علیه السلام متولد شوند و تعبیر (وَ لِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَ رَحْمَةً مِنَّا) ۳؛ «تا او را نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم.»؛ نشانگر خارق العاده بودن تولد و معجزه بودن آن است.<sup>(۲)</sup>

البته این مطلب بدان معنا نیست که عیسی بدون علت بوجود آمده است، بلکه علت وجودی او، مریم و روح الهی بود که در وی دمیده شد. هر چند برخی تلاش دارند تولد حضرت عیسی علیه السلام را «بکرزایی» بنامند؛<sup>(۳)</sup> اما با ظاهر آیه سازگار نیست.

ص: ۱۳۴

۱- (۱) مریم / ۱۶-۲۲.

۲- (۴) تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، دار الکتب الاسلامی، تهران، ج ۱۴، ذیل آیه و نیز تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل آیه.

۳- (۵) دکتر محمد صادق رجحان، بافت شناسی انسانی پایه، انتشارات چهره، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۷۶۵.

فصل سوم: قرآن و بهداشت

اشاره

ص: ۱۳۵





\*پرسش:

## راهکارهای مقابله با چشم چرانی و خودارضایی را بیان کنید؟

\*پاسخ:

چشم چرانی و نگاه آلوده، آغاز انحرافات جنسی از جمله، خودارضایی است. (۱) بنابراین در مرحله اول لازم است دیده ها را پاک کرد تا بتوان دل را کنترل کرد.

دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

قرآن کریم پیش از دعوت به عفت جنسی، به عفت چشم دعوت می کند و می فرماید: «به مردان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند (۲)... به زنان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند (۳)»

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس؛ نگاه (به نامحرم) تیر زهر آگینی از تیرهای شیطان است.» (۴)

شیطان با نگاه آلوده، جوانان را به دام عشق ناپاک و انحرافات جنسی می کشاند، از حضرت علی علیه السلام نقل شده: «چه بسا عشقی که با یک نگاه، بدر افشانی می شود.» (۵)

چشم چرانی از محرومیت های جنسی، محیط نامساعد و ضعف اراده و... به وجود می آید. و عصب «لی بیدو» که در اعصاب چشم متمرکز است با اعصاب جنسی متصل است و شخص با چشم چرانی لذت می برد و به طور مستمر تبدیل به یک عادت می شود.

ص: ۱۳۷

---

۱- (۱) خودارضایی یا استمناء یا جلق زدن، عملی است که انسان برای ارضای جنسی خود با خود کاری انجام دهد که شهوت او تحریک شود و از او منی خارج شود.

۲- (۲) نور / ۳۰.

۳- (۳) نور / ۳۲.

۴- (۴) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۸، چاپ بیروت.

۵- (۵) غررالحکم و دررالکلم، محمد تمیمی، دانشگاه تهران، حدیث ۵۳۱۴.

برای مقابله با چشم چرانی و استمناء لازم است از ضررهای آن دو

آگاهی پیدا کنیم:

ضررهای چشم چرانی

۱. غالباً چشم چرانی در مردها زیاد دیده می شود و بیماری «سادیسیم» را به وجود می آورد و در زن ها، غالباً خودنمایی است و بیماری «مازوشیسم» را به وجود می آورد. (۱)

۲. چشم چرانی، سبب درشتی چشم، ضعف اعصاب و روان، بی خوابی، کم خوابی، بی اشتها، بی اشتها، خیال پردازی واهی، تشویش ذهن و... می شود. (۲)

خودارضایی

خودارضایی یکی از گناهان کبیره است و براساس برخی آیات قرآن کریم، کسانی که خودارضایی می کنند، تجاوز کار معرفی شده است:

﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَوُئِجَتْهُمُ الْعَادُونَ﴾؛ «و کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوز کردند.»

حکایت شده: شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد خودارضایی سوال کرد. امام در پاسخ فرمودند: خودارضایی گناه بزرگی است. کسی که مرتکب این کار زشت شود، همانند کسی است که با خود ازدواج کند و اگر من بدانم کسی با خود این عمل را انجام می دهد با او غذا نخواهم خورد. و حضرت برای اثبات دلیل خود به آیه فوق استدلال کرده است. (۳)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: «ناکح الکف ملعون؛ کسی که خودارضایی کند ملعون [= از رحمت خدا دور] است.» (۴)

ص: ۱۳۸

---

۱- (۱) مسائل درمانی و طب روحانی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸.

۲- (۲) همان و آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطر آگین، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۸۴.

۳- (۳) مستدرک الوسائل، حسین نوری، ج ۱۴، ص ۳۵۶.

۴- (۴) میزان الحکمه، ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۵۰.

همچنین امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: «برای کسی که خودارضایی کند در قیامت عذاب دردناکی در نظر گرفته شده است.»<sup>(۱)</sup>

## ضررهای جسمانی و روانی خودارضایی

۱. ضعف و تحلیل قوای جسمانی: خودارضایی باعث کاهش انرژی بدن، خستگی، و پیری زودرس می شود.
۲. ضعف بینایی: خودارضایی به تدریج در نور چشم و قدرت بینایی اثر می گذارد و آن را کاهش می دهد.
۳. آسیب به دستگاه تناسلی و ناتوانی های جنسی.
۴. ضعف حافظه، هواس پرتی، ناتوانی در تمرکز فکری.
۵. اضطراب و افسردگی.
۶. پرخاشگری و بداخلاقی.
۷. احساس گناه، عذاب وجدان.
۸. بی عاطفه، کم رویی و خجالت.
۹. آفت تحصیلی، مشکلات ازدواج.
۱۰. بی میلی به همسر و ناسازگاری خانوادگی.<sup>(۲)</sup>

کیفیت درمان چشم چرانی و خودارضایی:

ایستادگی در برابر شهوت و کشش های انحرافی درونی، تنها با تکیه به ایمان و قدرت اراده امکان پذیر است هرچه ایمان و اراده قوی تر باشد، مقاومت او در برابر جاذبه های جنسی بیشتر و عفت او افزوده می گردد. برخی از عواملی که سبب دوری از چشم چرانی و خودارضایی می گردد؛ به شرح زیر است:

ص: ۱۳۹

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) ر. ک: علی قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان و ر. ک: فتنه نفس، صدری، سبط النبی، قم.

۱. عفت چشم: از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله حکایت شده است: «هر مسلمانی بی اختیار چشمش به زیبایی های زنی بیفتد و چشم فرو نهد، خداوند به او توفیق عبادتی می دهد که شیرینی آن را احساس می کند.» (۱)

۲. حیاء: حضرت علی علیه السلام می فرمایند: حیاء سبب عفت و عفت ثمره حیاست. (۲) شرم مانع کار زشت است. (۳)

۳. روزه: از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله حکایت شده است که فرمودند: «جوان ها، ازدواج کنید، اگر نمی توانید حتماً روزه بگیرید که روزه غریزه جنسی را کنترل می کند.» (۴) و همچنین فرمودند: «راه کنترل غریزه جنسی، روزه است.» (۵)

۴. توجه به زیان های چشم چرانی و خودارضایی که در صدر بحث بیان شد.

۵. ازدواج: در اولین فرصت ازدواج کنید.

۶. سعی کنید در مکان های خلوت و تنها نمانید، چون تنهایی، خود عامل مهمی برای تحریک خودارضایی و زمینه ساز ارتکاب این عمل است.

۷. تلاش برای تقویت اراده از گام های مهم در امر بهبود است، نگوییم اراده از ما سلب شده است، زیرا ممکن است اراده انسان ضعیف شود، ولی هیچ گاه از بین نمی رود، برای تقویت اراده راه های زیادی پیشنهاد شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف. تلقین به خود: همواره به خود بگوییم من می توانم این عمل را ترک کنم.

ب. به پایان رساندن کارهای نیمه تمام نیز در تقویت اراده موثر است. سعی کنید هیچ کار نیمه تمامی را از خود به جای نگذارید.

ص: ۱۴۰

---

۱- (۱) میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۸.

۲- (۲) غررالحکم، حدیث ۵۵۲۷.

۳- (۳) همان، حدیث ۴۶۱۲.

۴- (۴) وسائل الشیعه، حر عاملی، موسسه آل البیت، بیروت، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۵- (۵) همان.

ج. تمرکز بخشیدن به فعالیت های گوناگون و پراکنده: تلاش شود از

کارهای متعدد و متنوع پرهیز شود، چون موجب پراکندگی و به هم ریختگی انسجام فکر می شوند.

د. نماز، سحرخیزی، کم خوری، دوری از گناه، از عوامل مهم تقویت اراده است.

۸. افکار جنسی را که به ذهن خطور می کند بلافاصله با ذکر خدا و یاد آسب های معنوی، جسمی، روانی، و اجتماعی این عمل زشت، از خود دور نمایید.

۹. تنبیه: راه دیگر مقابله با این تحریکات تنبیه خود است، مثلاً با خود شرط کنیم اگر یک بار چنین گناهی را مرتکب شوم مثلاً یک یا چند روز، روزه می گیرم یا مبلغی را صدقه می دهم.

۱۰. اوقات فراغت خود را با مطالعه، ورزش، زیارت و دعا پر کنید.

۱۱. راه دیگر خنثی نمودن تحریکات، گرفتن دوش آب سرد، البته اگر از سلامت جسمی برخوردارید، یا شستن اعضا با آب سرد است و هیچ گاه در حمام کاملاً عریان نشوید و به اندام جنسی خود نگاه نکنید.

۱۲. از نگاه کردن به مواضع جنسی و برجستگی های بدن دیگران (حتی از روی لباس) پرهیز شود.

۱۳. به هنگام خواب سعی شود شکم بیش از معمول پر نباشد، و هرگز به رو نخوابید.

۱۴. ایمان مذهبی خود را روز به روز تقویت کنیم و توسل به ائمه (علیه السلام) را فراموش نکنیم و امیدوار به رحمت الهی باشیم و هیچ گاه مأیوس نشویم.

۱۵. از پوشیدن لباس های تنگ و چسبان اجتناب شود.

۱۶. از نگاه کردن به تصاویر و فیلم های تحریک کننده و لباس جنس مخالف، جداً پرهیز شود.

۱۷. از فکر کردن و تصور و تخیل در مورد جنس مخالف و مسائل جنسی خودداری شود.

۱۸. از معاشرت و سخن گفتن و نگاه به جنس مخالف - حتی کودکان جذاب و خوش سیما - خودداری ورزیم و از دوستی با آنان اجتناب کنیم.

۱۹. به بدی گناه و عواقب آن توجه کنیم.

۲۰. از مشاهده اعمال، رفتار و گفتار زوج های جوان جداً خودداری کنید.

نتیجه

حاصل سخن اینکه چشم چرانی پایه و اساس انحرافات جنسی است. لازم است با تقویت اراده، ایمان، عفت، حیا و شرم، چشم ها را از نامحرم پوشانیم و خودارضایی که خود یک عمل زنا با خود است؛ علاوه بر مضرات جسمی و روحی و روانی که بر فرد می گذارد اثرات نامطلوب اجتماعی و خانوادگی نیز دارد که باید با تقویت اراده و توکل به خدا از کمند این عمل زشت رهایی یابیم.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

۱. گناهان کبیره، آیت الله دستغیب، ج ۲، کانون اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۱.

۲. فتنه نفس، نوروز، صوری، سبط النبی، ۱۳۸۲، قم.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، ص ۳۹۱.

۴. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطر آگین، ص ۸۲.

۵. جشن تکلیف، ری شهری، دارالحدیث، ۱۳۷۸.

۶. دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰.

ص: ۱۴۲

## چرا قرآن بعضی غذاها را حرام و برخی را حلال کرده است؟ آیا اسرار و فواید پزشکی داشته است؟

\*پاسخ:

خداوند متعال به عنوان خالق بشر و کل کائنات و عالم به مسائل مختلف حیات و جهان در قرآن کریم نیک و بدها، پاک و ناپاک ها و مطلوب و نامطلوب هایی را که تأمین کننده یا تهدیدکننده سلامت جسم و جان انسان است با رهنمودهایی مشخص نموده است.

با بیان مفاهیمی مثل حلال، حرام، طیب و خبیث بر خورداری انسان را از غذاهای معین مجاز و آزاد گذاشته و از مصرف مواد غذایی مشخص دیگر نهی کرده است.

چیزهای پاکیزه ای که طبع انسان سالم آنها را بپذیرد و بلع، هضم، جذب و دفعش مناسب و در جهت سلامت انسان باشد را تجویز و چیزهایی که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده اش مضر یا مسمتزرکننده باشد را منع کرده است.

با گذشت ۱۴ قرن از این مرزبندی قرآن، اگر اندیشمندان و با انصاف حکمت های این حلال و حرام های الهی را بررسی کنیم، می بینیم که تمام این دستورات توجیه علمی داشته که می توان در بررسی علمی به برخی از آن حکمت ها دست یافت.

قرآن در مورد تغذیه، از جهتی انسان را به خوردن غذاهای پاکیزه [=طیب] توصیه می کند و به کیفیت استفاده از آن هم عنایت دارد و از طرفی از خوردن غذاهای غیربهداشتی [=خبیث] منع می کند؛ این دستورات را می توان به سه تقسیم کرد:

۱. دستور به اعتدال در خوردن غذا.

۲. ممنوعیت چیزهای ناپسند (تحریم خبائث).

۳. سفارش در مورد چیزهای پاک و پاکیزه (توصیه به طیبات).

اول: قاعده اعتدال در خوردن غذا

قرآن یک قاعده و چهارچوب کلی و اساسی برای تغذیه ارائه می دهد و می فرماید: (كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) ۱؛ «وبخورید و بیاشامید، [ولی] زیاده روی نکنید؛ که او اسرافکاران را دوست نمی دارد.»

«اسراف» کلمه جامعی است که هرگونه زیاده روی در کمیت، کیفیت، بیهوده گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می شود. اسراف مصادیق گوناگونی دارد مانند: زیادخوردن و آشامیدن، فرودادن سریع غذا بدون جویدن کامل، زیاده روی در خوردن یک نوع غذا و تجاوز از خوردن خوراکی های حلال و روی آوردن به حرام و... (۱)

پیامدهای اسراف در غذا:

صاحب نظران برای اسراف در تغذیه ضررهایی را بر شمرده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. سوء هاضمه و فراخ شدن معده و بزرگی شکم؛ ۲. پیچ خوردن معده؛ ۳. حمله حُتَّاق سینه یا سوزش قلب؛ ۴. دچار شدن به وبا و تیفوئید و...؛ ۵. چاقی که خود یک بیماری خطرناک است؛

۶. پوسیدگی دندان؛

۷. بالا رفتن غلظت خون (تصلب شراین)؛

۸. بیماری های مفصلی و سنگ کلیه (اسراف در خوردن یک نوع غذا)؛

۹. آثار روانی، مثل کودنی و تبلی و افزایش شهوت جنسی.

ص: ۱۴۴



دوم: ممنوع کردن چیزهای ناپسند (خبائث):

پس از بررسی آیاتی که غذاهای مضر را «خبائث» نامیده است در می یابیم خداوند هرچه را تحریم فرموده براساس حکمت و برای پیشگیری از زیان های مترتب بر آن بوده است و نیز روشن می گردد به رغم تمام پیشرفت های علمی، باز انسان نیازمند هدایت از جانب کسی است که علم او مافوق تمام دستاوردهای بشری باشد. قرآن کریم در برخی آیات به صورت کلی می فرماید:

(وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ ۱؛ «و برایشان [خوارکی های] پاکیزه را حلال می شمرد، و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند.»

خبائث به چیزهایی گفته می شود که پلید است، یعنی امور پست و فاسد و متعفن، به طوری که طبع انسان آنها را نمی پسندد(۱) و قرآن کریم در برخی آیات به طور مشخص از خوردن برخی غذاها منع می کند و می فرماید:

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ ۳؛ «گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه شده... بر شما حرام شده است.»

صاحب نظران در بررسی حکمت اینگونه غذاها به نتایجی رسیده اند که برخی از آنها را یادآور می شویم:

۱. مردار: در اصطلاح فقهی مردار به جانوری اطلاق می شود که از طریق ذبح شرعی، جان نداده باشد. برای ذبح شرعی نیز حکمت هایی بیان شده که خود نیز دارای تاثیراتی بهداشتی است از جمله اینکه چون خون پس از مرگ جانور به محل مناسبی برای رشد میکروب ها تبدیل خواهد شد، ذبح شرعی با بریده شدن رگ ها و شریان های بزرگ گردن، باعث خروج تمام خون بدن حیوان خواهد شد و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر

ص: ۱۴۵

کمک خواهد کرد. (۱) ممنوعیت خوردن گوشت مردار در سوره های انعام، نحل، بقره و مائده (با الفاظ مختلف تکرار شده) بیانگر خطرات جسمی و روحی استفاده از آن و آلودگی مردم آن روزگار به این مسئله است. (۲)

استفاده از گوشت مردار از نگاه روایات

در روایات نیز به برخی از مضرات استفاده از گوشت مردار اشاره شده است به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام حکایت شده:

«هیچ کس مردار نمی خورد مگر اینکه بدنش ضعیف و رنجور می شود. نیروی او را می کاهد و نسل او را قطع می کند و آن کس که به این کار ادامه دهد با مرگ ناگهانی (مثل سگته) از دنیا می رود.» (۳) ضررهای دیگری برای خوردن گوشت مردار در روایات برشمرده اند که عبارتند از: بدبویی بدن، ایجاد صفرا، بداخلاقی، عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطف، منجمد شدن خون و غیره. (۴)

یادآوری: از این روایات روشن می گردد استفاده از مردار علاوه بر ضررهای جسمی، دارای ضررهای روانی و اخلاقی هم می باشد و در روایت آمده است به قدری گوشت مردار مهر و محبت را می برد که شخص حتی از کشتن فرزند و پدر خویش ایمنی نخواهد داشت. (۵) دستگاہ گوارش نمی تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد و به علاوه مردار کانونی از انواع میکروب ها است. (۶) صاحب نظران و پزشکان به ضررهای دیگر خوردن مردار در کتب خویش اشاره کرده اند. (۷)

ص: ۱۴۶

- 
- ۱- (۱) طب در قرآن، ص ۱۴۱.
  - ۲- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۳.
  - ۳- (۳) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰ به نقل از همان.
  - ۴- (۴) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۵.
  - ۵- (۵) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲.
  - ۶- (۶) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵، به نقل پژوهشی ص ۲۱۶.
  - ۷- (۷) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۴۱ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۶. فلسفه احکام، اهتمام، ص ۱۵۱؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۸، ص ۲۱۰ و...

۲. خون: حرمت خوردن خون در چهار سوره قرآن کریم با الفاظ مختلف تکرار شده است. (۱) موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه ای طولانی داشته است و در دوران جاهلیت نیز از آن استفاده می کردند. متخصصان علوم پزشکی و غذایی اسرار علمی و فلسفه های مختلفی در مورد حرام بودن خوردن خون برشمرده و گفته اند: خون محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب ها می باشد و در آزمایشگاه های طبی از خون برای کشت انواع باکتری ها به منظور مطالعه آنها استفاده می کنند و خون در معده بسیار سخت هضم می گردد. (۲)

در روایات نیز به برخی از ضررهای آن اشاراتی شده است از جمله:

امام صادق علیه السلام می فرماید: خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه و موجب تعفن بدن و تغییر رنگ چهره می شود. (۳)

ادیان الهی خوردن خون را از لیست غذاهای بشری حذف کرده اند، که نشان می دهد که تمدن فعلی بشر تا چه حد مرهون زحمات انبیا است.

۳. گوشت خوک: خوردن گوشت این حیوان از نظر اسلام در لیست غذاهای ممنوع قرار گرفته است. (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِزْيِرِ...) (بقره / ۱۷۳، مائده / ۳، انعام / ۱۴۵، نحل / ۱۱۵) مصرف گوشت خوک هم ضررهای جسمی دارد و هم ضررهای معنوی و اخلاقی، مانند:

خوک غیرت ناموسی ندارد و جفت خود را در معرض استفاده خوک های نر دیگر قرار می دهد و لذت می برد و این خوی بی غیرتی در گوشتش تاثیراتی دارد. پس تغذیه از این گوشت باعث انتقال این صفت رذیله به انسان می گردد. (۴) بیماری هایی که توسط مصرف گوشت خوک به انسان منتقل می گردد به طور خلاصه عبارتند از:

ص: ۱۴۷

---

۱- (۱) (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ...) (نحل / ۱۱۵، بقره / ۱۷۳، مائده / ۳، انعام / ۱۴۵)

۲- (۲) طب در قرآن، ص ۱۴۴.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲.

۴- (۴) فلسفه احکام، ص ۱۶۲.

الف. کرم کدوی خوک که موجب نارسایی هایی در دستگاه گوارش می گردد.

ب. مرض لادردی که در مناطق مسیحی نشین زیاد یافت می گردد اما در میان مسلمانان یافت نمی شود.

ج. تری شینوز که اثرش التهاب جداره امعا: پیدایش جوش ها و دمل های پراکنده در تمام بدن و...

د. بیماری «بوتولیسم» که بر اثر ثقیل الهضم بودن گوشت خوک ایجاد می گردد.

گوشت خوک در بیماری هایی مثل: اسهال خونی، یرقان عفونی، اسهال آسیبی، بیماری شبه باد سرخ، تصلب شرائین، دردهای مفصلی و مسمومیت ها موثر است. خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافت حتی مدفوع خود باک ندارد و از این رو معده اش لانه ی انواع میکروب ها و امراض است. (۱)

۴. ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر):

خدای متعال در قرآن کریم در چهار مرحله با مسئله شراب برخورد می کند در ابتدا مسلمانان را برای پذیرش این حکم آماده می کند و به تدریج اجتماع مسلمانان آن روز را از این خوی پلید پاک می کند. قبل از ظهور اسلام، شراب خواری در بین بسیاری از ملت ها یک عادت و رسمی بود که این عادت هنوز هم در بسیاری از کشورهای غیرمسلمان رواج دارد.

حرمت و نجاست شراب و مسکرات از چند جهت قابل بررسی است و در روایات اهل بیت علیهم السلام و سخنان متخصصان علوم پزشکی مطالب مختلفی در مورد ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی شراب آمده است که به اختصار بدانها اشاره می کنیم: (۲)

الف. شراب عقل را زایل و انسان را از حوزه انسانیت خارج و تبدیل به یک حیوان می کند تا آنجا که حتی کشتن خانواده و فرزندان برایش عادی جلوه می نمایند.

ب. ابتلا به زخم معده حاد که ممکن است به مرگ منجر شود.

ص: ۱۴۸

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۵-۳۲۴.

۲- (۲) ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۳۱.

- ج. اعتیاد مزمن به الکل به دستگاه عصبی آسیب وارد می کند و منجر به بیماری های عصبی در زمینه های مختلف می شود.
- د. استفاده الکل به دستگاه گوارش صدمه وارد کرده و باعث بیماری های گوارشی مثل سرطان مری، التهاب حاد معده و... می گردد.
- م. نوشیدن الکل رابطه نزدیکی با بسیاری از بیماری های قلبی از جمله: ضعف ماهیچه های قلب و... دارد.
- ه. نوشیدن شراب باعث نارسایی های خونی مثل کاهش آهن خون و کاهش اسید کولیک در خون و... می شود.
- و. مصرف الکل تأثیر زیادی روی فعالیت های جنسی دارد، از جمله میل جنسی را افزایش می دهد ولی توان انجام فعالیت های جنسی را کم می کند و...
- ز. الکل یکی از علل پنجگانه اصلی ابتلا به سرطان مغز است.

همچنین استفاده از شراب و مشروبات الکلی عوارض روحی و ذهنی بسیاری دارد که صاحب نظران و پزشکان در مورد ضررهای آن به طور مفصل در کتاب های مختلف به آن پرداخته اند.

سوم: توصیه به غذاهای حلال و پاک (طیب):

قرآن کریم توجه خود را فقط معطوف به تحریم خبائث نموده بلکه مردم را به غذاهایی مفید و مؤثر در سلامتی، راهنمایی کرده است و در این راستا می فرماید: (يَسِّرُ لَكُمْ مَا ذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ)؛ «از تو می پرسند: چه چیزهایی برای شان حلال شده است؟ بگو: [همه] پاکیزه ها برای شما حلال گردیده.» (مائده/ ۴، اعراف/ ۳۳، مائده/ ۸۷ و ۸۸، نحل/ ۵)

البته معنای کلمه «طیب» در منفعت و ارزش غذایی محدود نمی گردد بلکه فواید روانی غذا را نیز در برمی گیرد و غذایی طیب باید حلال هم باشد:

(وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا) ۱ زیرا هنگامی که شخص از دسترنج

خود غذا می خورد ضمن دستیابی به یک لذت و نشئه خاص، احساس سعادت و بزرگی نیز به وی دست می دهد. (۱)

انواع طبیات از دیدگاه قرآن:

۱. گوشت چهارپایان: (نحل / ۵) شکی نیست که اگر گوشت را از رژیم غذایی انسان حذف کنیم، قادر به ادامه یک زندگی بهداشتی و طبیعی نخواهد بود؛ زیرا گوشت از هر غذای دیگری بیشتر پروتئین دارد.

کمبود پروتئین بدن در درازمدت باعث اختلال در رشد طبیعی بدن، ضعف عضلات، کم خونی، کودنی و کم عقلی... می گردد.

۲. صید دریا: قرآن کریم می فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا﴾ ۲؛ «و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید.»

نعمت های دریا شگفت انگیز و بی شمارند که از جمله ی آن، ماهی را می توان نام برد. گوشت ماهی دارای پروتئین زیادی با کیفیت خوب است و مقدار زیادی ویتامین از جمله ویتامین A و ویتامین D دارد که ویتامین A ضد شب کوری و برای رشد بافت های پوست ضروری است و ویتامین D برای رشد و نمو استخوان بسیار مفید است.

ماهی حاوی کلسیم است و دیگر امتیاز ماهی و محصولات غذایی دریایی غنی بودن آنها از نظر ید است که عنصری ضروری و مورد نیاز برای غده تیروئید است. (۲)

۳. شیر چهارپایان: (نحل / ۶۶) شیر به تنهایی غذایی خالص، خوش طعم و کامل که خداوند به انسان ها ارزانی داشته است. شیر مملو از کلسیم است، کلسیم نمک مخصوصی برای استحکام استخوان های بدن، ناخن ها و موها

ص: ۱۵۰

---

۱- (۱) طب در قرآن، ص ۱۶۲.

۲- (۳) همان.

است بدون کلسیم استخوان‌ها سست می‌شوند. دندان‌ها می‌پوسند، ناخن‌ها می‌شکنند و موها می‌ریزند.

۴. زیتون: (انعام / ۹۹ و مؤمنون / ۲۰) زیتون یک ماده غذایی بسیار ارزشمند است که مقدار زیادی چربی، پروتئین، کلسیم آهن و فسفات را در خود دارد و از نظر ویتامین‌های A و D و B کمپلکس بسیار غنی است قرآن با قسم خوردن به این میوه (والثین والذیتون) توجه و حس کنجاوی بشر را به این میوه جلب کرده است و صاحب نظران فوائد بسیار فراوانی را برای این میوه برشمرده اند. (۱)

۵. خرما (نحل / ۱۱ و عبس / ۲۹): درصد بسیاری از ترکیبات خرما را مواد قندی تشکیل می‌دهند و از این نظر غنی تر از سایر میوه هاست. همچنین خرما بر هضم غذا مؤثر است و خاصیت ضدگرسنگی دارد و مناطقی که از خرما بیشتر مصرف می‌کنند کمتر مبتلا به سرطان می‌شوند خرما برای جوش و غرور جوانی مفید است، بیماران دیابتی به جای قند می‌توانند از خرما استفاده کنند. متخصصین فواید بسیاری برای خرما برشمرده اند که به ذکر همین مقدار اکتفا می‌کنیم. (۲) در روایات نیز اشاراتی به خواص پر اهمیت خرما شده است. (۳)

۶. انجیر (تین ۱-۴): خداوند از یک طرف به انجیر قسم یاد می‌کند و از طرف دیگر بحث قوام انسان را مطرح می‌کند پس بین انجیر و قوام انسان ارتباط وجود دارد (وَ التَّيْنِ... لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) دانشمندان بعد از تحقیقات در انجیر، به این نتیجه رسیده اند که انجیر تاثیر مستقیم در قوام و قدرت انسان و سلامتی بدن دارد و فوائد دیگری نیز برای انجیر برشمرده اند (۴) و در روایات اهل بیت نیز فوائد فراوانی برای انجیر حکایت شده است.

ص: ۱۵۱

---

۱- (۱) ر. ک: سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۴۱.

۲- (۲) ر. ک: آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، ص ۷۳.

۳- (۳) سفینه، ج ۱، ص ۱۲۴ و بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱.

۴- (۴) آموزه های تندرستی در قرآن، ص ۷۷.

۷. عسل: قرآن عسل را مایه شفا معرفی می کند و می فرماید:

(يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ) ۱؛ «از شکم هایشان نوشیدنی (= عسل) بیرون می آید که رنگ هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است.»

بسیاری از صاحب نظران، مفسران و پزشکان در مورد اهمیت غذایی و دارویی (شفابخش) عسل سخن گفته و به قرآن آفرین گفته اند که آن را «شفا» خوانده است. اینک به طور خلاصه اشاراتی به آنها می کنیم:

الف. عسل دارای بیش از ۷۰ ماده مختلف است که برای بدن بسیار مفید است.

ب. عسل خاصیت ضد میکروبی و ضد عفونی دارد و میکروب ها قادر به حیات در عسل نیستند.

ج. عسل برای کودکان، هم یک ماده غذایی و هم یک داروی ارزشمند است.

د. عسل در پیشگیری از عوارض تابش انواع اشعه و سرطان نقش بسزایی دارد.

کاربرد درمانی عسل:

۱. عسل در درمان بیماری های پوستی به ویژه جوش های چرکی و زخم های کهنه و عفونی موثر است.

۲. عسل تاثیرات نیکویی بر بیماری های گوارشی دارد.

۳. عسل در درمان بیماری های تنفسی مثل بیماری سل، سیاه سرفه و التهاب ریه نقش موثر دارد.

۴. عسل از قدیم الایام در درمان بیماری های چشم به کار برده می شد.

همچنین عسل در بیماری های زنان و زایمان و بیماری های گوش، حلق و بینی و بیماری های قلبی و کلیه و دستگاه عصبی موثر است که صاحب نظران به طور مفصل به تشریح آنها پرداخته اند. (۱)

ص: ۱۵۲



بنابراین:

۱. قرآن چیزهای را که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده از آن برای او ناراحتی و بیماری های جسمی و روحی ایجاد می نماید حرام کرده است.

۲. علت و فلسفه حرمت برخی از امور، برای بشر با توجه به پیشرفت علم، روشن شده و ممکن است علت حرمت اینگونه غذاها منحصر به این امور نباشد و علت های دیگری هم در حرمت این غذا دخیل باشد که هنوز بشر پی به آن نبرده است. (۱)

۳. ممکن است در آینده حکم و اسرار و علل بهتری از آنچه تا حال کشف شده برای بشر آشکار گردد زیرا علم بشر خیلی محدود و به تصدیق دانشمندان این عصر نسبت معلومات بشر به مجهولات او اندک است، و هر چه معلومات تازه برای بشر پیدا می شود مجهولات او زیادتر می گردد. (۲)

۴. فلسفه و علت برخی از احکام و قوانین اسلام هنوز روشن نشده است که به این موارد احکام تعبیدی می گویند و باید هر مسلمان بدانها عمل کند. و مسلماً عقل و علم آنها را می پذیرد و ممکن است در آینده حکمت های آنها برای ما روشن شود چرا که این قوانین از طرف خدای حکیم وضع شده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفه احکام، آیت الله احمد اتمام.

۴. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

ص: ۱۵۳

---

۱- (۱) فلسفه احکام، ص ۲۳ با تصرف.

۲- (۲) همان.

## رابطه وضو و غسل با بهداشت جسمانی چیست؟

\*پاسخ:

در اسلام عباداتی وجود دارد که دارای دو جنبه است: یکی بُعد عبادی، که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می شود و دوم بُعد بهداشتی و درمانی، که برای محیط اجتماعی یا شخصی انسان آثار مفیدی دارد و سلامت انسان را تأمین می کند. مانند: نماز، وضو، غسل و روزه از این قبیل عبادات هستند. (۱)

وضو:

در قرآن مجید علت و فلسفه برخی احکام را، نظافت و پاکیزگی نشان می دهد برای مثال: در آیه وضو و تیمم می فرماید:

(مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) ۲؛ «یعنی خدا نمی خواهد، تا بر شما هیچ تنگ بگیرد، و لیکن می خواهد، تا شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ تا شاید شما سپاسگزاری کنید.»

البته ناگفته نماند که وضو و غسل نیز مثل سایر عبادات فلسفه ی آن بالاتر از فوائد مادی و نتایج جسمانی است؛ بلکه حکمت آن معنوی و روحانی و وصول به مقام قرب به مبدأ است و اشاره به همین معنا است حدیث «الوضوء نور والوضوء علی الوضوء نور علی نور» که سر او از نور در فائده وضو، صفا، قلب و حصول قرب می باشد و چراغی است که مؤمن را از ظلمات و مادیات نجات می دهد و به معنویات و ورود به ساحت قدس خداوند متعال رهبری می نماید. (۲)

ص: ۱۵۴

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج، ص ۳۴۸.

۲- (۳) فلسفه احکام، ص ۱۸۶.

اما اگر بخواهیم از دریچه ی بهداشت به مقوله ی وضو و غسل نگاه کنیم، جنبه های زیادی در این زمینه نمایان خواهد شد که اندیشمندان و پزشکان به آن اشاره کرده اند و در این زمینه کتاب هایی نیز نوشته اند و در روایات هم به جنبه بهداشتی آن اشاراتی شده است از جمله از امام رضا علیه السلام حکایت شده که در مورد حکمت وضو می فرماید:

«و [وضو] برای این است که بنده در مقابل پروردگار خود پاکیزه باشد و قابل مذاکره و مکالمه گردد و اطاعت امر مولی نموده از کثافات و نجاسات پاک گردد - و کسالت تن او برطرف شود - و خواب از چشم او بیرون رود. تا این معارف به پاکی قلب او در مقابل عظمت خالق منتهی شود - و سبب وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها، آن است که این اعضا در نماز بیشتر به کار می آید زیرا نماز گزار با صورت سجده و خضوع می کند. و با دست خود حاجات خویش را عرضه می دارد و با سر خویش جهت قبله را حفظ می نماید و با پاهایش قیام و قعود نماز را انجام می دهد.»<sup>(۱)</sup>

برخی از صاحب نظران در مورد وضو حکمت هایی بیان کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. دست و صورت که غالباً در معرض میکروب های مختلفند باید هر روز چند مرتبه با عنوان وضو شسته شود به طوری که آب به پوست برسد و چربی و کثیفی ها را رفع نماید، زیرا غیر از اعضای وضو (که زیر لباس است) کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می شود.<sup>(۲)</sup>

۲. پیش از این گمان می کردند ورود میکروب به داخل بدن منحصر به سوراخ های بدن (مثل دهان) است؛ ولی اخیراً ثابت شده است که ممکن

ص: ۱۵۵

---

۱- ((۱)) اسرار الصلوه، به نقل از فلسفه احکام، ص ۲۵۱ (با تصرف مختصر در عبارت) و شیخ صدوق در علل الشرایع، ص ۲۷۹-۲۸۱ به برخی علل بهداشتی وضو اشاره کرده است.

۲- ((۲)) فلسفه احکام، ص ۱۸۸.

است میکروب از سطح پوست نیز وارد بدن شود و چون دست و صورت بیشتر در معرض آلودگی ها واقع می شود دستور به شستن داده شد و در پا و سر به مسح اکتفاء شده تا موجب سختی نشود. (۱)

۳. در مسح سر و پا اگر مانعی باشد لازم است برای صحت وضو آن موانع را برطرف نماییم در نتیجه نظافت محل سر و پا هم تحقق می یابد و این خود یک نکته بهداشتی است (۲) و یا حداقل احتمال آن را دارد.

۴. ماساژ دادن به روش های مختلف خاصیت و فوائد فراوانی برای بدن دارد که وضو نیز همان خاصیت ماساژ را دارا می باشد، زیرا وقتی سطح اعضای وضو آب سرد رسید و محل آن سرد شد برای حفظ درجه حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته اعضای وضو، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول می شود تا درجه حرارت بدن متعادل شود و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه گردش خون که مهم ترین عنصر بدن است بوجود آید و بهداشت بدن را تأمین می نماید. (۳)

۵. در مورد نوع آب وضو (سرد بودن و پاک و مطلق بودن) و استنشاق (آب در بینی کردن) و مضمضمه (آب در دهان کردن) و مسواک قبل از وضو، مطالب بهداشتی جالبی است که در روایات و سخنان صاحب نظران و پزشکان بدان اشاره شده است. (۴)

غسل:

غسل، همانند وضو دارای دو بعد عبادی و بهداشتی می باشد. ما در اسلام غسل های متعددی داریم که برخی از آنها مستحب و برخی واجب است: مثل غسل جنابت، حیض، نفاس، استحاضه، مس میت، میت و....

ص: ۱۵۶

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۱۹۰.

۴- (۴) فلسفه احکام، ص ۲-۲۴۱ و ۲۴۶.

غسل علاوه بر اینکه باعث نورانیت باطنی انسان می شود و حالت معنوی در انسان ایجاد می کند و روح را طهارت و نشاط می بخشد؛ فواید بهداشتی و جسمانی نیز برای بدن دارد. که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

هر کدام از غسل ها فلسفه و علت خاصی دارد، مثلاً: در مورد غسل جمعه و غسل عیدهای مختلف، یکی از علت ها این است که چون در روزهای جمعه و اعیاد اسلامی برخی اجتماعات برپا می شود؛ مثل نماز جمعه و نماز عید و... و مردم از جاهای دور و نزدیک در یک جا دورهم جمع می شوند؛ بنابراین غسل موجب پاکیزگی می شود و بهداشت جسم و محیط را تأمین می کند و از طرفی بوی عرق و... را از بین می برد و انس بین افراد بیشتر می گردد. (۱) برخی از پزشکان و صاحب نظران در مورد غسل جنابت فوایدی ذکر کرده اند، از جمله:

۱. غسل باعث نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه های عصبی موجود در پوست می گردد.
۲. غسل موجب احتقان خون در پوست، دستگاه تناسلی و دفع خون های جمع شده در این قسمت ها به سایر قسمت های بدن به ویژه قلب و مغز می شود.
۳. عمل غسل یک فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حس جریان خون در بدن، و ورزش عضلات ارادی بدن است.
۴. غسل، سلامتی پوست را تأمین می کند تا بهتر به وظایف متعدد خود عمل نماید که از مهم ترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی است.
۵. زدودن سلول های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی ها از پوست از دیگر فواید غسل می باشد. (۲)
۶. در روایت آمده که در زمان جنابت، منی از تمام بدن بیرون می آید و از این رو لازم است، تمام بدن شسته شود. (۳)

ص: ۱۵۷

---

۱- (۱) فلسفه احکام (اهتمام)، ص ۲۰۹.

۲- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۱ و همان.

دانشمندان امروز به این نتیجه رسیده اند که خارج شدن منی از انسان، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید)؛ بدلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می گردد و تمام سلول های تن به دنبال خروج آن در یک حالت سستی مخصوص فرو می روند. (۱)

۷. برخی در مورد ترتیب غسل (سر و گردن، سمت راست و سمت چپ) نیز نکات بهداشتی و جسمانی ذکر کرده اند، از جمله:

وقتی انسان با آب سرد مشغول به شستن یک عضو شد درجه حرارت در اعضای بدن مختلف می گردد؛ در نتیجه گردش خون به آن سمت شدید می شود و به دنبال آن عمل حیاتی دوران خون شدت پیدا می کند. همانطور که در وضو صورت می گیرد حتی اگر با آب گرم هم انجام شود باز این فرایند جریان پیدا می کند. (۲)

۸. پوست انسان هم دارای تنفس است و قریب ۲ میلیون منافذ جلدی روی پوست وجود دارد که در اثر برخی رسوب ها این منافذها مسدود می گردد؛ و تنفس پوست که از لوازم سلامتی و حیات است قطع و یا کم می شود؛ و در اثر غسل این روزنه ها باز و حیات و نشاط به آن بر می گردد، و فایده های بهداشتی دیگر که در کتب مربوطه به آن اشاره کرده اند.

یادآوری:

در پایان چند نکته لازم به ذکر است که:

وضو و غسل یک عبادت است که مقدمه نماز قرار می گیرد و پایین آوردن آن در حد یک عمل بهداشتی صحیح به نظر نمی رسد، هر چند که آثار بهداشتی این دستور الهی بر کسی پوشیده نیست.

ص: ۱۵۸

---

۱- (۱) نمونه، ج ۴، ص ۲۸۴ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲- (۲) فلسفه احکام، ص ۲۰۶.

آثار و فوایدی که برای وضو و غسل شمرده شد علت منحصر و تامه برای وضو و غسل نیست. بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری مثل مسائل معنوی و اجتماعی هم مورد نظر شارع بوده است. و آیندگان نکات علمی و دقیق تری از این عمل عبادی کشف کنند.

برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می شود با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط غسل) نیز حاصل می شود، پس معلوم می شود که این آثار، هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است، بلکه حداکثر می توان گفت: در دستور غسل و وضو برخی از این آثار نیز لحاظ شده است.<sup>(۱)</sup>

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

۲. فلسفه احکام، احمد اهتمام.

ص: ۱۵۹

---

۱- ((۱)) ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۱.

\* پرسش:

## دستورات بهداشتی قرآن چیست؟

\* پاسخ:

دستورات بهداشتی قرآن را می توان در چهار محور خلاصه کرد:

۱. بهداشت تغذیه؛

۲. بهداشت جسم؛

۳. بهداشت مسائل جنسی؛

۴. بهداشت روح و روان.

در اینجا لازم است هر کدام از این موارد به صورت جداگانه پرداخته شود:

۱. بهداشت تغذیه:

توضیح آن در پاسخ پرسش های قبلی گذشت.

۲. بهداشت جسم:

در برخی از آیات قرآن اشارتی به بهداشت جسم شده است که علاوه بر جنبه تقرب، پاکی و لطافت روح حاوی نکات بهداشتی فراوانی نیز می باشد. اشارات بهداشتی قرآن عبارتند از: وضو، غسل، طهارت لباس و پاکیزگی محیط زیست و...

وضو<sup>(۱)</sup>: (مائده/۶) نماز در اسلام جایگاه ویژه ای دارد که مقدمات آن از جمله، وضو گرفتن یا غسل کردن (مثل: غسل جنابت) و پاک کردن بدن و لباس از نجاسات و همچنین پاکی مکان نماز گزار و... موجب رعایت بهداشت شخصی می شود. وضو از نظر بهداشتی و شستن صورت و دست ها در وضوء، پنج بار و یا حداقل سه بار در شبانه روز اثر قابل ملاحظه ای در نظافت بدن دارد.<sup>(۲)</sup> که البته صاحب نظران فواید بهداشتی دیگری نیز برای آن برشمرده اند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۶۰

---

۱- (۱) در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۱.

۳- (۳) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۴۸، فلسفه احکام، ص ۲۳۲ و ۲۳۵.



غسل: (۱) (مائده/ ۶) غسل همانند وضو، دارای دو جنبه (بهداشتی و عبادی) است. در مورد غسل جنابت روایتی از امام رضا علیه السلام وارد شده است که حضرت فرمودند: «عَلَّتْ غَسْلَ جَنَابَتِ نَظَافَتِ اسْتِ وَ آدَمِی خُودِ رَا از کثافات که به او رسیده پاکیزه کند و سایر بدن را پاک گرداند؛ زیرا منی از تمام بدن بیرون می آید از این رو لازم است تمام بدن را پاکیزه کند.» (۲)

متخصصان علوم پزشکی هم به این نتیجه رسیده اند که خارج شدن منی، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید که لازم باشد فقط همان موضع شستشو شود) به دلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می گردد و تمام سلول های بدن به دنبال خروج آن، در یک حالت سستی مخصوص فرو می روند. (۳) البته غسل حاوی برخی مطالب بهداشتی دیگر نیز هست که صاحب نظران به آن اشاره کرده اند. (۴)

۳. طهارت لباس: قرآن می فرماید: (وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) ۵ پاکیزگی لباس یکی از خواسته های طبیعی انسان است که اسلام نیز بر آن تاکید کرده است. البته در مورد اینکه مقصود از آیه فوق (طهارت لباس) چیست؟ نظریه های مختلفی مطرح است که پرداختن به آن ها ما را از بحث خارج می کند.

۴. پاکیزگی و بهداشت محیط زیست:

قرآن درباره بهداشت محیط زیست می فرماید: (وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) ؛ «و خانه مرا برای طواف کنندگان و (به نماز) ایستادگان و رکوع کنندگان سجده گر پاک و پاکیزه کن.» این آیه بر لزوم پاکیزگی محیط زیست به ویژه مساجد اشاره و تأکید دارد و یکی از شروط صحت نماز اقامه آن در محلی پاکیزه و دور از نجاسات است. (۵)

ص: ۱۶۱

۱- (۱) در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

۲- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰ و فلسفه احکام، ص ۲۵۹.

۳- (۳) تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۴.

۴- (۴) فلسفه احکام، ص ۲۶۰.

۵- (۵) طب در قرآن، ص ۱۳۱.

یکی دیگر از دستورات بهداشتی قرآن، بهداشت مسایل جنسی است. قرآن در زمینه بهداشت مسایل جنسی موضوعات علمی را مطرح می نماید، از جمله:

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه؛ ۲. ممنوعیت زنا؛ ۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط)؛ ۴. ممنوعیت خودارضایی (استمناء).

در اینجا به اشاراتی در مورد این مسائل اکتفا و بحث های مفصل تر را به مطالعه منابع پیشنهادی واگذار می کنیم.

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

قرآن کریم می فرماید: (يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ)؛ ۱؛ «و از تو، درباره عادت ماهانه [زنان] می پرسند، بگو: آن رنجی است؛ از این رو در عادت ماهانه، از زنان کناره گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند.»

یکی از حکمت های این دستور الهی، مصون ماندن از بیماری هاست که پزشکان مطالب زیادی در این زمینه نوشته اند. (۱)

۲. ممنوعیت زنا:

قرآن کریم از آن به عنوان «فاحشه» عمل زشت یاد می کند و برای پیشگیری از این عمل دستور به ازدواج می دهد و همچنین زنان را به رعایت حجاب و مردان را به کوتاه کردن نگاه فرامی خواند. قرآن می فرماید:

(وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا)؛ ۳؛ «و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.» که در مورد بیماری های مختلف آمیزش، صاحب نظران به طور مفصل بحث کرده اند. (۲)

ص: ۱۶۲

۱- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱ و...

۲- (۴) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط):

قرآن در این مورد در آیات ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره شعراء و ۸۱ سوره اعراف و ۲۹ سوره عنکبوت مطالبی را در قالب، داستان قوم لوط بیان کرده و در ضمن آن این عمل را سرزنش، ممنوع و حرام کرده است. این عمل عوارض و ضررهای بهداشتی متعددی (از جمله: سیفلیس، سوزاک، آتشک، گرانولوم آمیزشی و سست شدن عضلات مقعد و...) دارد. (۱)

۴. ممنوعیت استمناء:

استمناء، یعنی اینکه کسی کاری کند که از خودش منی بیرون آید این عمل در اسلام ممنوع و حرام شمرده شده و قرآن در سوره های (مؤمنون/ ۵-۷ و معارج/ ۲۹-۳۱) به آن پرداخته است. متخصصان علوم پزشکی و صاحب نظران در مورد آثار زیانبار فراوان این عمل زشت سخن گفته و اثرات سوء آن را در حوزه های مختلف روانی و اخلاقی، اجتماعی، جسمی و... بررسی کرده اند. (۲)

۴. بهداشت روح و روان

محور دیگری که قرآن کریم در مورد آن دارای دستورات بهداشتی ارزشمندی است؛ محور بهداشت روان می باشد:

در این زمینه نیز صاحب نظران و اندیشمندان علوم قرآنی قلم فرسایی نموده و از دید قرآن و تاثیر شفابخشی آن سخن رانده اند که برای طولانی نشدن مطلب اشاراتی در این زمینه می نمایم. اضطراب، دلهره، دلواپسی، احساس ناتوانی و بی کفایتی فرد برای تعبیر و تفسیر حوادث موضوع نگران کننده و مهمی است که براساس تحقیقات جدید اختلالات اضطرابی از شایع ترین اختلالات روانپزشکی است. (۳)

در اینجا به ذکر برخی از راهکارهای قرآن در به وجود آمدن آرامش درونی و باز دارنده اختلالات خفیف روانی می پردازیم:

ص: ۱۶۳

---

۱- (۱) همان، ص ۳۸۹.

۲- (۲) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۹۲.

۳- (۳) اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۳.

۱. توکل: توکل عبارت است از اعتماد به خدا در انجام کار و واگذاری امور به او؛ به طوری که فعالیت شخصی و تعادل روانی را افزایش می دهد و از اضطراب نرسیدن به هدف باز می دارد. این اعتقاد حالتی را در شخص به وجود می آورد که موجب می شود فرد در تمام حالات و رفتار خویش حضور پروردگار را در نظر بگیرد و در این حضور احساس قدرت و توانمندی کند (۱) که قرآن هم بر این مسئله در آیات مختلف تاکید می کند. (۲) از جمله:

(فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)؛ «پس بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.»

۲. ایمان: از آثار مطلوب ایمان به خدا، آرامش است؛ آرامشی که موجب سکون نفس، ثبات قلب و ثبات عزم و اراده شده و مانع راهیابی هرگونه اضطراب در انسان می شود. (۳)

قرآن کریم می فرماید: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ)؛ «او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان فرو فرستاد.»

۳. ذکر و یاد خدا:

قرآن کریم می فرماید: (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)؛ «آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابند!» که البته منظور از ذکر خدا ذکر زبانی، فکر، قلبی، ترک گناه و... می باشد که یاد خداوند در آرامش و بهداشت روان بسیار موثر است.

۴. صبر: یکی از اساسی ترین روش های مقابله با استرس و عوارض ناشی از آن، صبر است.

ص: ۱۶۴

---

۱- (۱) همان، ص ۱۳۲.

۲- (۲) ر. ک: المعجم المفهرس، واژه (وکل).

۳- (۳) اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۷.

قرآن کریم می فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) ۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جوئید؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است».

۵. توبه و استغفار: یکی از عوامل اضطراب را احساس گناه است که تا حد زیادی تعادل روان انسان را به هم می زند. قرآن در برخورد با این مسئله توبه و توجه به رحمت وسیع پروردگار را توصیه می کند.

قرآن کریم می فرماید:

(إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا) ۲؛ «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند، و [کار] شایسته انجام دهند؛ پس اینان داخل بهشت می شوند، و هیچ ستمی بر آنان نخواهد شد».

راهکارهایی که قرآن درباره بهدشت روان فرا سوی بشر قرار می دهد؛ بسیار زیاد است که ذکر همه آنها در این مجال نمی گنجد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، رشت.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفه احکام، آیت الله احمد اهتمام.

۴. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشر معارف.

ص: ۱۶۵









\* پرسش:

**چرا قرآن به زیتون و انجیر قسم یاد کرده است؟**

**آیا به خاطر فواید غذایی آنهاست؟**

\* پاسخ:

پرسش را در دو بخش بررسی می کنیم:

اول: حکمت و فلسفه سوگند در قرآن؛

دوم: سوگند قرآن به انجیر، زیتون و حکمت آن.

اول: چرا خداوند سوگند یاد کرده است؟

مفسران و صاحب نظران علوم قرآنی دلایل متعددی را برای قسم های قرآن بر شمرده اند که با بررسی آنها مطلب روشن می گردد:

۱. برخی قائلند سوگندهای قرآن به خاطر نشان دادن عظمت و تأکید بر مطلبی است که بعد از قسم می آید. یعنی این مطلبی که دنباله آیات معمولاً بیان می کند؛ مطلب مهمی است. (۱)

۲. حکمت دوم قسم های قرآن این است که گاهی خداوند می خواهد عظمت آن مطلبی را که به آن سوگند یاد کرده، نشان دهد. (۲)

همچنین سوگندهای قرآن فکر و عقل انسان را توسعه می دهد؛ در واقع تمام هستی را جولانگاه فکر بشر قرار می دهد و وی را در عالم محسوسات، مادی و عالم غیب به پرواز درمی آورد؛ زمین، خورشید، ستارگان، کهکشان ها و حتی انجیر و زیتون را در برابر فکر او عرضه می کند تا همه و همه را مورد مطالعه قرار دهد و با تحقیق و دقت آنها را بررسی کند. (۳)

ص: ۱۶۹

---

۱- (۱) تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۹.

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹.

۳- (۳) سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۵.

۳. احتمال دارد که در سوگندهای قرآن «رَب» در تقدیر است، یعنی «والفجر» در اصل «رب الفجر» بوده، یعنی سوگند به پروردگار سپیده دم و اصولاً هر جا خداوند به امور مادی قسم می خورد یک «رب» در تقدیر است. مثلاً سوگند به پروردگار خورشید، سوگند به پروردگار ماه و...

در نتیجه می توان این سه احتمال را با هم جمع کرد، زیرا با هم منافاتی ندارند، به هر حال سوگندهای قرآن هم اشاره به عظمت مطلبی که به آن قسم یاد شده و هم عظمت مطلبی که برایش قسم خورده دارد و هم بر عظمت خالق آنها ناظر است. بنابراین قسم ها و سوگندهای قرآن برای اثبات راستگویی خداوند تبارک و تعالی نیست؛ بلکه برای نشان دادن عظمت اینگونه مطالب و اهمیت آنهاست.

دوم: چرا خداوند به انجیر و زیتون قسم خورده است؟

یکی از قسم های قرآن، قسم به انجیر و زیتون است که مفسرین احتمالاتی در مورد این دو قسم ذکر کرده اند، مانند:

الف. مراد از «تین»، کوهستانی است که «دمشق» بر بلندی آن واقع شده؛ و منظور از «زیتون» کوهستانی است که «بیت المقدس» بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده است و اطلاق نام دو میوه «انجیر» و «زیتون» بر این دو کوه، شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می روید و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده بسیاری از انبیا در این دو منطقه مبعوث شده اند.

ب: برخی «تین» و «زیتون» را اشاره به دو دوران حضرت آدم و حضرت نوح علیه السلام می دانند؛ چرا که لباسی که آدم و حوا در بهشت پوشیدند از برگ درختان انجیر بود و در پایان طوفان نوح، شاخه زیتونی از آب بیرون آمد که نوح فهمید طوفان پایان یافته است.

ج. در روایتی وارد شده که «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس است. (۱) البته احتمالات دیگری در این باره ذکر شده است. (۲)

د: مقصود دو میوه معروف می باشد. اگر این دو قسم را بر معنای ابتدایی آنها حمل کنیم یعنی «انجیر» و «زیتون» دو میوه معروف؛ باز سوگند با معنایی است. زیرا انجیر و زیتون دارای ارزش غذایی فراوانی است که غذاشناسان و پزشکان فوائد بسیاری را برای آنها بر شمرده اند که برخی از آنها را در اینجا مطرح می کنیم:

#### زیتون

بی شک تمامی میوه هایی که خداوند منان آفریده، ارزشمند است، ولی نباید تردید کرد که برخی از آنها از لحاظ ارزش و خاصیت غذایی، به نوعی بر دیگری برتری دارند؛ در این میان «زیتون» از جمله میوه هایی است که هم دارای خاصیت غذایی و هم ارزش دارویی و هم منبعی برای سوخت و ایجاد روشنایی است، از برگ و هسته ی آن نیز استفاده می شود. (۳) به گفته برخی متخصصین زیتون معجزه گراست و برای درمان بسیاری از بیماری ها از جمله درمان نقرس، تصلب شرائین، فشار خون و دردهای عصبی موثر است.

نکته قابل توجه اینکه در میان مواد غذایی چه نباتی و چه حیوانی، هیچ ماده غذایی به اندازه زیتون دارای «پتاسیم» نیست، و اگر بدانیم «پتاسیم» چیست؟ و چه نقشی در حفظ حیات ما دارد؟! خواهیم فهمید چرا باید زیتون را مورد توجه قرار داد.

ص: ۱۷۱

---

۱- ((۱)) تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶، حدیث ۴، به نقل از همان.

۲- ((۲)) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۳- ((۳)) از معدود میوه هایی است که قرآن از آن نام برده است. نحل / ۱۱، مومنون / ۲۰.

به طور خلاصه، «پتاسیم» در سازندگی عضلات بدن و انرژی بدن موثر است و در ساختمان ترشحات غدد داخلی بدن به کار رفته است که در حفظ نیروی فعال و نشاط زندگی لازم است و از طرفی کمبود «پتاسیم» در بدن، رشد را متوقف می سازد بلکه متورم می شود و دستگاه تنفس دچار اختلال می شود.

«پتاسیم» در فعالیت و قدرت تصفیه و شستشوی سلول های کبدی، مؤثر است و موجب می گردد تا کبد مواد سمی، اوره و اسیداوریک را بهتر و بیشتر از خون گرفته خارج نماید.

«پتاسیم» در قدرت دفعی کلیه ها نقش اساسی دارد و موجب فعالیت بیشتر کلیه ها و دفع مواد سمی از خون می گردد و بدین لحاظ «پتاسیم» را از داروها و درمان کننده بیماری های کلیه می دانند.

«پتاسیم» حتی در ساختمان گلبول های قرمز خون وجود دارد و در فعالیت و سازندگی و حفظ آن اثر دارد.

غیر از پتاسیم - که وجودش برای ادامه حیات و حفظ تندرستی ما ضروری است - مواد معدنی دیگری چون فسفر، کلسیم، منیزیم، آهن در زیتون وجود دارد که هر کدام نقش شگرف و سازنده ای در زندگی ما دارند.<sup>(۱)</sup>

انجیر

«انجیر» نیز میوه ای است که جنبه دارویی فراوانی دارد و چیز زائدی ندارد و تمامش خورده می شود غذای لطیف و سریع الهضم است و لنت طبع می آورد، بلغم را تحلیل می دهد و کلیه ها را پاک و سنگ مثانه را از بین می برد و راه کبد و سپرز را باز می کند و بدن را فربه می سازد.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۷۲

---

۱- (۱) قسم های قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۴۱.

۲- (۲) سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۸، به نقل از سوگندهای قرآن، ص ۴۴۶.

«انجیر» دارای مواد و ترکیبات غذایی و دارویی سبک و خوشخوراک است که تازه و خشک آن، گوشت و هسته و پوستش برای همه و هر سنی قابل استفاده و گواراست (۱).

و در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویند، درد را بر طرف می سازد و با وجود آن نیاز به دارو نیست و همچنین می فرماید: انجیر شبیه ترین میوه به میوه بهشتی است.» (۲)

انجیر حاوی مقدار زیادی «فسفر» می باشد که در تقویت هوش و حافظه بسیار موثر است نیز سرشار از «پتاسیم» که برای سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی اشتها مفید می باشد، مقدار قابل توجهی، کلسیم دارد، که هم سازنده خون و استخوان و هم در ایجاد عضلات بدن و نیروی اعصاب و افزایش قدرت جسمانی مؤثر است. امروزه کارخانجات بزرگ داروسازی، از مواد موجود در انجیر و خواص حیاتی آن برای ساخت داروهای لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده می کنند. (۳)

بنابراین:

با در نظر گرفتن کلام مفسرین و صاحب نظران و توجه به فوائد غذایی سرشار «زیتون» و «انجیر» می توان گفت: قرآن با سوگند به این دو میوه توجه و حس کنجکاوی انسان را نسبت به این دو غذا جلب کرده است و شاید یکی از حکمت های مهم سوگند قرآن به این دو میوه به اهمیت و ارزش غذایی آن باشد.

ص: ۱۷۳

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) کافی، ج ۶، ص ۲۵۸ و همچنین علامه مجلسی در بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۸۴ روایات متعددی در مورد انجیر آورده است.

۳- (۳) مکتب اسلام، سال ۱۱، ش ۹، ص ۶۰ و ۶۱ به قلم دکتر محمدحسین حاجبی، به نقل از سوگندهای قرآن رزاقی، ص ۴۴۸.

۱. قسم های قرآن، آیت الله مکارم شیرازی.
۲. سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی.
۳. تحلیلی بر سوگندهای قرآن، محمد فاکر میبدی.
۴. گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین فاروتی.

## چرا هنگام غذا خوردن توصیه شده که نمک بخورید؟

\*پاسخ:

پاسخ را در دو بخش ارائه می‌دهم:

بخش اول: «نمک» در آئینه روایات.

بخش دوم: «نمک» از دریچه علم.

اما بخش اول: با بررسی روایاتی که در مورد نمک آمده، می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. دسته ای از روایات فقط فواید عام خوردن نمک را بیان می‌کنند.

از حضرت علی علیه السلام در این مورد حکایت شده که می‌فرماید:

«ابدوا بالملح فی اول طعامکم فلو یعلم الناس ما فی الملح لاخثاروه علی التریاق المجرب؛(۱) با نمک خوردن در اول غذا، غذا خوردن را شروع کنید، که اگر مردم بدانند چه خاصیتی در نمک است، هر آینه بر تریاق [بهترین دوی موثر] تجربه شده آن را بر می‌گزینند.»

۲. دسته ای دیگر علاوه بر بیان فواید عام نمک، فواید خاص استعمال نمک را نیز بیان می‌کنند که نمونه‌های آن به شرح زیر است.

۱. عن الصادق علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام: «یا علی افتتح بالملح واختم به فانه من افتتح بالملح واختم به عوفی من اثنین وسبعون نوعاً من انواع البلاء منها الجنون والجذام والبرص؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی! غذا را با نمک آغاز و

ص: ۱۷۵

---

۱- (۱) کتاب کافی، مرحوم کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ و کتاب المحاسن، احمد خالد برقی، ج ۲، ص ۵۹۰ و... که در این دو کتاب و سایر کتب مثل المقنع شیخ صدوق و بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۶۳، ص ۳۹۰ به بعد، روایات درباره نمک به طور مفصل آورده شده است.

با آن پایان ده؛ که هر کس چنین کند از ۷۲ نوع از انواع بلا، در امان است، که از آن جمله جُنون، جذام و پیسی می باشد.» و در ادامه روایتی دیگر، مشابه همین روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: [\(۱\)](#) «از آن جمله پیسی و دردهای گلو و دندان ها و دردهای شکم می باشد.» [\(۲\)](#)

و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر کس اوّل و آخر غذا نمک بخورد، لکه های سیاه و سفید صورتش برطرف خواهد شد.» [\(۳\)](#)

بخش دوم: «نمک» از دریچه علم

همانطور که می دانید نمک به خاطر داشتن «اسید»، بهترین داروی ضد عفونی کننده است، چراکه هیچ نوع میکروبی نمی تواند در نمک رشد و نمو یا زندگی کند. دانشمند محترم دکتر تومانیانس در کتاب خود به نام «Hygienic ruler in Islam» فوائد استعمال نمک پیش از غذا را، چنین می نگارد:

۱. براساس علوم پزشکی، دهان محل جمع شدن انواع و اقسام میکروب ها می باشد، که در اثر استعمال نمک پیش از غذا آنها بر طرف می شوند.

۲. آب دهان (بزاق) از چشمه هایی به نام غُد بزاقی ناشی و جاری می باشند که هرچه زیادتر با غذا مخلوط شوند غذا زودتر از گلو پایین می رود و زودتر هضم می شود. با وارد شدن نمک در دهان، غدد اطراف دهان تحریک می شود و ترشح آنها زودتر می گردد و از این رو غذا را زودتر هضم و حل می سازد و برای بلع و هضم حاضر می نماید.

۳. نمک وقتی وارد معده خالی از غذا می گردد، غدد معده را هم تحریک می کند و ترشحات زیادتری بوجود می آورد. پس «اسفیورت» نمک سبب زود بلعیدن و زود هضم شدن غذا می شود.

ص: ۱۷۶

---

۱- (۱) به نقل از کتاب قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، چاپ بیستم، ۱۳۶۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) کتاب کافی، ج ۶، ص ۳۲۵.



۴. از آنجا که نمک پیش از غذا تحریک کننده غدد هاضمه است، در

اثر تحریک غدد هاضمه انسان به غذا خوردن میل پیدا می کند و سبب زیاد شدن اشتها می گردد.

۵. چنانچه مواد شیمیایی بیش از مقدار معمول در معده ترشح شود موجب سوء هاضمه می گردد و نمک پیش از طعام به خاطر اثر اسیدی که دارد آن را خنثی و بی اثر می کند و سوء هاضمه را بر طرف می نماید.

۶. در بدن، خون و ساختمان جسم مقدار معینی نمک وجود دارد که اگر از آن کم شود موجب امراض مختلفی در اعضاء بدن می گردد، در این صورت وقتی نمک پیش از طعام وارد معده شد مقدار مورد نیاز را برای کمبود در خود نگه می دارد و در حقیقت مقدار از دست رفته را جبران می کند.

۷. بدن انسان برای برطرف کردن نمک، احتیاج به آب دارد و استعمال نمک پیش از خوراک، انسان را به نوشیدن آب مجبور می نماید و این خود سبب ازدیاد «ادرار» و شستشوی کلیه و مثانه می شود.

۸. نمک، زیاد کننده ترشحات غدد امعاء مخصوصاً در قسمت هضم و جذب می باشد از این رو استعمال آن پیش از صرف طعام بهترین وسیله برای زود هضم شدن و هضم گردیدن مواد غذایی است.

۹. در اثر نمک خوردن، مقداری از آب ها از روزنه های پوست بدن بیرون می آید، در نتیجه سوراخ های تنفسی پوستی، پاک و پاکیزه می شوند.

۱۰. استعمال نمک بعد از صرف غذا، غدد بزاقی را تحریک می کند و باعث زیاد شدن، آب دهان می گردد و انسان ناگزیر به فرو بردن و یا بیرون کردن آن از دهان می شود که در هر دو صورت چربی یا غذای باقی مانده در دهان و بین دندان ها، به همراه آب دهان برطرف می شود.

۱۱. اگر انسان طعامی را بخورد و نمک آن کم باشد و یا در معده ترشحات مواد نمکی نباشد، باعث دیرهضم شدن یعنی سوء هاضمه می گردد، پس در این صورت اگر پیش از غذا نمک خورده شود این دو ضرر را جبران می نماید.

یادآوری:

بدیهی است که این فوائد، برای استعمال مقدار مناسب نمک می باشد، و اگر در مصرف نمک افراط و تفریط شود باعث تحریک قلب و امراض گوناگون نیز خواهد گردید.

در ضمن فواید نمک برای انسان های سالم و متعادل و به صورت غالبی است، ولی برای افراد بیمار، یا گاهی برای افرادی خاص، ممکن است برخی داروها نیز ضرر داشته باشد که باید مصرف آن را پزشکان تجویز کنند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ به بعد.

ص: ۱۷۸

## مقصود از شفا بودن عسل چیست ؟

### قرآن خوردن عسل را شفا می داند، لطفاً فواید علمی و پزشکی آن را بیان کنید؟

\* پاسخ:

عسل غذای لذیذی است که زنبور عسل آن را تولید می کند و قرآن نیز بدان توصیه کرده است:

(فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ) ۱؛ «خوردن عسل برای مردم شفاء است»

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند: «لم يستشف المریض بمثل شربه العسل» (۱) هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی کند.»

واژه «شفاء» در قرآن، درباره خوردنی ها به کار نرفته و فقط عسل را شفا دانسته است و نام یک سوره از قرآن، به نحل (= زنبور عسل) اختصاص داده شده است و قرآن درباره وحی به زنبور عسل می فرماید:

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه ها و درختان و داربست هایی که (مردم) می سازند، خانه هایی برگزین و تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور (خوردن در اینجا مجاز است منظور نوشیدن خاص است) و راه هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است به راحتی بیما... و از شکم هایشان شرابی با رنگ های مختلف خارج می شود که در آن برای مردم شفا است یقین در این امر نشانه روشنی است برای جمعیتی که می اندیشیدند.» (۲)

ص: ۱۷۹

---

۱- (۲) بحارالانوار، علامه مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

۲- (۳) نحل / ۶۹-۶۸.

دانشمندان با تحقیقات خود، فواید زیادی برای عسل ارائه داده اند. ما در اینجا به طور خلاصه به آن ها اشاره می کنیم:

مواد معدنی: پتاسیم، آهن، فسفر، ید، منیزیم، سرب، منگنز، آلومینیوم، مس، سولفور، کرومیوم، لیتیوم، نیکل، روی، اسمیوم، تینانیم، سدیم، و مواد آلی، مانیت ها، ضمغ، پولن، اسید لاکتیک، اسید فرمیک (که ترکیب عسل با آن از فساد عسل جلوگیری می کند و ضد رماتیسم است)، اسیدمالیک، اسید تارتاریم، اسید اگزالیک، اسید سیتریک، رنگ ها، روغن های معطر، ازته و از مواد معدنی عسل به شمار می آیند.

مواد تخمیری: انورتاز، آمیلاز، کاتالاز که در هضم غذا مفید است.

عناصر دیگر عسل: گلوکز، لولز، ساکارز، دکستروز، مواد البرمینوئید، سولفات ها، انورتین، آب...

عسل دارای ویتامین های شش گانه (A,B,C,D,K,E) و برخی هم گفته اند که ویتامین « PP » دارد. (۱)

\* حدود ۷۰ مواد معدنی (۲) تخمیری و ویتامین ها در عسل وجود دارد، و برای درمان یا تقویت یا پیشگیری امراض پوستی، (دمل ها، جوش ها ترمیم ضایعات بافت ها و...) گوارشی، قلب و دندان، تقویت رشد طفل، سرطان، تنفس، کبد، صفرا، چشم و گوش، بینی، مرض زنان و برای تقویت نسل و بچه و... مؤثر است. (۳)

\* عسل از مهم ترین مواد قندی طبیعی است و تاکنون ۱۵ نوع قند در آن

کشف شده است. مانند: فرکتوز ۴۰٪، گلوکز ۳۰٪، نیشکر ۴۰٪.

ص: ۱۸۰

---

۱- (۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۹.

۲- (۲) نفحات من اعجاز طبی قرآن، ص ۶۰.

۳- (۳) دکتر عبدالحمید دیاب و دکتر قرقوز، طب در قرآن، انتشارات حفظی، تهران، ترجمه چراغی، ص ۲۵.

\* یک کیلوگرم عسل، حاوی ۳۲۵۰ کالری حرارت است.

\* عسل، پادزهر افیون خوردگی و نیش حشرات است.

\* عسل آب پز، برای ریزش بول تأثیر بسزایی دارد» (۱)

\* عسل از جمله بیماری های: اعصاب، بی خوابی، درد پهلو، سیاتیک، دیفتری، مرض کم خونی، امراض کبد، بیماری های استخوان، ریه، ایجاد رشد و نیرو، کمی و زیادی فشار خون را علاج می کند، و همچنین فوائد زیادی برای درمان «یرقان» دارد.

\* خوردن عسل، در حال ناشتا، برای زخم معده و اثنی عشر و کاهش ترش کردن معده مفید است. برای تنظیم قند خون موثر است. ضد عفونی کننده مجاری ادرار و هم چنین در پیشگیری از زکام مفید است. (۲)

\* نوشته اند که در مصر، عسلی چندین هزار ساله پیدا شد که فاسد نشده است، (۳) چون دارای اسید فرمیک است و عسل را فاسد نمی کند.

\* عسل دارای عوامل قوی ضد میکروب است و میکروب هایی که عامل بیماری انسان ها هستند قادر به ادامه حیات در عسل نیستند، از جمله وجود آب اکسیژنه در عسل، موجب از بین رفتن میکروب است و هیچ گونه قارچی در آن رشد نمی کند.

\* برای رشد کودکان و نیز برای درآمدن دندان، جلوگیری از اسهال و سوء تغذیه و... مفید است.

\* تحقیقات نشان داده است که زنبورداران کمتر به سرطان مبتلا می شوند.

\* عسل برای زخم معده و التهاب معده مفید است و نقش موثری در تنظیم اسیدهای معده دارد.

ص: ۱۸۱

---

۱- (۱) قانون طب، بوعلی سینا، ص ۲۶۹.

۲- (۲) اسلام پزشکی بی دارو، احمد امین شیرازی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷ به نقل از اسرار خوراکی ها، ص ۲۷۴.

۳- (۳) اسرار خوراکی ها، جزایری، ص ۲۸۱.

\* عسل برای بیماری های چشم مانند: التهاب پلک ها، التهابات قرنیه (سل چشم، سیفلیس، تراخم) زخم قرنیه، سوزش چشم، موثر است.

نکته:

با توجه به موارد فوق، عسل غذایی است که مردمان قبل از اسلام و ادیان گذشته بر آن تأکید داشته اند و بیان قرآن به مسئله شفا بودن عسل یک شگفتی علمی است نه اعجاز علمی، به سبب اینکه قبل از اسلام اهمیت و فواید آن را یافته بودند و در طب جالینوسی و بقراطی یونانی فواید آن آمده است.

یادآوری:

لازم به ذکر است که عسل زمینه ساز آثار فوق است نه علت تامه. یعنی ممکن است به خاطر وجود موانعی اثر نکنند، یا برای بیماری خاصی اثر منفی داشته باشد. در نتیجه شفا بخشی عسل غالبی است نه در همه موارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمایید:

۱. اسلام پزشک بی دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی، ص ۱۱۷.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، ص ۴۰۶-۴۱۷.

۳. دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی، ص ۲۵.

ص: ۱۸۲

\* پرسش:

## منظور از شفاء بودن قرآن چیست؟

\* پاسخ:

شفاء بودن قرآن در آیات متعددی مطرح شده از جمله در سوره اسراء می فرماید: (وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا) ؛ (۱) «و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید.»

و در سوره یونس می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ) ۲ ؛ «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دل های شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.»

در اینجا لازم است به چند مطلب اشاره شود:

الف: مفهوم شناسی:

واژه «شفاء» به معنای صحت و سلامت است (۲) و در مقابل بیماری، عیب و نقص می آید.

(۱) بیماری های انسان:

با بررسی ابعاد مختلف انسان در می یابیم نمی توان برای انسان فقط بیماری جسم را در نظر گرفت و در بهبودی آن تلاش کرد بلکه انسان دارای دو بعد جسمی و روحی می باشد که ممکن است هر کدام در معرض

ص: ۱۸۳

---

۱- (۱) اسراء / ۸۲.

۲- (۳) قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده شفاء.

بیماری قرار گیرند و بیماری هر کدام موجب اختلال در کارایی ابعاد دیگر انسان شود. از این رو می توان بیماری های انسان را به سه نوع تقسیم کرد:

۱. اعتقادی؛ ۲. روحی - روانی؛ ۳. جسمی.

برای توضیح بیشتر، ضرورت دارد به هر کدام از آنها به صورت جداگانه پرداخته شود.

۱. قرآن و درمان بیماری های اعتقادی:

نزول قرآن در مرحله اول برای درمان بیماری های اعتقادی مردم بوده است تا آنها را از شرک و کفر و تاریکی ها به توحید و اسلام و روشنایی رهنمون سازد؛ در آیات متعددی به این مسئله پرداخته شده که هدف قرآن این است که شما را از ظلمت جهل به نور دانش، از کفر به نور ایمان، از ظلمات ستمگری به نور عدالت، از فساد به صلاح، از گناه به نور تقوی رهبری کند. (۱)

امراض اعتقادی و قلبی از امراض جسم شدیدتر است. از این رو قرآن شفاء و رحمت است؛ یعنی درمان برای امراض اعتقادی مانند کفر، نفاق، شرک، و در نفوذ معرفت و شناخت، توحید و... در قلب رحمت است.

۲. قرآن و درمان بیماری های روحی:

برای رعایت اختصار به دو بخش از این بیماری ها می پردازیم:

بدون شک بیماری های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری های جسمی او دارد، هر دو کشنده است، هر دو نیاز به طیب و درمان و پرهیز دارد. قرآن نسخه ای حیات بخش برای کسانی است که می خواهند با کبر، غرور، حسد و نفاق به مبارزه برخیزند و همچنین برای برطرف کردن ضعف ها و ترس ها، اختلاف ها و پراکندگی ها و برای کسانی که عشق به دنیا و وابستگی به مادیات و تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوت ها می باشند؛ شفا بخش است. (۲)

ص: ۱۸۴

۱- (۱) ابراهیم / ۵ و ۱؛ مائده / ۱۵ و ۱۴؛ ر. ک: قرآن در قرآن، مهدی احمدی، ۱۳۷۴، اشراق، قم، ص ۲۳۲.

۲- (۲) تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹.



حضرت علی علیه السلام درباره شفا بخش بودن قرآن می فرماید: «از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماری های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بجوئید، زیرا درمان بزرگترین دردها در این کتاب است.»<sup>(۱)</sup>

بهترین دلیل برای اثبات این کلام مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر صلی الله علیه وآله در آغاز اسلام است. آن قوم جاهل و نادان که انواع بیماری های اجتماعی و اخلاقی سر تا پای وجودشان را فرا گرفته بود. با استفاده از این نسخه شفا بخش نه تنها درمان یافتند، بلکه آنچنان نیرومند و قوی شدند که هیچ نیرویی نمی توانست در مقابلشان ایستادگی کند.<sup>(۲)</sup>

## ۲) بیماری های روانی:

برخی از روانشناسان با تحقیق در آیات قرآن دریافته اند که قرآن تاثیر زیادی بر روان انسان می گذارد و شفابخشی قرآن را با علوم تجربی مقایسه نموده اند و نتایج حاصل از آن تحت عنوان تاثیر قرائت قرآن بر بهداشت روانی انسان منتشر شده است.

دستورات و توصیه های قرآن، تاثیر بسزایی در بهداشت روانی فردی و اجتماعی انسان دارد. تا جایی که می توان گفت: عمل به توصیه های قرآن، بالاترین و بهترین نسخه بهداشت روانی است. برای نمونه به برخی از آیات و تاثیرات آن ها اشاره می کنیم:

۱. مداومت بر قرائت قرآن کریم، نقش موثری در مقابله با استرس دارد. همچنین فهم قرآن نیز در مقابله با استرس مؤثر است.<sup>(۳)</sup>

۲. نتیجه تحقیقی که از ۶۰ دختر به دست آمده این است که گروهی که حداقل ۶ ماه روزانه نیم ساعت به قرائت قرآن می پرداختند، میزان اضطراب و افسردگی آنان به طور چشمگیری کمتر از دیگران بوده است.<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۸۵

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ و در خطبه ۱۵۶ و ۱۵۸ با تعابیر دیگر به شفا بخش بودن قرآن اشاره دارد.

۲- (۲) تفسیرالمیزان، علامه طباطبایی، ترجمه از همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ج ۱۳، ص ۳۰۶.

۳- (۳) ر. ک: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی، آذر ۱۳۷۶، ص ۸۸.

۴- (۴) همان، ص ۷۹.

۳. دمیدن روح امید، و دوری از یأس و تاثیر آن در کاهش افسردگی. (۱)

۴. دعوت قرآن به صبر و تاثیر آن در کاهش فشارهای روانی. (۲)

۵. دعوت قرآن به توکل به خدا (۳) و نقش آن در آرامش انسان.

۶. یاد خدا و آرامش دل. (۴)

۷. ممنوعیت خودکشی در دین (۵) و پایین آمدن آمار خودکشی در مجامع اسلامی.

۸. احترام و محبت به پدر و مادر (۶) و تاثیر آن در سلامت خانواده.

۹. حجاب برای زنان و سلامتی روانی. (۷)

۱۰. نماز و آرامش روانی. (۸)

۱۱. ازدواج و تشکیل خانواده و تأمین آرامش فردی و سلامت محیط اجتماع. (۹)

۱۲. ممنوعیت سوء ظن، تجسس و غیبت، و اثرات آن بر سلامتی جامعه و شخصیت افراد. (۱۰) به عبارت دیگر می توان گفت:

همه دستورات الهی به نوعی برای آرامش فردی و اجتماعی و رشد و بالندگی فرد و جامعه آمده است. (۱۱)

۳. قرآن و درمان بیماری ها جسمی:

قبل از هر چیز لازم است که گفته شود قرآن کتاب بهداشت و درمان و پزشکی نیست؛ بلکه کتاب هدایت و تربیت معنوی

افراد و جامعه است و اگر به مطالب پزشکی و بهداشتی و علمی اشاره ای کرده است به خاطر این است که:

ص: ۱۸۶

---

۱- (۱) یوسف / ۸۷.

۲- (۲) بقره / ۱۵۳ و ۱۵۵ و آل عمران / ۲۰۰.

۳- (۳) احزاب / ۳، آل عمران / ۱۵۹.

۴- (۴) اسراء / ۲۴، بقره / ۸۳.

۵- (۵) نور / ۳۱، احزاب / ۵۹.

۶- (۶) طه / ۱۴.

۷- (۷) نور / ۳۱، احزاب / ۵۹.

۸- (۸) طه / ۱۴.

۹- (۹) روم / ۲۱.

۱۰- (۱۰) حجرات / ۱۱-۱۲.

۱۱- (۱۱) ر. ک: خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه پزشکی تهران، ۱۳۷۶ آذر ماه.

۱. راه خداشناسی را هموار کند؛ ۲. حس کنجکاوی بشر را تحریک نماید تا در زمینه علوم تجربی رشد نمایند و در پی کشف آن برآیند؛ ۳. اعجاز علمی قرآن را به اثبات برساند؛ ۴. علت مهم تر این که به خاطر پیوستگی نیازهای جسمی و روحی با همدیگر و تأثیر آنها بر همدیگر قرآن بر خود لازم می‌داند که به بهداشت جسمی انسان نیز توجه ویژه کند زیرا در کمال روحی او تأثیر دارد بنابراین قرآن برای تأمین سلامتی و بهداشت جسم مطالبی بیان فرموده که اگر در حد اعجاز علمی نباشد قطعاً برخی آنها جزئی از شگفتی‌های علمی است، برای مثال:

الف: بهداشت غذایی: مانند: خوردن غذاهای پاک (۱)، ممنوعیت غذاهای غیربهداشتی (۲)، عدم اسراف در غذا (۳)، دوری از گوشت مردار (۴)، دوری از گوشت خوک و خوردن خون (۵) و دوری از شراب (۶).

ب: بهداشت شخصی (جسمی): مانند: وضو، (۷) غسل، (۸) طهارت لباس، (۹) پاکیزگی محیط زیست (۱۰) و....

ج: بهداشت مسائل جنسی: مانند: ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (۱۱)، دوری از زنا (۱۲)، دوری از لواط (۱۳) و دوری از استمناء (۱۴).

ص: ۱۸۷

- 
- ۱- (۱) بقره / ۱۷۲.
  - ۲- (۲) اعراف / ۱۷۵.
  - ۳- (۳) اعراف / ۳۱.
  - ۴- (۴) انعام / ۱۴۵.
  - ۵- (۵) بقره / ۱۷۳.
  - ۶- (۶) بقره / ۲۱۹.
  - ۷- (۷) مائده / ۶.
  - ۸- (۸) همان.
  - ۹- (۹) مدثر / ۴.
  - ۱۰- (۱۰) حج / ۲۶.
  - ۱۱- (۱۱) بقره / ۲۲۲.
  - ۱۲- (۱۲) اسراء / ۳۲.
  - ۱۳- (۱۳) اعراف / ۸۱-۸۰.
  - ۱۴- (۱۴) مومنون / ۷-۵.

د. غسل و درمان بیماری های جسمی. (۱)

ه. - روزه و درمان بیماری های جسمی. (۲)

و. تاثیر آوای قرآن بر کاهش دردهای جسمی بعد از عمل جراحی. (۳)

حاصل سخن اینکه، قرآن برای بیماری های اعتقادی، روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی به صورت مستقیم دستور دارد حتی هدف از نزول خود را نجات انسان ها از بیماری اعتقادی و روحی و اخلاقی می داند.

اما برای بیماری های جسمی و بهداشت فردی و اجتماعی و درمانی آن به صورت کنایه ای و در پرتو دستورات و در قالب باید و نباید (حرام و حلال) و هست و نیست (ارشادی) بیان کرده است.

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:

۱. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

۲. استعانت از قرآن کریم، علیرضا نیک بخت، نشر قبله، تهران.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین.

۴. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطر آگین.

۵. طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب، دکتر قرقوز، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی.

۶. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۴، ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.

۷. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب اسلامی، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹. ذیل آیات مورد بحث و بررسی.

ص: ۱۸۸

---

۱- (۱) نحل / ۶۸-۶۹.

۲- (۲) احزاب / ۳۵.

۳- (۳) نک: استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، نشر قبله، علیرضا نیکبخت نصر آبادی، ۱۳۷۸.





## آیات روان شناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن:

۱. چند آیه در مورد موضوعات روان شناسی در قرآن وجود دارد؟

۲. منابعی برای روان شناسی در قرآن معرفی کنید؟

\* پاسخ:

قرآن کریم کتابی است که برای هدایت انسان از جانب خداوند متعال نازل شده است.

این مجموعه انسان ساز حاوی بیاناتی با موضوع «انسان و تربیت» است که می توان آن آیات را در بردارنده ی موضوعی از موضوعات روان شناسی دانست. در مورد آیات روان شناسی باید گفت: به علت گستردگی موضوع روان شناسی، شمارش آیات در این مورد سخت و دشوار است. ولی برخی با طرح موضوعات مختلف روان شناسی، تعداد آیات مربوط به آن را حدود هفتصد آیه (۱) بر شمرده اند. البته این رقم و موضوعات ذیل آیات آن، جای تأمل دارد برای آشنایی با آیات روان شناسی در قرآن لازم است به تعدادی از مهمترین آیات با ذکر موضوع اشاره نمائیم:

۱. ارزیابی شخصیت براساس روان شناسی:

در داستان حضرت سلیمان علیه السلام می خوانیم:

(وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ) ۲؛ «و در واقع من هدیه ای به سوی آنان می فرستم، پس بنگرم که فرستادگان با چه چیزی

ص: ۱۹۱

---

۱- (۱) این عدد با توجه به شمارش آیات ارائه شده در کتاب «قرآن و روان شناسی» نوشته دکتر «محمد عثمان نجاتی» می باشد.





غیرارادی همراه با ترس که از نفاق آن‌ها نشأت گرفته بود از آنها بروز کرد. این واکنش‌ها بیانگر درون ملتهب و نگران منافقان بود. (۱)

۴. تقسیم شخصیت براساس عقیده:

از جمله مباحث روان‌شناسی، روان‌شناسی شخصیت است که می‌توان آن را براساس معیارها با موضوعات مختلف تقسیم کرد.

در قرآن کریم با توجه به اهمیت موضوع شخصیت؛ آن را به سه دسته «مؤمن»، «کافر» و «منافق» تقسیم و در موقعیت‌های گوناگون، ویژگی‌های هر کدام را به خوبی بیان کرده است. این تقسیم در اول سوره بقره آیات اول تا بیستم آمده است.

۵. روان‌شناسی رنگ‌ها:

از جمله مباحث روان‌شناسی که در سال‌های اخیر به آن توجه بیشتری شده، روان‌شناسی رنگ‌ها است. این موضوع در آیاتی از قرآن مطرح شده، مانند آیه: (قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لُونُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ)؛ «گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می‌گوید: «در حقیقت آن گاو زرد است که رنگش یکدست است، که بینندگان را شاد سازد.» در این آیه سخن از گاو زرد رنگی است که هر بیننده‌ای، با دیدن آن شادی درونی پیدا می‌کند. کلمه «تسرّ» به معنای خوشحالی حقیقی و درونی می‌باشد. (۲) چرا که از ماده «سرّ» به معنای «پنهان»

ص: ۱۹۳

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۴.

۲- (۳) معجم الفروق اللغویه، ابی هلال عسکری و سید نور الدین جزایری، ص ۲۷۷، نشر موسسه نشر اسلامی، سال ۱۴۱۲.

گرفته شده است. این شادی ممکن است آشکار نشود. از این رو از ماده «فرح» استفاده نکرده است. ذکر این نکته لازم است که نقیض «سر»، «حزن» است و نقیض «فرح»، «غم» و اندوه است. از طرفی با بررسی های انجام گرفته «رنگ زرد» باعث آرامش و سرور باطنی انسان می شود و در خوابگاه های روان درمانی، از رنگ زرد برای لباس های بیماران استفاده می شود. (۱)

۶. روان شناسی رشد:

۶-۱. مراحل رشد کودک: (۲)

(وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) ۳؛ «خداوند شما را از رحم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ نمی دانستید، و به شما گوش و چشم ها و قلب عطا فرمود تا اینکه شکر به جا آورید.»

۶-۲. رشد زبان:

(خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ) ۴؛ «انسان را خلق کرد، به او گفتار را تعلیم داد.»

مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله در این مورد می نویسند:

«زبان [تنها] ایجاد آوا توسط سیستم آوایی بدن و یا چندگونگی صوت در انسان نیست بلکه با الهامی که از سوی خدای بزرگ به انسان شده توانایی یافته است که با کاربرد حروف و ترکیب آنها واژه ای بسازد که رساننده معنایی خاص باشد و بدان وسیله آن چه را حس و ادراک مخاطب به آن نمی رسد مجسم سازد...» (۳)

ص: ۱۹۴

۱- (۱) روان شناسی رنگ ها، ماکس لوشر، ص ۸۷، نشر حسام.

۲- (۲) روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، ص ۶۳۶، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۳- (۵) المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۹، ص ۹۵ و ۹۶.

در رشد زبان یک سلسله عوامل مادی که قابل اثبات در آزمایشگاه‌ها می‌باشد دخالت دارد. که برخی از این عوامل عبارتند از: تلویزیون، رشد بدنی، سلامت بدن، هوش، محیط خانواده و...<sup>(۱)</sup>

ولی قرآن علاوه بر علت مادی، علت «غیرمادی» را نیز برای رشد زبان برخی افراد دارای تأثیر می‌داند و می‌فرماید:

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» ۲ و در گهواره و میان سالی با مردم سخن خواهد گفت. و «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» ۳ «چگونه با کودکی که در گهواره است سخن گوئیم...» این «علت غیرمادی»، «اراده خداوند» است که به صورت اعجاز در حضرت عیسی علیه السلام تجلی کرده است.

۴-۶. خانواده:

یکی از عوامل مؤثر در رشد انسان خانواده است. قرآن کریم با تأکید بر ایجاد خانواده سالم و آرام، می‌فرماید:<sup>(۲)</sup>

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» ۵؛  
«و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

ص: ۱۹۵

---

۱- ((۱)) روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، ص ۷۱۷، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۲- ((۴)) موارد دیگر: لقمان / ۱۲ تا ۱۷ و نساء / ۳۴ و ۳۵.

قرآن بر این نکته که محرومیت جنسی لزوماً موجب آسیب نیست؛ تاکید دارد و این نظریه بر خلاف نظریه ی «فروید» است ولی با نظر «مزلو» قابل تفسیر است. (۱)

«وَلَيْسَ تَعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْتَبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» ۲؛ «و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی =) مُکاتبه هستید، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می خواهند، بر تجاوز کاری (= زنا) به اکراه و امدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجوید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه و امدار کند (و پشیمان شود)، پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» لازم به ذکر است که اسلام در مورد ازدواج و تنظیم مسایل جنسی در جامعه، اهمیت زیادی می دهد (۲) ولی همان طور که گفته شد لزوماً محرومیت جنسی را موجب آسیب نمی داند.

۶-۶. کفایت اجتماعی:

کفایت اجتماعی عبارت است از: «قابلیتی که کودک می تواند به وسیله آن از منابع محیطی بهره جوید و نتیجه رشدی خوبی به دست آورد.» (۳)

ص: ۱۹۶

۱- (۱) روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، ص ۹۷۸، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۲- (۳) انفال / ۷۳.

۳- (۴) روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، ص ۹۶۵، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

از قرآن کریم می توان استنباط کرد که انسان ها دارای ویژگی تلاش و نیاز به پیشرفت هستند:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» ۱؛ «ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کنی) و او را ملاقات می کنی.»

جمع بندی:

حاصل سخن اینکه قرآن کتابی است که برای تربیت انسان نازل شد و در مواقع ضرورت پرده از اسرار علمی موجود در طبیعت برداشته است. مانند: روان شناسی، اعم از: ارزیابی شخصیت، واکنش های روانی، شخصیت براساس عقیده، روان شناسی رنگ ها، روان شناسی رشد، کودک و... هر چند از نظر موضوع و از لحاظ آیات منحصر به موارد مذکور نیست.

معرفی کتاب:

منابع برای مطالعه و تحقیق در مورد موضوع روان شناسی و قرآن عبارتند از:

۱. قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹.
۲. روان شناسی اسلامی، علامه محمدتقی جعفری، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸.
۳. رؤیا از نظر دین و روان شناسی، محمدرضا رضوان طلب، انتشارات شفق، ۱۳۷۹.
۴. روان شناسی در قرآن کریم، امان الله خلجی موحد، مرکز نشر علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۳.
۵. روان شناسی رشد، جمعی از نویسندگان (حوزه و دانشگاه)، نشر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵.

ص: ۱۹۷

## قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟

\*پاسخ:

افسردگی از جمله بیماری های روانی است که در جوامع مختلف شیوع دارد. این اختلال روانی در قرن اخیر یکی از مشکلات مهم و نگران کننده جوامع و از جمله، عوامل تهدید کننده وضعیت اقتصادی کشورها به شمار می رود و از این رو مورد توجه بسیاری از صاحب نظران و سیاستگذاران امور بهداشتی کشورها و سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته است. (۱) قبل از پاسخ لازم است به بررسی علت های بروز این حالت روانی بپردازیم: (۲)

۱. عوامل زیست شناختی: شامل آمادگی های ژنتیکی، پیام رسانی های عصبی، نور و آندوکراین و... البته این عوامل ارتباطی با اعتقادات مذهبی ندارد و یا ارتباط آن ضعیف است.

۲. عوامل روان شناختی: شامل دیدگاه های روان پویایی، شناختی، رفتاری و... که در سبب شناسی افسردگی نقش زیادی دارند. توضیح این که:

۱-۲. دیدگاه های روان پویایی: از نظر دانشمندان روان شناسی، از دست دادن فرد مورد علاقه و یا هر شی دوست داشتنی، باعث ایجاد اضطراب و تنش های درونی می گردد که در صورت درون فکنی آن باعث بروز افسردگی می شود.

۲-۲. دیدگاه های شناختی: آقای Beek مثلث شناختی منفی را در سبب شناسی افسردگی به صورت ذیل مطرح می نماید:

ص: ۱۹۸

---

۱- (۱) اسلام و بهداشت روان (مجموعه مقالات)، ج ۱، ص ۱۵، مقاله (شواهد پژوهشی در رابطه بین وابستگی مذهبی و افسردگی)، دکتر احمدعلی نوربالا.

۲- (۲) همان.

\* نگرش منفی نسبت به خویشتن این نوع نگرش باعث «بروز احساس حقارت» در انسان می شود.

\* نگرش منفی نسبت به تجربیات گذشته این نوع نگرش موجب بروز «احساس بدبینی» در انسان می گردد.

\* نگرش منفی نسبت به حوادث آینده که باعث «احساس ناامیدی» در انسان می شود.

بروز این گونه احساسات باعث ایجاد افسردگی در فرد می شود.

۲-۳. دیدگاه های رفتاری (یادگیری): رفتارگرایان معتقدند که تجربه مستمر ناراحتی، ناکامی و درماندگی را به دنبال دارد که خود باعث ایجاد افسردگی می گردد.

۳. عوامل جامعه شناختی: جامعه شناسان عوامل زیر را موجب بروز افسردگی می دانند:

۱-۳. حوادث تنش زای زندگی.

۲-۳. تجرد و خانواده از هم گسسته: براساس بررسی های میدانی، افسردگی در افراد مجرد و به ویژه در افرادی که با طلاق از هم جدا شده اند و خانواده های گسسته، شیوع بیشتری دارد.

۳-۳. احساس تنهایی و انزوا از عوامل افسردگی به شمار می رود.

۴-۳. فقر اجتماعی.

آنچه گفته شد عواملی بود که صاحب نظران برای بروز افسردگی برشمرده اند، گرچه موارد دیگری نیز در بروز این بیماری وجود دارد که بیان تمامی موارد آن از حوصله این مقاله خارج است.

راه درمان:

قرآن کریم به عنوان تنها منبع و حیانی مورد اعتماد؛ با نگاهی جامع به انسان، و نیازهای او و ظرفیت وجودیش، دستورالعمل هایی را برای سالم ماندن از حمله های عصبی، افسردگی و هر بیماری دیگر بیان کرده است.

ص: ۱۹۹



قرآن کریم می فرماید:

«مؤمنان کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنان برسد متوجه خداوند شده و می گویند: انا لله وانا اليه راجعون.» (۱) در حقیقت ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.»

قرآن کریم با بیان این دستورالعمل، انسان مصیبت زده را از افتادن به ورطه اضطراب و افسردگی نجات می دهد و در صورت بروز اضطراب با بیان «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» ۲، او را به آرامش و دور شدن از اضطراب دعوت می کند. شخصی که معتقد به نیرویی فراتر از ماده باشد هیچ گاه از دست دادن چیزی از امور دنیوی او را افسرده و غمگین نمی کند.

همان طور که گذشت، طبق بیان دیدگاه های شناختی نیز، سه نگرش منفی وجود دارد که باعث بروز افسردگی در انسان می گردد. ولی خداوند در مقابله با این عوامل می فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» ۳ از این رو شخصی که خود را عزیز بداند و به این نسخه شفابخش توجه کند دچار احساس حقارت نمی گردد. خداوند در جای دیگر از احساس بدبینی نهی و آن را گناهی بزرگ شمرده و می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ) ۴؛ «ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.»

آری، کسی که به آیات الهی مومن است تلاش می کند نسبت به دیگران بدگمانی نداشته باشد یا بدگمانی خود را کنترل کند؛ در آن حال از افسردگی و افسرده شدن نجات یافته است.

ص: ۲۰۰

قرآن کریم در رابطه با عامل دیگر ایجاد افسردگی یعنی احساس

نومیدی، می فرماید: (وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ) ۱؛ «و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی شود.»

و در جای دیگر می فرماید: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) ۲ «بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

از جمله عوامل دیگر افسردگی، تجربه مستمر ناراحتی بود، قرآن کریم راه نفوذ برخی ناراحتی ها را که ممکن است عواملی مانند: نوع نگاه شخص به وقایع اطراف باشد را مسدود کرده است و می فرماید:

(عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) ۳؛ «و چه بسا از چیزی ناخشنودید، و آن برای شما خوب است؛ و چه بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است. و خدا می داند، و شما نمی دانید.»

در زندگی روزمره، حوادثی اتفاق می افتد که ممکن است باعث ناراحتی انسان شود. خداوند می فرماید: در رابطه با این امور، ناراحتی به خود راه ندهید. چه بسا همین امر که به ظاهر موجب ناراحتی شما شده است، مصلحت شما در آن باشد. از آن جا که این بیان عام می باشد، فرد مومن باید نسبت به هر امر به ظاهر ناراحت کننده با دیده مثبت نگریسته و از گرفتار شدن در کمند غمگینی شدید رهایی می یابد.

عوامل جامعه شناختی مطرح شده نیز از نگاه قرآن مخفی نمانده و با

بیاناتی شیوا، انسان را از وارد شدن به آن محدوده باز داشته است و می فرماید: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) ۱؛ «و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.»

خداوند در این آیه عوامل امتحان بشر را باز می شمارد. عواملی که در صورت عدم ایمان شخص، باعث تنش در زندگی او می شود و فرد را به کام افسردگی فرو می برد، اما خداوند با تذکر به این نکته که این موارد برای امتحان و آشکار شدن افراد صابر است و جامعه اسلامی را از ورود به اضطراب و افسردگی نجات می دهد.

از عوامل دیگر جامعه شناختی در بروز افسردگی، تجرد و خانواده های از هم گسسته است. در اسلام به موضوع ازدواج و تشویق به تشکیل خانواده اهتمام زیادی شده است و آن را عامل ثبات روانی و دور شدن از اضطراب می داند و می فرماید:

(وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) ۲؛ «و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.»

در آیه شریفه، آفرینش موجودی از جنس بشر که به عنوان همسر معرفی شده را مایه سکون و آرامش دانسته و با این فرایند، جامعه اسلامی را از ورود به وادی اضطراب و تشنج روانی دور نگه می دارد.

را دریچه ای برای ورود به وادی آرامش و سلامت روانی معرفی کرده است. و از طرفی، طلاق تا زمانی که چاره ای جز آن نباشد - امری ناپسند معرفی شده است. گرچه آموزه های قرآنی، طلاق را در صورت ضرورت، وسیله ای برای رهایی و فرار از فشارهای روانی ناشی از اختلافات خانواده می داند. ولی برای آن شرایطی را قرارداده است که در آن صورت فشار روانی حاصل از این جدایی را به حداقل می رساند:

(وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ) ۱؛ «و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (روزهای پایانی) سرآمد (عده) شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید.»

موضوع این آیه طلاق و جدایی همسران است، ولی با ظرافتی که مخصوص قرآن است می فرماید: در این هنگام که عده زن در حال تمام شدن است یا به بهترین وجه رجوع کرده و زندگی را ادامه دهید و یا با بهترین وجه که هیچ گونه آشفتگی روحی را به همراه نیاورد جدا شوید. پیشنهاد رجوع مجدد به زوج از طرف خداوند، نشان از اهمیت پیوند و استمرار زندگی در اجتماع دارد و تاکید به جدایی همراه با زیبایی و خوبی که هم شرع و هم عرف و عقل آن را تایید کند (۱) نشان از احتمال بروز حمله های روانی در این حالت دارد که با این گونه برخورد زوج، این حمله ها به حداقل می رسد.

در آیه بعد، توصیه دارد که از ازدواج مجدد همسر جلوگیری نشود - در گذشته مرسوم بود - و ازدواج همراه با نیکی را مورد تاکید قرار می دهد؛ که خود دلیل دیگری بر اهمیت دادن قرآن به ازدواج و اکراه از تجرد است.

ص: ۲۰۳

به طور خلاصه، نظر قرآن در این باره چنین است:

۱. سفارش به ازدواج.

۲. نکوهش طلاق، هر چند آنرا در پیچه خروج از بن بست های تفاهم می داند.

۳. توصیه به تحکیم روابط عاطفی خانوادگی از دیگر آموزه های قرآن است. چنانچه گذشت، اسلام نه تنها از رهبانیت و انزواطلبی نهی کرده بلکه رجوع به جمع و همکاری جمعی را سفارش می کند و می فرماید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) ۱؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جویند، و پراکنده نشوید.» و در آیه دیگر می فرماید: (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) ۲؛ «و بر (ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر همکاری کنید.» با این راهکار قرآنی و استفاده صحیح از آن ها، افسردگی در جامعه ی اسلامی به حداقل می رسد.

افسردگی در آیینه روایات

عواملی که در پیدایش و یا تشدید افسردگی نقش دارند فراوانند. در احادیث اهل بیت علیهم السلام - که خود مفسر واقعی قرآنند - عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری متعددی برای این موضوع بیان شده که به بخشی از این روایات اشاره می شود:

الف. وابستگی:

وابستگی از جمله عواملی است که در روایات متعدد از آن به عنوان عامل افسردگی نام برده شده است. از آن جا که انسان نمی تواند در زندگی به تمام تمایلات و خواست های خود برسد این ناکامی باعث غمگینی شدید و افسردگی فرد می شود. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده است:

ص: ۲۰۴

«انا رعيم بثلاث لمن اكب على الدنيا بفقر لاغناء له وبشغل لافراغ له وبهم حزن لانقطاع له»؛ (۱) «کسی که علاقه و وابستگی زیاد به دنیا داشته باشد به طور قطع سه چیز را در پی دارد: نیازمندی، که هیچ گاه به بی نیازی نمی انجامد؛ گرفتاری، که هرگز از آن خلاصی نیست و افسردگی و غمگینی، که جزء وجودش می شود و از او جدا نمی گردد.»

ب. دوری از معنویت:

از جمله عوامل افسردگی که در روایات اسلامی به آن اشاره شده، عامل دوری از معنویت و پیروی از هواهای نفسانی، خشم و شهوت رانی و اموری از این قبیل می باشد. برای مثال از حضرت علی علیه السلام نقل شده که می فرمایند:

«من غضب علی من لا یقدر ان یضره طال حزنه وعذب نفسه»؛ (۲) «هر که به ناحق بر کسی خشم گیرد که توان آسیب رساندن به وی را ندارد، اندوهش دراز گردد و خود را عذاب دهد.»

ج. منفی نگری

در روایات اسلامی موضوع منفی نگری در محورهای مانند: تردید نسبت به الطاف خداوند، نارضایتی از خداوند و ناخشنودی از زندگی، نپذیرفتن واقعیت و خیال پردازی، برآورده نشدن انتظارات و نگرش منفی نسبت به اطرافیان و اموری این چنین تجلی پیدا کرده و عاملی برای پیدایش افسردگی معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«ان الله - بعدله وحكمته وعلمه - جعل الروح والفرح في اليقين والرضا عن الله وجهل الهم والحزن في الشك والسخط»؛ (۳) «خداوند براساس عدالت،

ص: ۲۰۵

۱- (۱) علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۶، ح ۱۱.

۲- (۲) ابن شیبیه، تحف العقول، ص ۹۹.

۳- (۳) محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ترجمه سیدرضا شیخی، ش ۳۷۸۳.

حکمت و علم خود، آرامش و شادابی را در معرفت یقینی و رضایت (از آنچه به او و به دیگر بندگان عطا کرده) قرارداد است و اندوهگینی و افسردگی را در شک و تردید و عدم رضایت قرار داده است.»

د. ضعف انگیزه و اراده

در روایات اسلامی، ضعف انگیزه و اراده در موضوعاتی مانند: کوتاهی در انجام فعالیت و عدم دستیابی به موفقیت ها تجلی کرده و به عنوان عاملی برای افسردگی معرفی شده است.

از این روی از حضرت علی علیه السلام روایت شده که می فرماید:

«من قصر فی العمل ابتلی بالهم»؛ (۱) «هرکس در انجام تکالیف و فعالیت های خود کوتاهی کند به غم و اندوه و افسردگی مبتلا می شود.»

ه. - آرزوهای دور و دراز (طول امل)

در منابع اسلامی داشتن آرزوهای طولانی و در قبال آن ها خیال پردازی را مایه افسردگی می دانند و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «ایاک والاعتزاز بالامل... فعظم الحزن وزاد الشغل واشتدت التعب... وزدت به فی الهم والحزن»؛ (۲) «از اینکه آرزوهای دور و دراز داشته باشی و فریب آن ها را بخوری برحذر باش! که تو را ناراحت و اندوهناک می سازد و به تدریج اندوهت بزرگ می شود و فکر تو را مشغول می سازد و ناراحتی ات را افزایش می دهد.»

بررسی های تجربی در «رابطه بین اعتقادات مذهبی و افسردگی»

طبق آمار میان میزان افسردگی و عقاید مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. (۳) نتایج یک مطالعه با نمونه برداری تصادفی در گروه های مشابه نشان

ص: ۲۰۶

۱- (۱) نهج البلاغه، حکمت ۱۲۷.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۱۲، ح ۱۰۹.

۳- (۳) اسلام و بهداشت روان (۱)، ص ۲۷ و ۲۸.

داد که همبستگی مثبتی بین خواندن نماز و بهبود افسردگی و اضطراب و

افزایش اعتماد به نفس وجود دارد. در این زمینه «ازالی»، «هاسانچ»، «آمینا» و «سابرامانیام» در مطالعه میان ۱۳۰ بیمار مبتلا به اضطراب، و ۱۰۰ بیمار مبتلا به افسردگی، در دو گروه متمایز با شرایط فرهنگی مذهبی قوی و ضعیف به این نتیجه رسیدند که: «گروه دارای اعتقادات مذهبی، بعد از شش ماه روان درمانی، بهبود بیشتری یافتند.»<sup>(۱)</sup>

تحقیق میدانی در مورد این «ارتباط» به صورت مکرر صورت گرفته که بخشی از آن‌ها در کتاب «اسلام و بهداشت روان» آمده است.

### نتیجه گیری

قرآن کریم نسبت به انسان و حالات روحی او آگاهی کامل داشته و زمینه‌های منجر به افسردگی را بیان و راه درمان آن را تجویز کرده است. در این نوشتار، اول به بررسی علل مطرح شده در مکاتب مختلف روان‌شناسی در مورد افسردگی پرداخته شد و در مرحله بعد پاسخ‌های قرآنی آن داده شد؛ همچنین موضوع را در آینه روایات بررسی کردیم و در نهایت نمونه‌ای از بررسی‌های صورت گرفته در مورد «ارتباط دین و افسردگی» ارائه گردید.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مجله معرفت، ش ۸۴، ص ۴۸، مقاله افسردگی، دکتر علی نقی فقیهی و جمشید مطهری.

۲. اسلام و بهداشت روان (۱)، مجموعه مقالات.

ص: ۲۰۷

---

۱- (۱) همان.



## آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست؟

\*پاسخ:

برای پاسخ لازم است در ابتداء و به بیان معنای لغوی و اصطلاحی توکل پردازیم:

«توکل» در لغت به معنای واگذار کردن کار خویش به دیگری است. این کلمه مصدر از باب تفاعل و از ماده «وکل» می باشد که به دو معنای ولایت پذیری «توکلت لفلان» به معنای «تولیت» و اعتماد کردن به دیگری «توکلت علیه» یعنی «اعتمده» به کار رفته است. (۱)

صاحب نظران در معنای اصطلاحی آن می گویند: توکل به خداوند یعنی: واگذاری امور به حق و نیز وکیل، به معنای حفیظ و نگه دارنده و سرپرستی می باشد. (۲)

این مفهوم در منطق قرآن به معنای اعتماد کردن بر خدا و او را ولی و وکیل خود قرار دادن است و بر اثر آن، از حجم مشکلات و انبوه موانع نهراسیدن که این یکی از نشانه های ایمان است و از عوامل پیروزی و موفقیت در مبارزه ها به شمار می آید. (۳)

به عبارت دیگر، مفهوم «توکل» در آموزه های قرآن این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشه انزوا بخزد و بگوید: تکیه گاه من فقط خداست، بلکه مفهوم «توکل» این است که هر گاه انسان نهایت تلاش و کوشش خود را به کار بست و نتوانست مشکل را حل کند و موانع را از سر راه خود کنار بزند؛ وحشتی به خود راه ندهد و با اتکاء به لطف

ص: ۲۰۸

---

۱- (۱) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۱، ص ۷۳۶ و ۷۴۳.

۲- (۲) تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۲ و ۵۲.

۳- (۳) تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱۵، ص ۵۴۱، دار الکتب الاسلامیه، تهران.

پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بی پایان او ایستادگی به خرج

دهد و به جهاد و کوشش پیگیر خود ادامه دهد؛ حتی در جایی هم که توانایی دارد، خود را بی نیاز از لطف خدا نداند چرا که تمام قدرت ها از جانب اوست. (۱)

علاوه بر آن، «توکل» نوعی تقویت اراده و نیرو بخشی است. دین مقدس با پیش بینی آن، انسان را از ناامیدی و انزوا و کناره گیری از فعالیت، نجات داده و توکل را وسیله ای برای تقویت انگیزه و روشن شدن امید در درون انسان قرار داده است.

توکل در آینه آیات قرآن

در آیات متعددی، از «توکل» سخن به میان آمده است که با بررسی برخی از آن موارد، نکات تازه ای به دست می آید.

الف. خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می فرماید:

(... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) ؛ «و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.»

نکته ها

۱. همان طور که آیه تصریح دارد خداوند، پیامبر را بعد از مشورت با اصحاب و مصمم شدن بر انجام آن، مأمور به توکل بر خود می کند. به عبارت دیگر در انجام هر کار مخصوصاً کارهای مهم بعد از انجام مقدمات، مانند مشورت کردن و مصمم شدن بر رأی خاص و... برای پیشبرد کار لازم است بر خداوند توکل شود، تا در بین راه سستی و بی میلی دامن گیر انسان نشود؛ یعنی خداوند با تشریح توکل خواسته است در امور مهم راه ورود دو

ص: ۲۰۹

دلی و احتمال عدم موفقیت را که خود وسیله ای برای سستی در انجام عمل است ببیند، نه آنکه اصل فعالیت را از انسان بگیرد.

۲. نکته دیگری، خداوند با این بیان می خواهد روح توحید در افعال را نیز در مخاطب زنده کند و به او بفهماند که هر چند مشورت کرده و تصمیم قاطع نیز گرفته، هیچ گاه خداوند را در انجام عمل فراموش نکند.

۳. از این آیه استفاده می شود، از جمله اموری که باعث جلب محبت خداوند می شود، توکل است. (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)

ب. در سوره نمل آیه ۷۹ آمده است:

«فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ»؛ «پس برخدا توکل کن؛ [چرا] که تو برحق آشکاری هستی.»

این آیه و آیات قبل در بیان مسئله حق ستیزی کافران و عدم توجه به بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را از این که به خاطر دشمنی کفار سست شود، باز می دارد و می فرماید: از آن جا که تو بر حق هستی و فعالیت تو حق است نباید از دشمنی کفار سستی به خود راه دهی، بلکه در همین مسیر تلاش کن و پیشرفت کارها را به خدا واگذار!

نکته ها

۱. توکل بر خداوند تنها در مسیر حق، دارای معنا و ثمر بخش است. این معنا از تعلیل «إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ» استنباط می شود.

۲. توکل بر خداوند، رهاکننده انسان از تنگنای توطئه های دشمنان است. (۱) این برداشت با توجه به سیاق آیات، بیان کننده ارتباط این آیه و آیات قبل به ویژه آیه «وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ.. فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» می باشد.

ص: ۲۱۰

---

۱- (۱) تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱۳، ص ۳۹۸.

۳. این آیه بیانگر آن است که تمام انسان ها حتی پیامبر صلی الله علیه وآله در ایفای وظایف خود، مامور به توکل بر خداوند هستند.

در مورد توکل آیات دیگری نیز وجود دارد که برای آگاهی بیشتر می توانید به آنها مراجعه کنید. (۱)

تحقیقات علمی در رابطه با توکل

در مورد «رابطه میان توکل و امیدواری» تحقیقاتی انجام داده اند که در اینجا به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

آقای بوالهیری و همکاران او (۱۳۷۹) با به کارگیری آزمون خود ساخته توکل، ۴۰۸ نفر (۲۳۴ نفر مرد و ۱۷۴ زن) از دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی تهران را که در مقاطع مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل بودند به صورت تصادفی انتخاب کردند و با استفاده از پرسشنامه نشانگان استرس - که در سه بُعد «نشانگان جسمانی»، «نشانگان روانی» و «نشانگان شناختی» ساخته شده بود - مورد بررسی قرار دادند. پژوهشگران دریافتند که بین نشانگان روانی (P)

ص: ۲۱۱

---

۱- ((۱)) آیات: ۸۱ / نساء و ۶۱ / انفال و ۱۲۳ / هود و ۵۸ / فرقان و ۲۱۷ / شعراء...

﴿وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «حتماً صبر خواهیم کرد بر آن چه ما را آزار دادید، و توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.»

جمع بندی

از آنچه گذشت به دست می آید که «توکل» بر خدا، موجب سستی در کار نمی شود، بلکه تنها پیامد آن استواری در حرکت و به دست آوردن نیروی مضاعف در مسیر حرکت است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. توکل، روحانی نژاد.

۲. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

۳. تفسیر نمونه، حضرت آیه الله مکارم شیرازی، ذیل آیات مربوطه.

ص: ۲۱۲





\*پرسش:

## مقصود از فرا روان شناسی در قرآن چیست؟

\*پاسخ:

برای روشن شدن مطلب لازم است به پرسش های زیر پاسخ دهیم:

۱. منظور از فرا روان شناسی چیست؟

۲. آیا در قرآن به تمامی علوم اشاره شده است؟!

۳. قرآن به چه شکلی به مسئله ی فرا روان شناسی پرداخته است؟

پاسخ سوال اول

دانش «فرا روان شناسی» عبارت است از: کسب اطلاع (و بدست آوردن معرفت و آگاهی) از چیز یا رویدادی بدون دخالت حواس عادی بشر. (۱)

مثل: سحر، چشم زخم، تله پاتی و هیپنوتیزم و...

پاسخ سوال دوم

برخی براین باورند که چون قرآن کتاب الهی و معجزه جاوید پیامبر صلی الله علیه و آله است باید به تمام موارد - علوم - اشاره نماید و حال آنکه چنین نیست. به عبارتی قرآن کتاب هدایت انسان است و ضرورتی ندارد تمام مسائل علوم تجربی را با طول و تفصیل بیان کرده باشد. (۲) ولی در بیش از هزار آیه به مسائل علمی در راستای هدایت، اشاره کرده است.

پاسخ سوال سوم

با توجه به تعریف فرا روان شناسی در آیات فراوانی - براساس برخی تفاسیر - بدان اشاره شده که فهرست برخی از آنها عبارتند از:

ص: ۲۱۵

---

۱- (۱) جهان غیب و غیب جهان، بهاء الدین خرمشاهی.

۲- (۲) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ص ۱۶۱.



۱. سحر و جادو بقره / ۱۰۲.

۲. چشم زخم -> یوسف / ۶۷.

۳. روح -> اسراء / ۸۵.

۴. خواب -> صافات / ۱۰۲-۱۰۷ و یوسف / ۱۲.

۵. اخبار غیبی -> آل عمران / ۵ و بقره / ۲۵۵.

۶. امدادهای غیبی -> آل عمران / ۱۲۳.

۷. معجزات الهی -> مریم / ۲۹ و ۳۰.

جمع بندی و نتیجه

دانش فرا روان شناسی از جمله دانش هایی است که بشر به صرف داشتن دانش تجربی، نمی تواند به ابعاد مختلف آن پی ببرد. از این رو لازم است با توجه به اشارات قرآن به علم فراروان شناسی، تجربه علمی و عملی دانشمندان این علم را توسعه داد و قرآن کریم را یکی از منابع تحقیق برای این علم دانست.

ص: ۲۱۶

## آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

\* پاسخ:

مقدمه

تاثیر چشم و نیروهای مرموز آن از دیر زمان مورد توجه بشر بوده است. شاید نتوان تاریخ دقیقی برای شروع این عقائد یافت اما آنچه مسلم است انسان ها در اثر تجربیات روزمره و برخی نقل های تاریخی و دینی به آن اعتقاد پیدا کرده بودند، هر چند که در این بین خرافاتی نیز راه یافته است که نیازمند اصلاح و پالایش است.

تعریف چشم زخم

چشم زخم، نیروی مرموزی است که در چشم برخی افراد وجود دارد که ممکن است با یک نگاه مخصوص، طرف مقابل را بیمار یا هلاک کند. (۱)

چشم زخم از منظر قرآن کریم

به نظر می رسد در قرآن، آیه ای که به صراحت از «چشم زخم» سخن گفته باشد وجود ندارد اما آیاتی وجود دارد که در مورد «چشم زخم» به آن استناد شده است، از جمله:

۱. قرآن کریم در سوره قلم آیه ۵۱ می فرماید:

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» ؛ «و مسلماً نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند هنگامی که آگاه کننده (= قرآن) را شنیدند با چشمانشان تو را بلغزانند و می گویند: «قطعاً او دیوانه است.»

ص: ۲۱۷

مفسران برای آیه فوق دو شأن نزول ذکر کرده اند:

الف. برخی مفسران در شأن نزول این آیه نقل کرده اند که در مورد گفتار برخی مخالفان ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم بوده است که به پیامبر صلی الله علیه و آله - در هنگامی که دست علی علیه السلام را برای امامت بالا برد - نگاه کردند و گفتند: به چشمان او نگاه کنید مثل چشم دیوانگان می چرخد. در آن هنگام جبرئیل آیه فوق را نازل کرد.

ب. بعضی مفسران نقل کرده اند که در قبیله بنی اسد افرادی بودند که قدرت چشم زخم داشتند و برخی از آنها می خواستند پیامبر صلی الله علیه و آله را چشم زخم بزنند که آیه فوق به این مناسبت نازل شد. (۱)

بررسی

با توجه به سیاق و لحن آیه که می فرماید: «نزدیک است که کافران با چشم، تو را بلغزانند» می توان از میان اقوال، این قول را پذیرفت که: «این آیه کنایه از نگاه های بسیار غضب آلود است مثل اینکه می گوئیم فلان کس آنچنان بد به من نگاه کرد که گویی می خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد» (۲) و آیه در مقام بیان نوعی نگاه خشم آلود، و چشم غره رفتن است به طوری که طرف مقابل را بترساند و از جای خود بلغزند و از میدان بدر کند.

۲. در سوره یوسف آیه ۶۷ آمده است:

«وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...» ۳؛ در

ص: ۲۱۸

۱- (۱) تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۱۵ (روایت اول را از کافی و دومی را از مجمع البیان نقل می کند)

۲- (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۹.

آیه شریفه آمده که حضرت یعقوب علیه السلام از فرزندش می خواهد که از یک در وارد نشوند، بلکه از چند در وارد شوند، علت این امر چیست؟

گروهی از مفسران گفته اند: علت این بوده که برادران یوسف از جمال کافی بهره مند بودند (اگرچه یوسف نبودند ولی برادران او بودند) و هم قامت های رشید داشتند و پدر نگران بود که جمعیت یازده نفری که قیافه های آنان نشان می داد از یک کشور به مصر آمده اند، توجه مردم را به خود جلب کنند، او نمی خواست از این راه چشم زخمی به آنها برسد.

بخشی از این چشم زخم، حق است و از نظر علمی نیز بوسیله سیاله مغناطیسی مخصوصی که از چشم بیرون می پرد، قابل توجه می باشد، هر چند عوام الناس آنرا با مقدار زیادی از خرافات آمیخته اند. (۱)

چشم زخم از منظر عقل و علم:

اثر عمیق چشم در دیگران که موجب هلاکت یا بیماری شود از نظر عقلی محال نیست. چه اینکه بسیاری از دانشمندان معتقدند در بعضی از چشم ها، نیروی مغناطیسی خاصی نهفته شده که کارایی زیادی دارد حتی با تمرین و ممارست، می توان آن را پرورش داد. خواب مغناطیسی از طریق همین نیروی مغناطیسی چشم هاست.

در دنیایی که «اشعه لیزر» که با شعاعی نامریی، می تواند کاری کند که از برخی سلاح های مخرب ساخته نیست؛ پذیرش وجود نیرویی در بعضی از چشم ها، که از طریق امواج مخصوص در طرف مقابل اثر بگذارد چیز عجیبی نخواهد بود و بسیاری نقل کرده اند که افرادی دارای این نیروی مرموز چشم بوده اند (۲). بنابراین، چشم زخم از نظر عقل و علم ممکن است.

ص: ۲۱۹

---

۱- ((۱)) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۹.

۲- ((۲)) تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۶.

در نهج البلاغه می خوانیم: «العین حق و الرقی حق»<sup>(۱)</sup>؛ «چشم زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است»

در برخی روایات از امام صادق علیه السلام نقل شده که برای جلوگیری از چشم زخم (توسط خود انسان) یا چشم خوردن سه مرتبه بگویند: «ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم»<sup>(۲)</sup> و در برخی روایات دیگر نقل شده که ذکر خدا را بگویند کافی است.<sup>(۳)</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

در قرآن کریم به صراحت از «چشم زخم» سخنی به میان نیامده است، ولی در روایات اشاراتی به این نیروی مرموز چشم شده است، و از نظر عقل و علم نیز مانعی جهت پذیرش «چشم زخم» نداریم اما باید توجه داشت که این مطالب به معنای پذیرفتن همه خرافاتی که در این زمینه رایج است، نمی باشد.

به عبارتی انسان نمی تواند کسی را متهم به داشتن «چشم زخم» (چشم شوری) کند؛ و از طرف دیگر برای نجات از «چشم زخم» نمی توان هر راه حل خرافی را پذیرفت و دنبال کرد.

معرفی منابع جهت مطالعه در زمینه فرا روان شناسی:

۱. تناقض نما یا غیب نمون، محمدامین احمدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲. عجایب حس ششم، غلامرضا اربابی، گروه فرهنگی اربابی، چاپ صنوبر تهران.

ص: ۲۲۰

---

۱- (۱) نهج البلاغه، حکمت ۵۴۶.

۲- (۲) ر. ک: مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۴۴۵ و بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۶.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۵.

۳. روح و دانش جدید، آیزنک: براود، واتسن، مترجم محمدرضا غفاری، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۴. شگفتی های هینوتیزم، ب. جیبسون والتر، ترجمه رضا رحمانیان، چاپ صنوبر.
۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد اول، جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.
۶. جهان غیب و غیب جهان، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات کیهان.
۷. عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (باورهای دینی و امدادهای غیبی)، علی تقی زاده اکبری، مرکز تحقیقات اسلامی.
۸. دریافت های حس ششم در فوق طبیعت، چلبی شاکر و بشار البيطار محمد، مترجمان، احمد بانپور و م. حیدریان.
۹. اصالت روح از نظر قرآن، آیت الله جعفر سبحانی، چاپخانه علمیه قم.
۱۰. پژوهشی در سحر و جادوگری از نظر اسلام، محمد سالاری، موسسه انتشارات مشهور.
۱۱. هینوتیزم علمی نوین، شروت ریچارد، ترجمه رضا جمالیان، موسسه اطلاعات.
۱۲. اعجاز (معجزه) از نظر عقل و قرآن، آیت الله سید محمدحسین طباطبایی، نشر فاخته.
۱۳. معجزه در قلمرو عقل و دین، محمدحسن قدردان قراملکی، بوستان کتاب قم.
۱۴. علوم غیبی و اسرار، موریس مترلینگ، ترجمه ذبیح الله منصوری، انتشارات صفار تهران.
۱۵. فوق طبیعت، لیال واتسن، ترجمه ی شهریار بحرانی و احمد ارژمند، چاپخانه سپهر تهران.

\*پرسش:

## آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

\*پاسخ:

لازم است نخست مفهوم سحر و آیات آن را بررسی کنیم:

الف. سحر در لغت

۱. خدعه و نیرنگ مانند: شعبده بازی.

۲. هر چه که عوامل نامرئی و مرموز دارد.

۳. جلب شیطان ها از راه های خاص و کمک گرفتن از آنها.

۴. تغییر ماهیت اشیاء و شکل اشخاص به صورت خیالی.

تذکر: از نظر لغوی سحر شامل شعبده و تردستی نیز می شود. (۱)

ب. سحر در اصطلاح

۱. نوعی اعمال خارق العاده که آثاری از خود در وجود انسان ها به جای می گذارد و گاهی یک نوع چشم بندی و تردستی

است و گاه تنها جنبه ی روانی و خیالی دارد. (۲)

۲. سحر بر حسب متعارف، امر خارق العاده ای را گویند که از راه تصرف در مشاعر ادراکی انسان، تحقق پیدا می کند؛

بنابراین با قطع نظر از ادراکات انسانی، تحقق نفسی و واقعی نخواهد داشت. مانند: انواع چشم بندی و تسخیر اشخاص، ایجاد

حُب و بغض، جدایی انداختن میان زن و شوهر و عقد الرجال که عموماً به تصرف در ادراک مربوط می باشند. (۳)

ص: ۲۲۲

---

۱- (۱) ر. ک: قاموس اللغة و مفردات راغب، ماده ی «سحر».

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳- (۳) اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص ۱۷-۱۱۶.

۱. علامه طباطبایی امور خارق العاده را چنین تقسیم بندی می کند

الف. بسیاری از این امور، طبیعی و بوسیله تمرین حاصل می شود. مانند: خوردن سم، بلند کردن اشیاء سنگین و... و گاهی این امور طبیعی، مخفی است. مانند: کسانی که بدن خود را به مایعی آغشته می کنند و داخل آتش می شوند و نمی سوزند.

ب. برخی از این امور خارق العاده، مستند به امور طبیعی نبوده بلکه به خاطر قوت اراده صاحب آنها حاصل می شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تاثیر داشته باشد اثر آن ظاهر می شود. مانند: کسانی که احضار ارواح می کنند در واقع آنها روح را در مشاعر شخص حاضر می کنند؛ یعنی در خیال و حواس آنها حاضر می شود نه در خارج، و گرنه همه آن را می دیدند.

ج. کار صاحبان اراده قوی و افرادی که ریاضت می کشند بنابراین اگر از جن و روح خبر گیرند و کمک جویند؛ «کهان» نامیده می شود و اگر بوسیله ورد، نوشتجات و... باشد؛ «سحر» نامیده می شود. (۱)

۲. تقسیم سحر در روایت

در روایات اسلامی نیز سحر را به چند گونه تقسیم کرده اند:

حکایت شده که شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد سحر پرسش کرد حضرت در پاسخ فرمودند:

«سحر اقسامی دارد برخی اقسام آن به منزله طب است. همانگونه که پزشکان برای هر دردی دوايي دارند، ساحران نیز برای هر سلامتی، ناراحتی، و برای هر معنایی، حيله ای دارند و نوع ديگر سحر چیزی است که در

ص: ۲۲۳



ارتباط با اولیای شیطان است پس نزدیک ترین نوع سحر به صواب (واقع) آن است که به منزله طب است که ساحر مردی را مبتلا می کند به اینکه از زنان دوری کند و پزشکی آن مرد را معالجه می کند و دفع سحر می کند.» (۱)

۳. تفسیر نمونه اقسام سحر را چنین بر می شمارد

الف. گاهی صرفاً جنبه نیرنگ، خدعه، چشم بندی و تردستی دارد؛

ب. گاهی از عوامل تلقینی در آن استفاده می شود؛

ج. گاهی در آن از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی بعضی اجسام و مواد استفاده می شود؛

د. گاهی از طریق کمک گرفتن از شیاطین است. (۲)

#### حقیقت سحر

سحر آثار روانی مثل ایجاد محبت یا دشمنی، ناراحتی یا خوشحالی دارد؛ اما آثار واقعی خارجی ندارد. مثل: زنده کردن مردگان یا تغییر ماهیت و حقیقت چیزی. (۳)

سحر از دیدگاه علوم جدید

در گذشته ساحران با استفاده از برخی علوم برنامه های خود را عملی می ساختند که امروزه علم از آن پرده برداشته است.

اول: استفاده از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی اجسام که در داستان ساحران زمان موسی علیه السلام آمده که آنها با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی مانند جیوه و ترکیبات آن توانستند چیزهایی به شکل مار بسازند و به حرکت درآورند. (۴)

ص: ۲۲۴

---

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۱ و میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۱۰.

۲- (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۳۹.

۴- (۴) نمونه، ج ۱۳، ص ۲۳۷.

دوم: استفاده از خواب مغناطیسی، هیپنوتیزم و مانیه تیزم و تله پاتی و... لازم به ذکر است این علوم در شمار علوم می است که می تواند در بسیاری از شئون زندگی مورد بهره برداری صحیح قرار گیرد، ولی ساحران از آن سوء استفاده می کردند و برای اغفال و فریب مردم، آنها را به کار می گرفتند. (۱)

سحر از منظر قرآن کریم

قرآن کریم حدود ۶۰ بار واژه «سحر» و مشتقات آن را به کار برده است که می توان این آیات را به سه دسته تقسیم نمود:

۱. آیاتی که می فرماید: مخالفان به انبیای الهی تهمت می زدند و آنان را ساحر می خواندند، مانند: یونس / ۷۶، هود / ۷، طه / ۷۱، شعراء / ۴۹.

۲. آیاتی که در مورد مقابله حضرت موسی علیه السلام با ساحران زمان خویش است که قرآن این داستان را به طور مفصل بیان کرده است. اعراف / ۱۰۸ تا ۱۲۳، طه / ۵۷ تا ۷۳، شعراء / ۳۶ تا ۴۶، یونس / ۷۵ به بعد، قصص / ۳۶ به بعد.

۳. آیاتی که در مورد سحر هاروت و ماروت در شهر بابل سخن می گوید. (۲)

تحلیل اجمالی چند آیه در مورد سحر

سوره طه / ۶۶: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» ۳

سوره اعراف / ۱۱۶: «قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ» ۴

ص: ۲۲۵

---

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲-۳۸۱.

۲- (۲) بقره / ۱۰۲.

بسیاری از مفسران نوشته اند: ساحران زمان موسی علیه السلام موادی همچون جیوه درون طناب ها و عصاها قرار داده بودند که با تابش آفتاب و گرم شدن این ماده فوق العاده فُزار، حرکات مختلف و سریعی به آنها دست می داد. (۱)

این مارنها مسلماً جان نداشتند ولی با تلقین هایی که ساحران به مردم کرده بودند و صحنه خاصی که در آنجا بوجود آمده بود، این چنین در چشم مردم مجسم می شد که این موجودات جان گرفته اند و مشغول حرکتند. بنابراین تعبیر «سَيَحْرُوا أَعْيْنَ النَّاسِ» یعنی «چشم مردم را سحر کردند» نیز اشاره به همین معناست و همچنین تعبیر «يَخِيلُ إِلَيْهِ» یعنی «در نظر موسی چنین منعکس شد» نیز ممکن است اشاره به همین معنا باشد. (۲)

آیت الله معرفت می نویسند:

در فرازی از آیات آمده، «يُخِيلُ إِلَيْهِ - سَيَحْرُوا أَعْيْنَ النَّاسِ» که دلالت دارد که سحر دارای هیچ حقیقت و واقعیتهایی نمی باشد چرا که این ریسمان ها چنانچه به واسطه سحر به مار حقیقی تبدیل می شدند، خدای متعال در آیه شریفه نمی فرمود: «سَحْرُوا أَعْيْنَ النَّاسِ» بلکه می فرمود: «فَلَمَّا الْقَوا صارت حَيَاتِ» (۳) از تحلیل این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که «سحر»، به خودی خود، دارای هیچ واقعیتهایی نبوده فقط در ناحیه خیال انسان می تواند تاثیراتی بگذارد.

نتیجه گیری

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی سحر و نیز اقسام آن می توان چنین نتیجه گرفت: سحر در برخی اقسام آن فقط خیالی است که اعجاب بیننده را بر می انگیزد مانند: شعبده بازی؛ و در برخی اقسام دیگر، اثرات روانی دارد مانند:

ص: ۲۲۶

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۳۷.

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۳۷.

۳- (۳) شبهات و ردود، آیت الله معرفت، ص ۲۰۳ به نقل از مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۶۱.

ایجاد محبت و دشمنی به وسیله امور مخفی از قبیل سخن چینی و وسوسه و... اما اینکه سحر دارای اثرات خارجی و واقعی همچون تغییر ماهیت و حقیقت مانند تبدیل انسان به میمون یا سوسک باشد، ناممکن می باشد.

منابع:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۷ به بعد - ج ۱۳، ص ۲۴۰.
۲. المیزان، ج ۱، ص ۷۲ به بعد و ص ۲۴۲.
۳. السحر والحسد، محمد متولی الشغراوی، موسسه اخبار الیوم، بی تا، بی جا.
۴. السحر فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی، دارابن حزم، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۵. احکام السحر والسحره فی القرآن والسنة، امام فخررازی، شرح فریال علوان، دارالفکر لبنانی.
۶. السحر والسحره فی ضوء الحدیث النبوی، دکتر سعد المرصفی، منشورات فرات السلاسل، کویت ۱۴۰۹ ق.
۷. اعجاز القرآن فی علاج السحر والحسد رسّ الشیطان، محمد محمود عبدالله، مکتبه زهران، بی تا، بی جا.
۸. العلاج الربانی.
۹. شبهات و ردود، آیت الله معرفت.

ص: ۲۲۷







\*پرسش:

## قرآن در مورد تئوری تکامل - داروینیسیم - چه نظری دارد؟ آیا آنرا نفی می کند یا اثبات؟

\*پاسخ:

قبل از پاسخ به عنوان مقدمه به معرفی «تکامل انواع» و نظر مقابل آن می پردازیم تا زمینه برای پاسخ آماده شود.

تعریف ها:

الف. تکامل انواع (ترانسفورمیسم): انواع موجودات زنده در ابتدا به شکل کنونی نبوده اند، بلکه پس از آنکه نخستین سلول های موجود زنده پیدا شد، به تدریج تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند و انواع موجودات را بوجود آوردند که کامل ترین حلقه آن انسان است.

ب. ثبات انواع (فیکسیسم): انواع جانداران هر کدام جداگانه از آغاز به همین شکل کنونی ظاهر گشتند و هیچ نوع، به نوع دیگر تبدیل نشده است و طبعاً انسان هم دارای خلقت مستقلی بوده است. (۱)

تاریخچه:

اولین کسی که این نظریه را با روش علمی تشریح کرد، دانشمند معروف فرانسه، «لامارک» (۲) بود. ولی جهان علم در آن زمان نتوانست آنرا هضم کند اما هنگامی که پس از او «چارلز داروین» (۳) دانشمند انگلیسی آنرا مطرح کرد

ص: ۲۳۱

---

۱- ((۱)) ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۷۶-۲۴۹. انتشارات کتاب مبین،

چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۲- ((۲)) (۱۷۴۴-۱۸۲۹ م).

۳- ((۳)) (۱۸۰۹-۱۸۸۲ م).



به خاطر تغییر شرایط پذیرفته شد و به همین خاطر وی به عنوان پایه گذار «تحول انواع» معرفی گردید. (۱)

اصول چهارگانه دارونیسیم:

۱. تنازع بقا: هر موجودی با صدها عامل نابودکننده روبروست، ولی می خواهد عوامل باقی ماندن خود را تحصیل کند از این رو همواره میان موجودات عالم، کشمکش است.

۲. انتخاب اصلح: در میدان مبارزه، پیروزی با کسی است که قوی تر و مجهزتر است.

۳. قانون وراثت: هر اختلافی در پدر و مادر رخ دهد به عینه به فرزندان انتقال می یابد و در طول زمان به صورت یک تغییر کلی و نوعی درمی آید.

۴. سازش با محیط: در صورتی که محیط تغییر کند جانور متناسب با آن تغییر کرده و به مرور زمان اعضایی که نیاز دارد به وجود می آورد و اعضایی را که نیاز ندارد از دست می دهد.

\* او شجره انسان را به میمون رسانده و آن هم به «سمور» می رسد که قدر مشترک (واسطه) میان آن دو نیز، همان «پریمات ها» هستند. (۲)

دارونیسیم در عصر حاضر یا فرضیه موتاسیون

فرضیه «تکامل انواع» همراه با انواع موافقت ها و مخالفت ها، گذشته پر فراز و نشیبی دارد.

«تحول انواع» هنوز در زیست شناسی مطرح است و دانشمندان می کوشند از راه «جهش» یا «موتاسیون» آنرا اثبات کنند.

ص: ۲۳۲

---

۱- (۱) ر. ک: دارونیسیم یا تکامل انواع، استاد جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ص ۱۵-۱۷.

۲- (۲) ر. ک: همان، ص ۵۷، ۶۳.

البته برخلاف نظر داروین موتاسیون تدریجی نیست، بلکه دفعی و ناگهانی است و چون در ژن ها رخ می دهد قابل انتقال به نسل دیگر است؛(۱)

## قرآن کریم و نظریه تکامل

قرآن کریم به عنوان یگانه کتاب آسمانی موجود - که به اعتقاد همه دانشمندان اسلامی از هر گونه تحریف مصون مانده است - در آیات متعددی از خلقت انسان سخن به میان آورده و از همین رو پژوهش هایی که پیرامون نظریه تکامل صورت گرفته بیشتر به بررسی مساله خلقت انسان از دیدگاه قرآن معطوف گردیده است.(۲) ما در ابتدا دیدگاه های مختلف را در این باره بیان کرده و سپس به سراغ آیاتی می رویم که بر اثبات یا نفی نظریه تکامل به آنها استناد جسته اند.

### دیدگاه دانشمندان

۱. رد نظریه تکامل و تمسک به ظاهر برخی از آیات خلقت:(۳)

ظاهر برخی آیات، دلالت بر خلقت مستقیم انسان از خاک دارد(۴) که با تئوری تکامل در تعارض است. البته این قبیل دانشمندان تعارض را وقتی مسلم می دانند که این نظریه از تئوری بودن خارج و به قانون تبدیل شود، و برای آن موقع نیز راه را باز گذاشته اند. آنها می گویند: ظواهر به گونه ای نیست که قابل تاویل نباشد (۵) و آنها آیات را به وسیله آیات دیگر، که تا حدی تکامل انواع را می رسانند تفسیر می کنند. این نظریه پرتطرفدارترین نظریه در بین دانشمندان اسلامی می باشد.

ص: ۲۳۳

---

۱- (۱) ر. ک: همان، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲- (۲) تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، ص ۴۲ و ۴۳، ناشر: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۳- (۳) نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجری، ص ۵۴.

۴- (۴) ((وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ)) روم/ ۲۰.

۵- (۵) همان، ص ۵۶ و ۵۹.

حتی برخی گفته اند: آیات در این زمینه صراحت دارند و اگر هم این نظریه اثبات شود آفرینش انسان - به خاطر وحی - از این قاعده مستثنی خواهد بود. (۱)

۲. پذیرش نظریه تکامل و تطبیق آن بر برخی از آیات

برخی افراد (۲) نظریه تکامل را پذیرفته و آن را موافق قرآن دانسته اند، و آیات مخالف را تاویل کرده اند.

نظریه تکامل در آینه آیات

آیات قرآن را در رابطه با ردّ یا اثبات این نظریه به سه دسته می توان تقسیم کرد:

الف: آیاتی که در اثبات نظریه تکامل مورد استناد واقع شده اند

۱. آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می داند. (۳)

۲. آیاتی که خلقت را به سه مرحله تقسیم می کند: (۴)

۱-۲. بعد از خلقت و قبل از شکل گیری انسان؛

۲-۲. بعد از شکل گیری انسان و قبل از انتخاب آدم؛

۳-۲. انتخاب آدم از بین انسان ها و بعد، امر کردن فرشتگان به سجده ی بر آدم. (۵)

۳. آیاتی که به مرحله اول آفرینش انسان اشاره می کند:

۱-۳. آفرینش انسان از خاک؛ (۶)

ص: ۲۳۴

---

۱- (۱) همان، ص ۶۰ و ۶۶.

۲- (۲) خلقت انسان، یدالله سبحانی، ص ۱۸۸، به نقل از نظریه تکامل از دیدگاه قرآن.

۳- (۳) انبیاء / ۳۰، نور / ۴۵.

۴- (۴) اعراف / ۱۱، حجر / ۲۶-۲۹.

۵- (۵) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همان، ص ۲۵۶-۲۶۱.

۶- (۶) انعام / ۲، ص / ۷۱، سجده / ۸، مومنون / ۱۲، صافات / ۱۱، حجر / ۲۹.

۲-۳. آفرینش انسان از آب؛(۱)

۳-۳. آفرینش انسان از نطفه.(۲)

۴. آیاتی که به مرحله دوم آفرینش انسان اشاره دارد (بعد از شکل گیری و قبل از انتخاب آدم).(۳)

۵. آیاتی که به مرحله سوم آفرینش انسان اشاره دارد. (انتخاب آدم از بین انسان ها).(۴)

ب: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه «ثبات انواع» مورد استناد واقع شده است

۱. آنها که خلقت همه انسان ها را از نفس واحد می دانند؛(۵)

۲. آنها که خلقت آدم علیه السلام را از خاک می دانند.(۶)

ج: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه «تکامل انواع» و «ثبات انواع» است:(۷)

جمع بندی و بررسی نظریه تکامل و قرآن

آیات نامبرده در راستای استدلال بر نظریه های یاد شده، مورد رد و اثبات شدید صاحب نظران قرار گرفته است که مجال ذکر آنها نیست. در این باره لازم است به چند نکته توجه داشت:

۱. این نظریه هر چند هنوز اثبات نشده است ولی مورد قبول اکثر جوامع علمی (علوم تجربی) قرار گرفته و نظریه «ثبات انواع» تنها به صورت یک

ص: ۲۳۵

۱- (۱) فرقان/ ۵۴، سجده/ ۸-۹.

۲- (۲) دهر/ ۲.

۳- (۳) بقره/ ۲۱۳.

۴- (۴) آل عمران/ ۳۳ (همان، ص ۲۶۲-۲۶۹)

۵- (۵) انعام/ ۹۸.

۶- (۶) آل عمران/ ۵۹.

۷- (۷) نکه: نحل/ ۴، کهف/ ۳۷، انفطار/ ۸۷، علق/ ۲۱ (همان، ص ۲۷۵-۲۷۶)

احتمال در کنار آن مطرح است و از طرف دیگر آیات قرآن هم قابل انطباق بر هر دو نظریه است، و هم به گونه ای است که طرفدار یک تئوری می تواند با آوردن احتمالات متعدد آیات، استدلال دیگری را ابطال کند.

۲. به صورت قطعی نمی توان گفت که قرآن در این زمینه چه نظری دارد، بلکه برای هر کدام می توان شواهدی اقامه نمود و محققین مختلف هم ممکن است در روند تحقیقات خود به یک سمت متمایل شوند ولی بهتر آن است که تا اثبات یا رد قطعی این نظریه، برداشت از آیات به صورت احتمالی بیان شود.

۳. در صورت اثبات این نظریه، آیات به گونه ای نیست که با آن تضاد داشته باشند. (۱)

#### یادآوری

از آنجا که مادی گراها خواسته اند از این نظریه به نفع خود سوء استفاده کنند و آنرا دلیلی بر عدم نیاز طبیعت به خدا قلمداد کنند، یادآور می شویم: نه «تحول انواع» مخالفتی با اصول خداشناسی دارد و نه «ثبات انواع» از دلایل خداشناسی است بلکه هر دو طرف نسبت به اثبات خدا یکسان است. زیرا آنچه اثبات خدا بر آن تکیه دارد برهان نظم است خواه این نظم به صورت «ثبات انواع» باشد یا «تکامل انواع». (۲)

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمایید:

۱. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، ناشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

ص: ۲۳۶

---

۱- (۱) برگرفته از پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همان، ص ۲۷۶.

۲- (۲) دارونیسیم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، ص ۱۸ و ۱۹، انتشارات توحید.

۲. تکامل در قرآن، علی مشکینی اردبیلی، ترجمه: ق. حسین نژاد، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجر، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳، دارونیسیم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۵. خلقت انسان در قرآن، استاد محمدتقی مصباح یزدی.

۶. آفرینش و انسان، محمدتقی جعفری.

۷. خلقت انسان، یدالله سبحانی.

۸. قرآن، طبیعت و تکامل، مهدی بازرگان.

۹. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱۱، ذیل آیات مذکور.

ص: ۲۳۷

\* پرسش:

## آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست؟

\* پاسخ:

در این مورد ترجمه خلاصه بیانیه پانصد نفر از دانشمندان علوم تجربی تقدیم می شود:

بالغ بر ۵۰۰ اندیشمند دارای مدرک دکترا، بیانیه ای را امضاء کردند که بیانگر تردیدشان نسبت به فرضیه تکامل داروین می باشد.

در این بیانیه آمده است: «ما در لحاظ کردن پیچیدگی حیات موجودات زنده، ادعای قابلیت جهش اتفاقی و انتخاب طبیعی را، فاقد قطعیت می دانیم. بررسی دقیق مدارک و اسناد در رابطه با فرضیه داروین بایست مد نظر قرار گیرد.»

فهرست ۵۱۴ امضا کننده مشتمل بر دانشمندان ایالات متحده و آکادمی ملی علوم روسیه می باشد. عمده امضاکنندگان عبارتند از: ۱۵۴ زیست شناس، ۷۶ شیمی دان و ۶۳ فیزیکدان.

امضاکنندگان بیانیه مذکور رساله دکترای خود را در علوم زیست شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی، طب، کامپیوتر و رشته های وابسته ارایه کرده اند. اکثر آنها اساتید یا پژوهشگرانی در دانشگاههای معتبر می باشند از قبیل: MIT، دانشگاه کمبریج، Ucberkely، Smithsonian، UCLA، پرفیتون، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه ایالت اوهایو، دانشگاه جورجیا و دانشگاه واشنگتن.

مؤسسه دیسکاوری (Discovery Institute) اولین بار فهرست اختلاف عقیده با داروینسم را در سال ۲۰۰۱ چاپ کرد. در آن زمان ادعا شده بود که «در حقیقت هر دانشمندی در جهان عقیده بر صحت فرضیه داروین دارد.»

طرفداران فرضیه داروین (دارونیست ها) همچنان ادعا می کنند که هیچ دانشمند مطرحی در فرضیه داروین شک ندارد و در اینجا فهرستی وجود

ص: ۲۳۸

دارد که ۵۰۰ دانشمند مایلند که تردید خود را در رابطه با فرضیهٔ داروین، به صورت متفق القول اعلام نمایند تلاش دارونیست ها برای سرکوب مخالفت و مباحثه با استفاده از مراجع قضایی، رسانه ها و انجمن های آکادمیک، در حقیقت باعث برانگیختن مخالفت بیشتر و تشویق دانشمندان بیشتری می شود که درخواست افزوده شدن به فهرست مخالفین را داشته باشند.

در واقع این فهرست رو به رشد دانشمندان مخالف بود که مؤسسه ما را تشویق کرد که وب سایتی را با آدرس [www.dissent fromdarwin.org](http://www.dissent.fromdarwin.org) ارائه کند که پاسخی برای افراد جویای سوال باشد و نیز محلی برای دسترسی به فهرست، چه توسط عامه مردم و چه توسط دانشمندانی که تقاضای افزوده شدن نامشان به فهرست را دارند.<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۳۹

---

۱- ((۱)) ترجمه و تلخیص دکتر مجتبی توکلی، تنظیم سرکار خانم سحر شمیم شوشتری. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی. متن انگلیسی در صفحات پیوست آخر کتاب موجود می باشد.



## آفرینش حوا چگونه بوده است؟

\* پاسخ:

از جمله مسائلی که آیات زیادی از قرآن کریم را به خود اختصاص داده موضوع خلقت است. قرآن کریم با صراحت در آیات متعددی (۱) می فرماید: «زنان را از همان جنس مردان و از سرشت مردان آفریدیم.»

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه (۲) ذیل آیه (خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) ۳ می نویسد: آفرینش همه انسان ها از نفس واحد اشاره به مساله ی آفرینش آدم علیه السلام جدّ نخستین ما است که این همه افراد بشر با تنوع خلقت، خلق و خوی متفاوت و استعدادها و ذوق های مختلف، همه به یک ریشه باز می گردد که آن آدم علیه السلام است. تعبیر به - ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا - در واقع اشاره به این است که خدا آدم را آفرید سپس همسرش را از گل [و حقیقت] او خلق کرد.

لازم به یادآوری است که در برخی احادیث آمده (۳) است که آفرینش همسر آدم، از باقیمانده گل او صورت گرفته است. اما روایتی که می گوید: حوا از آخرین دنده چپ آدم علیه السلام آفریده شده، سخنی بی اساس است که از بعضی روایات اسرائیلی (تحریف شده) گرفته شده و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم سفر تکوین (۴) تورات تحریف یافته کنونی آمده است و

ص: ۲۴۰

---

۱- ((۱)) نساء / ۱، روم / ۲۱، نحل / ۷۲.

۲- ((۲)) تفسیر نمونه، جلد ۱۹، ص ۳۸۰.

۳- ((۴)) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۵-۲۴۶، به نقل از تفسیر عیاشی.

۴- ((۵)) فصل دوم، سفر تکوین، آیه ۲۱، خط ۲۸ و ۲۹، خواب سنگینی بر آدم مستولی گردانید و خداوند یکی از دنده های چپ آدم را گرفت و به جای آن گوشت پر کرد.

از این گذشته بر خلاف مشاهده و حس می باشد. زیرا طبق این روایت، یک دنده آدم برداشته و از آن حوا را آفریده اند و از این رو مردان یک دنده در طرف چپ کمتر دارند. در حالی که ما می دانیم هیچ تفاوتی میان تعداد دنده های مردان و زنان وجود ندارد و این تفاوت افسانه ای بیش نیست. (۱)

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: خداوند حوا را چگونه آفرید؟ امام در پاسخ فرمودند: مردم در این مورد چه می گویند: گفتیم: می گویند خداوند حوا را از یکی از دنده های آدم آفرید. (امام) فرمودند: آنها دروغ می گویند، آیا خداوند ناتوان است که حوا را از غیردنده آدم علیه السلام بیافریند. گفتیم فدایت گردم ای پسر رسول خدا پس خداوند حوا را از چه آفرید: «امام فرمودند: پدرم از پدران نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال مقداری گل را گرفت و آن را با دست قدرتش درهم آمیخت و از آن گل، آدم علیه السلام را آفرید، سپس از آن گل مقداری اضافه آمد، خداوند از آن گل اضافی حوا را آفرید. (۲)

شاید تعبیر گل آدم کنایی باشد و مقصود حقیقت آدم و وجود او باشد که حواء از آن آفریده شده است.

بعضی ها از آیه (خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) استفاده کرده اند که مقصود از (خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) خلقت حوا از جنس آدم (جنس بشر) است؛ یعنی حوا انسانی بود مثل خود آدم و این معنا با توجه به آیات دیگر قابل اثبات است که می فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) ؛ (۳) «و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید.»

ص: ۲۴۱

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۸۰.

۲- (۲) نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳- (۴) روم/ ۲۱.

(وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا) ۱؛ «و خدا برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد.»

نتیجه:

حوا از گل آدم آفریده شده است. ولی شاید مقصود از «گل»، حقیقت وجود آدم باشد که یعنی می توان گفت: جنس آدم و حوا یکی است.

ص: ۲۴۲

\* پرسش:

## آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است؟

\* پاسخ:

تاریخچه:

هرچند بشر از دیرباز می دانسته که در برخی گیاهان - مانند: خرما - اگر گرده های نر را به گیاه ماده برسانند؛ محصول بدست می آید؛ ولی این اطلاعات محدود به چند گیاه خاص بود، تا اینکه لینه (۱) (۱۷۷۸-۱۷۰۷ م) طبیعی دان سوئدی، قانون «زوجیت عمومی در گیاهان» را کشف کرد.

در مورد باران نیز باید گفت: بشر اطلاعاتی از کیفیت نزول آن نداشت تا اینکه در سال های اخیر با پیشرفت در رشته هایی چون هواشناسی، به مسئله تلقیح ابرها پی بردند و حتی فعلاً بحث از باران مصنوعی است. در اینجا بود که دانشمندان متوجه نقش عجیب بادها در زایا شدن ابرها شدند. (۲)

بررسی آیات

آیه ۲۲ سوره حجر، در این موضوع، نقش محوری دارد، که خداوند می فرماید: (وَ أَرْسَلْنَا الرِّیَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...)؛ «و بادها را باردار کننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم.»

در مورد این آیه سه نظر وجود دارد:

الف: منظور، لقاح گیاهان است:

برخی نویسندگان (۳) ضمن تقسیم عوامل لقاح در گیاهان به رئیسی (مثل

ص: ۲۴۳

---

۱- ((۱)) . Carl von linne.

۲- ((۲)) برگرفته از: «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۸۶. دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳- ((۳)) احمد سلیمان، القرآن و الطب، دار العوده البیروت، ص ۲۴-۲۶.

حشرات) و غیر رئیسی (مثل آب، انسان و...) نقش باده‌ها را در این زمینه مهم ارزیابی کرده و می‌گویند: «علم کشف کرده که مهمترین گیاهان خشکی و آبی، به وسیله باد تلقیح می‌شوند، از این رو قرآن از میان عوامل لقاح، باد را ذکر کرده است.»

ب: منظور، لقاح ابرهاست: (۱)

برخی دانشمندان بر این باورند که حتی وجود بخار آب در هوا و اشباع هوا و یا حتی تقطیر آن در سطوح بالایی جو، برای ریزش باران کافی نیست؛ زیرا ممکن است با وجود اشباع، تقطیر نشود و یا اینکه قطرات آنقدر ریز باشند که معلق بمانند و نبارند؛ بلکه شرط سومی نیز ضرورت دارد که آن، «بارورشدن» یا «عمل لقاح» است.

به این ترتیب باد، ذرات نامرئی نمک را از دریا با خود می‌آورد تا به همراه قطرات ریز آب، نطفه‌های جذب کننده و آماس کننده را تشکیل دهد و سرانجام با تلاطم و تصادم باده‌ها به هم پیوندند، رفته رفته درشت شده و سقوط کنند.

همچنین توده‌های ابر، در اثر اصطکاک با عوارض زمین و اجسام معلق در باد، دارای بارهای الکتریکی مخالف می‌شوند که تخلیه‌ی آن - رعد و برق - باعث یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن می‌گردد که به پیوستن و درست شدن باران کمک فراوان می‌نماید. (۲)

ج: منظور، لقاح ابرها و گیاهان است:

برخی دیگر از دانشمندان و صاحب نظران انحصار آیه در یکی از دو معنای فوق را رد می‌کنند. و می‌گویند: اگرچه قسمت دوم آیه بوسیله «فاء»

ص: ۲۴۴

---

۱- (۱) مرحوم طبرسی از مفسرین گرانقدر شیعه از اولین کسانی است که لقاح را به معنی آبستنی ابرها دانسته است. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۳۴، مطبعه العرفان، بیروت.

۲- (۲) باد و باران در قرآن، مهندس مهدی بازرگان، ص ۵۹ و ۱۲۶، (با تلخیص)

که یکی از موارد کاربردش نتیجه گیری است به قسمت اول ربط داده شده است - بادها را زایا کننده فرستادیم، «پس» نازل کردیم... - ولی منظور آن فقط لقاح ابرها نیست بلکه قسمت اول آیه، یک فرمول کلی را ارائه می دهد چه در گیاهان و چه در ابرها؛ و قسمت دوم (از آسمان آبی نازل کردیم) یکی از موارد و نمونه های آن است. (۱)

### نتیجه گیری

۱. قسمت اول آیه قاعده کلی و قسمت دوم یک نمونه و مصداق از آن است. پس آیه می تواند هم لقاح در گیاهان و هم ابرها را شامل شود.

۲. آیه فوق می تواند چیزی فراتر از ابر و گیاه را شامل شود. که ممکن است در آینده، علم از آن پرده برداری کند.

۳. اشاره علمی قرآن به پدیده «لقاح در ابرها»، می تواند «اعجاز علمی» به شمار آید، چرا که این مسئله تا سال های اخیر برای بشر مشخص نشده بود.

ولی در مورد گیاهان، از آنجا که بشر از گرده افشانی گیاهان - هر چند محدود - اطلاع داشته است با یک درجه تنزل جزء «شگفتی های علمی قرآن» به حساب می آید نه «اعجاز علمی».

### معرفی کتاب

برای مطالعه بیشتر به منابع ذکر شده در پاورقی و همچنین منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱.

ص: ۲۴۵

---

۱- (۱)) موارد مشابه دیگری نیز در قرآن وجود دارد، مثلاً: در حالی که تنها فایده نزول باران، روییدن گیاهان نیست؛ می فرماید: «فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»: «پس بوسیله آن آب را نازل کردیم «پس» بوسیله آن بیرون آوردیم از زمین تمام ثمرات را». ر. ک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، مهندس محمدعلی سادات، ص ۳۵-۳۶.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

۳. قرآن و پدیده های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سبحان کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۸.

۴. قرآن و اسرار آفرینش، استاد جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ۱۳۶۲.

ص: ۲۴۶

## آیا از نظر قرآن در آسمان ها موجود زنده وجود دارد؟

\*پاسخ:

اگر چه علوم روز هنوز به طور قطعی در مورد وجود موجودات زنده در آسمان، خبر نداده است ولی قرآن در این باره با نوعی رازگویی در ۱۵ قرن پیش، پنجره جدیدی را به روی دانشمندان گشوده است.

با بررسی در آیات به نظر می رسد قرآن کریم بر بودن موجودات زنده در آسمان اشاراتی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خداوند در آیه ۲۹ سوره شوری می فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ)؛ «و از آیات اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست.»

برخی صاحب نظران می نویسند: «دابه» از نظر لغوی، مشتق از «دب» و به معنای راه رفتن و حرکت کردن است و آن شامل حشرات، پرندگان و انسان ها می شود. (۱)

علامه طباطبایی رحمه الله در مورد دلالت آیه می فرماید: ظاهر آیه این است که در آسمان موجوداتی از جنبندگان (دواب) مثل روی زمین وجود دارد، و اگر کسی بگوید: منظور از جنبندگان آسمان ملائکه هستند مردود است؛ زیرا «دواب» بر ملائکه اطلاق نمی شود. (۲) هر چند طبق آیه ۳۰ سوره انبیاء، هر موجود زنده ای از آب آفریده شده است (۳) ولی همانگونه که در روی زمین

ص: ۲۴۷

---

۱- ((۱)) کهکشان ها در قرآن، لطفعلی سمیعی، ص ۱۰۴، انتشارات انصاری، ۱۳۸۱. به نقل از: قاموس قرآن و المیزان و نمونه.

۲- ((۲)) برگرفته از المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۸، ص ۵۸.

۳- ((۳)) وجعلنا من الماء کل شی حی.



شرایط حیات موجودات زنده متفاوت است و گروهی آبی، گروهی خاک‌زی و جمعی نیز هوایی هستند با مقیاس وسیع تری شرایط حیات در کرات دیگر براساس ساختمان مختلف جانداران متفاوت است و نباید انتظار داشت، موجودات دیگر همان سازمان وجودی ما را داشته باشند.<sup>(۱)</sup> از حضرت علی علیه السلام در این زمینه نقل شده است، که می‌فرمایند:

«این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی همچون شهرهای زمین هستند که هر شهری با شهر دیگر با ستونی از نور مرتبط است.»<sup>(۲)</sup>

از این روایت می‌توان چنین برداشت کرد که: همانگونه که در شهرهای زمین انسان‌ها زندگی می‌کنند، در آسمان‌ها نیز موجودات هوشمندی شبیه انسان زندگی می‌کنند.

در ادامه، آیه می‌فرماید: «او بر جمع کردن آنها هنگامی که بخواهد قادر است.» برخی صاحب نظران بر این باورند که: احتمال دارد منظور از جمع «جمع در آخرت» باشد و ممکن است «جمع در دنیا» باشد ولی احتمال دوم قوی‌تر است. چرا که اگر منظور آخرت بود تناسب داشت آنرا با تاکید بیان کند نه اینکه با مشیت - اذایش - همراهش نماید. بنابراین می‌فرماید: هنگامی که خداوند بخواهد ساکنین زمین و آسمان با همدیگر ملاقات می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

۲. آیه دیگری که به این مطلب دلالت دارد آیه ۱۵ سوره رعد است؛ که می‌فرماید:

(وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)؛ «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند - از روی اطاعت یا اکراه - و همچنین سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند.»

ص: ۲۴۸

---

۱- (۱) برگرفته از: دانش عصر فضا، حسین نوری، ص ۱۷۰، انتشارات جهان.

۲- (۲) سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷۴؛ ماده نجم؛ از علی بن ابراهیم نقل شده است.

۳- (۳) الاعجاز العلمی فی القرآن، د. لیب بیضون، ص ۶۹، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م.

واژه «مَن» در عربی برای صاحبان عقل به کار می رود، پس مقصود موجودات دارای شعور مثل انسان و فرشتگان هستند که در آسمان ها و زمین برای خدا سجده می کنند و از آنجایی که ملائکه و جن، سایه ندارند پس مقصود از «کسانی که در آسمان ها و زمین هستند» بشر و مخلوقاتی شبیه بشر هستند که سجده از روی اطاعت، مربوط به مومنین، و سجده از روی اکراه، مربوط به کافرین است (البته سجده در اینجا به معنای خضوع است).<sup>(۱)</sup>

آنچه تاکنون گفتیم در جهت اثبات وجود موجودات زنده در کرات دیگر بود که امروزه اصطلاحاً «تئوری پردازی از دیدگاه قرآن» نامیده می شود و در صورتی که علوم تجربی نیز به همین نتیجه برسند اعجاز علمی آن اثبات می شود.

اما از آنجا که در تفسیر آیات و احادیث باید جنبه های مختلف را در نظر گرفت و با دید وسیع تری به آیات نگاه کرد تا به واقع نزدیک تر شویم؛ در پایان احتمال دیگری را در مورد آیه ی اول - ۲۹ / شوری - مطرح می کنیم که با معنای ذکر شده متفاوت است.

بررسی

«واژه سماء و سموات در قرآن، به چند معنا به کار رفته است؛ از قبیل جهت بالا، کرات آسمانی، جو زمین...»

تفسیر آیه فوق به وجود موجود زنده در کرات دیگر، وقتی صحیح است که ثابت شود واژه «سموات» در این آیه، به معنای کرات آسمانی است؛ در حالی که ممکن است منظور «جو اطراف زمین» باشد و منظور از «دَائِه» موجودات ذره بینی مثل باکتری ها و یا موجودات درشت مثل پرندگان باشد.

ص: ۲۴۹

---

۱- ((۱)) برگرفته از: الاعجاز العلمی فی القرآن، د. لیبیب بیضون، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۴ هـ -، ۲۰۰۳ م، چاپ اول.

حال اگر معنای دوم - جو زمین - را بپذیریم آیه در قسمت موجودات درشت، یک واقعیت خارجی را بیان می کند، که یکی از نشانه های الهی است؛ و در قسمت موجودات ریز، نوعی رازگویی علمی است که علوم جدید بدان دست یافته است. (۱)

بنابراین به طور قطع نمی توان نظریه «وجود موجودات زنده در کرات دیگر» را به قرآن نسبت داد هر چند طبق تفسیر اول احتمال آن وجود دارد.

معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، انتشارات کتاب مبین، (چاپ دوم / ۱۳۸۱)، ص ۱۹۵-۲۰۶.

۲. قطراتی از دریای قرآن، بهمن نیک بین، نشر نیریز، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳. اثبات آسمانی بودن قرآن مجید، شهاب فهیم، ناشر موحدین، ۱۳۸۰.

۴. قرآن و علوم روز، عبدالغنی الخطیب، ترجمه: دکتر اسد الله مبشری، (چاپ اول، ۱۳۶۲)، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

۵. الاعجاز القرآن والتقدم العلمی، محمد عللوه، ناشر، دارالاشراق، ۱۹۹۷ م.

۶. من دلائل الاعجاز العلمی، فی القرآن الکریم والسنه النبویه، دکتر موسی الخطیب، مؤسسه الخلیج [المجمعول]

ص: ۲۵۰

---

۱- (۱)) برگرفته از «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱.

## در قرآن به چند حیوان اشاره شده است؟

\* پاسخ:

خداوند متعال نعمت های فراوانی به انسان عرضه داشته است، از جمله، حیوانات را مسخر بشر نمود تا از گوشت و پوست و محصولات آن استفاده کنند و نیازهای خویش را برآورده نمایند. و از طرفی در آفرینش موجودات زنده نشانه های بی شماری از قدرت، عظمت و حکمت پروردگار نهفته است از این رو می فرماید:

(أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ) ۱؛ «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده؟!» خداوند موجودات مختلف اعم از حیوان، گیاه و... را در اختیار انسان قرارداد تا از وجود آنها پی به وجود قدرت خدا ببرد و بعد از استفاده او را شکرگزاری کند.

قرآن کریم از ۳۹ نوع حیوان و حشره با تعابیر متعدّد (حدود ۶۳ تعبیر) به صورت اسم صریح یا کنایه نام می برد که عبارتند از (۱) چهارپایان، شتر، پشه، قاطر، گاو، اژدها، اسب، ملخ، جانوران شکاری، الاغ، گورخر، ماهی، مار، خوک، جنبندگان (زمین)، موریانه، مگس، حیوانات رام، حیوانات سم دار، حیوانات درنده، سلوی (۲)، گوسفند، قورباغه، پرنده، گوساله، عنکبوت، کلاغ، پروانه، فیل بوزینه، شیر، سگ، شپش، بز، میش، زنبور عسل، مورچه، هدهد. اینک نظر شما را به فهرست مفصلی که در این راستا ارایه می شود، جلب می کنیم: (۳)

ص: ۲۵۱

۱- (۲) ممکن است برخی از تعابیر شامل بعضی دیگر نیز بشود مثل انعام (چهارپایان) شامل گوسفند، گاو، شتر و اسب نیز می شود و شاید به عبارت بهتر چیزی ورای این حیوانات نباشد؛ اما به خاطر اهمیتی که خود این گونه ها و دسته های حیوانی داشت آنها را جداگانه ذکر نمودیم.

۲- (۳) پرنده ای که خداوند برای بنی اسرائیل در هنگام سرگردانشان در بیابان فرو فرستاد، تا از آن تغذیه نمایند، که پر گوشت و شبیه کبوتر است. (ر. ک: تفسیر نمونه/ ج ۱، ذیل آیه ی ۵۷ سوره بقره)

۳- (۴) برای ارائه فهرست از کتاب «نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن» نیز بهره بردیم. (جلیل ابوالحب، ترجمه تقی متقی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰)















الف. از حیواناتی مانند «ماهی ها»، «پرندگان»، «پستانداران» و «حشرات» در چند جای قرآن به چهار صورت یاد شده است:

۱. اسم صریح: مثل بقره (گاو ماده).

۲. بصورت وصفی مانند: دابه الارض که منظور «موریانه» است و یا «بُدن» که منظور شتر و گاو قربانی است.

۳. نام حیوان به همراه فرآورده اش مثل نحل (زنبور عسل) و عسل.

۴. به ذکر نام فرآورده اکتفاء شده است مثل لؤلؤ و مرجان.

ب: در يك تقسیم بندی دیگر می توان حیواناتی را که در قرآن آمده است به گروه های زیر تقسیم کرد:

۱. حیوانات اهلی و کشاورزی مثل: بقره (گاو ماده)، غنم (گوسفند).

۲. حیوانات وحشی مثل: ذئب (گرگ).

۳. حشرات: مثل نمل (مورچه).

۴. پرندگان: مثل هدهد.

۵. حیوانات آبی: مثل: حوت (ماهی).

از این حیوانات در ۵۲ سوره و بالغ بر ۱۵۴ آیه یاد شده، چنانکه برخی سوره ها نیز به نام آنها نام گذاری شده که در این میان سوره بقره بزرگ ترین و سوره فیل کوچک ترین سوره ای است که به نام حیوانات می باشد.

ج: در یک تقسیم بندی کلی دیگر، قرآن کریم، حیوانات را به اقسام زیر تقسیم کرده است. (۱)

۱. من یمشی علی بطنه؛ حیواناتی که بر شکم راه می روند.

۲. من یمشی علی رجلین؛ حیواناتی که بر دو پا راه می روند.

۳. من یمشی علی اربع؛ حیواناتی که بر چهار پا راه می روند.

[البته به نظر می رسد این تقسیم بندی حداقل شامل حیوانات هوازی نمی شود]

د: در قرآن از ناس، بشر، بنی آدم و... نیز نام برده شده که همگی بر انسان دلالت می کند که اگر با عینک علم زیست شناسی بنگریم آن ها نیز از جمله حیوانات می باشد.

یادآوری:

نام بردن حیوانات در قرآن به تنهایی دلالت بر اعجاز علمی ندارد ولی می تواند شگفتی علمی یا اشاره علمی باشد.

ص: ۲۵۹

الف. فارسی

۱. قرآن و پدیده های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سحاب کتاب، چاپ اول، تیر ۱۳۵۸.
۲. قرآن و طبیعت، د. عبدالکریم بی آزار شیرازی، انتشارات زکات علم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶.
۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، شهریور ۱۳۵۸.
۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، انتشارات افتخاریان، چاپ بیستم، ۶۲.
۶. نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ناشر سبحان، چاپ اول، بهار ۷۷.
۷. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ۱۳۶۲.

ب. عربی

۱. رحیق العلم والایمان، الدكتور احمد فؤاد باشا، ناشر دارالفکر العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ هـ - و ۲۰۰۲ م.
۲. المعجم الطبیعی للقرآن الکریم، عزیزالعلی العزی، انتشارات دارالتقریب بین المذهب الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۲۰۰۱ م.
۳. وجوه الاعجاز فی آیات التحل لغویاً - علمیاً - طبیاً، د. رضا فضیل بکر، ناشر دارالاعتصام.
۴. الاعجاز العلمی فی الاسلام و القرآن الکریم، محمد کامل عبدالصمد، ناشر الدار المصریه البنانیه، الطبعة الرابعه، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م.

## چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است؟

\*پاسخ:

با مراجعه به آیاتی که در آنان از میوه ها و گیاهان یاد شده است می توان به حکمت آن پی برد و به عبارت دیگر خداوند در ادامه اکثر آیه، علت آنرا بیان می فرماید.

بطور کلی مواردی چون، یادآوری نعمت های الهی، برانگیختن حس شکرگزاری، دعوت به تفکر و تدبر در نشانه ها و قدرت خداوند و مواردی از این قبیل را می توان از علل ذکر میوه ها و گیاهان در قرآن بر شمرد؛ که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم: (۱).

۱. یادآوری نعمت ها: خداوند در آیات متعددی از قرآن در مقام تذکر و یادآوری نعمت ها - که بر بنی اسرائیل ارزانی داشته بود - از «من» و «سلوی» (۲) یاد می کند. من و سلوی دو غذای ویژه گیاهی و حیوانی است که در دوران چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان، فرو فرستاده شد و از ارزش غذایی بالایی برخوردار است و در آیه ۶۱ بقره، برتری آن نسبت به غذاهایی چون سبزیجات، خیار، عدس و... تاکید می کند. (۳)

ص: ۲۶۱

---

۱- (۱) برای آگاهی بیشتر به تفسیر آیات مربوطه مراجعه فرمایید.

۲- (۲) «من»: در لغت به قطرات کوچکی همچون قطرات شبنم است که بر درختان می نشیند و طعم شیرینی دارد. یا به تعبیر دیگر یکنوع صمغ و شیره درختی است با طعم شیرین. و بعضی گفته اند: طعم آن شیرین توأم با ترشی است. (تفسیر نمونه از آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۶۴، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چ ۴۶، ۱۳۸۳ هـ -). «سلوی»: در اصل به معنای آرامش است و برخی از لغت دانان و بسیاری از مفسران آنرا یک نوع پرنده دانسته اند. از تفسیری که برخی مسیحیان بر کتاب مقدس نوشته اند، استفاده می شود که سلوی همان پرنده مخصوص پر گوشتی است که شبیه و اندازه کبوتر است. (قاموس کتاب مقدس (مسترهاکس)، ص ۴۸۳ به نقل از تفسیر نمونه، همان، ص ۲۶۴). (و نیز، ص ۲۶۳ و ۲۶۴)

۳- (۳) «أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟» «آیا آنچه پایین تر است را به جای آنچه بهتر است انتخاب می کنید؟»

۲. دعوت به تعقل و تفکر: در آیه ۹۹ سوره انعام، پس از ذکر میوه هایی چون انگور، زیتون و انار می فرماید:

«به میوه ها و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه هایی (از عظمت خدا) برای افراد با ایمان است» و یا در سوره رعد آیه چهارم، ضمن یادآوری تنوع گیاهان در حالی که از یک آب سیراب می شوند و همچنین یادآوری ارزش غذایی مختلف آنان، آنرا دارای نشانه هایی می داند که برای کسانی که تعقل می کنند.

۳. یادآوری قیامت: رویش گیاهان نمونه ای بسیار روشن از چگونگی برانگیخته شدن انسان ها در روز قیامت است. این مطلب را در آیه ۱۱ سوره «ق» تذکر می دهد و پس از بیان رویش گیاهان و باغ ها می فرماید:

(كَذٰلِكَ الْخُرُوجُ)؛ «زنده شدن مردگان نیز همین گونه است.»

۴. یادآوری ارزش غذایی برخی میوه ها: خداوند در قرآن با بیان اسامی برخی میوه ها به ارزش غذایی آن ها که در علم غذاشناسی نیز اثبات شده، توجه می دهد. مانند خرما، انگور، و حتی در برخی موارد به آنها سوگند یاد شده است. مثل انجیر و زیتون. (۱)

ص: ۲۶۲

\*پرسش:

**نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است؟**

\*پاسخ:

ص: ۲۶۳











در کتاب مذکور مواردی از آیات نام برده شده بود که نام میوه یا گیاهی در آن نیافتیم. بنابراین از ذکر آن خودداری کردیم. و در برخی موارد هم عین لفظ میوه یا گیاه در آیه نبود، بلکه از محتوای کلام و تفسیر آیه، گیاه یا میوه بدست می آمد. (مانند: نحل / ۶۵) به همین خاطر این موارد را نیز در فهرست نیاوردیم. (۱)

ص: ۲۶۸

---

۱- (۱) در این مجموعه از کتاب «گیاهان در قرآن» - از محمد اقتدار حسین فاروقی، ترجمه ی احمد نمایی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴ نیز استفاده شده است.

## فصل هشتم: قرآن و فیزیک

اشاره

ص: ۲۶۹



\* پرسش:

**مقصود از «سجیل» در سوره فیل چیست و آیا با انرژی هسته ای ارتباطی دارد؟ آیا می توان ادعا کرد که «سجیل در آیه؛ همان اورانیوم یا انرژی هسته ای بوده که منجر به هلاکت اصحاب فیل شد!؟»**

\* پاسخ:

سوره فیل به داستان تاریخی اصحاب فیل در سال میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره دارد. در آن سال خداوند، کعبه را از شر لشکر عظیم ابرهه نجات داد.

خلاصه ای از داستان اصحاب فیل

ابرهه، پادشاه یمن، کلیسای زیبا و بزرگی برای عبادت ساخته بود و اعلام کرد که مردم جزیره العرب به جای عبادت در کعبه، به عبادت در کلیسای یمن پردازند. اما اعراب به خاطر دل بستگی به کعبه، به درخواست ابرهه پاسخ منفی دادند. و در همان زمان کلیسای ابرهه به آتش کشیده شد (۱) و ابرهه تصمیم گرفت که خانه کعبه را ویران کند و به دنبال آن لشکر عظیمی که بعضی از سوارانش دارای فیل بودند؛ عازم مکه نمود. آنها در نزدیکی مکه شتران مردم را به غارت بردند. از جمله ۲۰۰ شتر از عبدالمطلب نیز دزدیدند. ابرهه، فردی را به داخل شهر مکه فرستاد و بزرگ آنها را احضار کرد. عبدالمطلب بر او وارد شد و ابرهه به او گفت: اگر شما با ما نجهنگید ما با شما نمی جنگیم، من فقط برای تخریب کعبه آمده ام.

عبدالمطلب فرمود: ما توانایی جنگ با شما را نداریم، من صاحب شترانم هستم و خانه کعبه نیز برای خود صاحبی دارد و محافظ آن است.

مردم شهر مکه، به اطراف شهر و بالای کوه ها پناهنده شدند و شاهد حمله لشکریان ابرهه به مکه بودند. دیدند که ابری سیاه از طرف دریای

ص: ۲۷۱

---

۱- (۱)) برخی نوشته اند: مردم به کلیسا بی احترامی کردند.



احمر (سرخ) به طرف مکه در حرکت است، آنها پرندگان [ = پرستو] بودند که سه سنگ به اندازه نخود (۲) تا در چنگال و یکی در منقار) به همراه داشتند و آن سنگ ها را بر سر لشکریان ابرهه انداختند و همه آنها را متلاشی کردند و آن سال در میان اعراب به «عام الفیل» معروف شد. (۱)

سوره فیل و ترجمه آن

سوره فیل در مکه نازل شده است و دارای ۵ آیه است. در این سوره خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّيلٍ وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَزْمِيهِمْ بِحِجَارِهِ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ)؛ «آیا نظر نکرده ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟! و پرندگان دسته دسته بر آنان فرستاد، که سنگ [هایی] از جنس گِل بر آنان افکندند؛ و (سرانجام) آنان را همچون برگ خورده شده قرار داد.»

واژه شناسی

واژه «سجیل» یک کلمه فارسی و معرب است و به معنای «سنگ گل» آمده است (۲) که نه همانند سنگ سفت و نه مانند گل سست است. (۳)

«ابابیل» به معنای «جماعت متفرقه» است و در آیه فوق، به عنوان وصف آمده است. یعنی: پرندگان، گروه گروه به سوی لشکر حرکت کردند. (۴)

ص: ۲۷۲

---

۱- (۱) این ماجرای تاریخی به خاطر نقل زیاد آن، از تواتر گذشته است. ر. ک: بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ج ۱۷، ص ۱۳ و مجمع البیان، طبرسی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ج ۱۰، ص ۵۴۲.

۲- (۲) لسان العرب، ابن منظور؛ مفردات راغب اصفهانی؛ قاموس قرآن، قرشی؛ مجمع البحرین، ذیل ماده «سجل».

۳- (۳) این واژه در قرآن سه بار به کار رفته، یکی درباره عذاب قوم لوط (هود/ ۵۲) و دیگری درباره قوم لوط (حجر/ ۷۴) و سوم در مورد اصحاب فیل آمده است.

۴- (۴) همان، ماده ابابیل. ر. ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، تفسیر سوره فیل.

«عصف» به معنای برگ هایی است که بر ساقه ی زراعت است و سپس خشکیده و کوبیده شده است (۱) و به تعبیر دیگر به معنای «کاه» است و تعبیر «ماکول» اشاره به آن است که این کاه در زیر دندان های حیوان بار دیگر کوبیده شده و کاملاً از هم متلاشی شده است.

تاثیر سنگریزه ها از طرق طبیعی یا قدرت الهی

با نگاهی گذرا به سوره فیل و داستان تاریخی آن در می یابیم که هلاکت اصحاب فیل از طرق عادی و طبیعی نبوده بلکه قدرت مافوق قدرت طبیعت در آن دخالت داشته است چرا که:

الف. برخاستن و پرواز پرندگان کوچک و همراه آوردن سنگریزه ها و هدف قراردادن افرادی خاص و متلاشی کردن لشکر عظیم و... نشان از آن دارد که کسی آن ها را هدایت کرده است و خود به تنهایی و از طرق عادی و طبیعی قادر به چنین کاری نبودند.

ب. این ماجرا نشان می دهد که معجزات و خوارق عادات، لزومی ندارد که به دست پیامبر و امام ظاهر شود؛ بلکه در هر شرایطی که خدا بخواهد و لازم بداند، انجام می گیرد. (۲)

ج. نقل داستان اصحاب فیل از طریق وحی الهی و بیان این نکته که هلاکت اصحاب فیل معجزه بوده، دلیل دیگری بر مدعای ماست.

د. بعد از آنکه سوره فیل نازل شد؛ به علت مشهور بودن و مشهود بودن معجزه الهی در هلاکت آن ها، قریش هیچ گونه اعتراضی در مورد نزول این سوره نکرده اند، اما اینکه آیا سنگریزه ها می تواند غیر از سنگ های معمولی و دارای مواد هسته ای باشد، باید گفت:

ص: ۲۷۳

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۴۳.

اولاً: فقط خداوند دارای قدرت بی منتهاست و قادر است از یک سنگریزه یا گل معمولی، شخصی یا گروهی را به هلاکت برساند. «وكان الله على كل شيء قدير»<sup>(۱)</sup>.

ثانياً: همچنین، خداوند قادر است پرندگان را به مکانی بفرستد تا سنگریزه هایی بردارند که قدرت اتمی داشته باشد، که اگر آزاد شود انفجار عظیمی تولید کند،<sup>(۲)</sup> ولی اینها در حد یک احتمال است و هلاکت اصحاب فیل نشان از معجزه الهی دارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، سوره فیل.
۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۰، سوره فیل.
۳. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، سوره فیل.
۴. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، ص ۱۶۰-۱۶۲.

ص: ۲۷۴

---

۱- (۱) نساء/ ۱۳۳.

۲- (۲) برخی نیز احتمال داده اند که آن پرندگان، امراض آبله و حصبه را شیوع دادند و اصحاب فیل کشته شدند. ر. ک: تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۶۰.

## رستاخیز انرژی ها در قرآن مطرح شده است ؟ رابطه ایجاد آتش از درخت سبز با بحث معاد چگونه است ؟

\*پاسخ:

اشاره شگفت انگیز خداوند به رستاخیز انرژیها:

خداوند در آیه ۸۰ سوره یس می فرماید:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ﴾ ۱؛ «(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد، و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می افروزید.»

در این آیه و آیات قبل و بعد از آن، بحث امکان معاد مطرح است، در شأن نزول آیه آمده است که روزی یکی از منکران معاد استخوانی پوسیده را خدمت پیامبر آورد، و به پیامبر گفت: آیا تو خیال می کنی خداوند این را زنده می کند؟ (۱) در پاسخ او آیاتی نازل شد که یکی از آنها آیه ی مورد بحث ماست.

مفسران از آیه فوق، تفاسیر گوناگونی ارائه داده اند. از جمله:

۱. اکثر مفسران، به قدرت خداوند اشاره کرده اند: که خداوندی که در درخت سبز آتش قرار داده است، قدرت زنده کردن مرده ها را نیز دارد. (۲)

۲. این آیه نوعی تشبیه و تمثیل است. یعنی، معقولات را به محسوسات تشبیه می نمایند و خداوند در این آیه، زنده کردن مرده ها را به ایجاد آتش از درخت سبز تشبیه کرده است زیرا ایجاد آتش از درخت سبز در بین اعراب

ص: ۲۷۵

---

۱- (۲) امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی؛ تفسیر مجمع البیان؛ (دارالاحیاء التراث العربی؛ بیروت، ۱۳۷۹ هـ - ق) ج ۴، ص ۹۵.

۲- (۳) تفاسیر در ذیل آیه ۸۰ سوره یس و همچنین تفاسیر موضوعی مثل پیام قرآن... در بحث منکران معاد.

صدر اسلام امری رایج بوده است. اعراب در زمان های گذشته برای درست کردن آتش از دو درخت «مرخ» و «عفار» استفاده می کردند. (۱)

۳. آیه نوعی رفع استبعاد است، چون ممکن است کسی بگوید: چگونه چیزی که مرده است زنده شود با اینکه مرگ و زندگی با هم تنافی دارند؟ و آیه در پاسخ می فرماید: هیچ استبعادی در کار نیست برای اینکه آب و آتش با هم تنافی دارند ولی خداوند از درخت سبز، آتش برای شما قرار داده است. (۲)

۴. رستاخیز انرژی ها: بعضی از مفسران با توجه به علوم روز تفسیر دیگری ذیل این آیه آورده و از آن به رستاخیز انرژیها تعبیر کرده اند و با این تفسیر آن را یکی از اعجازهای علمی قرآن کریم نامیده اند.

یکی از کارهای مهم گیاهان مساله کربن گیری از هوا، و ساختن سلولز نباتی است (سلولز همان جرم درختان است که اجزای عمده ی آن کربن و اکسیژن و ئیدروژن است).

سلولز نباتی، چگونه ساخته می شود؟ یاخته های درختان و گیاهان گاز کربن را از هوا گرفته و آن را تجزیه می کنند، اکسیژن آن را آزاد ساخته، و کربن را در وجود خود نگه می دارد، و آن را با آب ترکیب کرده و چوب درختان را از آن می سازد.

ولی مساله مهم این است که هر ترکیب شیمیایی که انجام می یابد؛ یا باید توأم با جذب انرژی خاصی باشد و یا توأم با آزاد کردن آن؛ بنابراین هنگامی که درختان به عمل کربن گیری مشغولند، احتیاج به وجود یک انرژی دارند و در این حال از گرما و نور آفتاب به عنوان یک انرژی فعال

ص: ۲۷۶

---

۱- (۱) بانوی اصفهانی (امین اصفهانی)، مخزن العرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ هـ. ش)، ج ۵، ص ۷۷؛ سید محمد حسین همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، (کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۳۸۰ هـ. ق)، ج ۱۳، ص ۴۱۱.

۲- (۲) سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ سوم، ۱۳۹۷ هـ. ق) ج ۱۷، ص ۱۱۶.

استفاده می کنند. به این ترتیب هنگام تشکیل چوب های درختان، مقداری از انرژی آفتاب نیز در دل آنها ذخیره می شود و هنگامی که چوبها را می سوزانیم همان انرژی ذخیره شده آفتاب، آزاد می گردد، زیرا بار دیگر کربن با اکسیژن هوا ترکیب می شود و گاز کربن را تشکیل می دهد و اکسیژن و ئیدروژن (مقداری آب) آزاد می گردد.

بدین ترتیب که به رستاخیز انرژی ها می رسیم و می بینیم نور و حرارتی که در این فضا پراکنده می شود و برگ درختان و چوبهای آنها را نوازش و پرورش می دهد هرگز نابود نشده، بلکه تغییر چهره داده و دور از چشم ما در درون ذرات چوب و شاخه و برگ درختان پنهان شده است و هنگامی که شعله آتش به چوب خشکیده می رسد، رستاخیز آنها شروع می شود و تمام آنچه از انرژی آفتاب در درخت پنهان بود در آن لحظه حشر و نشورش ظاهر می گردد، بی آنکه حتی به اندازه روشنایی یک شمع در یک زمان کوتاه از آن کم شده باشد، آری خدایی که می تواند انرژی درخت ها را دوباره برانگیزد و رستاخیز آنها را برپا سازد می تواند برای انسان های مرده نیز رستاخیز بر پا کند.

پرسش:

چرا قرآن در اینجا تعبیر به «شجر اخضر» (درخت سبز) کرده است؟ در حالی که آتش افروختن با چوب تر مشکل است، بهتر بود به جای آن «شجر الیابس» (چوب خشک) می فرمود، تا با آتش سازگار باشد!

در پاسخ می توان گفت: تنها درختان سبزند که می توانند عمل کربن گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند، درختان خشک اگر صدها سال در معرض تابش آفتاب قرار گیرند؛ ذره ای به ذخیره انرژی حرارتی

ص: ۲۷۷

آنها افزوده نمی شود، تنها زمانی قادر بر این کار مهم هستند که سبز و زنده باشند. و در این صورت رستاخیز انرژیها بهتر روشن می شود. (۱)

اما شاید تعبیر به «شجر اخضر» از جهت بعید بودن ایجاد آتش از درخت سبز نیز باشد چرا که انسان آتش افروختن با درخت سبز را بعید می داند و خداوند می خواهد بفرماید که آنچه را که به نظر شما بعید است او انجام می دهد و در درخت سبز آتش قرار داده است پس او می تواند مرده ها را زنده کند و به آنها دوباره حیات بدهد.

این تفسیر یکی از شگفتیهای علمی قرآن است که بدون شک در زمان نزول آیه این معنی برای مردم روشن نبوده است. آری آیات قرآن دارای معانی عمیقی است که در سطوح مختلف و برای استعدادهای متفاوت بیان شده است. آنها از این آیه چیزی می فهمیدند و امروزه چیز بیشتری فهمیده می شود و شاید آیندگان از اینهم فراتر روند و بیشتر کشف کنند و در عین حال جمع بین این معانی مانعی ندارد و می تواند همه موارد صحیح باشد.

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۸؛ ص ۴۶۱-۴۶۵ ذیل آیه ۸۰، سوره یس.
۲. تفسیر من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرسی، ج ۱۱، ص ۱۷۷، ذیل آیه ۸۰، سوره یس.
۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷ ص ۱۱۶، ذیل آیه ۸۰، سوره یس.
۴. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۹۵، ذیل آیه ۸۰، سوره یس.
۵. تفسیر طنطاوی (الجواهر)، ذیل آیه ۸۰، سوره یس (در این تفسیر از نظر علمی بحث مفصل کرده است)

ص: ۲۷۸

---

۱- ((۱)) آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳-۱۳۶۶ ه - ش) ج ۱۸، ص ۴۶۱-۴۶۵.

۶. الکاشف، محمد جواد مغنیه، ج ۶ ص ۳۲۶، ذیل آیه ۸۰، سوزة یس

۷. برای مبحث معاد رجوع شود به تفاسیر موضوعی، مانند: تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی (مدّظله)؛ منشور جاوید آیت الله سبحانی (مدّظله)؛ کتاب معاد شهید مطهری رحمه الله.

۸. در مورد مطالب علمی به کتابهای زیست شناسی مبحث (عمل فتوسنتز گیاهان) مراجعه نمایید.

ص: ۲۷۹









## نظر قرآن در مورد فرضیه مهبانگ BIG-BANG چیست؟

\*پاسخ:

اندیشه چگونگی پیدایش جهان همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است. قرآن کریم در آیات متعددی به این مسأله اشاراتی دارد و دانشمندان کیهان شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده اند و حتی بعضی صاحب نظران خواسته اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی است.

مفسران و صاحب نظران در این مورد به این آیات توجه کرده اند:

۱. (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ) ۱؛ «سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد، و آن دودی بود.»

۲. (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ) ۲؛ «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی آورند؟»

واژه شناسی

۱. «دخان» در لغت به معنی چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش بر می خیزد. (۱)

۲. «سما» در لغت به معنی طرف بالا- است و در قرآن در معانی و مصادیق متعددی به کار رفته است از جمله: جهت بالا (ابراهیم/ ۲۴) - جو زمین (ق / ۹) - محل کرات بالا (فصلت / ۱۲)، آسمان معنوی (سجده/ ۵) و... (۲)

ص: ۲۸۳

۱- (۳) راغب اصفهانی، مفردات، ماده دخن.

۲- (۴) ر. ک: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ماده سمو، و نیز تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵ به بعد و نیز بحث «هفت آسمان» که دنبال می آید.

۳. «رتق» چیز بهم پیوسته را گویند و «فتق» جدا کردن دو چیز به هم متصل را گویند. (۱)

نظریه های علمی درباره پیدایش جهان:

در مورد پیدایش جهان چند دیدگاه عمده، در بین کیهانشناسان جدید وجود دارد که عبارتند از:

الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ):

این نظریه از سال ۱۹۰۰ م پیشنهاد شد و هم اکنون از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان بهترین نظریه موجود تلقی می شود. خلاصه این نظریه آن است که حدود ۲۰ بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان، در نقطه ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی نهایت چگال و مرکب از ماده - انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتشگویی، ماده - انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی، احتمالاً چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته اند.

هواداران این نظریه ادعا می کنند تمامی کهکشان ها، ستارگان و سیارات هنوز تحت تأثیر شتاب ناشی از انفجار، با سرعت زیادی از همدیگر دور می شوند و این مطلب بوسیله مشاهدات «ادوین هابل» (۱۹۱۹ م) تأیید شد.

«استفن ویلیام هاولینگ» کیهان شناس معروف معاصر پس از تشریح انفجار اولیه و مراحل اولیه آن تا تشکیل گازهای داغ و سوزان، این نظریه را به دانشمند روسی «ژرژ گاموف» نسبت می دهد.

ص: ۲۸۴

«با گذشت زمان، گازهای ئیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان به پاره های ابر مانند تقسیم می شدند که تحت اثر گرانش خود در هم فرو می نشستند... سپس در اثر درجه حرارت بالا، واکنش های هسته ای شروع شد. و ستارگانی مانند خورشید ما تشکیل شدند.

خورشید ستاره نسل دوم یا سوم است که حدود پنج هزار میلیون سال قبل از ابر متشکله از گاز چرخانی که محتوی سوپر نووهای پیشین بوده، بوجود آمده است...»<sup>(۱)</sup> دکتر «اریک اوبلا» مراحل پیدایش جهان را به هشت مرحله تقسیم می کند و می نویسد:

در مرحله اول (صفر تا ۴۳-۱۰ ثانیه) چیزی منفجر و تبدیل به گلوله آتشین شد.

در مرحله دوم (۴۳-۱۰ تا ۳۲-۱۰ ثانیه) اولین سنگ بناهای ماده مثلاً کوارک ها و الکترون ها از برخورد پرتوها با یکدیگر به وجود آمد.

در مرحله سوم (از ۳۲-۱۰ تا ۶-۱۰ ثانیه) کیهان از مخلوط کوارک ها، لپتونها فوتونها و سایر ذرات دیگر تشکیل شد و خیلی سریع در حال از دست دادن حرارت بودند.

در مرحله چهارم (از ۱۰-۶ تا ۱۰-۳ ثانیه) تقریباً تمام کوارک ها و ضد کوارکها به صورت پرتو ذرها به انرژی تبدیل می شوند.

در مرحله پنجم (از ۱۰-۳ تا ۱۰۰ ثانیه) الکترونها و ضد الکترونها (پوزیترونها) در برخورد با یکدیگر به اشعه تبدیل می شوند.

در مرحله ششم (از ۱۰۰ ثانیه تا ۳۰ دقیقه) در درجه حرارت بسیار بالا، اولین هسته های اتمهای سبک و پایدار مثل، هیدروژن و هلیوم ساخته می شوند.

ص: ۲۸۵

---

۱- ((۱)) استفن ویلیام هاو کینگ، تاریخچه زمان، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵-۱۴۹، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

در مرحله هفتم (از ۳۰ دقیقه تا یک میلیون سال) گوی آتشین حرارت خود را از دست می دهد (به حدود ۳۰۰۰ درجه می رسد) و هسته اتم ها و الکترونها پیوند می خورد و آن مخلوط ذره ای قابل دیدن می شود.

در مرحله هشتم (از یک میلیون سال پس از خلقت تا امروز) از ابرهای هیدروژنی دستگاہ های راه شیری، ستارگان و سیارات به وجود می آیند این سیر تحول را در ایجاد ستارگان امروزه هم می توان هنوز مشاهده کرد.

ابراهیم گازی که قرار است از آنها ستاره بوجود آید به سوی همدیگر کشیده شده متراکم می شوند سپس به شکل گلوله در می آیند و اگر واکنشهای هسته ای پدید آید یک خورشید جدید متولد می شود. (۱)

ب: نظریه حالت پایدار

در سال ۱۹۴۰ این نظریه توسط (فرد هویل)، اخترفیزیک دان انگلیسی پیشنهاد شد. خلاصه این نظریه این است که جهان نه تنها از نظر فضایی یکنواخت است (اصل کیهان شناختی) بلکه در طول زمان تغییر ناپذیر نیز هست.

این نظریه به حادثه خاصی نظیر انفجار بزرگ وابسته نیست. در نظریه حالت پایدار ستارگان و کهکشانها ممکن است تغییر کنند اما در هر زمان تصویر کلی جهان با تصویر امروزی آن، تفاوتی ندارد.

بر طبق این نظریه حالت انبساط جهان پذیرفته می شود اما معتقدند که به تدریج ماده جدیدی در بین کهکشانهای دور شونده ظاهر می شود این ماده جدید به تدریج اتمهای هیدروژن را می سازد و آنها به نوبه خود ستارگان جدیدی را شکل می دهد.

تذکر: خلق پیوسته ماده از فضای خالی اشکالاتی را برای این نظریه پدید آورده است. و این نظریه بعد از کشف تفاوت سن ستارگان، رد شد.

ص: ۲۸۶

تعداد کمی از اخترشناسان خلقت جهان را با مدل «هانس آلفون» دانشمند سوئدی می بینند. خلاصه این نظریه آن است که ۹۹٪ جهان قابل مشاهده (عمدتاً ستارگان) از پلازما ساخته شده است.

پلازما گاز یونیده ای است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده اند. پلازما، گاهی حالت چهارم ماده خوانده می شود. صاحبان این نظریه معتقد هستند که انفجار بزرگ هیچگاه رخ نداده و جهان آکنده از جریانهای الکتریکی غول آسا و میدانهای عظیم مغناطیسی است. از این دیدگاه جهان ازلی است و به وسیله نیروی برقاطیس اداره می شود. بنابر این جهان آغازی معین و انجामी قابل پیش بینی ندارد. و کهکشانشان حدود ۱۰۰ بیلیون سال پیش شکل گرفته اند.

د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ)

گروهی دیگر از اخترشناسان، نظریه حالت پایدار دیگری را که با رصدهای اخترشناسی انطباق خوبی دارد؛ پیشنهاد می کنند. برطبق این نظریه جهان بدون آغاز و انجام است. ماده بطور پیوسته در خلال انفجارهای کوچک (کهبانگ ها) و احتمالاً با همکاری اختروشهای اسرارآمیز خلق می شود در این نظریه جدید جهان بتدریج انبساط می یابد و کهکشانشان شکل می گیرند. (۱)

نکات تفسیری و اسرار علمی آیات

۱. در مورد آیه اول (فصلت / ۱۱) برخی از مفسران می نویسند

«جمله (هی دخان - آسمانها در آغاز به صورت دود بود). نشان می دهد که آغاز آفرینش آسمانها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده و این با

ص: ۲۸۷



آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده ای از گازها و دخان هستند.»<sup>(۱)</sup>

۲. در مورد معنای «رتق» و «فتق» (پیوستگی و جدایی) آسمانها و زمین که در آیه دوم (انبیاء / ۳۰) آمده، مفسران سه احتمال را مطرح کرده اند:

الف: به هم پیوستگی آسمان و زمین، اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره ها از جمله منظومه ی شمسی و کره ی زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

برخی روایات اهل بیت علیهم السلام اشاره به همین تفسیر دارد.<sup>(۲)</sup>

ب: منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می کرد. امّا با گذشت زمان، مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدید پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند.<sup>(۳)</sup>

ج: منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی بارید و مقصود از به هم پیوستگی زمین آن است که در آن زمان گیاهی نمی رویید امّا خدا این هر دو را گشود از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویاند. روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام اشاره به معنای اخیر نیز دارد.<sup>(۴)</sup> تفسیر سوم (ج) با چشم قابل رؤیت است و با جمله «أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا...»؛ «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند...» سازگار است و با جمله ذیل آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» نیز هماهنگی دارد.

ص: ۲۸۸

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸.

۲- (۲) همان، ج ۱۳، ص ۳۹۴ و ص ۳۹۵ و تفسیر نور الثقلین ذیل آیه سی ام انبیاء.

۳- (۳) المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۴- (۴) تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۴۷.

ولی تفسیر اوّل و دوم (الف، ب) نیز با معنای وسیع این جمله ها مخالف

نیست زیرا گاهی رؤیت به معنی «علم» می آید. و از اینجاست که برخی مفسران معتقدند مانعی ندارد آیه فوق دارای هر سه تفسیر باشد. (۱)

۳. استاد آیت الله معرفت بحث مفصلی در مورد آیه ۳۰ سوره انبیا دارند و معنای سوم (عدم بارش باران) را مخالف تعبیر آیه و تحقیق می دانند و روایاتی (۲) در این زمینه حکایت شده ضعیف دانسته اند.

و امّا معنای دوم (پیدایش انواع و اقسام موجودات از یک چیز بهم چسبیده) را از قتاده، سعید بن جبیر، عکرمه از ابن عباس، فخر رازی (۳) نقل می کند و آن را نظری معروف در عصر قدیم و جدید می داند.

آنگاه معنای دیگری را از ابو مسلم اصفهانی نقل می کند که «فتق» به معنای ایجاد و اظهار است. و این معنا را موافق کلام علی علیه السلام در نهج البلاغه (فتق الاجواء... ثم فتق بین السموات العلی) (۴) می دانند.

و همچنین این معنا را موافق آیات ۱۱-۱۲ سوره فصلت «ثُمَّ اسْتَوَىٰ اِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ» معرفی می کنند. که دخان همان ماده اوّلیه خلقت آسمانها و زمین است و از آن، آسمان بوجود آمد و واژه «ائتیا» در آیات سوره فصلت را به معنای امر تکوینی و ایجاد می دانند و از آیه استفاده می کنند که ماده آسمانها قبل از وجودشان موجود بوده است و خدا صورت های آنها را ایجاد کرد.

آنگاه متذکر می شود که در تورات پیدایش موجودات از یک اصل واحد، اشاره شده است. که خدا جوهری را خلق کرد سپس با نظر هیبت به آن نگاه کرد به صورت آب در آمد و سپس آسمانها و زمین را از آنها خلق

ص: ۲۸۹

۱- (۱) ر. ک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶.

۲- (۲) الکافی، ج ۸، ص ۹۵ و ص ۱۲۰ و تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۰.

۳- (۳) تفسیر کبیر، ج ۲۲، ص ۱۶۳.

۴- (۴) نهج البلاغه، خطبه / ۱.

کرد و آنها را از همدیگر جدا ساخت. (۱) و آنگاه از طنطاوی نقل می کند که مضمون این آیات معجزه علمی است. (۲)

سپس ایشان مطالبی علمی در مورد پیدایش جهان، از «لاپلاس» و دیگران نقل می کند و نتیجه می گیرد که هدف قرآن، بیان مطالب علمی نبوده اشاراتی به فتق آسمانها داشته است ولی حقیقت آن برای ما روشن نیست هرچند که نظریه های علمی هم با آن موافق است، اما ما به تطبیق این نظریات با قرآن نمی پردازیم. (۳)

۴. برخی صاحب نظران تحت عنوان پیدایش نخستین جهان با مطرح کردن آیه ۱۱ سوره فصلت، مطالبی را از دانشمندان مختلف در مورد انفجار اولیه نقل می کنند و سپس از قول «ادوارد لوترکیل» می نویسند:

«علم نه تنها حدوث عالم را ثابت می کند بلکه روشن می سازد که دنیا از حالت گازی در یک (لحظه ی معینی) در نتیجه یک انفجار بزرگ بوجود آمده است و این لحظه تقریباً پنج بیلیون سال پیش بوده و هنوز هم در حال توسعه است.» (۴)

۵. برخی از نویسندگان معاصر نیز آیات (سوره فصلت/ ۱۱ و انبیاء/ ۳۰) را مطرح می کنند و با توجه به هماهنگی این آیات با اکتشافات دانشمندان آنرا دلیل معجزه بودن قرآن می دانند و می گویند:

«علم هیئت ثابت کرده است که در ابتدای خلقت، کرات آسمانی به صورت گاز به هم چسبیده و متصل بودند و بعدها به مرور زمان بر اثر فشردگی و تراکم شدید گازها تبدیل به جسم شدند. این واقعیت علمی

ص: ۲۹۰

---

۱- (۱) ایشان آن عبارت را از تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۲، ص ۱۶۲ نقل می کند و می گویند: از اول تورات فعلی حذف کرده اند.

۲- (۲) الجواهر، ج ۱۰، ص ۱۹۹.

۳- (۳) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۹.

۴- (۴) ر. ک: مهندس جعفر رضایی فر، قرآن و آخرین پدیده های علمی (اعجازهای علمی قرآن)، انتشارات فوزان، ۱۳۷۵ ش.

اولین بار توسط «لاپلاس» ریاضی دان و منجم مشهور فرانسوی، در حدود دو قرن پیش اظهار گردید و امروز نجوم جدید با دستاوردهای جدید خود صحت فرضیه علمی لاپلاس را ثابت کرده است.»<sup>(۱)</sup>

سپس از ژرژ گاموف نقل می کند که: «زمین و خورشید از گازهای بسیار سوزانی که در چندین میلیارد سال پیش بوده به وجود آمده اند.»<sup>(۲)</sup>

۶. دکتر «موریس بوکای» با طرح آیات (سوره فصّلت / ۱۱ و انبیاء / ۳۰) بحث «روش اساسی ایجاد جهان در نظر قرآن» را مطرح می کند و می گوید قرآن وجود توده ای گازی با بخشچه های ریز را تأیید می کند و یک روند جدایی (فتق) ماده ای ابتدایی یگانه ای که عناصر آن نخست به هم ملصق (رتق) بودند را تذکر می دهد.

سپس به نظریه تکوین عالم در دانش نو می پردازد که: «جهان از جرم گازی با دوران کند تشکیل شد» و سپس چگونگی تشکیل ستارگان و زمین را توضیح می دهد. و قدمت کهکشانش را ده میلیارد سال و قدمت زمین و خورشید را ۴/۵ میلیارد سال تخمین می زند. سپس می نویسد:

«دانش به ما می آموزد چنانچه به عنوان مثال (و تنها مثال) تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر بگیریم، جریان امر توسط تراکم سحابی نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملاً صریح با ذکر ماجراهایی که «دود» آسمانی ابتدا یک نوع الصاق، سپس یک نوع انفکاک را بوجود آورده بیان نموده است.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۹۱

---

۱- ((۱)) گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۱۷-۱۹؛ از جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۲۳۵، نقل می کند.

۲- ((۲)) مطالب شگفت انگیز، ص ۱۸، از سر گذشت زمین، ژرژ گاموف، ترجمه دکتر محمود بهزاد، ص ۴۳، نقل می کند.

۳- ((۳)) دکتر بوکای، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۱۸۹-۲۰۱.

پرسش: در سوره فصلت آیات ۹-۱۱ خلقت زمین را در دو دوره (یوم) مطرح می کند «قُلْ أَإِنكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَٰلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّجْمَاتِ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ...»؛ «بگو: آیا این شماست که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می ورزید و برای او همتایانی قرار می دهید؟ این است پروردگار جهانیان. و در زمین از فراز آن [لنگرآسا] کوه ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد. و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه گیری کرد [که] برای خواهندگان، درست و متناسب با نیازهایشان است. سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن دودی بود.»

و در آیه ۱۱ (مورد بحث ما) آسمانها و مسأله دود را مطرح می سازد. اگر مقصود قرآن آن است که تمام جهان از گاز خلق شده چرا خلقت زمین را قبل از آسمانها مطرح کرده است؟ و حتی با «ثم» (فصلت / ۱۱) عطف کرده که ترتیب را می رساند، در حالی که زمین جزئی از آسمانها و بصورت طبیعی باید پس از خلقت آسمانها، و در عرض آنها خلق شود.

پاسخ: «دکتر موریس بوکای» با توجه به این پرسش نکته ای علمی را مطرح کرده که در قرآن کریم، در سوره نازعات ۲۷-۳۱ مسأله خلقت آسمانها و زمین به صورتی دیگر مطرح شده است.

(أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا)؛ «آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را بر پا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترده، آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد.»

در این آیات آفرینش آسمانها قبل از زمین ذکر شده و با کلمه «بعدذلك» آمده است. ایشان می نویسند: «دانش، تداخل دو رویداد تکوین یک ستاره (مانند خورشید) و سیاره اش یا یکی از سیاراتش (مانند زمین) را میرهن می سازد. آیا همین اختلاط در نص قرآن (همانطور که دیده شد) ذکر نشده است؟»<sup>(۱)</sup>

۸. عبدالرزاق نوفل نیز با طرح دو آیه ۳۰ سوره انبیا و ۱۱ سوره فصلت مسأله ی ابتدای خلقت را مطرح می کند، که آسمانها و زمین ابتدا یک قطعه ی واحد بود و سپس جدا شد و سپس نظریه های علمی را مطرح می کند که می گویند: جهان در ابتدا از ماده ای داغ و سخت تشکیل شده بود. که مناسب ترین لغت برای آن همان کلمه «دخان» است. که در قرآن به کار رفته است<sup>(۲)</sup> و این مطلب را از اخبار علمی قرآن می داند که قرن ها بعد علوم جدید به آن پی بردند.

۹. احمد محمد سلیمان نیز با طرح آیه ۳۰ سوره انبیا می نویسد:

«اینکه قرآن می فرماید آسمان و زمین قطعه واحدی بود و سپس از هم جدا شد همان نظریه علمی جدید در مورد منظومه شمسی است که می گوید. جهان یک قطعه ای آتشین رها شده در فضا بود و سپس تحت تأثیر جاذبه شیء عظیم از اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکه تکه شد و به صورت حلزونی در آمد و سپس این اجزای کوچک به تدریج سیارات را به وجود آورد.» سپس این آیات را نشانه ی علم غیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می داند و از آنها به عنوان اسرار علمی قرآن یاد می کند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۹۳

---

۱- (۱) مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۸۸-۲۰۱.

۲- (۲) ر. ک: عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحديث، ص ۱۶۲-۱۶۳، بیروت، ۱۴۰۴ ق، دارالکتاب العربی.

۳- (۳) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۵۳-۵۴ با تلخیص، دار العوده، بیروت، الطبعة الخامسة ۱۹۸۱ م.

۱۰. سید هبه الدین شهرستانی معتقد است که مقصود از کلمه سماء و دخان در آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» . (۱) همان جو زمین (اتمسفِر) است که آن را با نام «کره بخار» اطراف زمین می خوانند. ایشان در ابتدا معانی کلمه «سماء» را بر می شمارد و آن را در عرف و لغت به معنای (شیء علوی) «هر چه بالای زمین» است می داند، که شارع نیز در استعمال الفاظ و اسامی تابع عرف بوده است و سپس می گوید در مقالات دینی لفظ سماء به یکی از سه معنا می آید:

اول: عین هوای عالی و فضای خالی.

دوم: جسم عظیم کروی محیط بر زمین ما (که اکثر موارد استعمال در شرع ناظر به این معناست).

سوم: عین کرات علوی و اراضی سیاره.

آنگاه می گوید: «وقتی که اطلاق لفظ «سماء» بر هر موجود علوی جایز و شایع شد چرا جایز نباشد که آسمان زمین ما عبارت باشد از کره بخاری که محیط بر هوای زمین ما است.»

سپس ایشان ده دسته دلیل شرعی (آیات و روایات) می آورد تا ثابت کند که مقصود از آسمان همین کره ی بخار است. دسته دوم از دلایل ایشان همین آیه ۱۱ سوره فصلت و روایاتی است که می فرماید آسمانها از دود آفریده شده است. و دود (دخان) را در آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» ۲ به معنای همان بخار مصطلح می داند و در پایان نتیجه می گیرد که:

«آنچه از مجموع اخبار مسطوره استفاده می کنیم مقصود از دود همان بخار است منتها چون بخار و دود هر دو از یک منشاء هستند و از آنجا که در عرف و در ابتدای نظر شبیه همدان اسم دخان بر بخار اطلاق شده است.

ص: ۲۹۴

[پس] نتیجه همانا کلیه اخبار مزبوره ناطق است بر اینکه تمامی آسمانهای

هفتگانه که محیط بر زمین های هفت گانه است از بخار آفریده شده است. (۱)

۱۱. برخی صاحب نظران معاصر نیز با طرح آیه ۳۰ سوره ی انبیاء می نویسند این آیه خبر می دهد که آسمانها چیز واحدی بود و سپس جدا شد و این یکی از معجزات قرآن است که علم جدید آن را تأیید می کند (۲) و نیز با طرح آیات ۹-۱۱ سوره فصلت آن را دلیل بر پیدایش خلق از «دخان» می داند. (۳)

۱۲. محمد کامل عبدالصمد نیز آیات ۱۱-۱۲ سوره فصلت را دلیل اعجاز علمی قرآن می داند. زیرا خبر از دخان بودن آسمانها در ابتدا داده است. (۴)

۱۳. سلیم الجابی نیز با طرح نظریه انفجار بزرگ، پس از بررسی لغوی و تفسیری آیه ۳۰ سوره انبیاء به این نتیجه می رسد که آیه فوق و نظریه انفجار بزرگ با هم منطبق هستند و حتی خطاب آیه «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» به کفار بصورت عام و اروپائیان بصورت خاص است که وحی الهی ۱۴ قرن قبل یک نظریه جدید آنها را بیان کرده است. (۵)

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. سخنان مرحوم سید هبه الدین شهرستانی از چند جهت قابل نقد است:

اول: ایشان کلمه «سما» را به سه معنا آورده است در حالی که اشاره کردیم که این لغت در موارد و مصادیق بیشتری در قرآن استعمال شده است.

ص: ۲۹۵

۱- (۱) سید هبه الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۳۱-۱۴۵ - با تلخیص، مطبعه الغری فی النجف، ۱۳۵۶ ق.

۲- (۲) ر. ک: محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دار المحبه، دمشق، بی تا.

۳- (۳) همان، ص ۳۴.

۴- (۴) ر. ک: محمد کامل عبد الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص ۴۷.

۵- (۵) ر. ک: سلیم الجابی، النظریه القرآنیة الکوئیة حول خلق العالم، ص ۱۰۶-۱۱۱.



دوم: ایشان کلمه «سما» در آیه فصلت / ۱۱ را به معنای جو زمین معنا کرده اند در حالی که از سیاق آیات ۹-۱۲ سوره فصلت بر می آید که مقصود از «سما» آسمانها و کرات غیر زمین است چرا که در ابتدای خلقت زمین را مطرح می کند. «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» ۱ و سپس خلقت آسمان را در حالی که دود است مطرح می کند «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ» ۲ و آنگاه در آیه بعد توضیح می دهد که هفت آسمان خلق گشت (۱) که یکی از آنها آسمان دنیا بود که ستارگان را در آن قرار داد. «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا». پس مقصود از سما (بر طبق ظاهر آیات) جو زمین نیست.

سوم: ایشان کلمه «دخان» را که به معنای «دود» است به معنای «کره بخار اطراف زمین» معنا می کند که در آیه (فصلت / ۱۱) هیچ قرینه ای نداریم تا از معنای لغوی (آنچه به دنبال شعله آتش برمی خیزد) (۲) دست برداریم و یک معنای مجازی (بخار) را بر آیه تحمیل کنیم و صرف شباهت عرفی کفایت نمی کند.

البته ممکن است در روایات کلمه ی دخان بر بخار اطلاق شده باشد (همانگونه که ایشان روایات متعددی آورده اند) ولی اولاً این روایات از لحاظ سندی جای بحث دارد چرا که از تفاسیری همچون «تفسیر قمی» نقل شده است. و ثانیاً ممکن است مراد از بخار آب و دود در این موارد همان ذرات بنیادین تشکیل دهنده ی اشیاء (مثل هیدروژن - اکسیژن و...) باشد. که برای تقریب به ذهن با تعبیری همچون بخار آب آورده شده است.

۲. ظاهر آیات قرآن در مورد آغاز خلقت که از «دخان» شروع شده است. با نظریه مشهور خلقت جهان یعنی نظریه مهبانگ تا حدود زیادی همخوانی دارد و در نقاطی با هم مشترک است.

ص: ۲۹۶

---

۱- (۳) در مورد آسمانهای هفت گانه و مقصود قرآن از آنها به صورت جداگانه بحث کرده ایم.

۲- (۴) ر. ک: مفردات راغب، ماده دخن.

یعنی از ظاهر قرآن و علم بر می آید که جهان در ابتدا از گازهای داغ تشکیل شده است اما آیات قرآن در مورد عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیه) مطلب صریحی ندارد.

۳. با توجه به تعدد نظریه ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آنها، در حال حاضر نمی توان هیچکدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

۴. اگر روزی نظریه ی مهبانگ به صورت قطعی اثبات شود این مطلب اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند. چرا که نوعی رازگویی علمی قرآن کریم است. امّا این مطلب به صورت کنونی آن، بیش از یک هماهنگی شگفت انگیز ظاهر قرآن و علم نیست.

ص: ۲۹۷

### حرکت های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی.

آیه مبارکه (وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرًّا لَهَا) نمایانگر حرکت انتقالی خورشید است، زیرا ماده جری و جریان، بسادگی قابل انطباق با حرکت وصفی و دَوْرانی نیست، و این در حالی است که برای خورشید جز حرکت وضعی به اثبات نرسیده است. نیز، ظاهر این آیه کریمه با کیهان شناسی بطلمیوسی مطابقت دارد که معتقد است خورشید در حال حرکت است و زمین مرکز منظومه شمسی بوده و ثابت مانده است. لطفاً پاسخ خود را مستدل و مطابق با کشفیات نوین کیهان شناسی ارائه فرمایید.

\*پاسخ:

#### خورشید و حرکات آن

خورشید یکی از نشانه های الهی است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده است. (۱) و در آیات متعددی از خورشید و حرکت های آن یاد کرده است آیاتی که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از:

۱. (وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسِيَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرًّا لَهَا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) ۲؛ «و نشانه ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن بر می کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است.»

ص: ۲۹۸

۲. (لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ)؛ «نه خورشید را سزد که به ما رسد، و نه شب به روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند.»

۳. (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ)؛ «و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند.»

۴. (وَسَيَحْزَنُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى)؛ «و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند.»

۵. (وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ)؛ «و خداوند خورشید و ماه را در حالی که هر دو در حال حرکت هستند به نفع شما مقهور و مسخر گردانید.»

#### نکات تفسیری

۱. آیات فوق برای معرفی نشانه های حق و یادآوری به مردم است تا ایمان آورند و یا ایمان آنان تقویت گردد. و بنابراین آیات سوره یس با کلمه (وَ آيَةٌ لَهُمْ...) شروع می شود و آیه ۲ سوره رعد با جمله (لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءُ رَبَّكُمْ تَوْفَئُونَ) «امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می یابد.

۲. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد:

الف: لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است) (۱)

ب: لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است) (۲)

ص: ۲۹۹

۱- (۵) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ ق.

۲- (۶) سید هبه الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

ج: لام برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است) (۱).

د: لام به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مگر قرارگاه خود را)

۳. آیه فوق به نحو دیگری نیز قرائت شده است: «و الشمس تجری لا مستقر لها» یعنی روان است و قرارگاه ندارد. (۲)

۴. کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی، یا اسم زمان و یا اسم مکان باشد. پس معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت می کند و یا تا آنجا که قرار گیرد حرکت می کند یعنی تا سر آمدن اجل آن و یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می کند.» (۳)

با این احتمال (سر آمدن اجل یا زمان استقرار) بوسیله آیه «كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَيَّمٍ» ۴ تأیید می شود. زیرا «لِأَجَلٍ مُّسَيَّمٍ» به جای «لِلمُشْتَقَرِّ لها» به کار رفته است.

مگر آنکه ادعا شود که آیه «و الشمس تجری لِمُسَيَّمَةٍ لها» ۵ می خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه ای اشاره کند که در آیات دیگر (فاطر/ ۱۳، رعد/ ۲، زمر/ ۵) اشاره نشده بود. یعنی خورشید و ماه هر دو زمان استقرار و پایان زمانی حرکت دارند و علاوه بر آن خورشید پایان مکانی نیز دارد.

۵. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می کند:

ص: ۳۰۰

---

۱- (۱) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ ق.

۲- (۲) ر. ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۷۲ (ده جلدی)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۵ ق. این قرائت از امام سجاد (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) و نیز ابن عباس، ابن مسعود و عکرمه و عطاء نقل شده است و مرحوم طبرسی در توجیه آن می گوید: ظاهر این قرائت عموم است اما معنای آن خاص است یعنی تا وقتی آسمانها همانطور بر پاست خورشید محل استقرار ندارد اما هنگامی که آسمانها در هم فرو ریخت خورشید نیز مستقر می شود.

۳- (۳) ر. ک: المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - ۱۴۱۷ ق.

اول اینکه مقصود مستقر مکانی باشد. یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است.

دوم آنکه مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت است.<sup>(۱)</sup>

۶. فُلک در لغت به معنای کشتی و فَلَک به معنای مجرای کواکب است که به خاطر شباهت آن با کشتی (در شناور بودن) فلک نامیده شده است.<sup>(۲)</sup>

برخی مفسران می نویسند:

«کلمه فلک در لغت به معنی بر آمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است سپس به قطعات مدور زمین و یا اشیاء مدور دیگر نیز اطلاق شده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می شود.»<sup>(۳)</sup>

سید هبه الدین شهرستانی با ذکر ۱۴ دلیل اثبات می کند که کلمه «فلک» در اسلام به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است.<sup>(۴)</sup>

۷. یسبحون از ماده «سباح» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هوا است.<sup>(۵)</sup>

۸. دائین از ریشه «دأب» به معنی «ادامه دادن به سیر» است. و بمعنی عادت مستمره هم می آید.<sup>(۶)</sup>

البته صاحب تفسیر نمونه می گوید: دأب از ریشه دئوب به معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است... ولی در معنی دأب حرکت در مکان نیفتاده است. بنابراین نورافشانی و اثر تربیتی، خورشید را مدلول دأب می کند.<sup>(۷)</sup>

ص: ۳۰۱

---

۱- (۱) ر. ک: مختصر ابن کثیر، ۱۶۲/۳ و نیز دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۲.

۲- (۲) راغب اصفهانی، مفردات، ماده فلک.

۳- (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷.

۴- (۴) اسلام و هیئت، ص ۱۹ به بعد.

۵- (۵) مفردات راغب، ماده سبح.

۶- (۶) مفردات راغب، ماده دئب.

۷- (۷) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۵۰ و ۳۵۷.

امّا به نظر می‌رسد با توجّه به سخن راغب اصفهانی ایشان به یکی از معانی دائب (ادامه دادن به سیر) توجه نکرده است هر چند که تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی را نیز در این مورد معرفی نکرده است.

#### تاریخچه

خورشید ستاره ای است که هر انسانی می‌تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب) (۱) همیشه توجّه انسان را به خود جلب کرده است.

انسان‌ها تا قرن‌ها تصوّر می‌کردند خورشید به دور زمین می‌چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی نیز بر همین اساس پایه گذاری شده بود. که زمین مرکز جهان است. (۲) حکیم مزبور کره زمین را ساکن و مرکز کلیه کرات پنداشته بود او می‌گفت:

«سه چهارم از سطح زمین را آب فرا گرفته و کره هوا به مجموع خاک و آب احاطه کرده و کره هوا را کره آتش در میان گرفته است و آتش را کره قمر در آغوش دارد. (فلک قمر را جز خود ماه ستاره ای نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هر یک را فقط یک ستاره است که هم بنام آن نامیده می‌شود.

ص: ۳۰۲

---

۱- (۱) حرکت روزانه خورشید از مشرق به مغرب در حقیقت کاذب است و حقیقی نیست، چون در اثر حرکت زمین از مغرب به مشرق برای انسان خطای دید حاصل می‌شود. و گمان می‌کند که خورشید حرکت می‌کند.

۲- (۲) در تاریخ حکماء آمده است که چند دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می‌شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس دلس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و ۱۴۰ سال قبل میلاد می‌زیسته است. ر. ک: اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵. (محمد نژد در فرهنگ دانستیها، ج ۱، ص ۷۵۲، بطلمیوس را از دانشمندان قرن دوم میلادی می‌داند).

و پس از فلک زحل کره هشتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابته مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است و پس از فلک هشتم کره نهم یا فلک اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد. در شکم آن جا دارد. (مثل پیازی که لایه لایه بر همدیگر هستند) فلک مزبور خالی از ستاره و دارای قطر نامحدود است... و در یک شبانه روز با کلیه افلاکی که در جوف آن است به گرد زمین می چرخد.»(۱)

هیئت بطلمیوسی هفده قرن بر فکر بشر حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (۱۵۴۴ م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که بر اساس آن زمین به دور خورشید می چرخید. ولی شکل چرخش را دایره ای می دانست که پس از او کپلر (۱۶۵۰ م) شکل بیضوی گردش زمین بدور خورشید را کشف کرد. و سپس عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیایی مستقر و مدلل گردید(۲) و از آن پس نظام منظومه ی شمسی به صورت نوین پایه گذاری شد که سیارات به دور خورشید می چرخد (عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون، پلوتون).

ولی هنوز عقیده اخترشناسان (حتی کوپرنیک، کپلر و گالیله) بر آن بود که خورشید ثابت ایستاده است(۳) و حتی در ادعاینامه ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید (خلاف گفته کتاب مقدس که خورشید را متحرک می دانست)(۴) کردند و او حاضر نشد

ص: ۳۰۳

- 
- ۱- (۱) اسلام و هیئت، ص ۵-۷.
  - ۲- (۲) ر. ک: همان، ص ۹-۱۰.
  - ۳- (۳) مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۲۴ و نیز احمد امین، راه تکامل، ج ۵، ص ۹ و نیز شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۷۹ ایشان پس از نقل کلام کوپرنیک در اینکه خورشید را مرکز و ساکن می داند توجیه می کند که او خورشید را نسبت به زمین (داخل منظومه شمسی) ساکن می دانست نه نسبت به خارج آن.
  - ۴- (۴) کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور ۵/۱۹ و «[خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.»



حرکت خورشید را بپذیرد.<sup>(۱)</sup> اما در اعصار جدید روشن شد که خورشید دارای چند حرکت است:

اول حرکت وضعی که هر ۲۵/۵ روز یک بار به دور خود می چرخد.

دوم حرکت انتقالی از جنوب آسمان به سوی شمال آن که هر ثانیه ۱۹/۵ کیلومتر همراه با منظومه شمسی حرکت می کند.

و سوم حرکتی انتقالی که با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می گردد. که در این حرکت نیز منظومه شمسی را به همراه خود می برد.<sup>(۲)</sup> البته برای خورشید حرکت های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می کنیم.

اسرار علمی

در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده اند:

اول: مفسران قدیمی: مفسران قرآن کریم از دیر زمان در پی فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسی بر جهانیان سایه افکنده بود و از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن (در مورد حرکت خورشید و زمین در مدار خاص خودشان) هیئت بطلمیوسی را بر نمی تافت و از این رو برخی مفسران در پی آن شدند تا با توجیه خلاف ظاهری آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند.

طبری (۳۱۰ ق) در تفسیرش حرکت خورشید را همان حرکت روزانه و محل استقرار خورشید را دورترین منازل، در غروب می داند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۳۰۴

---

۱- (۱) ر. ک: آرتور کوستلر، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰.

۲- (۲) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۰ و استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و جهان های دور، ص ۲۹۳ و تاریخ علوم، ص ۳۴۷ و دنیای ستارگان، ص ۱۴۶ و مرزهای نجوم، ص ۲۴۶.

۳- (۳) تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ج ۲۳، ص ۵-۶ (چاپ دار المعرفه بیروت).

طبرسی مفسر گرانقدر شیعه (م ۵۴۸ ق) می گوید: «در مورد استقرار خورشید سه قول است:

اول: اینکه خورشید جریان می یابد تا دنیا به پایان برسد. بنابراین دیدگاه، خورشید محل استقرار ندارد.

دوم: اینکه خورشید برای زمان معینی جریان دارد و از آنجا تجاوز نمی کند.

سوم: اینکه خورشید در منازل خود در زمستان و تابستان حرکت می کند و از آنها تجاوز نمی نماید.

پس همان ارتفاع و هبوط خورشید محل استقرار اوست.»<sup>(۱)</sup>

شهرستانی در مورد آیه: «كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ» ۲ می نویسد:

«هر یک در فلکی شنا می کنند» و مکرر گفتیم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی آید زیرا بنا بر آن هیئت حرکت کوکب در جسم فلک ممتنع است و از این جهت قدما ظاهر آیه را حمل بر مجاز کرده سباحه را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته اند مقصود این است که: هر ستاره ای با فلک خود بالتبع حرکت می کند.» این در حالی است که در آیه واژه «فی» (در) می باشد یعنی خورشید در فلک و مدار شناور است و نیز در مورد آیه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي) ۳ می نویسد: «متقدمین بدین آیه احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می شود متعلق به جرم خورشید دانسته اند. ولی در معنای کلمه «مستقر» دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده اند.»

... برخی گفته اند آفتاب سیر می کند تا به مستقر خود که برج حمل است برسد. (که لازمه آن سکون خورشید در برج حمل است و این معنا باطل

ص: ۳۰۵

---

۱- (۱) مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ ذیل آیه ۳۸/یس (چاپ دار احیاء التراث العربی) بیروت ۱۳۷۹ ق.

است)... و برخی گفته اند شمس حرکت می کند در فلک خود. (که از نظر هیئت قدیم باطل است)(۱)

عجیب این است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیر آیه «وَكُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» ۲ احتمال می دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حسّ ما یا حرکت ظاهری [کاذب و خطای دید] باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات دیگر می آورد و ردّ نمی کند(۲) در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداست و حرکت کاذب نمی تواند آیه و نشانه الهی باشد.(۳)

دوم: مفسران و صاحبانظران جدید:

پس از آنکه در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت های چندگانه ی خورشید به اثبات رسید آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کرد و متخصّصان، صاحبانظران و مفسران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوتی کردند و برداشتهای زیبایی از آیات فوق بعمل آوردند، که بدان ها اشاره می کنیم:

الف: حرکت انتقالی خورشید درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

مفسر معاصر آیه الله مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری، یس / ۳۸» می نویسد:

«آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً

ص: ۳۰۶

---

۱- (۱) اسلام و هیئت، ص ۱۸۳-۱۸۵ با تلخیص.

۲- (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۶-۳۸۹.

۳- (۴) این سخن از ایشان عجیب است چون قرآن کریم هنگامی که می خواهد سخن از حرکت کاذب (طلوع و غروب با توجه به خطای دید بیننده) بگوید می فرماید: «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَتَرَاوَرُّ عَن كَهْفِهِمْ» (کهف/ ۱۷) و آفتاب را می بینی که چون بر آید از غارشان. در این آیه جمله با «تری» شروع می شود یعنی شما می بینید و گمان می کنید خورشید طلوع می کند. اما هنگامی که در مقام بیان حقیقت امر حرکت خورشید است می فرماید: «الشَّمْسُ تَجْرِي... كُلُّ فِي فَلَكٍ...» و چیزی که دلالت بر حرکت کاذب باشد نمی آورد.

دانشمندان کشف کرده اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معین و ستاره دور دستی که آن را ستاره «وگا» نامیده اند، می باشد.»<sup>(۱)</sup> و در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می داند.<sup>(۲)</sup>

تذکر: در این معنا باید «لام» در «لمستقر لها» را به معنای «الی» بدانیم یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد.» همانگونه که برخی از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده اند.<sup>(۳)</sup>

یکی از صاحب نظران پس از اینکه حرکت خورشید از جنوب به سوی شمال آسمان را ۱۹/۵ کیلومتر در ثانیه می داند در ادامه به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می جوید.<sup>(۴)</sup>

یکی دیگر از نویسندگان معاصر در مورد کلمه «مستقر» در آیه «تجری لمستقر لها» می نویسد: «این حرکت به سوی قرارگاه شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است» و سپس آن را معجزه علمی قرآن می داند.<sup>(۵)</sup> علامه طباطبایی رحمه الله پس از آنکه جریان شمس را همان حرکت خورشید می داند، می فرماید:

«آیا از نظر علمی تا آنجا که اباحت علمی حکم می کند قضیه درست بر عکس (حس) است یعنی خورشید دور زمین نمی گردد بلکه زمین بدور خورشید می گردد و نیز اثبات می کند که خورشید یا سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند...»<sup>(۶)</sup>

ص: ۳۰۷

---

۱- ((۱)) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۲- ((۲)) همان، ص ۳۸۸.

۳- ((۳)) ر. ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۳۵.

۴- ((۴)) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۲۵-۳۶.

۵- ((۵)) گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۲۵-۲۶.

۶- ((۶)) المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹.

سید هبه الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره ای بران راست «جایی» معرفی می کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) می داند (۱) و کلمه «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می داند. (۲)

طنطاوی در تفسیر الجواهر نیز پس از ذکر مقدمه ای در انواع حرکات آیه فوق را بر حرکت خورشید و مجموعه همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می کند و سپس مطالبی طولانی در مورد حرکت هواپیماها، اتومبیل ها و... می دهد که ربطی به تفسیر آیه ندارد. (۳)

و در همین مورد کتاب «زنده جاوید و اعجاز قرآن» نوشته مهندس محمد علی سادات، (۴) و نیز قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فر، (۵) و نیز «القرآن الکریم والعلم الحدیث»، دکتر منصور محمد حسب النبی، (۶) مطالب مشابهی دارند.

ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی)

آیت الله مکارم شیرازی: در مورد آیه «و کُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» ۷ «و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.» دو احتمال می دهند:

یکی حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می دهند]. (۷)

ص: ۳۰۸

- 
- ۱- (۱) اسلام و هیئت، ص ۱۸۱.
  - ۲- (۲) همان.
  - ۳- (۳) طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۷۲-۱۷۲، دارالفکر، بی تا.
  - ۴- (۴) زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸-۳۰.
  - ۵- (۵) قرآن و آخرین پدیده های علمی، ص ۱۳۱.
  - ۶- (۶) القرآن الکریم و العلم الحدیث، ص ۲۶۴.
  - ۷- (۸) به پاورقی صفحات قبل مراجعه کنید که در مورد حرکت صادق و کاذب خورشید مطالبی بیان کردیم.

دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم می باشد چه اینکه امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزئی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است و در پایان این آیه (فِي فَلَكِكِ يَسَّ بِحُورٍ) را اشاره به حرکت دورانی خورشید می داند که برخلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته و بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت رسانیده است. (۱)

یکی از صاحب نظران نیز پس از آنکه حرکت دورانی خورشید را هر ۲۰۰ میلیون سال یک بار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می داند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می جوید. (۲)

دکتر موریس بوکای با استناد به آیه ۳۳ سوره انبیاء و ۴۰ سوره یس (كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسَّ بِحُورٍ) نتیجه می گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می کند. در حالی که این مطلب برخلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او می گوید «با اینکه نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم مورد گرایش بود این نظریه در هیچ جای قرآن به چشم نمی خورد.» و سپس با اشاره به ترجمه های غلط قرآن به زبان فرانسه که فلک را به معنای مغشوش (کره آسمانی - میله آهنی) آورده اند (چون نمی توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند) می گوید اولین ترجمه قرآن که به زبان فرانسوی کلمه «فلک» را «مدار» ترجمه کرد ترجمه «حمید الله» دانشمند پاکستانی بود. (۳)

ص: ۳۰۹

---

۱- (۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۶-۳۸۹.

۲- (۲) ر. ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۳۵-۳۶.

۳- (۳) مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، تألیف دکتر بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

سید هبه الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه شمسی (از قول برخی) نقل می کند که:

خورشید با همه اتباع خود به دور روشن ترین ستاره ای که در ثریا است می چرخد و نام آن ستاره بزبان فرنگی «الکبوتی» و بزبان عربی «عقد الثریا» است. برخی دیگر از نویسندگان<sup>(۱)</sup> همین حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس / ۴۰) نسبت داده اند:

استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (یس / ۴۰) می نویسند:

«قرآن، فلک را چون دریایی می داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می کنند. نه آنچنان که قدماء می گفتند: فلک حرکت می کند و آنها در فلک ثابتند.

قرآن از ابتدا «فرضیه فلکیات» قدیم را مردود می دانسته است... پس از این آیه می توان نتیجه گرفت که اجرام علوی، همه در حرکتند و این مطلبی است که علم نجوم جدید اثبات می کند.»<sup>(۲)</sup>

تذکر: به نظر می رسد ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار است) که با توجه به جمله «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» تأیید می کند.

ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی دیگر آن (تجری - یس / ۳۸) را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته اند زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده که خورشید به دور خود گردش می کند»<sup>(۳)</sup> و سپس در پاورقی توضیح می دهند که بر طبق تفسیر «لام» در «لمستقر لها» به معنای «فی» (در) است.<sup>(۴)</sup>

ص: ۳۱۰

---

۱- (۱) عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۷۸ به بعد.

۲- (۲) معارف قرآن، ص ۲۵۲.

۳- (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۴- (۴) همان.

تذکر: در این صورت معنا اینگونه می شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد.» [و به دور خود می چرخد].

احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن والعلم می گوید کلمه لام در عربی ۱۳ معنی دارد و سپس توضیح می دهد که اگر لام به معنای «فی» باشد حرکت وضعی خورشید را می رساند و اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقالی خورشید را می رساند و سپس می گوید این معجزه بلاغی قرآن است که یک کلمه «لِمُسْتَقَرِّ لَهَا» دو معجزه علمی را با هم می رساند. (۱)

سید هبه الدین شهرستانی نیز از علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می کند که احتمال داده اند. کلمه «مستقر» بمعنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود حرکت وضعی آفتاب باشد. (۲)

یکی از صاحب نظران نیز پس از آنکه حرکت وضعی خورشید را ۲۵/۵ روز یک مرتبه به دور خود معرفی می کند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می جوید. (۳) و برخی دیگر از نویسندگان مثل؛ محمد علی سادات، آیه ۳۸ و ۴۰ سوره یس را دلیل حرکت وضعی خورشید گرفته اند. (۴) یکی دیگر از صاحب نظران نیز با ذکر اینکه ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تأکید» باشد آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می داند. (۵)

د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین

یکی از صاحب نظران در مورد آیه «كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» ۶ «هر یک از خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می دهند» می نویسند:

ص: ۳۱۱

---

۱- (۱) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۳۵-۳۶.

۲- (۲) ر. ک: اسلام و هیئت، ص ۱۸۶.

۳- (۳) ر. ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۳۵-۳۶.

۴- (۴) ر. ک: زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸-۳۰.

۵- (۵) مصطفی زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص ۳۴.



«ظاهر مقصود از اینکه خورشید و ماه تا زمانی معینی به گردش خود ادامه می دهند این است که زمانی فراخواهد رسید که این چراغ های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است.»<sup>(۱)</sup>

همین معنا را سید هبه الدین شهرستانی در مورد آیه «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»<sup>۲</sup> می پذیرد و می گوید: مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می شود: آفتاب حرکت می کند تا هنگامی که باید قرار گیرد. یعنی روز قیامت.

تذکر: در این صورت «مستقر» را در آیه اسم زمان معنا کرده اند.

فیزیکدانان جدید می نویسند: «خورشید می تواند تا ۱۰ میلیارد سال بدرخشد و از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه راه زندگی خود قرار دارد.»<sup>(۲)</sup>

ه - : حرکات درونی خورشید:

به نظر می رسد کلمه «تجری» در آیه «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»<sup>۴</sup> معنای دیگری را نیز داشته باشد یعنی بین کلمه «تحرک» و «تجری» تفاوتی هست و آن اینکه کلمه «تحرک» فقط حرکت را می رساند مثل حرکت اتومبیلی که به جلو یا عقب می رود ولی زیر و رو نمی شود. امّا کلمه «تجری» در مورد مایعات مثل آب به کار می رود که در هنگام حرکت علاوه بر جلو رفتن، زیر و رو هم می شود و بر سر هم می خورد.

ص: ۳۱۲

---

۱- (۱) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۳۵.

۲- (۳) ر. ک: دکتر اریک اوبلا-کر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص ۲۰-۲۱ او می نویسد: خورشید در ثانیه ۵۶۴ میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می کند که از این مقدار ۵۶۰ تن هلیوم بوجود می آید ۴ میلیون تن مواد باقیمانده (که فقط ۰.۷٪ سوخت مصرفی می باشد) تبدیل به انرژی می شود که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می یابد.

امروزه دانشمندان کشف کرده اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی طولی، انتقالی دورانی دارای حرکتی دیگر هم هست زیرا درون خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نورانی و گرما تولید کند و روشنی بخش ما باشد (۱) و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می شود. (۲)

به عبارت دیگر خورشید علاوه بر حرکت، مثل آب جریان دارد و دائماً زیر و رو می شود. و این لطافت تعبیر قرآنی غیر از طریق وحی نمی تواند صادر شده باشد و از این رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند.

تذکر: ممکن است گفته شود با توجه به کاربرد واژه «تجری» در قرآن که در مورد حرکت ماه و خورشید هر دو به کار رفته است (فاطر/ ۱۳، زمر/ ۵ - لقمان/ ۲۹) «وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است پس همیشه واژه تجری به معنای مذاب بودن متعلق جریان (مثل آب و خورشید) نیست. بلکه این تعبیر کنایه است که در این موارد فضا را مثل یک اقیانوسی در نظر گرفته است که ماه و خورشید مثل یک کشتی در آن شناور هستند. پس این واژه دلالت قطعی بر یک معنا (شناور بودن یا مذاب بودن) در مورد خورشید ندارد از این رو نمی توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند.

ص: ۳۱۳

---

۱- ((۱)) ر. ک: فیزیک نوین، ص ۲۰ او می نویسد: «در درجه حرارت ۱۵ میلیون سانتیگراد و فشار اتمسفری ۲۰۰ میلیارد اتمسفر به بیان خیلی ساده هسته های اتمهای هیدروژن به هسته های هلیوم تبدیل می شود... بنابراین در این میان مقداری جرم از دست می رود که برابر فرمول (انشتین) به انرژی تبدیل می شود این عمل ذوب هسته ای یا جوش هسته ای نام دارد.

۲- ((۲)) ر. ک: مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ ش، که در یک گزارش علمی می نویسند: خورشید هر دو ساعت و ۴۰ دقیقه سطح آن با سرعت ۶ کیلومتر به داخل و خارج می رود. و قطر آن ۱۰ کیلومتر تغییر می کند و این طپش خورشید است. و در اثر میدانهای مغناطیسی اطراف، لکه ها بوجود می آید و با سرعت ۱/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و دور می شود و به سرعت خاموش می شود.

تذکر دیگر: برخی از صاحب‌نظران (دکتر السید الجمیلی) نیز با طرح آیه ۳۶ سوره یس حرکت خورشید و منظومه ی شمسی را ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه دانسته اند. ولی نوع حرکت را مشخص نکرده اند. که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است. (۱)

بررسی

در مورد انطباق حرکت های خورشید با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است:

۱. بیان کردیم که سه احتمال در کلمه «مستقر» (یس / ۳۸) وجود دارد (مصدر میمی، اسم مکان، اسم زمان) و نیز بیان شد که چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد (بمعنی الی، فی، غایه) و نیز بیان کردیم، در مورد کلمه «جریان» چهار احتمال وجود دارد (حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، ادامه حیات زمانی، حرکت درونی خورشید).

در اثر ضرب این احتمالات در یک دیگر عدد ۳۶ حاصل می شود (۲) یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه متصور است و ممکن است در واقع همه این احتمالات مراد آیه باشد.

پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد. از این رو نمی توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر را نفی کرد.

البته همانطور که بیان کردیم ظاهر آیه (یس / ۳۷-۴۰) همان معنای دوم (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است که با واژه (یسبحون) در ذیل آیه تأیید می شود.

ص: ۳۱۴

---

۱- (۱) ر. ک: دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۱.

۲- (۲)  $۳ * ۹ = ۳ * ۳۶ = ۴$

۲. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد. اما تعیین این مکان (ستاره وگا - جایی یا هر کیل یا...) و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح بنظر نمی رسد زیرا این مکان به طور قطعی مشخص نیست. و بنابراین نمی توان مکان های حدسی را به قرآن نسبت داد.

۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. زیرا قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید، جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) را نشان می دهد.

۴. آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می کند؟

در این مورد می توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگوییم بخشی از این حرکت ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود (۱) و از این رو اخبار قرآن در این مورد اعجاز علمی نیست. اما آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن بر خلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است. قسم اول یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد، همان جمله ای است که «می گوید: و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.» (۲) از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می شود چون پهلوانان در میداین بطرف جلو و بصورت دورانی می دونند. (۳)

اما حرکت های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است. و اعجاز علمی آن را ثابت می کند.

ص: ۳۱۵

---

۱- ((۱)) کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزموور نوزدهم / ۵.

۲- ((۲)) همان.

۳- ((۳)) هر چند ممکن است که ارباب کلیسا در قرون وسطی از این جمله حرکت کاذب روزانه خورشید را برداشت می کردند ولی این جمله به خودی خود حرکت انتقالی دورانی را نتیجه می دهد.



## فصل دهم: قرآن و زمین شناسی

اشاره

ص: ۳۱۷



**مقصود از اینکه کوه ها همچون میخ هستند، چیست؟**

\*پاسخ:

قرآن مجید در سوره های متعددی درباره ی آفرینش کوه ها سخن گفته و راز خلقت و اسرار وجود آن ها را با تعبیرات گوناگونی بیان کرده است. از بین رازها و حکمت های آفرینش کوه ها بیشتر روی استقرار و آرامشی که در پرتو کوه ها نصیب ساکنان زمین شده است تکیه کرده و وجود آنها را مانع از پدید آمدن حرکات ناموزن و اضطراب و نوسان معرفی می نماید و در سوره های گوناگون با عبارات متعدّد (۱) می فرماید:

(وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ)؛ «و در زمین کوه های استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند.»

و گاهی این حقیقت را به عبارت دیگر بیان می کند و می فرماید:

(وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا)؛ (۲) «کوه ها را میخ های زمین آفریدیم.»

بررسی واژه های آیات

واژه «جبال»، جمع «جبل» به معنای کوه است. (۳) و (۴)

واژه ی «اوتاد»: جمع «وتد» به معنای میخ است.

واژه ی «رواسی»، جمع «راسیه» به معنای ثابت و محکم است. (۵) تاکید بر کلمه ی «رواسی» به معنای ثابت و پابرجا، اشاره ی لطیفی است که کوه ها هم

ص: ۳۱۹

۱- ((۱)) نحل / ۱۵، انبیاء / ۳۱ و لقمان / ۱۰.

۲- ((۲)) نباء / ۷.

۳- ((۳)) از ثلاثی مجرد این ریشه ۸ اسم مفرد و ۳۳ جمع بر روی هم ۴۱ بار در ۳۳ سوره طی ۳۹ آیه در قرآن کریم آمده است. جمع آن «جبال» و «أجبال» و «أجبل» است. ر. ک: دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، دکتر محمدباقر محقق، ج ۵، ص ۲۷، که تنها «جبال» در قرآن به کار رفته است.

۴- ((۴)) ر. ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ماده ی «جبل».

۵- ((۵)) همان، ماده «رواسی»



خودشان ثابتند و هم مایه ثبات پوسته زمین و زندگی انسان ها می باشند. (۱) واژه ی «تمید» از «مید»، به معنای میل و اضطراب است. یعنی، در زمین کوه های ثابت و محکم افکند تا شما را میل ندهد و این سو و آن سو نیندازد و مضطرب نکند. (۲)

عوامل لرزش و اضطراب زمین

حال این سوال مطرح می شود که منشاء این اضطراب و نوسان و لرزش چیست؟ که وجود کوه ها از بروز آن جلوگیری می نماید:

۱. کره زمین دارای ۱۴ تا ۱۶ حرکت مختلف است (۳) که بعضی مربوط به داخل کره زمین و اکثراً نسبت به کرات دیگر انجام می شود. در اینجا به ذکر حرکات عمده آن می پردازیم:

الف. حرکت وضعی (دورانی)

زمین در هر ۲۴ ساعت یکبار از مغرب به مشرق دور محور خود می چرخد و شب و روز بوجود می آید، سرعت این حرکت دورانی در مدار استوا، در هر ساعت ۱۶۶۶ کیلومتر و در هر ثانیه ۴۶۱ متر است که هر چه به قطبین نزدیک شویم از مقدار آن کاسته می شود. (۴)

ب. حرکت انتقالی

زمین با حرکت انتقالی سریع خود، که سرعت آن ۱۷۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت است به دور خورشید می چرخد. (۵)

ص: ۳۲۰

---

۱- (۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۵۳.

۲- (۲) ر. ک: قاموس قرآن، همان.

۳- (۳) ر. ک: قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۲ و اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، ص ۱۰۶.

۴- (۴) ر. ک: مجله مکتب اسلام، شماره ی ۸، سال ۱۳، شماره ی مسلسل ۱۵۲، شهریور ماه ۱۳۵۱ مقاله ای با نام اثر کوه ها در آرامش زمین (چرخ لنگر در قرآن)، ص ۶۹.

۵- (۵) قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، ص ۱۶.

چون منظومه شمسی در هر ثانیه ۲۰ کیلومتر در فضا و به مقصد نامعلومی به دنباله ستاره ی «وگا Wega» حرکت می کند، کره زمین مجبور است سرعت حرکات وضعی و انتقالی خود را چنان ترتیب دهد تا از کاروان نامبرده عقب نماند و پیشروی نیز ننماید. سرعت این حرکت در روز اول تیر ماه، ثانیه ای ۲۸۹۰۰ کیلومتر، و در اول دی ماه ۳۰۰۰۰ کیلومتر است. (۱)

به طور مسلم این نوع حرکت سریع زمین و بالاخص حرکت وضعی آن، در تماس با هوای مجاور آن و در برخورد ملکول های هوا با سطح کره، آنچنان حرارتی تولید می کند که برای مشکل ساختن حیات بر روی زمین کافی است، این مشکل در صورتی پیش می آید که هوای مجاور زمین همراه خود زمین حرکت نکند و بر اثر برخورد زمین با ملکول های هوای ساکن، که همه جوانب آن را مانند پوسته ی پیاز فرا گرفته است حرارت شدیدی تولید شود. ولی اگر هوای مجاور زمین پا به پای خود زمین حرکت نماید و هر دو دست به دست هم و به یک سمت در حال حرکت باشند. قطعاً چنین خطری پدید نخواهد آمد. (۲)

از این رو وجود کوه ها و پستی و بلندی های زمین، در حرکت «هوای مجاور» همراه زمین، نقش موثری دارند؛ زیرا در پرتو فواصل رشته های کوه ها و پستی و بلندی های آن که قشر جامد زمین را به صورت سرزمین شخم زده در آورده است و هوای مجاوری که با زمین تماس دارد در میان کوه ها حبس می شود و پستی و بلندی های مختلف زمین که حتی در برخی

ص: ۳۲۱

---

۱- (۱) ر. ک: اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، ص ۱۰۸ و قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۲.

۲- (۲) قرآن و اسرار آفرینش، همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۲ و همچنین ر. ک: تفسیر نمونه ذیل نباء/ ۷ و مرسلات/ ۲۷.

از نقاط به ۸ کیلومتر می رسد هوای چسبیده به زمین را درخود نگاه داشته است و هنگام حرکت زمین هوای داخل فرورفتگی ها و چسبیده به آن، با آن حرکت می کند و هر دو در مسیر واحدی پا به پای یکدیگر به گردش خود ادامه می دهند و شاید آیه:

﴿وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾؛ (۱) «و در زمین کوه های استواری افکند تا شما را از حرکات ناموزون آن حفظ کند.»

اشاره به این راز بزرگ باشد که در سایه کوه ها به وجود می آید. (۲)

۲. ممکن است این حرکات ناموزون که کوه ها مانع از بروز آن است به خاطر جاذبه نیرومند ماه باشد که می تواند در پوسته زمین جزر و مدی مانند جزر و مد دریا بوجود آورد و همواره در حرکت و اضطراب باشد. ولی کوه ها مانع بروز این نوع حرکات ناموزون، است. زیرا کوه ها در حقیقت در حکم یک زره ی محکم فولادین را دارند که دور تا دور زمین را احاطه کرده و با توجه به ارتباط و پیوندی که از زیر به هم دارند یک شبکه نیرومند سرتاسری را تشکیل می دهند. اگر این زره محکم و این شبکه نیرومند، کره زمین را نمی پوشاند و پوسته روی زمین از یک قشر نرم و لطیفی مانند خاک و شن تشکیل می یافت به آسانی تحت تاثیر جاذبه نیرومند ماه واقع می شد و حرکات ناموزونی مانند جزر و مد دریاها در آن بوجود می آورد با این که قشر محکمی پوسته زمین را پوشانیده، باز حرکات خفیف جزر و مد در آن پیدا می شود و هر بار حدود ۳۰ سانتی متر پوسته ی زمین به تدریج بالا و پایین می رود. (۳)

ص: ۳۲۲

۱- ((۱)) نحل / ۱۵.

۲- ((۲)) قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۳.

۳- ((۳)) همان، ص ۲۴، به نقل از قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۸۵ و همچنین ر. ک: تفسیر نمونه، ذیل نباء / ۷، رعد / ۷، لقمان / ۱۰، ق / ۷ و مرسلات / ۲۷.

۳. عامل سوم این لرزش‌ها، مواد مذابی است که هسته مرکزی زمین را تشکیل می‌دهد و در دل زمین مملو از گازهای متراکمی است که با شدت هر چه تمام‌تر بر آن فشار می‌آورد و موجب زلزله‌های خطرناک یا ضررهای جبران‌ناپذیر می‌شود. به عقیده گروهی از دانشمندان زلزله نتیجه حرارت مواد مذاب و گازهای درونی زمین است که با شدت خارج می‌شوند.

در این صحنه متلاطم، یگانه عاملی که مانع متلاشی شدن قطعات زمین می‌گردد، همان کوه‌هاست. ریشه‌های کوه‌های سنگین که در اعماق زمین فرو رفته و قطعات زمین را در بر گرفته‌اند آن‌ها را به هم اتصال می‌دهد و بسان میخ‌ها که قطعات تخته را به هم متصل می‌سازند و از انفکاک و جدایی آن جلوگیری می‌کنند قطعات زمین را از تفرق و پاشیدگی باز می‌دارند. شاید آیه (وَ الْجِبَالُ أَوْتَادًا) ۱؛ «کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار دادیم»

اشاره به همین حقیقت باشد که بیان گردید. (۱)

امیرمومنان در ستایش و بیان عظمت کاخ آفرینش چنین می‌فرماید:

«و تد بالصخور میدان أرضه» (۲)؛ «و به وسیله کوه‌ها، اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«و عدل حرکاتها بالزاسیئات من جلامیدها»؛ (۳) «و حرکات زمین را با صخره‌های عظیم و قله‌های بلند نظم داد.»

علامه طباطبایی رحمه الله می‌نویسد: اینکه کوه‌ها را میخ خوانده، شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده کوه‌های روی زمین از عمل آتشفشان‌های

ص: ۳۲۳

---

۱- (۲) قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۵ و ۱۱۴ و ر. ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ذیل ماده «جبل».

۲- (۳) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱.

۳- (۴) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۹۱.

تحت الارض است که یک نقطه از زمین را می شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می کند و به اطراف آن نقطه می ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می آید تا به صورت میخی که روی زمین کوبیده باشند درآید و باعث سکون و آرامش فوران آتشفشان زیر زمین گردد و اضطراب و نوسان زمین از بین برود. (۱)

در مجمع البیان آمده است که خداوند متعال می توانست با چیزی غیر از کوه ها زمین را در مقابل زلزله حفظ کند، ولی کوه ها برای درک مردم مناسب ترند و توجه و دقت آنان را بهتر به خود جلب می کند. (۲)

در آیه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا)؛ (۳) «آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ قرآن زمین را به گهواره ای تشبیه نموده که قطعات آن بوسیله کوه ها - که بسان میخ اند - به هم پیوسته اند و سنگینی آنها باعث اعتدال حرکات آن گردیده است به طوری که در عین حرکت، آرام است؛ و در آیه بعدش [وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا] ۴ ضمن تشبیه کوه ها به میخ، به ریشه های آنها اشاره می نماید و این نیز یکی از معجزه علمی قرآن است.

زیرا تا یک قرن پیش دانشمندان کوه ها را توده های سنگ عظیمی می پنداشتند که مانند تپه های مصنوعی روی زمین ریخته شده اند و اخیراً پی برده اند که قسمت عمده ی هر کوهی، زیر سطح زمین قرار دارد (۴) چنانکه «ژرژ گاموف» استاد دانشگاه واشنگتن می نویسد:

«نظریه سطحی بودن کوه ها در زمین شناسی، یک قرن پیش از نظریه های

ص: ۳۲۴

۱- (۱) ر. ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه ی ۷ سوره ی نباء.

۲- (۲) مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۱۲، به نقل از زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، ص ۹۴.

۳- (۳) نباء / ۶.

۴- (۵) قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، ص ۱۸.

عمومی بوده و اخیراً به این موضوع پی برده اند که بخشی از هر کوه زیر سطح زمین قرار داد.»<sup>(۱)</sup> در حالی که قرآن چهارده قرن پیش، پرده از این راز بزرگ برداشته و کوه ها را میخ های زمین معرفی کرده است تا اجزایش در حال حرکت از هم متلاشی نشوند.<sup>(۲)</sup>

اما دلیل دیگر برای اینکه «کوه ها میخ های زمین اند» این است که آن را به صورت مهد (پرورشگاه) کامل درآورده اند فعل «جَعَلَ» (قراردادن) در آیه اشعار بر این دارد که زمین با میخکوب شدن به وسیله تکوین مستمر کوه ها، از اضطراب و زلزله ها و انفجارها به سکون و آرامش درآمده و قسمت های درونی (مواد مذاب) و قشرهای بیرونی و آب و هوا که پیوسته در هم می آمیخت و تغییر مکان می داد به همدیگر نزدیک و متصل شدند، و با فشرده شدن مواد رسوبی که پایه نخستین کوه ها می باشند هر قسمت و قطعه ای از طبقات آن در جای خود قرار گرفت و سطح زمین را از فشار انفجارهای درونی و زلزله های همیشگی بازداشتند و اگر فشار و به هم پیوستگی کوه ها نبود؛ که مانند ته میخ ها در درون زمین پرچ شده و از بعضی قسمت های زمین سر برآورده، زمین به صورت مهد آسایش و پرورش کنونی در نمی آمد.<sup>(۳)</sup> بعضی دیگر از فوائد کوه ها عبارتند از:

۱. سرچشمه نهرها:

قرآن مجید در برخی از آیات هنگام یادآوری آفرینش کوه ها، از وجود نهرها و چشمه های بزرگ که یکی از مظاهر بزرگ خلقت و نشانه وجود تدبیر در عالم آفرینش است، سخن می گوید. اما چرا قرآن این دو (کوه ها و نهرها) را در کنار هم ذکر می کند؟<sup>(۴)</sup> در پاسخ می توان گفت: ریشه این

ص: ۳۲۵

۱- (۱) همان، ص ۱۸، به نقل از سرگذشت زمین، تالیف ژرژ گاموف، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲- (۲) مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۳۶، به نقل از اسلام و هیات، علامه هبه الدین شهرستانی، ص ۲۰۸.

۳- (۳) به نقل از زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسینی، ص ۹۵ و ۹۴. (با تلخیص)

۴- (۴) (( وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا )) رعد/ ۳.

نهرهای عظیم، به علت وجود کوه ها است؛ زیرا هوا در ارتفاعات بسیار سرد و برف و باران بسان یخچال های طبیعی در آنجا ذخیره می گردد و در بسیاری از فصول سال بر اثر کاهش حرارت، از برف و یخ پوشیده است و در فصل گرما، برف و یخ ها به تدریج آب می شوند و به صورت چشمه سارها جاری می گردند و قسمت اعظم این مایه زندگی در سایه کوه ها تامین می گردد. (۱)

## ۲. تصفیه ی آب

کوه ها در تصفیه آب ها نقش بسزای دارند، یکی از آن ها را می توان «تصفیه شنی» نامید. «تصفیه شنی» عبارت است از عبور آب از لایه های شنی، زیرا لایه های شنی در قسمت پایین، از قله سنگ و در قسمت بالا از ماسه های نرم تشکیل می گردد. عبور آب از طبقات مختلف کوه ها سبب می شود که باکتری های آب گرفته شود و آب از مواد خارجی تصفیه گردد.

قرآن مجید به این دو راز بزرگ در ضمن آیه ی کوتاهی اشاره نموده و می فرماید: «و در آن [کوه های] استوار [و] بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم.» (۲) جمله «رَوَاسِي شَامِخَاتٍ» (کوه های بلند) ناظر به راز اول است که کوه ها بر اثر سردی منطقه از جهت ارتفاع، حکم مخزن آب را دارند و جمله ی «وَ أَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا»؛ «برای شما آب گوارا فراهم نمودیم» از آنجا که پس از بیان آفرینش کوه ها آمده است، می رساند که کوه ها در گوارا ساختن آب ها که همان تصفیه ی آن از مواد خارجی و باکتری ها، نقش موثری دارند. (۳)

ص: ۳۲۶

---

۱- (۱) قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۶ و ۱۱۵، به نقل از دائرة المعارف، فرید وجدی، ج ۳، ص ۳۴ و ۳۳.

۲- (۲) «وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِي شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا» مرسلات / ۲۷.

۳- (۳) قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص ۱۱۷ و ۱۱۶، به نقل از اعجاز قرآن از نظر علوم امروز، ص ۸۶.

۳. پناهگاه بودن کوه ها:

قرآن کریم می فرماید: «و از کوه ها برای شما پناهگاه هایی مقرر کرد.» (۱)

جمع بندی:

با جمع بندی مطالب ذکر شده، می توان فواید و اسرار وجود کوه ها را به شرح زیر برشمرد:

۱. کوه ها باعث حفظ کره زمین و جلوگیری از پراکندگی آن و موجب آرامش زمین می گردد.

۲. کوه ها عامل اصلی جلوگیری از سیل و طوفان است، و در برابر بادهای طوفان زا مقاومت شدید دارد و عامل جلوگیری از کویرها و بیابان های خشک و سوزان است.

۳. کوه ها از حرکات ویران کننده و لغزش زمین جلوگیری می کنند و سپر زمین در برابر حرکات سرسام آور می شود که همچون زرهی زمین را در بر گرفته اند و این سبب می شود که از لرزش های شدید زمین که بر اثر گازهای درونی اتفاق می افتد تا حد زیادی جلوگیری کنند.

۴. کوه ها حرکات پوسته زمین را در مقابل جزر و مد ناشی از ماه به حداقل می رسانند.

۵. کوه ها عامل اصلی ذخیره ی آبند که با ایجاد درّه به حکم قانون جاذبه، آب را در سراسیابی قرار می دهند و باعث می شوند که درختان و مزارع از آن سیراب شوند و رشد و نمو نمایند.

۶. پستی و بلندی با وجود کوه ها، عامل زندگی انسان و حیوان است.

۷. کوه ها عامل ایجاد نهرها و نهرها عامل پیدایش طبیعت سرسبز و میوه های رنگارنگ است و همه این ها تدبیری است متصل و متحد که از وجود مدبری حکیم حکایت می کند.

ص: ۳۲۷



۸. اگر فشار و به هم پیوستگی کوه ها نبود، زمین به صورت فعلی در نمی آمد و در نتیجه از وجود کوه ها بود که تمدن ها گسترش یافت.

۹. کوه ها فشار هوا و وزش بادها را به صورت ملایم در بر دارد.<sup>(۱)</sup>

۱۰. اگر کوه ها نبود در اثر حرکت های انتقالی و وضعی زمین بین هوای «ثابت» سطح زمین و زمین «متحرک» اصطکاک شدیدی پدید می آمد که حیات ناممکن می شد از این رو وجود کوه ها باعث شده است تا هوای ثابت سطح زمین پا به پای زمین حرکت کند و مانع اصطکاک شود.

نکته:

در قرآن، کوه ها به میخ تشبیه شده است و می دانیم که وقتی میخی را به جایی می کوبند قسمت عمده ی آن به داخل فرو می رود و قسمتی از آن بیرون می ماند پس می توان گفت: تمام فوائد و اسراری را که برای کوه ها بیان شد با این تشبیه چنین قابل توجیه است که قسمت بیرونی کوه ها، فواید بیرونی و قسمت درونی کوه ها، فواید درونی را در خود دارند.

نتیجه گیری:

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت: آیه «والجبال اوتادا»<sup>(۲)</sup> یکی از آیات علمی قرآن و نوعی «اعجاز علمی قرآن» است. با این بیان که قبلاً دانشمندان به این نظریه قائل بودند که کوه ها سطحی هستند، ولی الان به این نتیجه رسیده اند که قسمت عمده ی کوه ها زیر سطح زمین قرار دارد و قرآن با یک تشبیه زیبا این مطلب را چهارده قرن پیش بیان نموده است.<sup>(۳)</sup>

ص: ۳۲۸

---

۱- (۱) ر. ک: زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، ص ۹۸ و ۹۷.

۲- (۲) نباء/ ۷.

۳- (۳) البته از آیه مذکور در مورد حرکت زمین نیز استفاده شده است که در جای خود بحث و بررسی دارد و خارج از بحث ماست.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق، ۲۰ جلد.
۲. تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۳. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، قم، چاپ مهر، چاپ دوم، ۱۳۵۴.
۴. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۵. دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، دکتر محمدباقر محقق، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول، پائیز ۱۳۶۴.
۶. مجله ی مکتب اسلام، شماره ۸، سال ۱۳، شماره مسلسل ۱۵۲، شهریور ماه ۱۳۵۱.
۷. قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، موسسه انتشارات بعثت، چاپ سوم، ۱۳۵۰.
۸. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، تهران، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، ۱۳۵۸.
۹. نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، قم، انتشارات سبز، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، تهران، انتشارات امیری، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.
۱۱. مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، تهران، نشر سبحان، چاپ دوم، پاییز ۷۸.

### چگونگی اعجاز علمی «حرکت زمین» را با توجه به آیه ۸۸ سوره نمل توضیح دهید؟

\* پاسخ:

در مورد حرکت زمین به آیات متعددی استناد شده است که یکی از آن آیه ۸۸ سوره نمل می باشد. خداوند در این آیه می فرماید:

(و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُيِّعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ)؛ «و کوه ها را می بینی، درحالی که آنها را ثابت می پنداری، و حال آنکه آنها همچون حرکت ابرها در گذرند؛ [این] ساخته خدایی است که هر چیزی را محکم ساخت؛ در حقیقت او به آنچه انجام می دهد آگاه است.»

در مورد آیه فوق چند دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: بسیاری از مفسران (۱) معتقدند: آیه فوق اشاره به حوادث آستانه رستاخیز دارد؛ زیرا در پایان این جهان و آغاز جهان دیگر زلزله ها و انفجارها و دگرگونی های عظیم واقع می شود و کوه ها از هم متلاشی می گردند، این مطلب در برخی از سوره های آخر قرآن به طور صریح آمده است.

دلیل صاحبان این دیدگاه آن است که این آیه در میان آیات رستاخیز قرار گرفته است و از سیاق آیات پی می بریم که این آیه در مورد رستاخیز است. (۲)

دیدگاه دوم: بعضی از فلاسفه اسلامی آیه را ناظر به «حرکت جوهری» اشیاء دانسته اند و آن را هماهنگ و مؤید نظریه ی معروف «حرکت جوهری» می دانند. (۳)

ص: ۳۳۰

۱- (۱) ر. ک: تفسیر مجمع البیان، المیزان، گازر، منهج الصادقین، کشف الحقایق، ذیل آیه ی فوق.

۲- (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸-۵۶۷.

۳- (۳) ر. ک: همان، ص ۵۷۰.

علامه طباطبایی می نویسد: تمامی موجودات با جوهره ذاتشان به سوی غایت وجود خود در حرکتند و این همان معنای حشر و رجوع به سوی خدای سبحان است و این معنا به خاطر اشاره ای که در جمله «تَحْسَبُهَا جَامِدَةً؛ تو آنها را جامد می پنداری» وجود دارد مناسب ترین معناست. (۱) و نیز در تفسیر «احسن الحدیث» آمده است ممکن است منظور آیه حرکت جوهری باشد چنانکه صدر المتألهین شیرازی گفته است. (۲)

دیدگاه سوم: بعضی از مفسرین و دانشمندان این آیه را در مورد حرکت زمین می دانند و برخی از آنها این آیه را از جمله «معجزات علمی (۳) قرآن» می شمارند که به نقل کلام آنها می پردازیم:

۱. تفسیر مخزن العرفان: صاحب تفسیر مذکور می نویسد: بنابر دستاوردهای علمی جدید که، زمین دائم به دور خورشید می چرخد؛ معنای آیه خوب واضح می گردد زیرا آیه مقید به قیامت نشده است و به حرکت زمین اشاره دارد؛ زیرا چون کوه ها از اجزای زمین هستند و با زمین حرکت می کنند و چون زمین جسم سنگینی است و به یک سمت حرکت می کند حرکت آن نامحسوس است. در ادامه، این آیه را یکی از معجزات قرآن بر می شمارد و دلیل خود را این چنین بیان می کند: در وقت نزول قرآن اهل هیئت، اتفاق نظر داشتند که خورشید هر شبانه روز یک بار دور زمین می چرخد. و این آیه خبر می دهد که کوه ها که از اجزای زمینند، حرکت می کنند. (۴)

سپس دو جواب از دیدگاه اول می دهد:

ص: ۳۳۱

- 
- ۱- ((۱)) ر. ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل؛ صدر المتألهین شیرازی و تفسیر احسن الحدیث یکی از اقوال در آیه فوق را حرکت جوهری ذکر می کنند.
  - ۲- ((۲)) ر. ک: تفسیر احسن الحدیث، ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل.
  - ۳- ((۳)) صاحب تفسیر نمونه، تفسیر مخزن العرفان و تفسیر اطیب البیان این آیه را از معجزات علمی قرآن بر می شمارند.
  - ۴- ((۴)) ر. ک: تفسیر مخزن العرفان، ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل.

الف. در قیامت دیگر کوهی باقی نمانده است. که به صور (= شیپور) اسرافیل قبل از قیام ساعت موقعی که زمین به حرکت در می آید آن کوه ها حرکت کند چنانکه خداوند در سوره واقعه می فرماید: (إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا) ؛ «در آن وقت کوه ها پراکنده گردیده اند و اثری از آن ها باقی نمانده است.»(۱)

ب. ادامه آیه (صُيِّعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ) ؛ حرکت زمین را تایید می کند. زیرا «اتقان» به معنای استحکام و محکم کاری است نه تخریب، اعدام و بنابر اینکه آیه در مورد قیامت باشد، با اتقان و محکم کاری سازگار نیست زیرا بنابر توجیه مفسرین در قیامت کوه ها پراکنده و خراب می شوند تا اینکه با زمین یکی گردند و صحنه محشر صاف گردد.(۲)

۲. تفسیر المیزان: علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر المیزان دیدگاه اول را بیان می کند و سپس در ادامه می نگارد: دو قول دیگر هم در آیه وجود دارد یکی اینکه آیه را بر حرکت جوهری حمل کرده اند (که در دیدگاه دوم مطرح شد) و دیگر اینکه آیه را بر حرکت انتقالی زمین حمل کرده اند و این معنا از نظر آیه - فی نفسها - معنای خوبی است ولی دو اشکال متوجه آن است:

الف. بنابراین معنا، آیه شریفه از ما قبل و ما بعدش که مربوط به قیامت است، بریده و بی ارتباط می شود.

ب. با این بریدگی ارتباط جمله «إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» به ما قبلش نیز به هم می خورد.(۳) ولی با این حال علامه طباطبایی در مقدمه کتاب اعجاز قرآن، از آیه ۸۸ سوره نمل حرکت انتقالی زمین را استفاده می کنند.(۴)

ص: ۳۳۲

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) ر. ک: تفسیر المیزان ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل.

۴- (۴) ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، چ ۴، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳. تفسیر نمونه: صاحب تفسیر نمونه می نویسد: قرائن فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تایید می کند و آن اینکه آیه از قبیل آیات توحید و نشانه های عظمت خداوند در همین دنیا است و به حرکت زمین که برای ما محسوس نیست، اشاره می کند. (۱)

مسئلاً حرکت کوه ها بدون حرکت زمین که به آن ها متصل است معنا ندارد. و بدین ترتیب معنای آیه چنین می شود: «زمین با سرعت حرکت می کند همچون حرکت ابرها» طبق محاسبات دانشمندان امروز، سرعت سیر حرکت زمین به دور خود، نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است، و سیر آن در حرکت انتقالی به دور خورشید، از این هم بیشتر است. از این رو آیه فوق از «معجزات علمی قرآن» است زیرا حرکت زمین توسط «گالیه» ایتالیایی و «کپرنیک» لهستانی در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی کشف شد در حالی که قرآن بیش از هزار سال قبل از آن سخن گفته است. (۲)

ایشان در ردّ دیدگاه اول می نویسند: تشبیه به ابر و حرکت آرام که در ادامه آیه هست، متناسب با برقراری نظم جهان و آرامش فعلی آن است و نه حوادث قیامت؛ و از طرفی تعبیر «گمان می کنی کوه ها جامدند» با حوادث قیامت که آشکار است، ناسازگار است. (۳)

ایشان در ردّ دیدگاه دوم (حرکت جوهری) می نویسند: تعبیرات آیه با آن سازگار نیست، زیرا تشبیه به حرکت ابرها تناسب با حرکت در مکان (حرکت در این) دارد نه حرکت در جوهر، بنابراین ظاهر آیه فقط یک تفسیر را می پذیرد و آن هم حرکت میکانیکی زمین (به دور خود یا به دور خورشید) است. (۴)

ص: ۳۳۳

- 
- ۱- ((۱)) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸.
  - ۲- ((۲)) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۹-۵۷۰.
  - ۳- ((۳)) ر. ک: همان، ج ۱۵، ص ۵۶۸ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۷۳ و پیام قرآن، استاد مکارم، ج ۸، ص ۱۵۲ و ۱۵۱.
  - ۴- ((۴)) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۷۰.

۴. تفسیر اطیب البیان: این آیه شریفه یکی از معجزات قرآن است که دلیل بر حرکت کره زمین است که در عصر نزول قرآن کسی به حرکت زمین قائل نبود. (۱)

۵. تفسیر احسن الحدیث: تعبیر «تحسبها جامده» حاکی از آن است که کوه ها فعلاً نیز بی حرکت نیستند، ما آن ها را بی حرکت می بینیم. ایشان سه احتمال دیگر را نیز مطرح کردند، مانند:

الف. منظور از آن ممکن است حرکت جوهری باشد چنانکه صدر المتألهین شیرازی گفته است.

ب. شاید حرکت وضعی، زمین باشد که کوه ها نیز با آن حرکت می کنند.

ج. احتمال دیگر آن است که پوسته زمین بر روی هسته مرکزی آن حرکت می کند، چنانکه برخی دانشمندان گفته اند. (۲)

۶. قاموس قرآن: ممکن است مراد از آیه، حرکت وضعی و انتقالی زمین باشد که در هر دو حرکت کوه ها نیز بالتبع روانند و اگر اشکال شود که کوه ها با حرکت زمین، بسیار سریع حرکت می کنند - در حرکت انتقالی سرعت آن بیش از ۲۹ کیلومتر در ثانیه است - در این صورت چطور به حرکت ابرها تشبیه شده که حرکت ابرها نسبت به آن کند است؟! در پاسخ می گوئیم: شاید (وجه شبه) تشبیه در نامحسوس بودن حرکت است نه در سرعت آن؛ زیرا حرکت ابرها اغلب نامحسوس است، ولی می دانیم که حرکت می کنند. در همین کتاب (قاموس قرآن) از چند جهت به دیدگاه اول خدشه وارد کرده است. (۳)

ص: ۳۳۴

---

۱- (۱) تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل.

۲- (۲) ر. ک: تفسیر احسن الحدیث، ذیل آیه ی ۸۸ سوره ی نمل.

۳- (۳) ر. ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۱-۲ (دو جلد در یک مجلد)، ج ۲، ذیل ماده ی «جبل».

۷. سید هبه الدین شهرستانی: ایشان حرکت زمین را از آیه استفاده می کند و تذکر می دهد که: «مرحوم علی قلی اعتضاد السلطنه» پسر «فتحعلی شاه» از این آیه، حرکت زمین را استنباط نموده و کسی در این استخراج، بر او پیشی نگرفته است. ایشان در مورد تشبیه حرکت زمین به ابر، چند نکته را بر می شمارد:

الف. نرمی و همواری در عین سرعت.

ب. اختلاف حرکت ابرها که گاهی به طرف شرق و غرب و... مثل زمین که حرکت های مختلف دارد.

ج. بدون لرزش بودن هر دو حرکت. (۱) - (۲)

بررسی:

دیدگاه اول براساس تفسیر ترتیبی است که در تفسیر ترتیبی با توجه به حفظ جایگاه آیه و همچنین با استفاده از سیاق آیه، مفسر به تفسیر آیه می پردازد و نظر نهایی را بیان می دارد هرچند مطالبی در رد این دیدگاه آمد.

دیدگاه دوم یک دیدگاه فلسفی است و استاد مکارم شیرازی نیز آن را رد نمودند.

در دیدگاه سوم همه به حرکت زمین قائل بودند؛ بعضی حرکت انتقالی و بعضی حرکت وضعی و برخی دیگر به حرکت پوسته زمین و برخی هم به حرکت کلی زمین.

ص: ۳۳۵

---

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۳ به نقل از اسلام و هیئت سید هبه الدین شهرستانی، ص ۵۷-۵۹.

۲- (۲) برخی از نویسندگان معاصر نیز از آیه ی فوق حرکت زمین را استفاده کرده اند و می گویند: معلوم است که سرعت ابر اشاره به سرعت زیاد زمین است همانگونه که می گوئیم: فلانی مثل باد حرکت می کند. (همان، ص ۱۷۴ به نقل از کتاب رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص ۳۴ و ۳۳) آیت الله حسین نوری نیز همین آیه (نمل / ۸۸) را اشاره به حرکت کوه ها و زمین می داند. (همان، به نقل از دانش عصر فضا، ص ۳۵) همانگونه که مهندس علی سادات همین معنا را پذیرفته است. (همان، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۴)



به نظر می رسد استفاده حرکت انتقالی زمین از آیه مورد بحث، مناسب دارد، زیرا کوه ها را به ابر تشبیه کرده است و ابر حرکت انتقالی به دور زمین دارد ولی حرکت دورانی (وضعی) به دور خود ندارد؛ پس از این تشبیه قرآنی حرکت وضعی زمین استفاده نمی شود. (۱)

نتیجه گیری:

۱. با توجه به مطالب گذشته می توان نتیجه گرفت که اجمالاً حرکت زمین مورد پذیرش قرآن می باشد. (۲)

۲. تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین، بر خلاف نظر هیئت بطلموسی می باشد که حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن بوده است؛ زیرا در هیئت بطلموسی، زمین را ساکن و مرکز جهان می دانستند؛ اما قرآن از حرکت آن سخن گفته است و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود ۹ قرن بعد از نزول آنها توسط امثال «کپرنیک» به اثبات رسید. (۳)

۳. خبر دادن قرآن از حرکت زمین علاوه بر عظمت قرآن یکی از «شگفتی های علمی قرآن» محسوب می شود ولی اعجاز علمی قرآن نیست؛ زیرا افرادی مثل فیثاغورس، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس، ساموسی، کلیانتوس و آسوسی قبل از بطلموس به حرکت زمین قائل بودند. پس قبل از ظهور اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور، همان سکون زمین یعنی نظریه بطلموس بود، و دیدگاه مغلوب، همان حرکت زمین بود. (۴)

ص: ۳۳۶

---

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- (۲) همان، ص ۱۸۵.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان.

اعجاز علمی وقتی صادق است که قرآن نظریه ای را ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد. در حالی که نظریه حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود، ولی مشهور نبود، هرچند که این مطلب، ضروری به عظمت قرآن نمی زند زیرا قرآن در عصری که دانشمندان، مقهور نظریه ی سکون زمین بطليموس بودند شجاعانه و با صراحت، بر خلاف آن، سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید. (۱)

برای مطالعه بیشتر می توانید به کتاب های زیر مراجعه کنید:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق.
۲. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش.
۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۴. مخزن العرفان در علوم قرآن (مخزن العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی الطوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۶. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابو المحاسن الحسین بن الحسن الجرجانی، تهران چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش.
۷. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۴.

ص: ۳۳۷

۸. كشف الحقايق عن نكات الايات و الدقائق (كشف الحقايق)، محمد كريم العلوی الحسينی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید صادق نوبری، چاپ سوم، ۱۳۹۶ ق.

۹. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴ ش.

۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

۱۱. پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ هـ - ش.

ص: ۳۳۸





## اعجاز عددی قرآن چیست؟ تاریخچه و منابع آن را بیان کنید.

\* پاسخ:

تاریخچه:

برخی از صاحب نظران در چند دهه اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده اند که همان اعجاز عددی قرآن است و بر این باورند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است. هرچند در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، رد پای این فکر دیده می شود. (۱) اولین بار شخصی که به طور صریح این ادعا را مطرح کرد، دانشمندی به نام «دکتر رشاد خلیفه» بود. (۲) در اینجا به طور «اجمال» و «تفصیل» به سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن می پردازیم:

الف. سیر اجمالی نگارش ها در زمینه اعجاز عددی:

ص: ۳۴۱

۱- ((۱)) الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۲، ص ۳۱۳. یکی از موارد اعجاز قرآن این است که ما نمی توانیم حروف مقطعه سوره ها را با هم عوض کنیم، چون حروف مقطعه ی هر سوره، مخصوص همان سوره است. زیرا حروف مقطعه ی اول هر سوره، دلالت می کند بر اینکه آن سوره بیشتر حروفش از این حروف مقطعه تشکیل شده است. پس نمی توانیم مثلاً حرف (ق) را به جای حرف (ن) قرار بدهیم.

۲- ((۲)) دکتر رشاد خلیفه در مصر متولد شد. تحصیلات خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی (عین الشمس) قاهره گذراند و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (۱۹۵۹-۱۹۶۱ م) آمریکا گذراند، سپس دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۶۲-۱۹۶۴ م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد.

ب. تفصیل سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن:

۱. اعجاز حروف مقطعه قرآن:

چندی قبل مجله معروف مصری (۱) به نام (آخرالساعه) گزارشی درباره تحقیقات دانشمندی مصری در مورد تفسیر پاره ای از آیات قرآن مجید به کمک کامپیوتر منتشر ساخت که اعجاب همگان را در نقاط مختلف جهان برانگیخت. این تحقیقات محصول سه سال کوشش پیگیر و کار مداوم دکتر رشاد خلیفه (۱۹۶۲ م) شیمیدان مصری بود.

۲. اعجاز عددی ۱۹:

عبدالرزاق نوفل (۱۹۷۵ م) تحقیقات دکتر رشاد خلیفه را ادامه داد، ایشان به نتیجه ی جالب دیگری رسید - با عنوان اعجاز عدد ۱۹ - ایشان می گویند: چون (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) دارای ۱۹ حرف است پس نظام ریاضی خاصی براساس عدد ۱۹ بر قرآن حاکم است.

برای مثال چند نمونه ذکر می کنیم:

الف. تعداد (ق) هایی که در سوره (ق) وجود دارد؛ ۵۷ مورد است که یکی از مضرب های عدد ۱۹ می باشد. ( $۳ = ۵۷ * ۱۹$ )

ب. عدد کلمات اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شده، ۱۹ کلمه است. (۲)

۳. تناسب تکرار واژه ها در قرآن:

عبدالرزاق نوفل بعداً تناسب عددی تکرار واژه ها را در قرآن مطرح نمود ایشان معتقد است که کلماتی که مترادف یا متضاد هستند به تعداد مساوی در قرآن تکرار شده است. مانند:

کلمه «دنیا» و «آخرت» هر کدام ۱۱۵ بار. واژه یوم ۳۶۵ بار. کلمه

ص: ۳۴۲

---

۱- (۱) این تحقیقات در سال ۱۳۵۱ در روزنامه های دنیا درج شده است.

۲- (۲) «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۵-

شیطان و ملائکه هر کدام ۶۸ بار. جهنم ۷۷ و جنات با مشتقات ۷۷ بار.

۴. اعجاز زوج و فرد:

اعجاز زوج و فرد در قرآن کریم توسط «کورس جم نشان» (۱۳۷۵ هـ -) مطرح شده است. ایشان با توجه به آیه سوم سوره فجر (۱) که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده می گوید: شاید یک نظام عددی برمبنای زوج و فرد در قرآن کریم وجود داشته باشد.

در نهایت ایشان به این نتیجه رسیده است که جمع اعداد زوج، مساوی با جمع تعداد آیات قرآن، یعنی ۶۲۳۶ می باشد و جمع اعداد فرد، مساوی ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره سوره ها می باشد. بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را ثابت می کند. (۲)

۵. اعجاز عدد هفت:

اعجاز «عدد هفت» توسط مهندس عبدالدائم الکحیل (۲۰۰۲ م) مطرح شده است. ایشان با استفاده از آیه ۱۲ سوره طلاق که خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»؛ نتیجه می گیرد که باید بین عدد هفت و تعالیم قرآن ارتباطی باشد، برای مثال می گوید:

$$۶۶۴۳ \div ۹۴۶ = ۷$$

$$۶۶۵ \div ۹۵ = ۷$$

ص: ۳۴۳

---

۱- (۱) «وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ»

۲- (۲) مجله بینات/ بهار ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۹۹.



ایشان معتقد است که اگر تعداد حروف کلمات هر آیه را کنار هم بگذاریم، یکی از مضرب های عدد هفت می باشد.

## یادآوری

برخی از مطالب اعجاز عددی صحیح و قابل قبول است اما برخی دیگر سلیقه ای و مطابق با واقع نیست. به عنوان نمونه:

الف. در مورد حروف مقطعه (ن) در اول سوره (ن و القلم) گفته شده است که تعداد تکرار آن ۱۳۳ مرتبه است. که براساس این شمارش یکی از مضرب های عدد ۱۹ می باشد (۱۳۳ \* ۷ = ۱۹) در حالی که در شمارش دقیق به این نتیجه می رسیم که حرف «ن» در این سوره ۱۳۱ مرتبه است.

ب. در مورد تناسب تعداد تکرار کلمات قرآن، معیار دقیقی وجود ندارد چون بعضی کلمات با مشتقات آن حساب شده و بعضی بدون مشتقات، مانند: جهنم و جنات.

ج. در مورد اعجاز عدد هفت در شمارش حروف کلمات مخصوصاً شمارش حرف همزه اشکالاتی وجود دارد؛ چون در بعضی موارد همزه به حساب آمده و در بعضی موارد حساب نشده است. این اختلاف ها به خاطر این است که معیار و قانونی برای شمارش وجود ندارد.

نتیجه: با توجه به آنچه بیان شد اعجاز عددی قرآن در موارد ادعا شده نیاز به بررسی بیشتر دارد؛ از این رو باید گفت: اعجاز عددی قرآن اجمالاً و در برخی از موارد ادعا شده پذیرفته شده است.

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۲، آیه اول سوره آل عمران.
۲. قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد) استاد جعفر سبحانی، ۱۳۶۲، چاپ امیرالمومنین، انتشارات توحید، قم، ص ۱۵-۴۶.
۳. تناسب آیات، آیت الله محمدهادی معرفت، ترجمه شیخ عزت الله مولایی نیا همدانی، ۱۳۷۳، چاپ دانش، ناشر بنیاد معارف اسلامی، ص ۱۵۱-۱۶۲.
۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۰، ناشر کتاب مبین، ص ۲۱۹-۲۳۲.
۵. سلسله الاعجاز الرقمی، معجزه القرآن فی عصر المعلوماتیه، مهندس عبدالدائم الکحیل، چاپ اول، ۲۰۰۲ م، انتشارات علمیه، دمشق.
۶. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، ۱۳۷۱ چاپ اول، انتشارات مسعود احمدی.
۷. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسام نهاد جزّار، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴، ناشر دارالفنّائس.
۸. عجائب العدد و المعدود فی القرآن الکریم، جمیل دیباچه، چاپ اول ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ناشر مجه البيضاء، بیروت.
۹. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابوزهره النجدی، تاریخ ۱۴۱۰ هـ -، ۱۹۹۰ م.
۱۰. المنظومات العددیه فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابوسیف، مهندس احمد عبدالوهاب، ۱۴۱۸ هـ -، ۱۹۹۸ م، ناشر مکتبه وهبه.

## رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست؟

\* پاسخ:

برخی از صاحب نظران در چند دهه اخیر، ادعا کردند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است، یکی از آن ها «دکتر رشاد خلیفه» شیمیدان مصری بود. او برای تحقیقات خود مدّت ها از رایانه استفاده نمود.

تمام کوشش استاد مزبور برای کشف معانی حروف مقطعه قرآن، مانند (الم، یس، ق و...) صورت گرفته است او با کمک محاسبات پیچیده ای ثابت کرد که رابطه نزدیکی میان حروف مزبور با حروف سوره ای که در آغاز آن قرار گرفته است، وجود دارد.

دکتر رشاد خلیفه می نویسد: می دانیم قرآن مجید ۱۱۴ سوره دارد، که از میان مجموع این سوره ها، ۲۹ سوره در آغاز آنها حروف مقطعه قرار دارد. جالب اینجا است که اگر مکررات آن را حذف کنیم درست نصف حروف ۲۸ گانه الفبای عربی را تشکیل می دهد. (یعنی ا، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، ه - و ی) که گاهی آن را حروف نورانی می نامند.

اینک توجه شما را به نتایج جالبی که دکتر رشاد خلیفه رسیده است جلب می کنیم:

۱. حروف مقطعه یک حرفی: نسبت حرف (ق) در سوره (ق) از تمامی سوره های قرآن بدون استثناء بیشتر است و نیز محاسبات نشان داد که حرف (صلی الله علیه و آله) در سوره (صلی الله علیه و آله) چنین است، یعنی مقدار آن به تناسب مجموع حروف از هر سوره دیگر بیشتر است و نیز حرف (ن) در سوره (ن وَالْقَلَمِ). (۱)

ص: ۳۴۶

---

۱- (۱)) تنها استثنایی که در این زمینه وجود دارد سوره ی حجر است که تعداد نسبی حرف (ن) در آن بیشتر است. ولی چون سوره ی حجر دارای (الر) است و بعداً می گوئیم که سوره هایی که دارای حروف

۲. حروف مقطعه چند حرفی: اگر چهار حرف (المص) را در آغاز سوره‌ی اعراف در نظر بگیریم، اگر الف‌ها و لام‌ها و میم‌ها و صادهایی که در این سوره وجود دارد را با هم جمع کنیم و نسبت آن را با حروف این سوره بسنجیم خواهیم دید که از تعداد مجموع آن در هر سوره دیگر بیشتر است. همچنین (المر) در آغاز سوره رعد و (کهیصص) در آغاز سوره مریم.

۳. تاکنون بحث درباره حروفی بود که تنها در آغاز یک سوره قرآن قرار داشت. اما حروفی که در آغاز چند سوره قرار دارد، مانند: (الر - الم)، شکل دیگری دارد و آن اینکه بر طبق محاسبات کامپیوتر مجموع این سه حرف مثلاً (الف - لام - میم) اگر در مجموع سوره‌هایی که با الم آغاز شده است حساب شود و نسبت آن با مجموع حروف این سوره‌ها به دست آید، از میزان هر یک از سوره‌های دیگر قرآن بیشتر است. (۱)

۴. محاسبات کامپیوتری نشان داد که حاصل جمع حروف مقطعه در هر سوره، یکی از مضرب‌های عدد ۱۹ می باشد برای روشن شدن مطلب به جدول زیر توجه فرمایید. (۲)

این جدول تمام حروف مقطعه اوائل سوره‌های قرآن را نشان می دهد.

ص: ۳۴۷

---

۱- (۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۳-۴۱۹.

۲- (۲) ر. ک: اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات، محمود احمدی.











نتیجه گیری:

تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده و به نتایج قابل توجهی رسیده اند، هر چند برخی محاسبات آنها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است.

در مقابل، گروه دیگری از نویسندگان و صاحب نظران قرآنی، این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا می دانند.

از سخنان هر دو طرف استفاده می شود که نظم ریاضی قرآن، به صورت موجه جزئی (یعنی در برخی از موارد ادعا شده) مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است و این مطلب از شگفتی های علمی قرآن به شمار می آید. اما به صورت موجه کلیه (یعنی در همه ی موارد ادعا شده) مورد قبول نیست. (۱)

اعجاز عددی و اشکالات آن:

کسانی که اعجاز عددی را قبول ندارند، به مطالب زیر استناد کرده اند:

۱. قرآن از طریق قرآن شناخته می شود و در این طریق سخنی از اعجاز عددی نیست.

قسمتی از آیات قرآن که ماهیت قرآن را معرفی می کند عبارتند از:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) ۲؛ «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است».

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ) ۳؛ «ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل] است».

ص: ۳۵۲

---

۱- (۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۲۳۱.

(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ) ۱؛ «در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می کند».

چنانکه ملاحظه می کنید قرآن خود را نور، حکمت، علم، ذکر، هدایت و موعظه... معرفی می کند و همه این عناوین در پرتو توجه به محتوای قرآن و پیروی از رهنمودهای آن میسر می شود نه از طریق دقت در ساختار لفظی، کشف تناسب و توازن حروف و کلمات این کتاب آسمانی. بنابراین در هیچ جای قرآن حتی به طور تلویحی نیز به اینگونه کاوش ها دعوت نشده ایم.

یکی از داستان های عبرت انگیز قرآن داستان «اصحاب کهف» است. قرآن بعد از ذکر داستان آنها، اظهار تاسف می کند که چرا مردم به جای اینکه به پیام این قصه توجه کنند و راه اصحاب کهف را بپیمایند خود را مشغول مطالب حاشیه ای و فرعی قصه نموده اند و بر سر تعداد اصحاب کهف با هم جدال می کنند. (۱)

۲. آیا حدیثی از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که قرآن را کتابی اسرارآمیز، معماگونه و حاوی فرمول های ریاضی و از مقوله ی رمل و جفر معرفی کرده باشد. پاسخ منفی است. هرگز در بیانات امامان معصوم و سیره عملی آنها مشاهده نشده است که قرآن را از این منظر بنگرند و مطالبی هر چند تلویحی در مورد تعداد حروف، کلمات قرآن و روابط ریاضی بین آنها، بیان نموده باشند. در احادیث نیز قرآن را علم، حکمت و نور خوانده شده است.

۳. «رشاد خلیفه» در مورد حروف مقطعه به این نتیجه می رسد که همواره معدل تکرار حروف مقطعه در سوره ای خاص، از معدل تکرار حروف دیگر بیشتر است. چنانکه در سوره (ق) حرف (ق) معدلی بالاتر از سایر حروف در این سوره و سایر سوره های دیگر قرآن دارد و یا حرف (ن) در سوره (ن وَالْقَلَمِ) بزرگ ترین رقم نسبی را دارد.

ص: ۳۵۳

اگر آمارها با موارد نقض روبرو نمی شد ما هم با ایشان و سایر پیروان «تئوری نظم ریاضی قرآن» هم عقیده می شدیم اما در اینجا با استثنای فراوانی روبرو می شویم. برای مثال:

۱. تعداد تکرار حروف (ق) در سوره های «الشمس» و «القیامه» و «الفلق»، در حدی است که معدل تکرار آن از معدل تکرار (ق) (در سوره «ق») بیشتر می باشد.

۲. در سوره «طه» که دو حرف (ط - ه) وجود دارد با پنج استثناء روبرو می شویم: ۱. حج ۲. نور ۳. فتح ۴. مجادله ۵. توبه

۳. در مورد سوره «یس»، نتیجه برعکس است. یعنی یاء و سین کمترین تکرار را به خود اختصاص داده اند.

۴. در مورد حرف (ن) در سوره (ن والقلم) می بینیم تکرار آن در سوره «حجر» بیشتر از تکرار آن در سوره (ن والقلم) است. (۱)

در مورد مضرب های عدد ۱۹ اشکالات فراوانی وجود دارد که ما به چند مورد اشاره می کنیم:

۵. حرف مقطعه (ن) در اول سوره (ن و القلم) ۱۳۱ مورد است که در این صورت از مضرب های عدد ۱۹ نمی باشد، در حالی که قائلین به اعجاز عدد ۱۹ می گویند: ۱۳۳ مورد است. (۱۹ \* ۷)

۶. در سوره طه مجموع ط - ه ۲۳۹ مورد است، نه ۳۴۲ و ۲۳۹، یکی از مضرب های عدد ۱۹ نمی باشد.

۷. در شمارش حرف (ل) در چهار مورد اشتباه صورت گرفته است:

الف: آیه ۲۱ سوره «روم» که در این آیه ۷ مورد لام شمارش شده در حالی که ۸ مورد می باشد.

ص: ۳۵۴

ب: آیه ۵۸ سوره «یونس» که در این آیه ۵ مورد لام شمارش شده در حالی که ۶ مورد است.

ج: آیه ۷۰ سوره «هود» که در این آیه ۸ مورد لام شمارش شده در حالی که ۹ مورد است.

د: آیه ۴۱ سوره «ابراهیم» که در این آیه ۵ مورد لام شمارش شده در حالی که ۶ مورد است.

بنابراین مجموع (ا + ل + م) در سوره ی روم یکی از مضرب های عدد ۱۹ نمی باشد و همچنین مجموع (ا + ل + ر) در سوره های هود، یونس و ابراهیم [\(۱\)](#).

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۴۱۳-۴۱۶.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۰، ناشر کتاب مبین.

۳. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، چاپ اول، ۱۳۷۱، انتشارات مسعود احمدی.

ص: ۳۵۵

---

۱- ((۱)) اعجاز رقم ۱۹، بسام نماد جرّار، ص ۲۷.

## چرا در قرآن کریم زن و مرد هر کدام ۲۴ بار آمده است؟ دلیل علمی یا معنوی دارد؟ توضیح دهید؟

\* پاسخ:

این پرسش در مورد اعجاز تناسب عددی تکرار واژه ها است که اولین بار توسط شخصی به نام «عبدالرزاق نوفل» مطرح شد، و بعدها توسط دانشمندان مسلمان دیگر دنبال شد و به نتایج قابل توجه ای رسیدند.

قائلین به «اعجاز تناسب عددی واژه ها» می گویند:

تناسب و تساوی و هماهنگی در اعداد و ارقام کلمات و موضوعات شبیه و مغایر با هم، در قرآن امری بسیار شگفت انگیز است. هیچ بشری بر آوردن کتابی که از نظر «معنا و محتوا»، آن قدر متعالی باشد و در «کلمات و الفاظ» آن نیز رعایت تناسب شده باشد، قادر نیست.

این تناسب شگفت انگیز در شرایطی فراهم شده که قرآن در طول ۲۳ سال در شرایط گوناگون نازل شده و هر بخشی از کلمات آن در حادثه خاصی بوده است و بعد از نزول نیز از اصلاح و تنظیم بعدی برخوردار نبوده است. این تساوی و توازن عددی، بدین صورت به وجود نیامده باشد که این کلمات متقابل، در همه جای قرآن در کنار هم ذکر شده و در نتیجه چنین تقابلی حاصل شده باشد. زیرا چنین تقابل و توازنی یک توازن خود به خودی (و فاقد ارزش قابل ذکر) خواهد بود. به عنوان مثال: کلمه «حِیًا» مقابل «میتاً» است، در هیچ آیه ای از آیات قرآن به همراه آن ذکر نشده و بلکه در هیچ سوره ای نیز، این دو کلمه با هم جمع نشده اند. با این حال توازن عددی میان دفعات تکرار کلمه در سرتاسر قرآن برقرار است.

برای مثال به نمونه هایی اشاره می کنیم: (۱)

۱. لفظ «دنیا» و مشتقاتش برابر است با لفظ «آخرت» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱۵ بار تکرار شده است (۲).
۲. لفظ «حیات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «موت» و مشتقاتش که هر کدام ۱۴۵ بار تکرار شده است (۳).
۳. لفظ «صالحات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سیئات» و مشتقاتش که هر کدام ۱۶۷ بار تکرار شده است (۴).
۴. لفظ «ملائکه» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شیاطین» و مشتقاتش که هر کدام ۸۸ بار تکرار شده است (۵).
۵. لفظ «هدی» و مشتقاتش برابر است با لفظ «رحمه» و مشتقاتش که هر کدام ۷۹ بار تکرار شده است.
۶. لفظ «عقل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نور» و مشتقاتش که هر کدام ۴۹ بار تکرار شده است (۶).
۷. لفظ «مصیبه» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شکر» و مشتقاتش که هر کدام ۷۵ بار تکرار شده است.
۸. لفظ «ابلیس» و مشتقاتش برابر است با لفظ «استعاذه» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱ بار تکرار شده است.

ص: ۳۵۷

- 
- ۱- (۱) ر. ک به الاعجاز العددي للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل، ج ۱، ۲ و ۳ و معجزه الارقام والترقیم فی القرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل ص ۵۰ تا ۵۴ و الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، محمد السید ارنا ووط ص ۱۳۵ تا ۱۴۰ و اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام. حجه الاسلام دکتر سید رضا مؤدب ص.
  - ۲- (۲) الرساله الشافیة فی الاعجاز، امام البلاغین عبدالقاهر جرجانی، ص ۱۴ تا ۱۷، موسوعه الاعداد فی القرآن الکریم، مهدی سعید رزق کریم، ص ۳۷ و ۳۸.
  - ۳- (۳) همان.
  - ۴- (۴) همان.
  - ۵- (۵) الاعجاز العلمی الاسلامی للقرآن الکریم، محمد کامل عبدالصمد، ص ۸-۳۷۶.
  - ۶- (۶) وجوه من الاعجاز القرانی، مصطفی الدباغ، ص ۱۱۲.

۹. لفظ «بَرّ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ثواب» و مشتقاتش که هر کدام ۲۰ بار تکرار شده است.
۱۰. لفظ «جهنم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «جنات» و مشتقاتش که هر کدام ۷۷ بار تکرار شده است. (۱)
۱۱. لفظ «شیخ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طفل» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.
۱۲. لفظ «نسل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقیم» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.
۱۳. لفظ «یفسد» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ینفع» و مشتقاتش که هر کدام ۵۰ بار تکرار شده است. (۲)
۱۴. لفظ «برهان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بهتان» و مشتقاتش که هر کدام ۸ بار تکرار شده است.
۱۵. لفظ «ثياب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «حجاب» و مشتقاتش که هر کدام ۸ بار تکرار شده است.
۱۶. لفظ «وهن» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عزم» و مشتقاتش که هر کدام ۹ بار تکرار شده است.
۱۷. لفظ «مجنون» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سفیه» و مشتقاتش که هر کدام ۱۱ بار تکرار شده است.
۱۸. لفظ «نشر» و مشتقاتش برابر است با لفظ «کنم» و مشتقاتش که هر کدام ۲۱ بار تکرار شده است.
۱۹. لفظ «رذيله» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عفه» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

ص: ۳۵۸

---

۱- (۱) المعجزه (النظريه الاولى) مهندس عدنان رفاعی.

۲- (۲) النظريه الاولى، مهندس عدنان رفاعی، والاعجاز العددي في القرآن، الدكتور لیب بیضون.

۲۰. لفظ «عوره» و مشتقاتش برابر است با لفظ «اغضض» و مشتقاتش که هر کدام ۴ بار تکرار شده است.

۲۱. لفظ «وسطاً» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طرفاً» و مشتقاتش که هر کدام ۵ بار تکرار شده است.

۲۲. لفظ «سعید» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نحس» و مشتقاتش که هر کدام ۲ بار تکرار شده است. (۱)

۲۳. لفظ «فرقان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بنی آدم» و مشتقاتش که هر کدام ۷ بار تکرار شده است. (۲)

۲۴. لفظ «جحیم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقاب» و مشتقاتش که هر کدام ۲۶ بار تکرار شده است.

۲۵. لفظ «حساب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عدل و قسط» و مشتقاتش که هر کدام ۲۹ بار تکرار شده است.

۲۶. لفظ «یوم» به معنای روز با تمام مشتقاتش، ۳۶۵ مرتبه در قرآن به کار رفته که برابر با تعداد روزهای سال می باشد. (۳)

بررسی:

بسیاری از این آمار و ارقام که در تناسب واژگان قرآن از نویسندگان مختلف نقل شده است در مقام محاسبه، درست نیست و نیازمند نگاه خوشبینانه است و بر فرض صحت، نیازمند توجیهاات و تکلفات فراوانی است که عملاً این تناسب ها را از اعجاز بودن دور می کند. برای مثال:

ص: ۳۵۹

- 
- ۱- ((۱)) از شماره ۱۴ تا ۲۱، الموسوعه العلمیه، الاعجاز القرآنی، الدكتور سمیر عبدالحلیم، ص ۳-۱۴۰ و المعجزه (النظریه الاولی) مهندس عندنان رفاعی، ص ۲۸ تا ۳۸.
  - ۲- ((۲)) وجوه من الاعجاز القرآنی، مصطفی الدباغ، ص ۱۱۲.
  - ۳- ((۳)) اعجاز القرآن الکریم، محمدباقر المنصوری، ص ۶۲؛ و زیباترین سخن، محمود احمدی، ص ۱۸۷.



۱. در شمارش کلمه «یوم» برای اینکه به عدد ۳۶۵ برسند (عدد روزهای سال) گفته اند: باید «یوم» را به صورت مفرد در نظر بگیریم. زیرا اگر ایام و یومین را به حساب آوریم، به عدد مطلوب نمی رسیم.

اما باز هم منظور آنها تأمین نمی شود زیرا یومئذ و یومکم و یومهم نیز باید از فهرست خارج شود در حالی که اینها هم مفرد هستند. اگر منظور ایشان از مفرد این است که به «یوم» هیچ حرفی متصل نباشد، در این صورت باید «بالیوم» و «الیوم» و «فالیوم» را نیز از فهرست خارج کرد و در این صورت آمار ما از ۳۶۵ بسیار کمتر می شود. خلاصه این افراد برای رسیدن به عدد ۳۶۵ از هیچ اسلوب منقطی پیروی نکرده اند.

۲. در مواردی که آمارشان به حد نصاب نمی رسد، به دنبال مشتقات آن واژه ی خاص رفته و می کوشند با اضافه کردن مشتقات نصاب لازم را تهیه کنند. و این سؤال بی جواب می ماند که چرا در بعضی موارد باید مشتقات را به حساب آوریم و در بعضی موارد فقط به آمار مفرد آن واژه بسنده کنیم. و عجیب تر اینکه می گویند: در بعضی واژه ها مثل: جهنم و جنات، در یکی به صورت مفرد و در دیگری به ضم مشتقات باید به مطلوب نایل شد.

۳. در مواردی نیز دو واژه ای در مقابل هم قرار می گیرند که اصلاً ربطی به هم ندارند. مثلاً واژه «یفسد» و مشتقات را شمارش می کنند و چون با تعداد واژه «یصلح» برابر نیست، سراغ واژه «ینفع» می روند. در حالی که برای آشنایان به زبان عربی واضح است که «یفسد» در مقابل «یصلح» می باشد نه «ینفع». یا به جای اینکه «قلم» را با «قلنا» بسنجند با «اقوال» مقایسه کرده اند: بین «مصیبت» و «شکر» چه ارتباطی هست؟ آیا در برابر مصیبت باید «صبر» نمود و یا «شکر» کرد؟ مگر قرآن نمی فرماید: «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ» به احتمال قوی، آقایان وقتی دیده اند واژه «صبر» و مشتقات آن (۱۰۳) با تعداد واژه ی مصیبت مساوی نیست، سراغ واژه «شکر» رفته اند.

در مورد تکرار لفظ زن و مرد در قرآن در برخی منابع آمده است لفظ «رجل» به صورت مفرد، برابر است با لفظ «امراه» با مشتقاتش که هر کدام ۲۴ بار تکرار شده است. (۱) در اینجا می بینیم لفظ «رجل» را به صورت مفرد در مقابل لفظ «امراه» با مشتقاتش قرار داده اند تا نصاب لازم کامل گردد.

در حالی که با مراجعه به «معجم المفهرس» و شمارش کامپیوتری کلمات قرآن می بینیم که ریشه «ر ج ل» ۷۳ مرتبه و ریشه «مرء» ۳۷ مرتبه تکرار شده است. که در این دفعات لفظ «رجل» به صورت مفرد ۱۶ بار و لفظ «امراء» با تمام مشتقاتش ۲۸ بار تکرار شده است و بر فرض که تعداد تکرار لفظ «رجل» به صورت مفرد با تعداد تکرار لفظ «امراه» با تمام مشتقاتش یکی باشد، چه دلیلی وجود دارد که یکی را به صورت مفرد حساب کنیم و دیگری را با تمام مشتقاتش؟

بنابراین به نظر می رسد این ادعا در مورد برابری لفظ زن و مرد در قرآن صحیح نیست.

ص: ۳۶۱

---

۱- ((۱)) المعجزه (النظريه الاولي) مهندس عدنان رفاعي، و الاعجاز العلمي في القرآن الكريم، محمد سامي محمدعلي، ص

## موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟

\* پاسخ:

اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد، که یکی از این ابعاد، اعجاز عددی قرآن کریم است. تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با ظهور رایانه هایی که دقت بالایی دارند، پرده از «نظم ریاضی قرآن» برداشته شد. در رأس این گروه افرادی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل و... هستند.

در مقابل آنان گروه دیگری از نویسندگان و صاحب نظران قرآنی قرار دارند که این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطاآلود می دانند. حتی برخی نویسندگان با شدت هرچه بیشتر قسمتی از این مطالب را توطئه بهائیت معرفی می کنند و آن را یک جریان انحرافی می دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می کنند (۱).

در اینجا گزارشی از کتاب ها و نویسندگان دو گروه بیان می کنیم.

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن:

در این مورد افراد زیادی کتاب نوشته اند که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

۱. معجزه القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه:

دکتر رشاد خلیفه در خانواده ای از صوفیان مصر در شهر «طنطه» متولد شد و در سال ۱۹۷۱ م در شهر مکه به جرگه ی نایبان مکتب تصوف در آمد. او تحصیلات جدید خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی «عین الشمس» قاهره گذراند، و سپس کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (۱۹۵۹-۱۹۶۱ م) آمریکا گذراند و دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۶۲-۱۹۶۴ م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد (۲).

ص: ۳۶۲

---

۱- (۱) پژوهش در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲- (۲) ر. ک: پژوهش در اعجاز علمی قرآن - دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۲۰.

او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرد و نتیجه ی این تحقیقات را در سال ۱۳۵۱ ش به روزنامه های دنیا داد(۱).

۲. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل:

این کتاب در سه جزء جداگانه چاپ شده است. و تحت عنوان «اعجاز عددی در قرآن کریم» توسط مصطفی حسینی ترجمه شده است(۲).

ایشان تلاش کرده تا نظام ریاضی تکرار واژه ها را در قرآن نشان دهد.

برای مثال:

واژه دنیا ۱۱۵ بار و واژه آخرت نیز ۱۱۵ بار آمده است.

واژه شیطان و ملائکه هر کدام ۶۸ بار در قرآن آمده است(۳).

۳. تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی:

ایشان در جلد دوم تفسیر نمونه ذیل آیه اول سوره آل عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می کنند. ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می دانند و در پایان قضاوتی نمی کنند. ایشان پس از ذکر مطالب دکتر رشاد خلیفه این نتایج را می گیرند:

الف: رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید.

ب: این مطالب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است.

ج: اشارات پر معنا: در بسیاری از سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شود، پس از ذکر این حروف اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده است مانند: «الم. ذلکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِیْنَ» ۴ و(۴)

ص: ۳۶۳

---

۱- (۱) همان ص ۲۲۰.

۲- (۲) پژوهش در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳- (۳) ر. ک: الاعجاز العددی للقرآن الکریم، الجزء الاول، ص ۱۰ به بعد

۴- (۴) تفسیر نمونه ج ۲، ص ۴۱۹

۴. اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات، محمود احمدی.

ایشان کوشش نموده است تا اشکالاتی را که بر اعجاز عددی و محاسبات رشادخلیفه نموده اند جواب دهد.

۵. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کورش جم نشان:

ایشان با توجه به آیه سوم سوره فجر که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد.

۶. معجزه القرآن فی عصر المعلوماتیه، المهندس عبدالدائم الکحیل:

ایشان با استفاده از آیه ۱۲ سوره طلاق که خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» نتیجه می گیرد که باید بین عدد هفت و تعالیم قرآن ارتباطی باشد.

ب: مخالفان اعجاز قرآن عددی قرآن کریم:

در این مورد به چند کتاب و مقاله برخورد کردیم که به آنها اشاره می کنیم:

۱. تسعه عشر ملكاً، بیان ان فریقه الاعجاز العددی للقرآن خدعه، حسین ناجی محمد محی الدین:

ایشان به کسانی که عدد ۱۹ را یکی از اسرار قرآن می دانند به شدت حمله می کند و آن را نوعی دروغ بستن به خدا دانسته است. سپس متذکر می شود که عدد ۱۹ از شعارهای بهائیان است که در نظر مسلمانان مرتد و کافر هستند.

۲. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی:

ایشان در مقاله ای مفصل در مجله ی کیهان اندیشه اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته اند، مطرح می کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می شود.

ایشان می نویسند:

نظم ریاضی قرآن یک مطلب شگفت انگیز است. چرا که یک فرد امی و درس ناخوانده در طی ۲۳ سال، کتابی با نظم خاص ریاضی آورده است. اما آیا می توان ادعا کرد که این نظم ریاضی اعجاز قرآن را نیز ثابت کند؟

در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه، این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است چرا که نظم ریاضی به صورت موجه کلیه اثبات نشده و کثرت مطالب اثبات شده طوری نیست که اعجاز را ثابت کند.

و دوم آنکه، از لحاظ کبری قابل خدشه است چرا که قرآن کریم که تحدی و مبارزه طلبی کرده است (که اگر می توانید مثل قرآن را بیاورید) تحدی آن عام نیست و شامل همه جنبه های اعجاز قرآن نمی شود و در قرآن نیز اشاره ای به اعجاز عددی آن نشده است.

ایشان اضافه می کند: هر چند که ما در فصل اول کتاب به اشکال دوم پاسخ دادیم و بیان کردیم که ممکن است تحدی قرآن عام باشد اما اشکال اول هنوز سر جای خود باقی است، پس اعجاز علمی قرآن از طریق اعجاز عددی آن فعلاً قابل اثبات نیست (۱).

ص: ۳۶۵



۱. الاتقان فی العلوم القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق، دو جلدی.
۲. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا.
۳. احیاء العلوم (الاحیاء)، ابو حامد غزالی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ ق، چهار جلدی.
۴. استعانت از قرآن کریم، در شفای جسمانی، علیرضا نیکبخت نصرآبادی، نشر قبله، ۱۳۷۸.
۵. اسرار خوراکیها و زبان خوراکی ها، جزائری، دکتر غیاث الدین، ۱۳۶۵ ش، بی نا، چاپخانه سپهر تهران.
۶. اسلام و بهداشت روان (۱)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲، دفتر نشر معارف.
۷. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشر معارف، آذر ۱۳۷۶.
۸. اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، اسماعیل پاشا، دکتر عبدالعزیز، بی تا، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان، بی جا.
۹. اسلام و هیئت، سید هبه الدین شهرستانی، مطبعه الغری فی النجف، بی تا.
۱۰. اطیب البیان، طیب، سید عبدالحسین، فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، ۶۹ ش، چاپ دوم.
۱۱. الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، عبد الصمد، محمد کامل، ۱۴۱۰ ق، دار المصریه اللبنانیه، قاهره.
۱۲. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، سامی محمد علی، بی تا، دارالمحبه، بیروت و همان ۱۴۱۶ ق، دار النور، دمشق.
۱۳. الاعجاز العلمی فی القرآن، لیب بیضون، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه - / ۲۰۰۳ م.



۱۴. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ارناووط، محمد السید، مکتبه مدبولی، قاهره، بی تا.
۱۵. اعجاز رقم ۱۹، بسام نماد جزّار.
۱۶. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، احمدی، محمود، انتشارات مسعود احمدی، بی جا، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، ید الله، شرکت چاپ میهن، چاپ چهارم، ۱۳۳۵ ش.
۱۸. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی با مقدمه، علیرضا میرزا محمد.
۱۹. افتخاریان، سید جواد، ۱۳۶۲ ش، قرآن و علوم روز، انتشارات افتخاریان، تهران.
۲۰. آموزش فلسفه، محمد تقی مصباح یزدی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش، دو جلدی.
۲۱. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضارضائی، عطر آگین، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۲. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).
۲۳. انسان موجود ناشناخته، الیکس کارل.
۲۴. انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمدحسین همدانی، کتابفروشی لطفی، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۵. باد و باران در قرآن، بازرگان، مهدی، ۱۳۵۳ ش، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری.
۲۶. بافت شناسی انسان پایه، محمدصادق رجحان، انتشارات چهره، ۱۳۷۰، چاپ ۱۰.
۲۷. بحار الانوار، مجلسی، محمدتقی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، سید هاشم الحسینی، ۱۳۳۴ ش، دارالکتب العلمیه، قم، پنج جلدی.

۲۹. البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین زرکشی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۱۰ ق.

۳۰. بصائر الدرجات، صفار، بی تا، بی نا.

۳۱. البیان فی تفسیر القرآن، سیدابوالقاسم خویی، قم، المطبعه ۱۳۹۴ ق.

۳۲. بیانات، فصلنامه قرآنی، شماره ۲۳-۲۲۷ قم.

۳۳. پاک نژاد، دکتر سید رضا، ۱۳۵۰ ش، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، کتابفروشی اسلامیة، ج ۱ و ۱۱.

۳۴. پرتوی از قرآن، طالقانی، آیه الله سید محمود، ۱۳۴۸ ش، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۳۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.

۳۶. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول.

۳۷. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳ ش.

۳۸. پیشگویی های علمی قرآن، زمانی، مصطفی، ۱۳۵۰ ش، انتشارات پیام اسلام، قم.

۳۹. تاریخ تمدن، علی اکبر ولایتی.

۴۰. تاریخ طب ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران.

۴۱. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹.

۴۲. تاریخ علوم، پی یر، روسو، ۱۳۴۴ ش، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران چاپ چهارم، ترجمه چاپ چهل و دوم کتاب.

۴۳. تاریخ نگارش های عربی، فوائد سزگین، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰.

۴۴. تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاو کینگ، ترجمه ی دادفر، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

۴۵. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، (شیعه پایه گذار علوم اسلامی)، سیدحسن صدر، ترجمه مختاری، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴ ش.

۴۶. التبیان فی التفسیر القرآن، الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۳۸۵-۴۶۰ ق)، النجف، المطبعه العلمیه، ۱۳۷۶ ق - ۱۹۵۷ م، ده جلد.
۴۷. تحریر الوسیله، خمینی، امام روح الله الموسوی، ۱۳۹۰ ق، دار الکتب الاسلامیه، قم، دو جلد.
۴۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۷۱ ش.
۴۹. تصویر جهان در فیزیک جدید، ماکس پلانک، مرتضی صابر.
۵۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
۵۱. التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر حجر، دارالقتیبه، چاپ اول، ۱۹۹۱ م.
۵۲. تفسیر الکشاف، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۵۳. تفسیر المنار تفسیر القرآن الکریم، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه الطبعة الثالثه، بی تا، ۱۲ جلدی.
۵۴. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دارو مکتبه الهلال، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.
۵۵. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.
۵۶. تفسیر صافی، کاشانی، محمد محسن فیض، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانيه، ۵ جلدی، ۱۴۰۲ ق.
۵۷. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، طبری، دارالمعرفه، بیروت.
۵۸. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسه، ۱۳۸۶ ق.
۵۹. تفسیر منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۴۶ ش.
۶۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش، ۲۷ جلدی.
۶۱. تفسیر نوین، شریعتی، محمد تقی، ۱۳۳۵ ش، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۶۲. التفسیر و المفسرون، دکتر محمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.
۶۳. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، الجامعه الرضویه العلوم الاسلامیه ۱۴۱۸ ق و همان، ترجمه علی خیاط، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۰ ش.
۶۴. تفسیر التبیان، شیخ ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی، نجف، المطبعه العلمیه، ۱۳۷۶ ق، ده جلد.
۶۵. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ۳۲ جلدی.
۶۶. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
۶۷. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶۸. تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۶۹. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، محمد هادی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۶، ۱۴۱۷ ق.
۷۰. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نزد، محمد، ۱۳۷۴ ش، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم.
۷۱. الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
۷۲. خانواده و مسائل جنسی کودکان، علی قائمی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۷۳. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، یدالله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش.
۷۴. خوابگردها، کوستر، آرتور، ترجمه منوچهر روحانی.

۷۵. دارونیسیم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۷۶. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش.

۷۷. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش.

۷۸. دوران تالیف و تصنیف کتب طبی در تمدن اسلام و ایران، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

۷۹. الرائد، حیران مسعود، ترجمه انزابی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۸۰. رابطه علم و دین، سرفرازی، عباسعلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۸۱. رابطه علم و دین، محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

۸۲. رازهای آسمانهای هفت گانه، ایمان مرادی.

۸۳. راه تکامل، امین، احمد، ترجمه بهشتی، لاری و امامی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، هفت جلدی، بی تا.

۸۴. رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (علیه السلام)، محمد خادمی.

۸۵. رسائل ابن سینا، چاپ هند، ۱۹۰۸ م (در کتاب خانه ی آیه الله مرعشی نجفی در قم موجود است).

۸۶. رهبران راستین، سید عبدالکریم هاشمی نژاد.

۸۷. روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۸۸. روان شناسی رنگها، ماکس لوشر، نشر حسام.

۸۹. روض الجنان وروح الجنان، ابوالفتوح رازی.

۹۰. رویان شناسی پزشکی لانگمن سادلر، پروفیسور توماس، دی، ۱۳۷۰ ش، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور،

(تجدید نظر ششم ۱۹۹۰ م)، انتشارات سهامی چهر.

۹۱. زبده البيان في براهين القرآن، محقق اردبیلی ملا احمد، انتشارات مومنین.

۹۲. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی،

۹۳. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، محمد علی، انتشارات فلق تبریز، ۱۳۵۷.

۹۴. سلامه القرآن من التحریف، فتح الله المحمدی (نجاززادگان)، ۱۴۲۴ هـ -.

۹۵. سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی.

۹۶. شبهات وردود، محمد هادی معرفت، منشورات ذوی القربی، قم، ۱۴۲۳ ق.

۹۷. الشکوک علی الجالینوس، انتشارات موسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۹۸. شواهد پژوهشی در رابطه بین وابستگی مذهبی و افسردگی، احمد علی نوربالا.

۹۹. الصافی فی تفسیر القرآن، ملامحسن فیض کاشانی،

۱۰۰. طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، چاپ اول.

۱۰۱. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، المکتبه الاسلامیه، تهران، ده جلد در پنج مجلد، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق.

۱۰۲. علل الشرایع، صدوق، شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۳۸۵ ق، مکتبه الحیدریه نجف و مکتبه الداوری قم.

۱۰۳. علم و دین، ایان باربور، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران مرکز نشر دانشگاهی، بیروت ۱۳۶۲ ش، ۵۵۳ ص.

۱۰۴. علوم القرآن، حکیم، سید محمدباقر، ۱۴۱۷ ق، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الثالثة.

۱۰۵. العلوم فی القرآن، مجهد جمیل الحبال و مقداد مرعی الجواری،

۱۰۶. غررالحکم و دررالکلم، محمد تمیمی، دانشگاه تهران،

۱۰۷. فتنه نفس، صدری، سبط النبی، قم.

۱۰۸. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة محمد صادقی تهرانی، انتشارات فرهنگ اسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ ق، ۳۰ جلدی.



۱۰۹. الفرقان والقرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، ۱۴۱۴ ق، الحکمه للطباعه والنشر، سوریه.
۱۱۰. فرهنگ دانستیها، نژد، محمد، جهان دانش، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱۱. فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، حقیقی، ک، م، بی تا، انتشارات لوکس (نوید)، شیراز، ج ۱.
۱۱۲. فلسفه احکام، اهتمام، احمد، ۱۳۴۴ ش، چاپخانه اسلام، اصفهان.
۱۱۳. فیزیک نوین، اریک اوبلاکر، ترجمه ی بهروز بیضایی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.
۱۱۴. قاموس قرآن، قریشی، سید علی اکبر، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، هفت جلد در سه مجلد، ۱۳۶۱ ش.
۱۱۵. قرآن در اسلام، محمد حسین طباطبایی، بنیاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۱۶. قرآن در قرآن، مهدی احمدی، اشراق، قم، ۱۳۷۴.
۱۱۷. قرآن و آخرین پدیده های علمی، رضایی فر، جعفر، انتشارات فوژان، ۱۳۷۵.
۱۱۸. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران دارالکتاب اسلامیه، چاپ دوم، ۳۴۱ ص.
۱۱۹. قرآن و روانشناسی، محمدعثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۲۰. قرآن و طبیعت (راز کوه ها، عبدالکریم بی آزار شیرازی)
۱۲۱. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ۱۳۶۲ ش، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران.
۱۲۲. قرآن و علوم روز، افتخاریان، سید جواد، انتشارات افتخاریان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۲۳. القرآن والطب، سلیمان، احمد محمد، دارالعودة، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۱ م.
۱۲۴. القرآن والعلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۹۷۳ م.



۱۲۵. القرآن والعلم، احمد محمد سليمان، دارالعودة، بيروت، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۱ م.

۱۲۶. القرآن يتجلى في عصر العلم، القميحا، نزيه، ۱۴۱۷ ق، دارالهادي، بيروت.

۱۲۷. کارنامه اسلام، عبدالحسين زرین کوب، اميرکبير، ۱۳۸۰، تهران.

۱۲۸. کتاب المحاسن، احمد خالد برقي.

۱۲۹. کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ايران، ۱۹۳۲ م، تهران، (شامل، تورات، انجيل و ملحقات آنها).

۱۳۰. كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، طوسي، خواجه نصير الدين و علامه حلي، ۱۴۰۷ ق، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین، قم.

۱۳۱. کلينی، محمد بن يعقوب، ۱۳۶۱ ش، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، قم، چهار جلد.

۱۳۲. کهکشان در قرآن، لطفعلی سمیعی، انتشارات انصاری، ۱۳۸۱.

۱۳۳. الكون والانسان بين العلم والقرآن، دفضع، بسام، بی تا، مطبعة الشام، بی جا.

۱۳۴. کیهان و راه کهکشان، ری ویلار و دیگران، ترجمه سيد محمد امين محمدی.

۱۳۵. گیاهان در قرآن، حسين فاروقی، محمد اقتدار، ترجمه ی احمد نمایی، بنیاد پژوهشهای اسلامي آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۱۳۶. مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ ش.

۱۳۷. مجله کیهان اندیشه، ش ۶۷.

۱۳۸. مجله مکتب اسلام، شماره ۸، سال ۱۳، شماره مسلسل ۱۵۲، شهریور ماه ۱۳۵۱ ش، (مقاله چرخ لنگر در قرآن)

۱۳۹. مجمع البيان في علوم القرآن، امين الاسلام طبرسي، دارالمعرفه، بيروت

۱۴۰. محجبه البيضاء، ملامحسن فيض کاشانی،

۱۴۱. مخزن العرفان، بانوی اصفهانی (امين اصفهانی)، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.

۱۴۲. مرزهای اعجاز، سید ابوالقاسم خویی، ترجمه: جعفر سبحانی.

۱۴۳. مسائل درمانی و طب روحانی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۱۴۴. مستدرک الوسائل، حسین نوری.

۱۴۵. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.

۱۴۶. مصونیت قرآن از تحریف، محمدهادی معرفت، مترجم: محمد شهرابی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، نوبت اول.

۱۴۷. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ ش، نشر سبحان، تهران.

۱۴۸. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۴۹. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص.

۱۵۰. مع الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبدالحمید و دکتر احمد قرقوز، (طب در قرآن، ترجمه علی چراغی) ۱۴۰۴ ق، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة.

۱۵۱. المعجزه القرآنیة (الاعجاز العلمی والغیبی)، هیتو، دکتر محمد حسن، ۱۴۰۹ ق، مؤسسه الرساله، بیروت.

۱۵۲. معجم الفروق اللغویه، ابوهلال عسکری و سید نورالدین جزایری، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۱۵۳. معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمدعلی النجار.

۱۵۴. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، ۱۳۳۲ ش، المكتبة الرضویه، تهران.

۱۵۵. مفهوم طب اسلامی، غلامرضا نور محمدی،

۱۵۶. مقاله نگرشی به مفهوم طب اسلامی، مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸-۱۷، سال پنجم.

۱۵۷. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ترجمه ی مهندس ذبیح الله دبیر، ۱۳۶۵ ش.
۱۵۸. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۵۹. المنطق، مظفر، محمد رضا، ۱۴۰۲ ق، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۱۶۰. میزان الحکمه، ری شهری، محمد محمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد، ۱۳۶۷.
۱۶۱. المیزان فی تفسیرالقرآن، سیدمحمد حسین طباطبایی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ جلدی.
۱۶۲. النظریه القرآنیه الکوئیه حول خلق العالم، الجایی، سلیم، مطبعه نصر، دمشق، بی تا.
۱۶۳. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۶۴. نگارش احادیث طبی، غلامرضا نور محمدی.
۱۶۵. نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن، جلیل ابوالحب، ترجمه تقی متقی، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۶۶. نگرش نوین به طب، غلامرضا نور محمدی.
۱۶۷. نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی،
۱۶۸. نهج البلاغه (سخنان امام علی علیه السلام، سید رضی، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.
۱۶۹. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه جویری عروسی، قم، المطبعه العلمیه، الطبعة الثانیه، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.
۱۷۰. هفت آسمان، محمدباقر بهبودی، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ۱۴۰۵ ق.
۱۷۱. وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، الحرعاملی، محمد بن الحسن،
- ۱۳۹۱ ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الرابعه، بیست جلدی.

Discovery Institute News

## Over ۵۰۰ Scientists Proclaim Their Doubts About Darwins Theory

The Scientific Dissent From Darwinism list is now located at a new webpage,  
[.http://www.dissentfromdarwin.org](http://www.dissentfromdarwin.org)

SEATTLE Over ۵۰۰ doctoral scientists have now signed a statement publicly  
expressing their skepticism about the contemporary theory of Darwinian evolution

:The statement reads

We are skeptical of claims for the ability of random mutation and natural selection to "account for the complexity of life. Careful examination of the evidence for Darwinian theory should be encouraged." The list of ۵۱۴ signatories includes member scientists from the prestigious US and Russian National Academy of Sciences. Signers include ۱۵۴ biologists, the largest single scientific discipline represented on the list, as well as ۷۶ chemists and ۶۳ physicists. Signers hold doctorates in biological sciences, physics, chemistry, mathematics, medicine, computer science, and related disciplines. Many are professors or researchers at major universities and research institutions such as MIT, The Smithsonian, Cambridge University, UCLA, UC Berkeley, Princeton, the University of Pennsylvania, the Ohio State University, the University of Georgia, and the University of Washington

Discovery Institute first published its Scientific Dissent From Darwinism list in ۲۰۰۱ to challenge false statements about Darwinian evolution made in promoting PBS's

Evolution " series. At the time it was claimed that " virtually every scientist in the " world believes the theory to be true

Darwinists continue to claim that no serious scientists doubt the theory and yet here " are 500 scientists who are willing to make public their skepticism about the theory," said Dr. John G. West, associate director of Discovery Institutes Center for Science American Association for the Advancement of Science Fellow Lyle Jensen; evolutionary biologist and textbook author Stanley Salthe; Smithsonian Institution evolutionary biologist and a researcher at the National Institutes of Healths National Center for Biotechnology Information Richard von Sternberg; Editor of Rivista di Biologia / Biology Forum -the oldest still published biology journal in the world- Giuseppe Sermonti; and Russian Academy of Natural Sciences embryologist Lev Belousov

لیست آثار انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

۱۷-۱. پرسش های قرآنی جوانان ج ۱-۱۷، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۱۸. فلسفه احکام (۲) حکمت ها و اسرار نماز، احمد اهتمام

۱۹. آموزه های عاشورا، محمدعلی رضایی اصفهانی

۲۰. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف علیه السلام، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۱. تفسیر قرآن مهر، سوره توبه، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۲۲-۴۳. تفسیر قرآن مهر (ج ۱-۲۲)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

۴۴. مراحل انس با قرآن - دکتر محمد فاکر میدی

۴۵-۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (جلد ۱ و ۲)، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

۴۷. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو

۴۸. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری

۴۹. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان

۵۰. اعجازها و شگفتی های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی

۵۱. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی

۵۲. پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر و امام صادق (علیه السلام)، دکتر لاله افتخاری.

۵۳. قرآن و کیهان شناسی، سید عیسی مسترحمی.

۵۴. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، سید حیدر طباطبایی.

۵۵. شگفتی های پزشکی در قرآن، حسن رضا رضایی.

۵۶. انس با قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۵۷. مدیریت علوی (حکمت ها و آموزه های مدیریتی عهدنامه مالک اشتر)، حسن علی اکبری.

۵۸-۶۶. مجله تخصصی قرآن و علم (۱-۹).

ص: ۳۸۰

۶۷-۷۷. مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان (۱-۱۱).

۷۸. شگفتی های پزشکی در نهج البلاغه، حسن رضا رضایی.

۷۹. تعارضات عقاید وهابیت با قرآن، ابوالمصطفی.

۸۰. ترجمه آموزشی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۸۱. سیمای سوره های قرآن کریم، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۸۲. تفسیر قرآن مجید، (خلاصه تفسیر مهر تک جلدی) دکتر محمد علی رضایی اصفهانی.

۸۳. فلسفه احکام (۱)، حکمت ها و اسرار احکام بهداشتی اسلامی - احمد اهتمام.

ب. کتاب های در دست انتشار:

۱. پرسش های قرآنی جوانان (۲۱) «شبهات (۲): قرآن شناسی، خداشناسی و معادشناسی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۲. پرسش های قرآنی جوانان (۲۲) «شبهات (۳): تربیت و تاریخ» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۳. پرسش های قرآنی جوانان (۲۳) «شبهات (۴): کیهان شناسی و پزشکی» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۴. پرسش های قرآنی جوانان (۲۴) «تعارضات وهابیت، یهود و مسیحیت» - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران.

۵. فلسفه احکام (۳)، خداشناسی از راه کیهان شناسی - احمد اهتمام.

۶. ترجمه تفسیری قرآن - دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه.

۷. قرآن و مدیریت، محسن ملاکاظمی.

۸. تفسیر آیات حج، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

۹. تفسیر آیات الحسین علیه السلام، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

۱۰. دانشنامه میان رشته ای قرآن و علوم، (ج ۱-۶) جمعی از پژوهشگران





راه های تهیه کتاب های انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

الف. خرید حضوری:

به مراکز پخش که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. پخش مرکزی: قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۴۰۹۴

۲. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی اهل بیت: تبریز، شهرستان مرند، خیابان پروین اعتصامی روبه روی بانک صادرات، پلاک ۳۴، کتابفروشی اهل بیت: ۰۴۹۱-۲۲۵۷۴۴۷

۳. آذربایجان شرقی، کتاب فروشی شهید شفیع زاده: تبریز، خیابان امام خمینی قدس سره نرسیده به میدان ساعت، روبه روی خیابان تربیت، ۰۴۱۱-۵۵۶۳۴۶۷۰

۴. آذربایجان غربی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام صادق علیه السلام: آذربایجان غربی، ارومیه، جاده سلماس، پشت ماکارونی چی چست، کوچه ناوایی، ۰۹۱۴۳۸۸۷۶۶۹

۵. اردبیل، نمایشگاه دائمی ولایت: اردبیل، مابین عالی قاپو و باغیشه، روبروی دبیرستان بهار، ۰۴۵۱-۲۲۵۳۸۰۰

۶. اصفهان، انتشارات انصار الامام المنتظر: اصفهان، نجف آباد، خیابان منتظری شمالی، جنب حوزه علمیه امام المنتظر، نمایشگاه و فروشگاه، انتشارات انصار الامام المنتظر، ۰۳۳۱-۲۵۱۲۶۰۰

۷. اصفهان، انتشارات قانون مدار: کاشان، میدان امام خمینی، ابتدای خیابان ابوذر ۲، جنب بیمه البرز مرکزی، پلاک ۳۲، ۰۳۶۱-۴۴۷۱۰۱۴

۸. اصفهان، فروشگاه کتاب شهر ایران: اصفهان، شهررضا، خیابان شهید بهشتی، مجتمع علی ابن ابیطالب، فروشگاه کتاب شهر ایران، ۰۳۲۱-۲۲۳۹۶۹۳

۹. اصفهان، کتابسرای حکمت: اصفهان، چهارباغ پایین، روبه روی اداره کل تربیت بدنی، جنب بانک صادرات، ۰۲۲۴۰۶۰۸-۰۳۱۱

۱۰. اصفهان، کتاب فروشی اندیشه: اصفهان، خیابان شهرداری، اول خیابان ابوذر، روبه روی بازار حمام قدیم، کتاب فروشی اندیشه اصفهان، ۰۹۱۳۹۹۹۲۵۹۰

۱۱. افغانستان، کتاب فروشی مدرسه رسالت: افغانستان، کابل، پل سرخ، قلعه وزیر،



۱۲. ایلام، مؤسسه فرهنگی غدیر خم ایلام: ایلام، خیابان فردوسی، بالاتر از تعاونی ۱۵، ۳۳۳۲۸۸۸-۰۸۴۱.
۱۳. تهران، پکتا: تهران، خیابان حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، نبش کوچه بامشاد، پلاک ۵۲۵، تلفن: ۵-۳۰۳-۸۸۹۴۰۳-۰۲۱.
۱۴. تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی - به نشر: تهران، خیابان انقلاب، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، فروشگاه آستان قدس رضوی به نشر، ۸۸۹۶۰۴۶۶-۸۸۹۶۰۴۶۶-۰۲۱.
۱۵. تهران، کتاب و محصولات فرهنگی صوت العظیم: تهران، شهر ری، میدان شهید مدرس، جنب حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم، ۵۱۲۲۳۳۸۱-۰۲۱.
۱۶. خراسان جنوبی، نمایشگاه دائمی کتاب: خراسان جنوبی، بیرجند، میدان شهداء، نبش حکیم نزاری ۱، ۲۲۲۴۴۹۵-۰۵۶۱.
۱۷. خراسان رضوی، انتشارات به نشر: مشهد، میدان بیمارستان امام رضا (علیه السلام)، ابتدای خیابان رازی، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، تلفن: ۳۷-۸۵۱۱۱۳۶-۰۵۱۱.
۱۸. خراسان رضوی، انتشارات دیانت: خراسان رضوی، مشهد، چهار راه شهداء، کوچه آیت الله بهجت ۲، مجتمع گنجینه کتاب، طبقه منهای یک، پلاک ۶۰۴، ۲۲۲۶۸۹۷-۰۵۱۱.
۱۹. خوزستان، مؤسسه قرآنی بصیرت: خوزستان، شهرستان آبادان، ایستگاه ذوالفقاری، ۴۰ متری، روبه روی جایگاه گاز، ۴۴۵۶۰۶ و ۴۴۵۱۴۵-۰۶۳۱.
۲۰. شیراز، کتابفروشی موعود: استان فارس، شیراز، خیابان زند، جنب هلال احمر، ساختمان مرکزی علوم پزشکی شیراز، کتابفروشی موعود، ۲۱۲۲۰۵۸-۰۷۱۱.
۲۱. فارس، کتاب سرای قائم شیراز: شیراز، میدان دانشجو، جنب خوابگاه قدس، کتابسرای قائم، ۶۲۹۴۱۱۱-۰۷۱۱.

۲۲. قزوین، کتاب شهر ایران: قزوین، خیابان فلسطین، چهار راه عمران، فروشگاه

۲۳. کتاب شهر ایران، ۳۳۵۷۵۳۴-۲۸۱

۲۴. قم، انتشارات المصطفی: قم، خیابان حجتیه، روبروی درب مدرسه حجتیه، جنب بنیاد نهج البلاغه، تلفن: ۷۷۳۰۵۱۷-۲۵۱

۲۵. قم، انتشارات زمزم هدایت: قم، میدان دورشهر (جانبازان)، خیابان شهید فاطمی، نبش کوچه ۳، تلفن: ۷۷۳۰۷۳۵-۲۵۱

۲۶. قم، انتشارات نسیم حیات: قم، بلوار سمیه، میدان معلم، خیابان شهیدین، جنب مدرسه علمیه شهیدین، ۷۷۴۹۷۵-۲۵۱

۲۷. قم، کتاب فروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی: قم، خیابان ۱۹ دی (باجک) میدان جهاد، کتابفروشی مجتمع آموزش عالی امام خمینی، ۷۱۱۰۵۹۹-۲۵۱

۲۸. لرستان، کتاب شهر ایران: لرستان، خرم آباد، خیابان آیت الله کمال وند، جنب سینما استقلال، ۲۲۳۲۷۸۰-۶۶۱

۲۹. مازندران، کتاب فروشی نوشت افزار دانش: شهرستان جویبار، خیابان امام، روبروی کفش ملی، ۳۲۲۵۶۲۴-۱۲۴

۳۰. مازندران، محصولات فرهنگی حاج بصیر: مازندران، شهرستان بابل، جنب مسجد جامع، سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان بابل، مرکز فرهنگی شهید حاج بصیر، ۲۲۹۸۱۵۵-۱۱۱

۳۱. مرکزی، کتابفروشی سادات: استان مرکزی، اراک، خیابان پاسداران، بعد از چهارسو، روبروی کامپیوتر مرکزی، کتابفروشی سادات، ۲۲۲۷۳۹۱-۸۶۱

۳۲. همدان، کتابفروشی منتظران نور: همدان، خیابان شهدا، کوچه آخوند، کتابفروشی منتظران نور، ۲۵۱۷۴۰۵-۸۱۱

۳۳. یزد، کتاب فروشی نیکو روش: یزد، خیابان امام خمینی قدس سره، کتابفروشی نیکو روش، ۶۲۶۴۶۹۹-۳۵۱

ب. خرید غیر حضوری:

۱. از طریق فاکس: ۷۷۳۴۰۹۴-۲۵۱

۲. خرید اینترنتی: [www.quransc.com](http://www.quransc.com)

ص: ۳۸۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

